

فصل نخست

تعویق تعقیب (با تأکید بر حقوق فرانسه)

در اجرای اصل قانونی بودن تعقیب^۱، دادسرا مکلف به تعقیب تمامی جرم‌هایی است که به گونه‌ای از وقوع آن‌ها آگاه می‌شود^۲. قانونی بودن تعقیب که بویژه در حقوق آلمان بر آن تأکید شده است، با هدف جلوگیری از خودسری‌های قوهی مجریه و در نتیجه الزام دادستان به تعقیب همه‌ی جرم‌ها، مد نظر قانون‌گذاران کشورهای غربی بویژه در سده‌ی نوزدهم قرار گرفت. امروزه از دیدگاه سیاست جنایی^۳، تعقیب همه‌ی مجرمان، بویژه در جرم‌های کم‌اهمیت که تراکم پرونده‌های کیفری را دربردارد، ممکن است از نظر دادستان سودمند نباشد. چنین است که اصل یا قاعده‌ی دیگری با عنوان اقتضای تعقیب^۴ جایگاه خاصی را در میان ابزارهای سیاست جنایی به خود اختصاص داده است^۵. در این گونه موارد، همان‌گونه که اشاره شد، دادستان تصمیم به تعقیب نکردن متهم می‌گیرد. ولی، این تصمیم بدان معنا نیست که وی قصد دارد شخص یا

1. Das Legititätsprinzip; La légalité de poursuite

۲. ر.ک. به: آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، ص ۱۰۷.

۳. در عمل، چنین سیاستی از دیدگاه و تجربیات خود دادستان یا دستورهای وزیر دادگستری یا عالی‌ترین مقام قضایی در چارچوب قوانین موضوعه سرچشمه می‌گیرد.

4. Das Opportunitätsprinzip bei Vergehen, L'opportunité de poursuite

۵. کمیته‌ی پیشگیری از جرم و رفتار با محکومان سازمان ملل متحد در بند ۸/۱ قطعنامه‌ی پیشنهادی ارائه شده به یازدهمین اجلاس این کمیته (۶۵ فوریه‌ی ۱۹۹۰) تحت عنوان «تصمیم‌های مقدم بر رسیدگی دادگاه‌ها» مقرر داشته است: «پلیس، دادسرا یا سایر مقام‌های مسؤول عدالت کیفری در صورت مصلحت و آنگاه که این امر با نظام عقیدتی آنان جمع‌شدنی باشد، باید مجاز شناخته شوند تا در مواردی که توسل به تعقیب قضایی برای پشتیبانی از جامعه، پیشگیری از جرم یا ترفیع احترام قانون یا حقوق زیان‌دیدگان از جرم ضروری نباشد، از تعقیب خودداری می‌کنند. هر نظام حقوقی ضوابط خود را در زمینه‌ی ضرورت تعقیب یا انصراف از آن مشخص خواهد کرد. ر.ک. به:

E/Ac.57/1990/1-20, p.7.

اشخاصی را که در ارتکاب جرم به گونه‌ای، دخالت داشته‌اند، هرگز تعقیب نکنند. عنوان تعویق تعقیب که در این فصل اتخاذ شده، نیز با توجه به همین توجیه است. بنابراین، دادستان مجاز است پیش از سپری شدن مدتی که قانون‌گذار برای مرور زمان تعقیب در نظر گرفته، متهم یا متهمان را تحت تعقیب کیفری قرار دهد. با وجود این، باید گفت که اتخاذ چنین سیاستی ممکن است برخی مشکلات را به همراه داشته باشد؛ از جمله، خطر خودسری مقام‌های تعقیب و در نتیجه رعایت نکردن تساوی افراد - یعنی این که دعوای واحد می‌تواند دو راحل مختلف در گوشه و کنار کشور پیدا کند - را از جمله عیب‌های آن می‌توان دانست. چنین است که در برخی از کشورها مانند فرانسه به متضرر از جرم این امکان را داده‌اند که با مراجعه‌ی خود به قاضی تحقیق و طرح شکایت، دادستان را مکلف به تعقیب کند.^۱

امروزه، سیاست جنایی در بسیاری از کشورها به شکل بایگانی کردن پرونده از یک سو و توسل به جایگزین‌های تعقیب از سوی دیگر متجلی است.

مبحث نخست: بایگانی کردن پرونده کیفری

گفتار نخست: عدم الزام دادستان به توجیه و تبیین تصمیم خود

یکی از مسائل مهمی که در ارتباط با بایگانی کردن از سوی دادسرا مطرح می‌شود، ضرورت تبیین تصمیم گرفته شده است. در واقع، می‌توان گفت که گرفتن چنین تصمیمی را نمی‌توان در همه‌ی موارد به ارائه‌ی دلیل‌های تفصیلی و متقن از سوی دادستان موکول کرد. تشخیص اقتضای تعقیب را باید بر عهده‌ی دادستان نهاد تا او با توجه به تجربه‌ها و وضع پرونده نسبت به آن اقدام کند. هر چند در فرانسه طرح قانونی‌ای که به تصویب قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ منجر شد، پیش‌بینی کرده بود که دادستان مکلف است دلیل بایگانی پرونده را به طور مستدل ارائه کند تا اصحاب دعوا بتوانند درباره‌ی آن بحث و گفت - و - گو کنند، ماده‌ی ۴۰ قانون آیین دادرسی جدید تا حدودی با این پروژه‌ی قانونی متفاوت است. این ماده کودکان و بزرگسالان را از یکدیگر جدا کرده است. در مورد بزرگسالان، دادستان پس از گرفتن تصمیم مبنی بر بایگانی پرونده، به موجب بند ۱ ماده‌ی ۴۰ جدید مکلف شده است که شاکی و بزه‌دیده را (در صورتی که بزه‌دیده شناسایی شده باشد) از تصمیم خود آگاه کند و در این خصوص، نیازی به توجیه دلیل بایگانی

۱. زک. به بند ۱ ماده‌ی ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

شدن پرونده از سوی دادستان وجود ندارد. در مورد کودکانی که بزه‌دیده‌ی جرم‌های مندرج در مواد ۳۲-۳۳ تا ۲۳-۲۳ و ۲۲-۲۲ تا ۲۲۷-۲۷ قانون جزا (جرم‌های جنسی علیه کودکان) واقع شوند، تصمیم دادستان مبنی بر بایگانی کردن پرونده باید هم مستدل و هم موجه بوده و نیز به طور کتبی ابلاغ شده باشد. بی‌تردید، در برخی از موارد، به علت امکان ناپذیری قانونی تعقیب (مانند موارد عدم مسؤولیت یا جهات سقوط دعوای عمومی) یا به علت امکان ناپذیری عملی تعقیب (مانند امکان ناپذیری شناسایی مرتکب یا انتساب عمل به یک شخص و همانند آن)، دادستان نسبت به بایگانی پرونده اقدام می‌کند. درباره‌ی این گونه موارد نباید در ارتباط با مصداق‌های اقتضای تعقیب بحث کرد. اقتضای واقعی با لحاظ ملاک‌هایی از قبیل خسارت ناچیز وارد شده از سوی مجرمان اتفاقی یا جبران خسارتی که پیش‌تر از بزه‌دیده به عمل آمده، تصور شدنی است. امروزه، این اقتضای تعقیب را می‌توان در ارتباط با موقوفیت به دست آمده از انجام یک تصمیم بینابین جایگزین تعقیب - مانند میانجی‌گری - یا انجام یک دستور در زمینه‌ی مواد مخدر مد نظر قرار داد.

گفتار دوم: آثار بایگانی کردن پرونده

تصمیم دادستان به بایگانی پرونده یک تصمیم اداری است که شکایت شدنی نیست. هم‌چنین، دادستان را نمی‌توان به این مناسبت به اتهام پرهیز از اجرای عدالت (ماده‌ی ۱-۷-۴۳۴ قانون جزا) تحت تعقیب کیفری قرارداد. نکته‌ی دیگر این که متهم چنین پرونده‌ای نمی‌تواند ادعای امر مختوم کیفری کند. زیرا، هر آن و در طول مدت مرور زمان ممکن است پرونده برای انجام تحقیقات به بازپرس احاله شده یا به دادگاه فرستاده شود. در این صورت، دادستان نیازی به اثبات این که در طول این مدت که تعقیب انجام نشده، دلیل یا دلیل‌های جدیدی به دست آمده که تعقیب را ضروری می‌کند، نیست. بنابراین، اصطلاح «تعویق تعقیب» که امروزه آن را به جای «بایگانی کردن بدون تعقیب پرونده» به کار برده می‌شود، درست‌تر است. همان‌گونه که گفته شد، در حقوق فرانسه، در مقابل این تصمیم دادستان، مدعی خصوصی می‌تواند با مراجعه به بازپرس و طرح دعوای خصوصی خود به طور نامستقیم دعوای عمومی را به جریان اندازد. به همین دلیل است که بند ۱ ماده‌ی ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته که بزه‌دیده باید از جریان بایگانی کردن پرونده آگاه شود.

نتیجه‌ی کلی این بحث آن است که با وجود برخی عیب‌ها، امروزه به جایگزینی کردن پرونده کم‌تر اعتراض می‌شود؛ بویژه که این نهاد حقوقی از تراکم پرونده‌ها می‌کاهد و اجرای عدالت سریع‌تر را امکان‌پذیر می‌کند. هم‌چنین، این نهاد برای دادستان این امکان را فراهم می‌کند که با توسل به جایگزین‌های تعقیب، به یک راه حل قضایی دست یابد. ذیلاً این موضوع را بررسی می‌کنیم.

مبحث دوم: جایگزین‌های تعقیب

در واقع، جایگزین‌های تعقیب را باید نتیجه‌ی عملکرد قضات دادرسی و اراده‌ی آنان مبنی بر خروج از دو راهی تعقیب یا عدم تعقیب دانست. به عبارت دیگر، هر چند اصل اقتضای تعقیب ایجاب می‌کند که دادستان‌ها میان تعقیب متهم یا عدم تعقیب یکی را برگزینند، به نظر دادستان‌ها ضروری است که راه‌حل‌های متعددی را برای رسیدن به نتیجه‌ی موردنظر برگزید تا اختلال در نظم جامعه بر اثر ارتکاب جرم را به گونه‌ای مطلوب بتوان مرتفع کرد. این راه‌حل‌ها که ابتدا در حقوق آلمان و اتریش در مورد کودکان برگزیده شده بود، رفته‌رفته در بسیاری از کشورها به حقوق بزرگ‌سالان نیز تسری یافته است. میانجی‌گری و دستور دادستان مبنی بر معالجه و درمان، در مورد معتادان مواد مخدر از آنجمله است. اگر راه‌حل‌های نخستین را جبرانی بنامیم، راه‌حل‌های دومی را باید تنبیهی لقب دهیم.

گفتار نخست: جایگزین‌های جبرانی

الف) هدف‌ها

طبق بند ۱ ماده‌ی ۴۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری فرانسه، قانون‌گذار برای دادستان این اختیار را قائل شده است که در هر موردی که با لحاظ شخصیت مجرم از یک سو و جرم ارتكابی از سوی دیگر تعقیب را مناسب نداند و به عبارت دیگر تعقیب و به مجازات رسانیدن متهم راه‌حل مطلوب برای پایان به اختلالی که در نظم جامعه بر اثر ارتكاب جرم وارد آمده نباشد، دادستان بتواند از راه‌حل‌های جایگزین استفاده کند. این ماده چنین انشا شده است:

در مواردی که به نظر دادستان جبران خسارت از بزه‌ی بده، پایان بخشیدن به اختلال ناشی از ارتكاب جرم یا کمک به بازسازی اجتماعی مرتکب جرم مقتضی باشد، او مجاز است

پیش از تصمیم‌گیری نسبت به اقامه یا عدم اقامه دعوی عمومی، به تنهایی یا به وسیله‌ی نماینده خود یکی از اقدام‌های زیر را انجام دهند...

این تدابیر جایگزین که شمار آن‌ها در قانون ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ به پنج تدبیر افزایش یافته است، به قرار زیر است.

ب) مصداق‌ها

۱. فراخوانی به رعایت قانون

این تدبیر جایگزین را که قدیمی‌ترین و متداول‌ترین اقدام است، از دیرباز در دادرسی با عنوان «تذکر مقررات قانونی»^۱ به کار گرفته شده‌اند که عبارت است از یادآوری تصمیم تعویق تعقیب به مرتکب جرم مبنی بر این که باید مانند هر شهروند دیگری به قوانین و از جمله ماده‌ی قانونی‌ای که نقض کرده است، به دیده‌ی احترام بنگرد. افزون بر آن، دادرسی در این گونه موارد به مرتکب یادآور می‌شود که در صورت نادیده گرفتن دوباره‌ی قانون و ارتكاب جرم جدید برای ارتكاب جرمی که تعقیب آن به تعویق افتاده، نیز تحت تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت.

استفاده از این تدبیر جایگزین، بویژه در مورد افرادی که به گونه‌ی موردی و اتفاقی حشیش مصرف می‌کنند، مورد تأکید دادستان‌ها در دستورالعمل‌های متعدد و از جمله دستورالعمل ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۰ دادستان پاریس قرار گرفته است.^۲ افزون بر دادستان یا نماینده‌ی او، افسر پلیس قضایی نیز طبق قانون و دستورالعمل یاد شده مجاز به انجام این اقدام - یعنی تذکر قانونی - است. در ارتباط با واکنش جامعه نسبت به مواد مخدر، وزیر دادگستری فرانسه در دستورالعمل

مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ به دادستان‌ها یادآور می‌شود که پاسخ‌های قضایی باید مصرف اتفاقی، سوء مصرف و وابستگی به مواد مخدر را از یکدیگر تفکیک کنند. این دستورالعمل به دادستان‌ها یادآور می‌شود که با لحاظ شخصیت مرتکب، شیوه‌ی مصرف، وضع عمومی زندگی خانوادگی، شغل، وضع تحصیلی، اقامتگاه، شرایط زندگی و غیره، نسبت به تصمیم قضایی مناسب و از

1. Rappel à la loi.

2. Memento sur la politique du Parquet en matière de lutte contre les substances psychoactives (Mise à jour du 9 novembre 2000), Parquet du Tribunal de grande instance de Paris.

جمله توسل به تدابیر جایگزین اقدام کنند. در میان تدابیر نخست، توسل به «تذکر قانونی» در مورد مصرف‌کنندگان اتفاقی حشیش توصیه شده است.

۲. هدایت مرتکب به سوی یک مرکز درمانی

ماده‌ی ۱-۴۱ بعد از تذکر قانونی، در بند ۲ به «هدایت مرتکب به سوی یک نهاد بهداشتی، اجتماعی یا حرفه‌ای» اشاره کرده است. در سال ۱۹۸۳، دادرهای فرانسه در سطح کشور ۸۸۱۲ مورد دستور درمان صادر کرده‌اند. دادرهای پاریس در سال ۱۹۹۵ شمار ۳۳۳ دستور درمان برای مصرف‌کنندگان صادر کرده است که ۷۹٪ آن در ارتباط با مصرف‌کنندگان هروئین و ۱۱٪ مربوط به مصرف‌کنندگان کوکائین و ۶٪ این دستورها نیز ناظر به مصرف‌کنندگان حشیش بوده است. آمارهای موجود نشان دهنده‌ی این امر - اندک در سطح کشور، دادرها از «دستور درمان» در ارتباط با مصرف‌کنندگان حشیش استفاده‌ی گسترده‌تری می‌کنند^۱. دستور درمان بیش‌تر ناظر به مردان (۸۷٪) و افراد دارای ملیت فرانسوی (۸۸٪) با متوسط سنی (۲۸/۵) سال است. طبق همین آمار، از ۳۳۳ نفر، ۱۹۰ نفر دستور درمانی دادستان را پذیرا شده‌اند و خود را به یک مرکز درمانی معرفی کرده‌اند و پرونده‌ی آنان بایگانی شده است و ۱۱۹ نفر به دادگاه جنحه معرفی شده‌اند. حکم‌های محکومیت این مصرف‌کنندگان نسبتاً شدید بوده است. زیرا، دادگاه ۴۵٪ آنان را به تعلیق مراقبتی و ۳۸٪ را به مجازات زندان محکوم کرده است و تنها در یک مورد حکم محکومیت به جزای نقدی صادر شده است. در پایان این فصل نمونه‌ای از صورت‌جلسه‌ی حضور متهم به مصرف مواد مخدر نزد افسر پلیس قضایی که در آن مشخصات کامل متهم و نیز وضعیت او از لحاظ نوع داروی مصرفی و غیره مشخص است و نیز صورت‌جلسه‌ای که به موجب آن متهم نزد دادستان یا افسر پلیس قضایی، متعهد به معرفی خود به یکی از مراکز درمانی می‌شود، و امثال آن ارائه شده است.

۳. پایان بخشیدن به وضعیت تعارض با قانون

به موجب بند ۳ ماده‌ی ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، دادستان مجاز است که از تعقیب

۱. Laurence Simmat- Durant les obligations de soins aux toxicomanes; CESDIP, mars 1998 x1.2, p. 2

متهم مشروط بر این که خود را از وضعیت تعارض یا قانونی که در آن به سر می‌برد (جرم مورد اتهام) رها کند، صرف نظر کند. چنین تصمیمی، برای نمونه، ممکن است نسبت به راننده‌ی فاقد پروانه‌ی رانندگی یا فرد بیگانه‌ی فاقد اوراق لازم جهت اقامت در خاک فرانسه و به‌طور کلی در همه‌ی مواردی که داشتن یک مدرک ضروری و فقدان آن جرم تلقی شده است، گرفته شود.

۴. جبران خسارت

بند ۴ ماده‌ی ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ دستور جبران خسارت وارد بر اثر ارتکاب جرم از سوی دادستان به متهم را از موارد تعویق تعقیب تلقی کرده است. این بند ناظر به مواردی است که دادستان جبران خسارت از بزه‌دیده را در مهلتی که معین می‌کند، کافی تشخیص دهد. در این مدت، مرور زمان دعوی عمومی به حالت تعلیق درمی‌آید و در صورتی که متهم به این دستور عمل کند، پرونده‌ی او بایگانی می‌شود.

۵. توسل به میانجی‌گری یا توافق طرفین

میانجی‌گری از دیدگاه حقوق مقابسه‌ای و جایگاه آن در میان واکنش‌های مختلف اجتماعی در مقابله با جرم در فصل جداگانه‌ای به تفصیل بحث می‌شود.^۱ میانجی‌گری نه تنها به جبران خسارت مادی و معنوی منجر می‌شود، بلکه اغلب رفع یا کاهش دشمنی و نزدیک کردن متهم و بزه‌دیده را نیز در بردارد. در فرانسه، میانجی‌گری پس از مدت‌ها آزمایش سرانجام طبق قانون ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ در زمره‌ی جایگزین‌های مجازات زندان قرار گرفته است و در موارد فراوان و از جمله برای رفع اختلاف میان کارگر و کارفرما، یا کارگران یک کارخانه یا کارگاه و همانند آن می‌تواند استفاده شود. میانجی‌گری بویژه در مواردی که متهم و بزه‌دیده ناگزیر از ادامه‌ی حیات و فعالیت در جوار یکدیگر - اند می‌تواند نقشی سازنده ایفا کند و دادستان‌ها نیز در عمل تصمیم خود مبنی بر جبران خسارت را که در بالا به آن اشاره شد، در چارچوب ارجاع به میانجی‌گری محقق می‌کنند.

توجه به این نکته لازم است که هر چند تعویق تعقیب به علت ابهام‌هایی که در قانون فرانسه وجود دارد، ظاهراً در همه‌ی جرم‌ها قابل اعمال است، حقوق دانان بر این باور - اند که این

۱. به فصل بعدی با عنوان «میانجی‌گری» بنگرید.

جایگزین‌های جبرانی تنها در امور خلافی و جنبه‌ای اعمال شدنی است و جرم‌های جنایی را باید نیز شمول آن خارج کرد. در عمل، اجرای موارد مندرج در بندهای ۱ تا ۴ ماده‌ی ۴۱ یاد شده ممکن است از سوی دادستان به افسران پلیس قضایی و مورد مندرج در بند ۵ به اشخاص صلاحیتدار مانند کارگران اجتماعی (مددکاران اجتماعی) واگذار شود. در میان تدابیر مختلفی که دادسرا در مرحله‌ی تعقیب در نظر می‌گیرد، طبق آمارهای موجود، میانجی‌گری و جبران خسارت کیفری که به ابتکار دادسرا انجام می‌گیرد، بیش‌ترین افزایش را میان سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ در ارتباط با جرم‌های ارتكابی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال داشته است.^۱

گفتار دوم: جایگزین‌های تنبیهی

این جایگزین‌ها نیز همانند جایگزین‌های جبرانی به شرح زیر ناظر بر مرحله‌ی پیش از تعقیب کیفری‌اند.

الف) صلح و سازش یا توافق با متهم^۲

در حقوق فرانسه، صلح و سازش یا توافق دادستان با متهم موضوع مواد ۲-۴۱، ۳-۴۱ و ۴-۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور است (قانون شماره‌ی ۵۱۵-۹۹ مصوب ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹).

۱. قلمرو اعمال

همه‌ی جرم‌ها در حقوق فرانسه نمی‌توانند موضوع صلح و سازش قرار گیرند، بلکه تنها برخی جنبه‌ها و شمار محدودی از امور خلافی موضوع این تصمیم واقع می‌شوند. ماده‌ی ۲-۴۱ با صراحت مقرر می‌دارد:

دادستان جمهوری پیش از به جریان انداختن دعوای عمومی مجاز است خود یا به وسیله‌ی شخص صلاحیتدار به کسی که یک یا چند جرم جنبه‌ای موضوع مواد..... را مرتکب شده است، پیشنهاد سازش کند.

۱. کرد علیوند، روح‌الدین؛ دادرسی اطفال در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس؛ ص ۲۳.

2. La composition pénale

برخی از این جنبه‌ها (که شمار آن‌ها بیش از ۲۰ ماده را در برمی‌گیرد) عبارت‌اند از: اعمال خشونت عمدی، ضرب و جرح عمدی با طول درمان تا ۸ روز، مزاحمت‌های تلفنی، تهدید به ایراد صدمه در صورت انجام ندادن شرط پیشنهادی (به استثنای تهدید به مرگ)، ترک خانواده، اعلام نکردن آدرس جدید به طلبکار از سوی بدهکار، امتناع از قرار دادن طفل در اختیار کسانی که به موجب قانون حق ملاقات دارند، دخل و تصرف در اشیای مورد امانت یا رفتار وحشیانه نسبت به حیوانات و مصرف غیرقانونی مواد مخدر. ماده‌ی ۳-۴۱ امکان صلح و سازش نسبت به خشونت‌هایی که برای آن‌ها مجازات خلاف در نظر گرفته شده است، را نیز پیش‌بینی کرده است.

۲. مشمولان

تنها بزرگ‌سالانی که به ارتکاب یک یا چند جرم از جرم‌های مندرج در مواد ۲-۴۱ و ۳-۴۱ اعتراف کرده باشند، می‌توانند طرف صلح و سازش و توافق با دادستان واقع شوند؛ یعنی، مسیر صلح و سازش تنها با موافقت ذی‌نفع‌گزینه‌ش می‌شود.

۳. محتوا

به استناد به مواد ۲-۴۱ و ۳-۴۱، که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، صلح و سازش با متهم چهار تصمیم زیر را که قابلیت جمع با یکدیگر را دارند و نیز جبران خسارت از بزه‌دیده را به شرح زیر شامل می‌شود:

نخست. پرداخت مبلغی به خزانه‌ی عمومی. این مبلغ حداکثر ۲۵۰۰۰ فرانک در امور جنبه و ۵۰۰۰ فرانک برای امور خلافی است و در هر دو مورد، مبلغ مورد توافق نمی‌تواند از نصف جزای نقدی مقرر در قانون تجاوز کند. این مبلغ از یک سو بر مبنای شدت جرم ارتكابی و از سوی دیگر میزان درآمد و تعهدهای شخص ذی‌نفع تعیین می‌شود. یادآوری این نکته لازم است که دادستان مجاز است درباره‌ی تقسیط مبلغ مقرر و ضرورت پرداخت آن در سررسیدهای تعیین شده تصمیم‌گیری کند. این راهکارها سبب می‌شود که دادستان‌ها کم‌تر در معرض این اتهام که جایگزین‌ها بیش‌تر به نفع افراد ثروتمند - اند، قرار گیرند؛

دوم. سلب حق و سود دولت از اشیایی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا به ارتکاب آن

اختصاص داده شده یا از ارتکاب جرم به دست آمده است. در واقع، این امر نوعی مصادره‌ی اموال است که به میل مرتکب جرم صورت می‌گیرد و جایگزین مصادره‌ی اجباری می‌شود که می‌تواند به استناد ماده‌ی ۶- ۱۳۱ و ۹- ۱۳۱ قانون جزای فرانسه همراه مجازات دیگری که تنها محدودکننده یا سالب حقوق باشد، از سوی دادگاه اعلام شود. منظور این است که به استناد ماده‌ی ۹- ۱۳۱، دادگاه مجاز نیست همراه با مجازات سالب یا محدودکننده‌ی حقوق، مجازات زندان در نظر بگیرد!

سوم. تحویل پروانه‌ی رانندگی یا پروانه‌ی شکار به دفتر دادگاه شهرستان. تحویل این مدارک در امور جنحه برای مدت ۴ ماه و در امور خلافی برای مدت ۲ ماه (بند ۳ ماده‌ی ۲- ۴۱ قانون جزا) پیش‌بینی شده است؛

چهارم. انجام کاری عام‌المنفعه. دادستان مجاز است در ازای امتناع از تعقیب فوری متهم، انجام کاری عام‌المنفعه را طی مدتی که از شش ماه و شصت ساعت در امور جنحه و سه ماه و سی ساعت در امور خلافی تجاوز نکند، به متهم پیشنهاد کند. بی‌تردید در این‌گونه موارد که دادگاه اقدام به صدور رأی - یعنی انجام کار عام‌المنفعه - می‌کند، رضایت متهم شرط است (ماده‌ی ۸- ۱۳۱ قانون جزا).

پنجم. جبران خسارت از بزه‌دیده‌ی دارای هویت معلوم. البته، این مورد جزو موارد صلح و سازش یا توافق با دادستان محسوب نمی‌شود، ولی دادستان موظف شده است که (در امور جنحه و نه امور خلافی) به متهمان، افزون بر یکی از تدابیری که به آن‌ها اشاره شد، جبران خسارت وارد به بزه‌دیده را در مهلتی که از شش ماه تجاوز نکند، پیشنهاد کند. در این‌گونه موارد، دادستان بزه‌دیده را از آنچه روی داده، آگاه می‌کند مگر این که مرتکب جرم پیش‌تر نسبت به جبران خسارات اقدام کرده باشد.

ب) روش رسیدگی

صلح و سازش با متهم باید با رعایت ضوابط ناظر به حقوق دفاعی او، همانند آنچه در دادگاه می‌گذرد، به عمل آید. بنابراین، نخست باید پیشنهاد کتبی به وسیله‌ی دادستان، افسر پلیس قضایی یا شخص صلاحیتدار دیگری ارائه شود. هم‌چنین، قانون‌گذار برای رعایت آزادی اراده‌ی متهم در پذیرش آن، چنانچه این پیشنهاد در ایامی که متهم تحت نظر قرار دارد به عمل آید، برای

آن ضمانت‌اجرائی بطلان مقرر کرده است (بند ۴ ماده‌ی ۲- ۴۱). افزون بر آن، قانون‌گذار مقرر کرده است که پیش از این توافق، متهم باید حق استفاده از کمک یک مشاور حقوقی را داشته باشد. بنابراین، دو حالت ممکن است پیش آید: نخست، متهم از داشتن وکیل مدافع امتناع می‌کند که در این صورت، دادستان پیشنهاد سازش خود را ارائه خواهد داد، دوم، متهم نیاز خود را به استفاده از وکیل مدافع اعلام می‌کند که در این صورت، باید در وقت ممکن در این زمینه اقدام شود. در هر صورت، اقدام‌های انجام شده در مورد اعلام این حقوق دفاعی و پاسخ متهم، باید در صورت جلسه‌ی بازتاب یافته و رونوشت آن به متهم تحویل شود.

قانون‌گذار فرانسوی ضمانت‌اجرای دیگری نیز در نظر گرفته و آن، جنبه‌ی قضایی بخشیدن به پیشنهاد دادستان است.

ماده‌ی ۲- ۴۱ مقرر می‌دارد:

... آنگاه که مرتکب موافقت خود را با پیشنهاد ارائه شده اعلام داشت، دادستان از رئیس دادگاه می‌خواهد که به آن اعتبار بخشد. دادستان مرتکب جرم و در صورت ضرورت بزه‌دیده را از این اقدام خود آگاه می‌کند. رئیس دادگاه مجاز است که اظهارات مرتکب جرم و بزه‌دیده را - در صورت ضرورت، در حضور وکیلان مدافع آنان - بشنود. در صورتی که رئیس دادگاه قراری مبنی بر تأیید صلح و سازش دادستان با متهم صادر کند، تصمیم گرفته شده اجرا می‌شود. در غیر این صورت، توافق بی‌اثر تلقی خواهد شد. در هر صورت، تصمیم رئیس دادگاه هر چند به آگاهی مرتکب عمل مجرمانه و در صورت لزوم بزه‌دیده می‌رسد، امکان شکایت و تجدیدنظرخواهی از آن وجود ندارد....

چنانچه مرتکب جرم توافق به عمل آمده را اجرا کند، دعوی عمومی ساقط می‌شود، ولی، قانون‌گذار برای رعایت حقوق بزه‌دیده مقرر می‌دارد که او مجاز است از دادگاه جنحه بخواهد که نسبت به ضرر و زیان‌های مورد ادعا رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر کند. این دادگاه تنها به دعوی خصوصی رسیدگی کرده و تصمیم‌گیری خواهد کرد.

سرانجام، یادآور شویم که در صورت رد پیشنهاد دادستان از سوی مرتکب جرم یا در صورت تأیید نکردن پیشنهاد از سوی دادگاه و در نهایت آنگاه که مرتکب جرم توافق به دست آمده را اجرا نکند، دادستان مجاز است او را نزد دادگاه جنحه یا دادگاه خلاف به محاکمه جلب کند. در صورت صدور حکم بر محکومیت متهم، دادگاه اقدام‌های انجام شده - از قبیل جبران خسارت به عمل

آمده یا پرداخت مبالغی از سوی متهم را در نظر می‌گیرد (بند ۷ ماده‌ی ۲-۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری)^۱.

در دستورالعمل‌های صادر از سوی وزیر دادگستری فرانسه در سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، به دادستانها و افسران پلیس قضایی که به نمایندگی دادستان عمل می‌کنند توصیه شده است که با تکمیل صورت جلسه‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۴ به شرح پیوست، نسبت به تعویق تعقیب سوء مصرف کنندگان مواد مخدر اقدام و متهمان را به موازات درمانی معرفی نمایند.

پیوست

صورت جلسه‌های شماره‌ی ۱، ۲، ۳ و ۴

صورت جلسه شماره‌ی ۱

سال ۲۰۰۰ بیست و یکم سپتامبر در ساعت ۱ و ۴۹ دقیقه
ما،

افسر پلیس قضایی مقیم در پاریس

- در حال خدمت؛

- در حال پیگیری تحقیق؛

- با توجه به مواد ۵۳ و پس از آن قانون آیین دادرسی کیفری؛

به صورت زیر گفته‌های شخص زیر با نام..... زامی شونیم که برای ما بیان می‌دارد:

در مورد احوال شخصیه‌ی خود

..... نام من..... است، در تاریخ..... در..... متولد شده و فرزند

(مرحوم)..... و (مرحومه)..... ام.

..... من دارای..... ام.

..... من مجرد بوده یا از تاریخ..... با..... ازدواج کرده و از تاریخ..... طلاق

گرفته‌ام ، بیوه هستم ، از تاریخ..... با..... در حالت زناشویی آزاد به سر می‌برم .

..... من پدر ، مادر فرزندم که به ترتیب در تاریخ..... متولد شده(اند). مادر

، پدر آن‌ها..... است.

- فرزند(ان) نزد مادر ، پدر یا دیگران..... اند.

- من دارای قدرت پدر - مادری ام (حق سرپرستی) یا نیستم .

- من دارای دیپلم یا دیپلم‌های زیر نام..... یا من خواندن و نوشتن زبان فرانسه را

می‌دانم .

1. Serge Guinchard, Jacques Buisson: procédure Pénale Litec; p. 495 et c....

- من خدمت نظامی را در در تاریخ انجام داده ام □ یا خدمت نظامی را به دلیل های زیر انجام نداده ام □ متخیر به دریافت نشان شده □ یا شده ام □
- من موضوع یک تدبیر حمایتی قضایی (سرپرستی، قیمومت) قرار گرفته ام □
- مراکز پلیس مرا می شناسند □ یا خیر □
- من پیش تر دارای محکومیت بوده ام □ یا خیر □

در مورد درآمدهای متهم

- من دارای شغل بوده □ یا از تاریخ فاقد شغل بوده □ یا فاقد درآمد ام □
- به وسیله ی □ یا دارای کارت اقامت شماره ی صادر شده در تاریخ
- به وسیله ی دارای اعتبار تا تاریخ یا من دارای هیچ گونه مدرک اقامتی نبوده و در موقعیتی غیر قانونی به سر می برم □
- در تاریخ به داشتن پاسپورت □ یا بدون پاسپورت □ وارد فراتسه شده ام □
- من دارای گواهینامه یا گواهینامه های رانندگی بوده که از گروه (های) با شماره ی
- صادر شده در تاریخ به وسیله ی است.
- من دارای گواهینامه ی شکار با شماره ی صادر شده در تاریخ به وسیله ی ام.
- من دارای مدارک دیگر زیر - ام:
- من با شماره ی عضو تأمین اجتماعی بوده و مرکز ارتباط من در واقع است.

در مورد مصرف مواد مخدر به وسیله ی وی

- ۱- ماده ی مصرفی موضوع دستگیری
- من از تاریخ مصرف کننده ی این ماده ام.
- من از تاریخ به مصرف (نام ماده ی مخدر و شیوه ی عرضه ی آن آورده شود) می پردازم.

فراوانی استفاده

- شیوه ی استفاده: با استفاده از سرنگ □، با بینی □، با استنشاق □، با کشیدن □، با دهان □.
- برای این فرض: من سرنگ ها را تهیه می کنم □ از داروخانه □ نزد مراکز مراقبتی ویژه □ در مؤسسه های داد - و - ستد سرنگ □ در باجه های توزیع سرنگ □ و مکان های دیگر □
- من پیش تر در مؤسسه های مراقبتی تحت درمان قرار گرفته ام □. (نام مؤسسه ی یاد شده را بنویسید).

- در مورد این ماده ی مخدر، من خود آن را تهیه می کنم (مشخص کنید: مکان، روز، ساعت، تاریخ، نزد، نام خانوادگی، نام کوچک، لقب، به طور ی انفرادی، سن، اقامتگاه احتمالی).
- خود نام آن را تهیه می کنم یا دیگری برای من این ماده را تهیه می کند در تاریخ همراه با در آشنایی پیدا کردم (شرایط را مشخص کنید).
- تاریخ آخرین استفاده من از این ماده است (مشخص کنید: ماهیت ماده، نام ماده و مقدار آن).

۲. مواد دیگر (بدون فراموش کردن الکل و توتون)

- من همچنین علاوه بر مصرف مواد مخدر از تاریخ نیز مصرف می کنم (مشخص شود: فراوانی مصرف و شیوه های مصرف: با سرنگ □، با بینی □، با استنشاق □، با کشیدن □، با دهان □).
- آخرین مصرف من مربوط به تاریخ است (ماهیت، نام و مقدار ماده مشخص شود).
- در زمینه ی مواد مخدر خود نام آن را تهیه می کنم
- (مشخص شود: مکان، روز، ساعت، از زمان، نزد، نام کوچک، لقب، به طور انفرادی، سن، اقامتگاه احتمالی).

- من تهیه کننده ی مواد مخدر خود را از تاریخ همراه با در می شناسم (شرایط مشخص شود).

۳. داروها

- افراد دیگری که به طور موقت برای من مواد مخدر تهیه می کنند
- من داروها را در کنار مصرف می کنم. (نام داروها و فراوانی مصرف مشخص

شود.

شیوه‌های مصرف: با تزریق □، با بینی □، با استنشاق □، با کشیدن □، با دهان □.

- این داروها تجویز شده‌اند: به وسیله‌ی یک مرکز بیمارستانی □، یک مرکز مراقبت‌های ویژه □ پزشک شهر □.

- من این داروها را بدون هیچ‌گونه تجویزی مصرف کرده..... (مشخص کنید: مکان، روز، ساعت، از زمان، نزد، نام خانوادگی، نام کوچک، لقب، مشخصات، سن، اقامتگاه احتمالی).

- من تهیه‌کننده‌ی داروهای خود از تاریخ..... همراه با..... در..... (شرایط مشخص شود).

- افراد دیگری که به طور موقتی برای من دارو تهیه می‌کنند، عبارت اند از:

.....

- من از درمان جایگزین با متادون □، سوپوتکس □ استفاده می‌کنم که از زمان به وسیله‌ی یک مرکز بیمارستانی □ یک مرکز مراقبت‌های بیمارستانی □ یک پزشک شهر □ برای من تجویز شده است.

- تاریخ آخرین مصرف من به..... برمی‌گردد (ماهیت، نام و مقدار ماده مشخص شود).

- من با..... همنشینی دارم (مشخص شود: مکان، اشخاص و غیره).

- من چیز دیگری را برای افزودن لازم نمی‌بینم.

- پس از آن که خود متهم این متن را خواند، آن را در حضور ما در ساعت..... امضا و تأیید کرد.

محل امضا امضای افسر پلیس قضایی

صورت جلسه‌ی شماره‌ی ۲

سال ۲۰۰۰

بیست و یکم سپتامبر در ساعت ۱ و ۴۹ دقیقه

ما،

افسر پلیس قضایی مقیم در پاریس؛

- در حال خدمت؛

- در ضمن پیگیری تحقیق؛

- با توجه به مواد ۵۳ و مواد پس از آن از قانون آیین دادرسی کیفری؛

به صورت زیر گفته‌های شخص زیر..... را دوباره می‌شنویم که برای ما بیان می‌کند:

- بر اساس تحقیقات دادستان شهرستان در دادگاه شهرستان پاریس، شما به آگاهی من رساندید که اعمالی که من به خاطر آن مورد بازجویی قرار گرفته‌ام، عبارت اند از:

..... این اعمال موجب ارجاع من به دادگاه جنحه می‌شوند.

..... شما به من آگاهی داده‌اید که این امکان برای من وجود دارد که از همین حالا با

مؤسسه‌ای که نام آن ذیلاً خواهد آمد، ملاقات و ارتباط داشته باشیم:

(نام مؤسسه، آدرس، روزها و ساعت‌های حضور)

- مهلتی..... (روزه) به من داده شده است که به دنبال آن، از رهگذر ارائه‌ی یک برگ گواهی

که طبق مقررات تکمیل شده و مسؤول مؤسسه آن را به من داده است، تلاش خود را نزد شما

اثبات کنم.

- پس از آن که خود متهم متن حاضر را خواند، آن را در حضور ما امضا و تأیید کرد و این امر

به منزله‌ی ابلاغ بایگانی همراه با هدایت معتاد به مرکز درمانی تلفی می‌شود.

محل امضای افسر پلیس قضایی

محل امضا

صورت جلسه ی شماره ی ۳

سال ۲۰۰۰ بیست و یکم سپتامبر در ساعت ۱ و ۴۹ دقیقه
ما،

افسر پلیس قضایی مقیم در پاریس؛
- در حال خدمت؛

- در ضمن پیگیری تحقیق؛

- با توجه به مواد ۵۳ و مراد پس از آن قانون آیین دادرسی کیفری؛
- گفته های شخص زیر..... را دوباره می شنویم که برای ما بیان می کند:

- شما به آگاهی من رسانیده اید که طبق ماده ی ۱ - ۳۴۲۱ قانون بهداشت عمومی، اعمالی که
به خاطر آن در حال حاضر تحت بازجویی ام، یک جرم کیفری است و می توانند موجبات
تحقیقات دادگاه جنحه را فراهم آورند.
با این حال، شما به من یادآور شده اید که به شرط آن که من به مؤسسه ی زیر مراجعه کنم و
خودم را به آن معرفی کنم، دادستان شهرستان پاریس دادرسی را مختومه می کند.

(نام مؤسسه، آدرس، روزها و ساعت های حضور)

- در این راستا، به بنده پیشنهاد شده است که فهرستی از وضعیت شخصی خود و درخواست
کمک های مربوط به توقف مصرف مواد مخدر را تهیه کنم.

- می پذیرم که مکلف شده ام برای تحقق هدف های مورد نظر از رهگذر مرکزی که به آن
مراجعه خواهم کرد، گواهی مورد نیاز را به دست آورده و در صورت لزوم آن را به دادگاه تحویل
دهم.

- پس از آن که خود متهم متن را خواند، آن را در حضور ما امضا و تایید کرد و این امر به
منزله ی ابلاغ بایگانی همراه با هدایت معتاد به مرکز درمانی تلقی می شود.

محل امضای افسر پلیس قضایی
محل امضا

صورت جلسه ی شماره ی ۴

جمهوری فرانسه

دادسرای دادگاه شهرستان پاریس

بخش حقوق جزای عمومی

و فعالیت عمومی محلی



بخش شمال - شرقی (صفحه ۲)

شماره ی

برای ارجاع همراه با پاسخ و مدارک پیوست

شما مرا آگاه کرده اید که طبق ماده ی ۱ - ۳۴۲۱ قانون بهداشت عمومی، مصرف مواد مخدر
که به بنده نسبت داده شده است، یک جرم کیفری است و می تواند موجبات تحقیقات دادگاه
جنحه را فراهم آورد.
با این حال، من اطلاع دارم که به شرط این که من به مؤسسه ی زیر مراجعه و خود را به آن
معرفی کنم، دادستانی که در نزد دادگاه شهرستان پاریس انجام وظیفه می کند، پرونده را بایگانی
می کند:

(نام مؤسسه، آدرس، روزها و ساعت های حضور)

در این موقعیت، فهرستی از وضعیت شخصی و کمک برای انجام اقدام های ضروری برای
پایان دادن به هر گونه مصرف مواد مخدر به من پیشنهاد شده است.

مهلتی..... (روزه) به اینجانب داده شده است که در پایان آن خود را موظف می دانم که
گواهی تکمیل و ارائه شده از سوی رئیس این موسسه را به شما تسلیم کنم.

- پس از آن که خود متهم متن را خواند، وی آن را در حضور ما امضا و تایید کرد و این امر به
منزله ی ابلاغ بایگانی همراه با هدایت معتاد به مرکز درمانی تلقی می شود.

محل امضای ذی نفع
(نام و نام خانوادگی)
محل امضای نماینده ی دادستان

میانجی‌گری

مبحث نخست: تاریخچه، هدف‌ها، شرایط و آثار

گفتار نخست: تاریخچه

گسترش تدابیر «قضازدایی»^۱ در سال‌های اخیر - بویژه در قالب میانجی‌گری و سازش - در بیش‌تر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی نمایان شده و به نتایج موفقیت‌آمیزی نیز منتهی شده است. در طول سالیان متمادی، در کشورهای غربی، جنبش بزرگی در زمینه محدود کردن قلمرو حقوق کیفری و نهادهای قضایی به وجود آمده که حاصل آن، رشد و پیشرفت تدابیر و ساز - و - کارهایی چون جرم‌زدایی^۲، کیفرزدایی^۳ و قضازدایی بوده است. با گسترش این تدابیر - و در رأس آن‌ها برنامه‌های سازش و میانجی‌گری - بسیاری از کشورها برنامه‌های آزمایشی متعددی طرح‌ریزی و اجرا کردند و از آن‌جا که بیش‌تر این برنامه‌ها به نتایج خوبی - بویژه در قلمرو بزهکاری کودکان و نوجوانان - منجر شد، برخی از این کشورها آن‌ها را وارد نظام حقوقی خود کردند. به دنبال پذیرش همگانی برنامه‌های سازش و میانجی‌گری، نهادهای بین‌المللی - از جمله سازمان ملل متحد - نیز از توجه به این مسأله غافل نماندند و در این میان، سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ «مقررات حداقل استاندارد برای عدالت کودکان» را تصویب کرد. در کنار سازمان ملل متحد، شورای اروپا نیز در سپتامبر ۱۹۷۸ مقرراتی را در این زمینه تصویب کرد.^۴

1. diversion.

2. decriminalization

3. depenalization

4. PRI-Information; *Eastern and Central Europe and Central Asia*, working group for establishing a system of reconciliation between victim and offenders; p. 1.

پیشرفت برنامه‌های سازش در جهان غرب، تا اندازه‌ای از تفکرات مذهبی حاکم بر اروپا نیز تأثیر پذیرفته است؛ تا آن جا که چنین برنامه‌هایی مورد پشتیبانی کلیسا نیز واقع شده است. زیرا، این باور وجود دارد که خدایوند، خود ما را به ایجاد صلح در جهان توصیه می‌کند. تردیدی نیست که در فرهنگ اسلامی و بویژه در فرهنگ قرآنی صلح و سازش از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسأله‌ی حل - و - فصل و رسیدگی به اختلاف‌ها بیرون از دستگاه قضایی (دادگاه) - در قالب طرح‌های سازش و میانجی‌گری - امروزه به یک مسأله‌ی مهم در سطح جهان تبدیل شده است. این بررسی‌ها حتی حاکی از آن اند که پیش از آن که برنامه‌های سازش و میانجی‌گری به شکل امروزی در سطح اروپا و آمریکای شمالی رواج پیدا کنند، در مشرق زمین، گونه‌هایی سنتی از روش‌های غیررسمی حل - و - فصل اختلاف‌ها - در قالب سازش و داوری - وجود داشته است.

چین

برای نمونه، در چین، هم اکنون یک سازمان گروهی و جمعی وجود دارد که هدف آن، به حل - و - فصل دعاواها محدود نمی‌شود، بلکه ترویج حسن اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در میان مردم را نیز دنبال می‌کند. در این کشور، تنها در شهر پکن نزدیک به چهل هزار سازشگر و در کل کشور، نزدیک به شش میلیون میانجی‌گر وجود دارد. ریشه‌های نهاد سازش و میانجی‌گری در چین به سنت‌های کهن این کشور بازمی‌گردد. ولی، نهادینه شدن آن به دهه‌ی ۱۹۳۰ مربوط می‌شود. در پایان سال ۱۹۵۵، شمار کمیته‌های صلح از یکصد و هفتاد هزار کمیته به یک میلیون سازش‌گر و میانجی‌گر تجاوز کرد و امروزه به بیش از هشتصد هزار کمیته و پنج میلیون و هفتصد و پنجاه هزار سازش‌گر رسیده است.

در چین، نمایندگان محلی در شهرها و اعضای انجمن‌های مردمی روستاها سازش‌گران و میانجی‌گران را برمی‌گزینند. در این کمیته‌ها، اغلب یک نوع سلسله مراتب به چشم می‌خورد. کمیته‌ی اموال غیرمنقول به دعاوای کوچک رسیدگی می‌کند و کمیته‌ی همسایه‌ها، دعاوای جدی‌تر را حل - و - فصل می‌کند و سرانجام، کمیته‌ی محله، رسیدگی به اختلاف‌های بسیار بزرگ

1. Pushin (S.A); *Prison or Reconciliation*; PRI-Information; p. 1.

را بر عهده دارد.

ژاپن

در ژاپن نیز، با الهام از رسم‌ها و عرف‌های سنتی - که روح گذشت متقابل را توصیه می‌کند - نهادهای صلح و سازش رواج دارد. میزان مرافعه و اختلاف‌های اشخاص در ژاپن معمولاً پایین است. از نظر تاریخی، نهاد «Kankai» از قدیمی‌ترین نهادهای سازش ژاپن محسوب می‌شود که در سال ۱۸۷۶ برپیده شد.

در سال ۱۹۲۲، نهاد دیگری با نام «Chotei» به وجود آمد که به دعاوای ناشی از اختلاف‌های خانوادگی، ناشی از کار، دعاوای تجاری، اجاره‌ها، دیون و... رسیدگی می‌کند. در سال ۱۹۸۰، از مجموع ۲۰۵/۹۷۴ پرونده‌ی مطرح شده در دادگاه‌ها، ۱۴۵/۰۰۰ پرونده‌ی مدنی یا خانوادگی به نهادهای سازش و میانجی‌گری ارجاع داده شده است که نزدیک به ۵۰ درصد آن‌ها با موفقیت همراه بوده است.

با وجود آن که نهاد «Chotei» در چارچوب دادگاه‌ها استقرار یافته است، نهادی قراضایی محسوب می‌شود. زیرا، شیوه‌ی رسیدگی در آن، به کلی متفاوت از آیین دادرسی معمول قضایی است. در این جا باید خاطر نشان کرد که نهاد سازش و میانجی‌گری در ژاپن در سال ۱۹۷۴ لباس قانونی به خود پوشیده است.

هر چند سیر تاریخی بکارگیری روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه در مجموع از موفقیت نسبی این نهاد حکایت می‌کند، باید خاطر نشان کرد که در اروپا هنوز نتایج این برنامه در دست بررسی است. آخرین پژوهش‌های به عمل آمده در آلمان و آمریکا نیز بیانگر آن است که سازش و میانجی‌گری، حتی در جرم‌های مهم، می‌تواند سودمند باشد.

گفتار دوم: هدف‌ها، شرایط و آثار

ایده‌ی اصلی برنامه‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه بر این تفکر استوار است که برخورد و تقابلی که از رفتار مجرمانه ایجاد شود، دو یا چند طرف را درگیر می‌کند که با پا درمیانی یک میانجی اختلاف خود را رفع می‌کنند.

به طور کلی، یک مصالحه‌ی موفقیت‌آمیز بیرون از دادگاه، پرهیز از رسیدگی‌های قضایی

دادگاه را موجب می‌شود^۱ و به همین جهت، نهاد سازش و میانجی‌گری را از بارزترین جلوه‌های تدابیر قضازدایی نگاشته‌اند. هم‌چنین، در یکی از طبقه‌بندی‌های نوینی که از تدابیر قضازدایی شده، سازش- میانجی‌گری و ترمیم در ردیف تدابیر موسوم به «انقطاع فرایند کیفری»^۲ قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، برنامه‌های سازش و میانجی‌گری را در سه مرحله از یک فرایند کیفری می‌توان تصور کرد:

- مرحله‌ی نخست که به میانجی‌گری و سازش در مرحله‌ی تعقیب کیفری اشاره دارد و در نظام‌هایی که تشکیلاتی به نام «دادسرا» دارند، معمولاً بر عهده‌ی دادستان - و حتی بازپرس (برای نمونه در تونس) - قرار دارد؛
- مرحله‌ی دوم که به فرایند دادرسی مربوط بوده و در چارچوب وظایف دادگاه تصور شدنی‌ست؛ و
- مرحله‌ی سوم که در مرحله‌ی اجرای حکم محکومیت صادره است و باز هم در دنباله‌ی وظایف دادگاه قرار می‌گیرد.

تونس:

ماده‌ی ۱۱۴ «قانون پشتیبانی از کودک» جمهوری تونس مصوب ۱۹۹۱ نیز با الهام از مدل سه مرحله‌ای سازش در فرایند کیفری، چنین مقرر داشته است: «سازش در هر مرحله‌ای اجرا شدنی‌ست؛ از زمان وقوع جرم (آغاز مرحله‌ی تعقیب کیفری) تا خاتمه‌ی اجرای تصمیم گرفته شده علیه کودک اعم از مجازات کیفری یا اقدام احتیاطی». در بخش اخیر ماده‌ی ۱۱۳ همین قانون نیز، هدف از اجرای نهاد سازش، «توقف جریان تعقیب کیفری و محاکمه و اجرای حکم» بیان شده است.^۳

در صورت اجرای موفقیت‌آمیز مصالحه‌ی بیرون از دادگاه در مرحله‌ی تعقیب کیفری، دادستان پرونده را بایگانی می‌کند. هم‌چنین، با انجام سازش در مرحله‌ی دادرسی، از صدور حکم و مجازات به وسیله‌ی دادگاه و تمام هزینه‌های مرتبط با آن، پرهیز می‌شود و پیشینه‌ی جرم نیز

۱. اطلاعاتی دوباره‌ی مصالحه‌ی بیرون از دادگاه؛ بررسی اجمالی روش‌های حل اختلاف در اتریش؛ ص ۱.

2. process interruption

۳. ترجمه‌ی قانون پشتیبانی از کودک جمهوری تونس مصوب ۱۹۹۷، ص ۲۶.

ثبت نمی‌شود.^۱

تاریخچه‌ی گسترش و تحول سازش و میانجی‌گری نشان می‌دهد که مصالحه‌ی بیرون از دادگاه اغلب از رهگذر ساز - و - کارهای ترمیم اجرا شده و این روش (میانجی‌گری - ترمیم) در بیش‌تر موارد در کنار هم برای حل - و - فصل اختلاف میان طرف‌های درگیر، به کار رفته‌اند. بدین ترتیب، با اجرای سازش و میانجی‌گری، خسارت مادی وارد به بزه‌دیده به سرعت و بدون تشریفات دست - و - پاگیر اداری (کاغذبازی) جبران می‌شود. افزون بر آن، ضمن توجه به جنبه‌های احساسی و عاطفی رفتار مجرمانه، نیاز به جبران لطمات غیرمادی نیز برآورد می‌شود. سازش و میانجی‌گری به این دلیل از روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه به شمار رفته‌اند که در جریان آن، دادستان یا قاضی بر حسب مورد از سازش‌گر یا میانجی‌گر می‌خواهد که دبیران از دادگاه مصالحه‌ای برقرار کند و امکان رفع اختلاف بیرون از دادگاه را به آگاهی همه‌ی طرف‌های درگیر برساند. بدین‌سان، سازش‌گر یا میانجی‌گر نیز در جریان مصالحه، طرف‌های درگیر را راهنمایی و پشتیبانی کرده و با بررسی و توجه به محتوای توافق میان مجرم و بزه‌دیده، در نهایت، نتایج به دست آمده را به دادستان یا قاضی گزارش می‌کند.^۲

ارزیابی‌ها نشان داده که میانجی‌گری و ترمیم، پاسخ پذیرفتنی و مؤثری در جرم‌های خرد است و می‌توان از آن برای قضازدایی در پرونده‌های کوچک و کم‌اهمیت استفاده کرد. بزه‌دیدگان، مرتکبان، دادستان‌ها و قضات نیز از این شیوه و نتایج آن ابراز رضایت کرده و بیش از هر چیز، اجرای عدالت را از آن احساس نموده‌اند. هم‌چنین، مطالعات حاکی از آن‌اند که گسترش تدابیری مانند سازش و میانجی‌گری، ناظر به مواردی‌ست که شمار پرونده‌های کوچک و کم‌اهمیت رو به افزایش بوده و در نتیجه، با سنگینی بار نظام عدالت کیفری روبه‌رو شده باشیم.

به عقیده‌ی صاحب‌نظران، برنامه‌های سازش و میانجی‌گری نشانگر تصویری از عدالت‌اند که بار قهرآمیز کم‌تری نسبت به عدالت کیفری سنتی دارند. در همین راستا، امروزه مفهوم «عدالت تشبیه‌ی»^۳ به «عدالت ترمیمی»^۴ تحول یافته است که در چارچوب آن، گونه‌هایی از تدابیر

۱. بررسی اجمالی روش‌های حل اختلاف در اتریش؛ ص ۱.

2. mediation, repartion

۳. همان؛ ص ۲.

4. retributive justice

5. restorative justice

قضازدایی - و در رأس آن‌ها سازش و میانجی‌گری (ترمیم) - قرار می‌گیرد.^۱

در بیش‌تر برنامه‌های سازش و میانجی‌گری، مجرم مسؤول جرم ارتكابی خود فرض می‌شود و امکان شرکت او در گفت - و - گو درباره‌ی آنچه باید محقق شود، در نظر گرفته می‌شود. مشارکت در این برنامه معمولاً داوطلبانه است و بزه‌دیده نیز در گفت - و - گوها به مناسبت شرکت می‌کند.

انگلستان:

اتحادیه‌ی پادشاهی - شامل انگلستان، ولز و اسکاتلند - تجربه‌ی بسیاری درباره‌ی روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه دارد. در این بخش از قاره‌ی اروپا، تاکنون طرح‌های متعددی از سازش و میانجی‌گری اجرا شده است. در برخی از این طرح‌ها، به بزه‌دیدگان - هنگامی که در آستانه‌ی تعقیب قرار می‌گیرند - امکان مراجعه به یک برنامه میانجی‌گری داده می‌شود. برخی دیگر از این طرح‌ها، بر تصمیم‌های پلیس و دادگاه استوار - اند و برخی نیز اصولاً «پیش از دادگاه»^۲ محسوب می‌شوند. به عقیده‌ی صاحب‌نظران، برنامه‌های سازش و میانجی‌گری در اتحادیه‌ی پادشاهی، دارای صورت‌های زیر است:

- شرکت مجرمان در این طرح‌ها پیش از ورود به نظام عدالت کیفری (مانند طرح‌هایی که در آن، نوجوانان بزهکار نزد «پلیس رابط نوجوانان»^۳ فرستاده می‌شوند)؛

- جدا کردن پرونده‌ها پیش از رسیدگی در دادگاه، از میان مجرمانی که تقصیرشان را پذیرفته‌اند؛

- به علاوه، مجرمانی که به عنوان افرادی که محکومیتی از دادگاه دریافت داشته‌اند، به این طرح‌ها فرستاده می‌شوند.

هم‌چنین، باید به برنامه‌هایی اشاره کرد که به عنوان طرح‌های اصلاحی - تربیتی میانجی‌گری، پذیرای جوانان بزهکار اند.

بسیاری از طرح‌های مصالحه در انگلستان و ولز، را وزارت کشور سرمایه‌گذاری می‌کند. در

۱. برای آگاهی بیش‌تر درباره‌ی مفهوم عدالت ترمیمی، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده در فرایند کیفری؛ از حقوق کیفری بزه‌دیده مدار تا عدالت ترمیمی؛ دیباجی علی حسین نجفی ابرندآبادی.

2. pre-trial

3. Police Juvenile Liaison.

این کشورها، میانجی‌گری و ترمیم اصولاً در ردیف «طرح‌های مبتنی بر پلیس و دادگاه»^۱ طبقه‌بندی می‌شوند. هم‌چنین، این طرح‌ها بر اساس همبستگی و همکاری میان پلیس، مقام‌ها و مراجع محلی، مراکز خدمات عام‌المنفعه و خدمات تعلیق مراقبتی عمل می‌کنند و معمولاً هدف قضازدایی از تعقیب مجرمان - و در نهایت، پرهیز از بازداشت و زندان - را دنبال می‌کنند. قضازدایی از تعقیب، هدف اصلی است و به مجرمان تا حد امکان برای بازسازی با اجتماع کمک می‌شود. سازش و میانجی‌گری نیز بخشی از این فرایند است. یکی از متغیرهای بسیار مهم روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه این است که در بسیاری از گونه‌های سازش و میانجی‌گری، جهت‌گیری به سوی دست - اندر - کارانی است که در سازمان‌های داوطلب کار می‌کنند برنامه‌های میانجی‌گری مبتنی بر پلیس، استثناً - اند. مسؤول این برنامه‌ها ممکن است خود افسران پلیس باشند.

اروپای غربی:

در اروپای غربی - و بویژه در آلمان، نیز تجربه‌های ارزنده‌ای از اجرای روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه دیده می‌شود. در آلمان - چنان‌که شرح آن خواهد آمد - کاهش جمعیت زندان در دهه‌های اخیر را به گسترش تدابیر قضازدایی جایگزین^۲ - و از جمله برنامه‌های سازش و میانجی‌گری - نسبت داده‌اند. در یکی از این برنامه‌ها، به نام طرح بروک^۳، میانجی‌گری دارای سه شکل زیر است:

- سازش با بزه‌دیده؛

- سازش با مجرم؛

- طرح‌های حل - و - فصل اختلاف^۴.

یکی از ویژگی‌های اصلی این طرح‌ها، آن است که «سازمان‌های رفاهی مستقل»^۵ آن‌ها را سرمایه‌گذاری می‌کنند. برخی از طرح‌های میانجی‌گری در آلمان، شامل تصمیم‌های دادستان‌ها و قضات در برنامه‌هایی می‌شوند که در آن‌ها قضازدایی به بارزترین شکل ممکن اجرا می‌شود. از

1. police and court based schemes

2. diversionary alternatives

3. Bruk Plan

4. conflict resolution schemes

5. independent welfare organizations

منظر حقوق کیفری آلمان، این طرح ها نسبت به جوانان بالای ۲۰ سال - که در انگلستان و وئز «بالغان جوان» محسوب می شوند- اعمال می شود. البته، در این میان برخی از طرح ها نیز با شکست روبه رو شده اند. صاحب نظران دلیل اصلی این ناکامی را در ارتباط نزدیک نظام عدالت کیفری با این طرح ها و ناکامی در دستیابی به یک سطح بی طرفی آشکار در این برنامه ها دانسته اند.

در بیش تر طرح های سازش و میانجی گری، مجرمان، به اجرای ترمیم - بویژه ترمیم مالی و انجام خدمات عام المنفعه - ملزم می شوند. هم چنین، به باور برخی صاحب نظران، روش های مصالحه ای بیرون از دادگاه، مجرمان را ناگزیر به پذیرش مسؤلیت در قبال جرم ارتکابی می کند. به نظر برخی افراد، کارکرد روش های میانجی گری نسبت به سایر تدابیر قضازدایی بسیار بهتر است. زیرا، دگرگونی هایی را در رفتار مجرمان ایجاد می کند. هم چنین، آنان بر این باورند که اقدام های سازشی و ترمیمی طرف های درگیر در گفت و گو برای حل - و - فصل اختلاف خود، باید بدون توسل به شیوه های حل - و - فصل رسمی صورت گیرد.

در اروپای شمالی - از جمله فنلاند - نیز طرح های سازش و میانجی گری گسترش یافته اند و رویکرد این کشور نیز حرکت از یک نظام عدالت تنبیهی به یک نظام عدالت ترمیمی را نشان می دهد.

در بلژیک نیز طرح هایی وجود دارد که در آنها قاضی مجرمان را به برنامه های سازش و میانجی گری ارجاع می دهد. اعمال این شیوه در بلژیک، در صلاحیت دادگاه های کودکان و نوجوانان قرار دارد و به جوانان بالای ۱۸ سال مربوط می شود.

به طور کلی، در مورد برنامه های سازش و میانجی گری باید خاطر نشان کرد که معمولاً مجرمانی که پیشینه ای محکومیت سبک دارند و مرتکب جرم های کم تر خطرناکی شده اند، به چنین برنامه هایی ارجاع داده می شوند. در برخی از این طرح ها، دادستان می تواند در صورت مناسب دیدن موقعیت، از رهگذر جریان خسارت مالی وارد به بزه دیده، تصمیم به راضی کردن مجرمان به قبول جرم ارتکابی خود بگیرد. افرادی که به این طرح ها ارجاع داده می شوند، معمولاً هیچ پیشینه ای محکومیت کیفری مهمی ندارند و مرتکب یک جرم خرد شده اند.

در بسیاری از برنامه های سازش و میانجی گری، مجرمان منی توانستند به طور مستقیم با بزه دیدگان شان ملاقات کنند. حتی بسیاری از این برنامه ها به شکل «طرح ویدیویی میانجی گری»

اجرا می شوند. در طرح های ویدیویی که معمولاً در مورد بزهکاران جوان کاربرد دارد، بزهکار می تواند رفتار خود را توجیه کند، دلیل های خود را برای ارتکاب جرم بگوید و یک پوزش و عذرخواهی ویدیویی کند و سپس، برای رویارویی بزهکار و بزه دیده، از ویدیو استفاده می شود. پس از تماشای ویدیو، گروه مجری برنامه، با هدف تقویت واقعیت رفتار مجرمانه، یک مباحثه گروهی ترتیب می دهد. به عقیده ی مجریان این برنامه، اگر تغییر در رفتار یا نگرش مورد نظر باشد، به شکل گروهی بهتر و آسان تر می توان به آن دست یافت.

امروزه، برنامه های گوناگون و متنوعی از سازش و میانجی گری در سطح اروپا گسترش یافته است. ولی با وجود این، در برخی کشورها - از جمله اسکاتلند - نارضایتی هایی وجود دارد. به عقیده ی صاحب نظران، در نظام هایی که گرایش ضعیف تری به استفاده از روش های مصالحه ای بیرون از دادگاه و تدابیر قضازدایانه وجود دارد، بکارگیری شیوه های سنتی عدالت کیفری تداوم بیش تری پیدا خواهد کرد.

گسترش شیوه های حل - و - فصل غیررسمی اختلاف ها بیرون از دادگاه، افزون بر اروپا، بر برخی از کشورهای مستعمره ی اروپایی - بویژه در آفریقا - نیز تأثیر گذاشته است. برای نمونه، در قانون پشتیبانی از کودکان جمهوری تونس (مصوب ۱۹۹۷) بخشی از آن به تأسیس «سازش» اختصاص داده شده است. در ماده ی ۱۴ این قانون، هدف از اجرای قانون ۱۹۹۷ «ترویج فرایند سازش»، اصلاح و عدم انتساب جرم و نیز شرکت دادن نهادها و مؤسسه های مرتبط با مسائل کودکان، در تصمیم گیری و گزینش روش های سازگار با مصلحت کودک بیان شده است. علاوه بر آن، در بخش های پایانی این قانون، زیر عنوان «سازش»، ۵ ماده ی مستقل به این موضوع اختصاص یافته است. ماده ی ۱۱۳ سازش را شیوه ای تعریف می کند که به آشتی میان کودک بزهکار^۱ یا نماینده ی قانونی او با بزه دیده یا نماینده ی او یا صاحبان حق قانونی منجر می شود. در بخش اخیر این ماده، هدف از سازش، توقف جریان تعقیب کیفری و محاکمه و اجرای حکم ذکر شده است و بر همین اساس، ماده ی ۱۱۴ مقرر داشته است که: «سازش در هر مرحله ای

۱. شایان ذکر است که قانون پشتیبانی از اطفال تونس ضمن تعیین یک سیستم درجه ای مسؤلیت کیفری برای اطفال، حداکثر سن قانونی برای مسؤلیت کودکان بزهکار را «۱۸ سال» پیش بینی کرده و با تعیین مراتب سنی - شامل ۱۳ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال - یک نوع مسؤلیت کیفری نسبی برای کودکان در نظر گرفته است و برای کودکان پایین تر از سن ۱۳ نیز هیچ مسؤلیتی از نظر کیفری قائل نشده است.

اجرا شدنی است؛ از هنگام وقوع جرم تا خاتمه‌ی اجرای تصمیم گرفته شده علیه کودک اعم از مجازات کیفری یا اقدام احتیاطی».

هم‌چنین، بر اساس بخش اخیر ماده‌ی ۹۲ این قانون، مقام صالح برای صدور دستور سازش، «بازپرس کودکان» است. در ماده‌ی ۱۱۵ قانون پشتیبانی از کودکان تونس، ارجاع طفل به نهاد سازش در صورتی که مرتکب جنایت شده باشد، مجاز شناخته نشده است.

ماده‌ی ۱۱۶ نیز ارائه‌ی تقاضای سازش از سوی کودک یا نماینده‌ی قانونی او به مقام مسئولی به نام «مسئول پشتیبانی از کودکان» را به رسمیت شناخته است. وظیفه‌ی مسئول پشتیبانی از کودکان، نظارت بر به دست آمدن سازش میان طرف‌های درگیر است. در بخش اخیر ماده‌ی ۱۱۶ نیز پیش‌بینی شده که سند سازش پس از نوشتن و امضا، به دادگاه صلاحیت‌دار تسلیم می‌شود و اگر سازش با نظم عمومی یا عفت عمومی مغایرتی نداشته باشد، تأیید شده و دستور اجرای آن صادر خواهد شد.

باری، همانگونه که در صفحات پیشین نیز اشاره شد امروزه استفاده از روش‌های حل - و - فصل بیرون از دادگاه - از جمله، سازش و میانجی‌گری - مورد پذیرش بیش‌تر کشورهای جهان قرار گرفته است؛ تا آن جا که بسیاری از این کشورها برای آن به اقدامات تقنینی مبادرت ورزیده‌اند. پذیرش همگانی برنامه‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه می‌تواند از امتیازهای بسیار این روش‌ها حکایت داشته باشد. از جمله امتیازهای مهمی که برای این برنامه‌ها برشمرده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. با توسل به شیوه‌های سازشی و میانجی‌گرانه، هرگونه زیان وارد به بزه‌دیده به سرعت جبران می‌شود؛

۲. از توسل به شیوه‌های سنتی رسیدگی‌های قضایی - بویژه در مورد کودکان - پرهیز می‌شود و بنابراین، نهادهای سازش و میانجی‌گری را می‌توان بازترین جلوه‌ی تدابیر قضازدایی انگاشت؛

۳. بکارگیری این شیوه‌ها در مورد کودکان، آنان را توانا به درک پیامدها و آثار رفتارهای‌شان می‌کند تا برای جبران آن تلاش کنند؛

۴. طرف‌های درگیر اختلاف - بزه‌کار و بزه‌دیده - هر دو می‌توانند به طور مستقیم در پیرونده‌ی سرزد اختلاف، تأثیرگذار باشند. زیرا، همواره شانس حل - و - فصل اختلاف میان خود

را دارند؛ در حالی که این شانس در شیوه‌های سنتی دادرسی‌های قضایی وجود ندارد. هم‌چنین، طرف‌های اختلاف با بکارگیری روش‌های سازشی و میانجی‌گرانه می‌توانند دلیل‌های خود را ارائه کنند و بنابراین، با کاهش ترس و هراس از بزه‌دیدگی، مجرم مسؤولیت رفتارهای خویش را می‌پذیرد؛

۵. استفاده از روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه، برای نظام عدالت کیفری نیز سرود - بویژه اقتصادی - بسیاری دارد. زیرا، در غیر این صورت، نظام کیفری ناچار است هزینه‌های هنگفتی را صرف نظارت و نگهداری مجرمان برای اصلاح و بازسازی آنان کند؛

۶. از رهگذر اجرای برنامه‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه، مراجع محلی نیز در غل فرصت پاسخ‌دهی به جرم‌های مختلفی را پیدا می‌کنند و در جبران خسارت و احتراز از نتایج منفی آن می‌کوشند؛

۷. در روش‌های حل - و - فصل سازشکارانه‌ی اختلاف‌ها، بزه‌دیده به عنوان فرد - و نه تنها یک گواه - نگریسته می‌شود. به بیان دیگر، در این روش‌ها، به بزه‌دیده به عنوان فردی که به طور مستقیم آزار و آسیب دیده و در وضعیتی ناگوار، نگران‌کننده یا رنج‌آور قرار دارد، توجه می‌شود؛

۸. میانجی‌گر از بزه‌دیده دعوت می‌کند تا علاقه‌ها و منفعتهای خود را ابراز کند، از حقوق خود در زمینه‌ی دریافت خسارت آگاه شود و راه‌های استفاده از مشورت و مشاوره را بیاموزد و در فرایند حل اختلاف، منفعتهای خود را بهتر ابراز کند؛

۹. در روش‌های حل - و - فصل سازشکارانه، به بزه‌دیده فرصت داده می‌شود تا احساسات خود را - برای نمونه، شرم، خشم، تسلیم، حساسیت یا رضایت خود - را ابراز دارد؛ چرا که از این رهگذر امکان راهنمایی او برای مشاوره و درمان فراهم می‌شود؛

۱۰. از نظر شکلی و تشریفاتی، روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه، این امکان را فراهم می‌کنند که بزه‌دیده خسارت خود را بدون درگیر شدن در تشریفات دست - و - پاگیر اداری و کاغذبازی دریافت کند؛

از دیدگاه فلسفه‌ی کیفری نیز، یادآوری این نکته ضروری است که قوانین کیفری به طور سنتی مجرم را بر مبنای جرم ارتکابی او مجازات می‌کنند و به ریشه‌های پنهان مجرمیت توجه نمی‌کنند. اشکال اصلی این رویکرد، پویایی نداشتن و بی‌توجهی آن به یافته‌های علوم اجتماعی و جرم‌شناسانه است. در مقابل، الگوهای مصالحه‌ی بیرون از دادگاه، بر این مبنا استوار است که

در زمینه‌ی برخورد جامعه با جرم، روشی یکپارچه، منسجم و پویا به کار گیرند و با توجه به ریشه‌های پنهان اختلاف، درک و شناخت پدیده‌ی مجرمانه را عمیق‌تر کنند. در چارچوب این رویکرد، اختلاف و برخورد، فرایندی میان افراد به شمار می‌رود. حتی زمانی که گزارش پلیس وجود اختلاف و تعارض را آشکار می‌کند، ممکن است جریان درگیری ادامه پیدا کند. بنابراین، لازم است اختلاف‌ها و درگیری‌ها در روند جاری خود درک و تشریح شوند.

مبحث دوم: میانجی‌گری در آلمان

روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه، و در رأس آن‌ها میانجی‌گری در کشور آلمان، همانگونه که قبلاً نیز به اختصار به آن اشاره شد، دوران شکوفایی خود را سپری می‌کند. پیشینه‌ی بکارگیری این روشها در آلمان به دهه‌ی ۱۹۸۰ و به طور دقیق‌تر سال ۱۹۸۵ بازمی‌گردد. در این سال، شماری پروژه‌ی آزمایشی با هدف حل اختلاف ناشی از جرم میان بزه‌دیده و مجرم، اجرا شد. البته، پیش از آن در سال ۱۹۸۱، استفاده از تدابیر گوناگون جایگزین در مورد نوجوانان و جوانان گسترش یافته بود و تا سال ۱۹۹۰ که تجربه‌های ناشی از پروژه‌های آزمایشی میانجی‌گری در قانون جدید کودکان و نوجوانان بازتاب یافت، نیز افزایش پیدا کرده؛ به گونه‌ای که، استفاده از راه‌حل‌های جایگزین دربار‌ه‌ی نوجوانان و جوانان از ۴۴ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۶۸ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید. قانون جدید، نوجوانان ۱۴ تا ۲۱ ساله‌ای را که مرتکب جرم شده‌اند، در برمی‌گیرد.

بکارگیری راه‌حل‌های جایگزین در مورد نوجوانان، به کاهش احکام بازداشت صادره در قبال آنان نیز منجر شد؛ چنان‌که در مدتی نزدیک به ۱۵ سال، از ۱۱/۴ درصد به ۶ درصد رسیده است (یعنی، کاهش ۴۰ درصدی). به همین جهت، پژوهشگران و صاحب‌نظران به طور کلی کاهش جمعیت زندان‌های آلمان را در دهه‌های اخیر به گسترش راه‌حل‌های جایگزین نسبت داده‌اند که در قالب تدابیر قضاودایی اجرا شده و برنامه‌های سازش و میانجی‌گری نیز در رأس آن‌ها قرار داشته است.

از روش‌های مصالحه و میانجی‌گری در مورد افراد بالای ۲۱ سال نیز استفاده شد، بسیاری از ایالت‌ها (پیش از وحدت دو آلمان) آن‌ها را اجرا می‌کردند. در دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس از وحدت دو آلمان، ایالت‌های دیگر نیز نهادهای میانجی‌گری را ایجاد کردند. سازمان‌های پشتیبانی از

نوجوانان، بیش‌ترین مجریان طرح‌های مصالحه و میانجی‌گری را در آلمان تشکیل می‌دهند. این سازمان‌ها به وسیله‌ی مددکاران اجتماعی، اجرای این برنامه‌ها را بر عهده دارند. در کنار سازمان‌های پشتیبانی از جوانان، «مراکز خدمات خصوصی کمک به نوجوانان» نیز برنامه‌های سازش و میانجی‌گری را اجرا می‌کنند. این مراکز، به جوانان اجازه می‌دهند که میان ضمانت‌اجراهای کیفری و میانجی‌گری، خود گزینش کنند.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که امروزه در آلمان، سازمان‌های دولتی و خصوصی در کنار هم متولی اجرای برنامه‌های میانجی‌گری اند؛ چنان‌که در آخرین آماري که در این زمینه گزارش شده است، در ۱۱ درصد موارد، مراکز خدمات دولتی و خصوصی با هم و در ۱۴/۵ درصد موارد، تنها مراکز خدمات خصوصی عهده‌دار اجرای میانجی‌گری شناخته شده‌اند.

گفتار نخست: شرایط، چگونگی اجرا و آثار

در آلمان، با توجه به حکومت قاعده‌ی موقعت داشتن تعقیب کیفری، دادستان اختیار دارد تا در شرایطی از پیگرد متهمان صرف‌نظر کند. این اختیار ابتدا در اصلاحات سال ۱۹۷۵ و سپس در ماده‌ی ۴۵ قانون عدالت کودکان ۱۹۹۰ به دادستان داده شده است. در امر متوقف کردن جریان تعقیب در پرونده‌های کودکان، دادستان هیچ الزامی به جلب موافقت قاضی دادگاه کودکان ندارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که هم دادرسی کودکان و هم قاضی ویژه کودکان می‌توانند با متوقف کردن جریان تعقیب کیفری، زمینه‌ی اجرای میانجی‌گری را فراهم کنند. این مسأله در زمینه‌ی جرم‌های کودکان و نوجوانان - بویژه از جهت جبران خسارت بزه‌دیده - اهمیت بسیاری دارد.

در اصلاحات سال ۱۹۹۴ در قانون جزای آلمان، قانون‌گذار کوشش مجرم در جهت حل اختلاف خود با بزه‌دیده و نیز جبران خسارت او را از موجبات تخفیف مجازات و در شرایطی حذف آن انگاشته است. طبق قانون جزای مصوب ۱۹۹۴، «اگر مجرم برای حل اختلاف با بزه‌دیده کوشش‌هایی به عمل آورده یا تمام یا بخشی از خسارت وارده را جبران کرده باشد یا دوباره در جبران رفتار خود بکوشد و نیز در مواردی که جبران خسارت مستلزم فداکاری یا انجام خدمتی برای ارضای خاطر بزه‌دیده باشد، دادگاه می‌تواند... مجازات را تخفیف دهد و در صورتی که مجازات کم‌تر از یک‌سال باشد، آن را به کلی حذف کند».

با وجود اهمیت ساز - و کار جبران خسارت بزه دیده، در جرم های ارتكابی کودکان و نوجوانان، حقوق دانان آلمانی معتقد - اند که این ساز - و کار به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری در مقررات ناظر به کودکان گسترش کافی نیافته است؛ تا آنجا که گزارش ها رقم این جبران خسارت ها را در سال ۱۹۹۶ در سطح بسیار پایینی - تنها ۱/۸ درصد - نشان داده است.

طرح های میانجی گری در آلمان، برخلاف ایالات متحده ی آمریکا، اختلاف های همسایگی را شامل نمی شوند. این اختلاف ها در آلمان به شیوه های مدنی حل - و - فصل می شوند. در آمریکا، حل - و - فصل دوستانه ی اختلاف ها بویژه در مورد مسائل مالی، به عهده ی شوراهای مردمی قرار دارد که به عنوان جایگزین دادگاه ها عمل می کنند.^۱

در روش آلمانی میانجی گری، گفت - و - گوی مستقیم میان مجرم و بزه دیده با پادرمیانی شخص سومی به نام میانجی گر محوریت دارد. این روش به جای تکیه بر شدت جرم ارتكابی و تقصیر مرتکب یا پیشینه ی کیفری او، به اتفاقی که برای بزه دیده رخ داده و آنچه وی در اثر ارتكاب جرم احساس کرده است، توجه و تأکید می کند. با وجود این، جبران خسارت که شاید مهم ترین جزء برنامه های میانجی گری و سازش را تشکیل می دهد، همواره در قالب ملاقات طرف های درگیر صورت نمی گیرد و مواردی دیده شده که بزه دیده خواستار جبران خسارت وارد بر خود بدون ملاقات با مجرم بوده است. به همین جهت، برنامه های میانجی گری در آلمان را - همانگونه که پیش تر آمد - به سه گونه تقسیم کرده اند:

- سازش با بزه دیده؛

- سازش با مجرم؛ و

- طرح های حل - و - فصل اختلاف.

در دو گونه ی نخست، میانجی گری به وسیله ی شخص سومی به نام سازش گر بدون انجام ملاقات حضوری میان طرف های درگیر انجام می شود. ولی، گونه ی سوم اغلب بر مذاکره و گفت - و - گوی حضوری مجرم و بزه دیده استوار است. حقوق دانان آلمان به طور کلی برای روش های مصالحه و میانجی گری، سه هدف عمده بر شمرده اند:

۱. برقراری سازش و آشتی میان مجرم و بزه دیده و حل اختلاف ناشی از جرم؛

۱. برادل، ژان؛ تاریخ اندیشه های کیفری؛ ترجمه ی علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ص ۱۳۷.

۲. جبران مادی یا نمادین خسارت به وسیله ی مرتکب جرم (برای نمونه از رهگذر پرداخت مبلغی پول برای جبران رنج های ناشی از ارتكاب جرم)؛

۳. ترک تعقیب کیفری یا کاهش میزان مجازات بر اثر اجرای موفقیت آمیز جبران خسارت یا تعهد به اجرای آن از سوی مرتکب.

اگر چه جبران خسارت در مواردی بدون ملاقات حضوری طرف های درگیر یا با عدم تمایل بزه دیده به چنین ملاقاتی صورت می گیرد، تجربه های آلمان از اجرای طرح های میانجی گری نشان می دهد که هر چند ممکن است ارتباط مجرم و بزه دیده به سازش و آشتی میان شان منتهی نشود، صرف همین ارتباط گرایش بزه دیده را به مجازات مجرم از میان می برد یا دست کم کاهش می دهد. در مواردی نیز دیده شده که یک عذرخواهی ساده ارزش بیش تری از جبران مادی خسارت برای بزه دیده دارد. این مسأله بویژه در مورد پرونده های کودکان و نوجوانان اهمیت بسیاری دارد که در اغلب آن ها بزه دیدگان معمولاً عذرخواهی آنان را کافی می دانند.

متخصصان علوم جنایی معتقد - اند که چنانچه سازش و میانجی گری با هدف بیدار کردن حس مسؤولیت متخلف یا مجرم صورت گیرد و موجب آگاهی وی از نادرست بودن جرم ارتكابی و خسارت های وارده بشود و او را از تکرار و ارتكاب دوباره ی جرم بازدارد، می توان نتایج زیر را از آن انتظار داشت:

۱. عذرخواهی مجرم از بزه دیده با پرداخت مبلغی که میزان آن در نتیجه ی گفت - و - گوی میان آنان تعیین می شود؛

۲. انجام خدمتی به وسیله ی مجرم برای بزه دیده در قبال کار بدی که انجام داده است؛

۳. انجام کارهای مشترک به وسیله ی طرف های درگیر که نتایج آن به سود بزه دیده تمام شود؛

۴. انجام کار عام المنفعه به وسیله ی یک بنیاد خیریه؛ با این تفاوت که در قبال آن دستمزدی به مجرم پرداخت شود تا او نیز آن را به بزه دیده پرداخت کند؛

۵. تقدیم هدیه ای به وسیله ی مجرم به بزه دیده که از یک جبران خسارت نمادین حکایت می کند.

از آنجا که یکی از هدف های مهم میانجی گری، جبران خسارت بزه دیده است، بنیادهای خیریه - مانند کلیسا همواره کوشش کرده اند تا منابع مالی آن را فراهم کنند. به طور کلی، مراکز خدماتی و بخش های خصوصی از مهم ترین اجرا کنندگان طرح های سازش و میانجی گری در

آلمان به شمار می‌روند.

ولی از آن‌جا که منابع فراهم شده‌ی این مراکز معمولاً برای اجرای برنامه‌های میانجی‌گری کافی نیست، پیشنهاد شده که «بنیاد کمک به قربانیان» بودجه‌ی آن‌ها را فراهم کند. بودجه‌ی این بنیاد از رهگذر دریافت جزای نقدی فراهم می‌شود و به نوجوانان فقیری که به کار عام‌المنفعه مشغول‌اند، اختصاص دارد.

در آلمان فدرال، گزینش نوجوانانی که به برنامه‌های میانجی‌گری فرستاده می‌شوند، بر عهده‌ی دادسراست. پلیس نیز در عمل در مواردی به دادسرا در این اقدام کمک می‌کند. دادسرای کودکان و نوجوانان در آلمان اجرای برنامه‌های میانجی‌گری را به وسیله‌ی مددکاران اجتماعی تحقق می‌بخشد. از آن‌جا که مددکاران اجتماعی را دادگاه‌ها برای اقدام‌ها و کارهای دیگر مانند نظارت بر کار عام‌المنفعه برمی‌گمارند و به علت ندیدن آموزش‌های لازم برای میانجی‌گری، تجربیه‌ی لازم را ندارند، استفاده از آنان در اجرای این برنامه‌ها مورد انتقاد قرار گرفته و برای رفع این ایراد، مراکز خدماتی جدیدی برای این کار در نظر گرفته شده است. وزارت دادگستری آلمان ایجاد این مراکز را از الگوی آلمان شرقی پیشین اقتباس کرده و بکارگیری آن‌ها را در ایالت‌های مختلف گسترش داده است. عقیده‌ی دست‌اندرکاران آلمانی این است که مراکز خدماتی جدید می‌توانند بهتر از مددکاران اجتماعی باشند. زیرا، مددکاران اجتماعی بویژه با مجرمان و با هدف بازپروری و اصلاح آنان سر-و-کار دارند؛ حال آن‌که یکی از هدف‌های مهم روش‌های مصالحه و میانجی‌گری، ترمیم جبران خسارت بزه‌دیده است. به همین دلیل، جرم‌شناسان آلمانی نگران این خطر‌اند که از میانجی‌گری به عنوان وسیله‌ای برای بازپروری و اصلاح کودکان و بزرگسالان و نه گامی در جهت ایجاد و توسعه‌ی یک عدالت ترمیمی واقعی استفاده شود.

استفاده از مراکز خدمات خصوصی به جای مددکاران اجتماعی، بویژه در برنامه‌های میانجی‌گری ناظر به نوجوانان بزه‌کار مصداق دارد. گذشته از این‌ها، بکارگیری مددکاران اجتماعی در اجرای برنامه‌های میانجی‌گری از جنبه‌ی اقتصادی (مالی) نیز مورد انتقاد واقع شده است؛ زیرا، تجربیه‌ی طرح‌های اجرا شده در آلمان نشان داده است که یک مددکار اجتماعی می‌تواند در سال ۸۰ تا ۱۰۰ مورد اختلاف - شامل نزدیک به ۱۵۰ مجرم و بزه‌دیده - را میانجی‌گری کند. بدین ترتیب، گفته شده که میانجی‌گری چه از نظر مالی و چه از لحاظ زمانی - یعنی زمانی که صرف آن می‌شود - برای جامعه‌گران تمام می‌شود. به همین دلیل و برای کاهش

مزیت‌های اضافی برنامه‌های میانجی‌گری - دست کم در مورد کودکان و نوجوانان - پیشنهاد شده است که از مددکاران اجتماعی که در دادگاه‌های کودکان مشغول‌اند، استفاده شود. بکارگیری روش‌های مصالحه و میانجی‌گری در آلمان، نخست، مستلزم اقرار متهم به ارتکاب عمل است. این ساز-و-کار سبب می‌شود تا به حق دفاع متهم و اصل سنتی دادرسی عادلانه خللی وارد نشود.

دومین شرط مهم ارجاع به میانجی‌گری، کم‌اهمیت بودن جرم ارتکابی است. با وجود این، نتایج اجرای طرح‌های آزمایشی در آلمان نشان داده است که میانجی‌گری را نباید به جرم‌های کم‌اهمیت محدود کرد. به بیان دیگر، در جرم‌های جنایی و مهم - مانند سرقت‌های مشدد و مسلحانه و حتی جرم‌ها جنسی مهم (همانند تجاوز به عنف) - نیز می‌توان از روش‌های مصالحه و میانجی‌گری استفاده کرد. میزان این گونه جرم‌ها در آلمان میان ۵ تا ۱۰ درصد بزه‌های نوجوانان گزارش شده است.

صاحب‌نظران آلمانی حتی پا را فراتر از این نهاده و معتقد‌اند که روش‌های سازش و میانجی‌گری را در مورد تکرارکنندگان جرم نیز باید به کار بُرد. دیدگاه‌های اخیر در بیست و یکمین نشست دادگاه‌های نوجوانان که در سال ۱۹۸۹ در گوتینگن آلمان برگزار شد، مطرح شد. در این نشست، بر ضرورت گسترش میانجی‌گری نسبت به صدمه‌های بدنی مهم، سرقت‌های مشدد، تهدید، ناسزا، تقلب، اختلاس، جعل اسناد و مانند این‌ها تأکید شد.

سومین شرط مهم اجرای میانجی‌گری، حضور بزه‌دیده است تا به این وسیله امکان ملاقات میان او و مجرم فراهم شود. در مورد این شرط، به دو نکته باید توجه داشت: نخست، در پاره‌ای موارد ممکن است میانجی‌گری بدون ملاقات میان طرف‌های درگیر صورت گیرد. به بیان دیگر، در مواردی ممکن است بزه‌دیده تمایلی به ملاقات با مجرم نداشته و تنها خواستار جبران خسارت خود باشد؛

دوم، به نظر می‌رسد که در برخی از جرم‌ها، مانند جرم‌های رواندگی بدون ایراد خسارت یا بدون صدمه‌ی بدنی، توسل به میانجی‌گری بی‌مورد باشد. در نهایت، چهارمین شرطی که حقوق‌دانان آلمانی برای ارجاع به میانجی‌گری برشمرده‌اند، «اراده‌ی آزاد دو طرف» است؛ یعنی، مجرم و بزه‌دیده باید به دور از هرگونه اجبار و آکراه با یکدیگر به توافق برسند؛ هرچند عده‌ای معتقد‌اند که هنگامی که از رسیدگی کیفری به عنوان

جایگزین عدم پذیرش میانجی‌گری سخن به میان می‌آید، آزادی اراده‌ی متهم ممکن است مخدوش شود.^۱

گفتار دوم: ارزیابی نتایج

گزارش‌های مقایسه‌ای در مورد بکارگیری طرح‌های میانجی‌گری در آلمان نشان داده است که آثار بازدارندگی عمومی و خاص در موارد میانجی‌گری، به اندازه‌ی مجازات‌های سنتی است. حتی برخی گزارش‌ها از افزایش بازدارندگی خاص در نتیجه‌ی میانجی‌گری و کاهش تکرار جرم به عنوان پیامد آن حکایت دارد. در یکی از گزارش‌ها آمده است که ۸۰ تا ۹۰ درصد مجرمان و بزه‌دیدگانی که به طرح میانجی‌گری فرستاده شده‌اند، پذیرای برنامه بوده‌اند که از این میزان، میان ۶۷ تا ۸۱ مورد - یعنی نزدیک به ۷۵ درصد کل موارد - به توافق منجر شده است. در تحقیق دیگری که در مورد ۴۲ برنامه‌ی میانجی‌گری در سال ۱۹۹۵ به عمل آمده، وضعیت متهمان از نظر جرم ارتكابی به این شرح بوده است:

- ۶۴ درصد خسارت‌های مهم جسمانی؛

- ۱۱ درصد خسارت‌های وارد به اموال؛ و

- ۹ درصد سرقت‌های مسلحانه که مرتکبان در آن‌ها اغلب از مرتکبان بار نخست بوده‌اند. در مورد کودکان و نوجوانان، میزان تکرار جرم از ۲۱ تا ۴۸ درصد در نوسان بوده است. در صورت اجرای موفقیت‌آمیز میانجی‌گری، دادسرا یا قاضی می‌تواند از تعقیب متهم

۱. با ملاحظه‌ی شرایط ارجاع به میانجی‌گری در آلمان، شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب در ماده‌ی ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۵۲ و ماده‌ی ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ به ذهن متبادر می‌شود که البته با میانجی‌گری به معنای اخص متفاوت است. در این دو ماده نیز، «کم‌اهمیت بودن جرم ارتكابی» (که قانون‌گذار از آن، جنحه‌ای بودن جرم را در نظر داشت) و «اقرار متهم به ارتكاب جرم» از جمله شرایط اصلی معلق کردن تعقیب کیفری شناخته شده بود. ارجاع پرونده به میانجی‌گری و نیز صدور قرار تعلیق تعقیب کیفری از مصداق‌های بارز قاعده‌ی موفقیت داشتن پیگرد کیفری به شمار می‌روند. سالها پس از انقلاب اسلامی و تغییر مقررات کیفری ایران، ابقیای نهاد تعلیق تعقیب و اعتبار قاعده‌ی موفقیت داشتن تعقیب در محاق ابهام قرار گرفت. با وجود این، گرایش دیدگاه‌های حقوق‌دانان داخلی بر ابقای آن در مقررات موضوعی جاری جهت یافته بود. سرانجام، با تصویب قانون نوین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، این تأسیس حقوقی متناسبانه مورد سکوت قانون‌گذار واقع شده است؛ هر چند در محدوده‌ی دادگاه‌های اختصاصی - همچون دادگاه‌های نظامی و دادسرای ویژه روحانیت - با توجه به ابقای دادسرا و وظایف دادستان، نهاد تعلیق تعقیب در چارچوب قاعده‌ی موفقیت داشتن کیفری هم‌چنان اعتبار دارد.

صرف‌نظر کند (مناسب بودن یا موقعیت داشتن تعقیب). میزان توقف تعقیب دعوی عمومی در نتیجه‌ی مثبت بودن نتیجه‌ی میانجی‌گری، بالا گزارش شده است. از جمله، در یکی از تحقیقات به عمل آمده در سال ۱۹۹۵، این میزان ۸۶ درصد بوده است.

در مورد جبران خسارت بزه‌دیده - به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج میانجی‌گری - گزارش‌ها نشان داده است که در پاره‌ای موارد، فرستادن یک نامه‌ی معذرت‌آمیز یا جبران خسارت ناشی از جرم برای حل اختلاف کافی است. حتی به جبران خسارت می‌توان به عنوان ضمانت‌اجرای مستقل، بدون توسل به میانجی‌گری، توجه کرد.

بازی، جبران خسارت و ترمیم از رهگذر روش‌های سازش و میانجی‌گری، راه‌حلی‌هایی به شمار می‌روند که از آن‌ها می‌توان در جهت استقرار صلح و آرامش در میان شهروندان استفاده کرد. بکارگیری این روش‌ها - بویژه در محدوده‌ی جرم‌های متوسط و کم‌اهمیت - به نتایج موفقیت‌آمیزی منتهی شده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که استفاده از میانجی‌گری در این دسته از جرم‌ها، به منزله‌ی راه‌حلی مستقل از چارچوب قضایی، به یک ضرورت تبدیل شده است. هدف اصلی میانجی‌گری باید رسیدن به توافقی در مورد جبران خسارت میان مجرم و بزه‌دیده باشد. واقعیت این است که حل - و - فصل مسأله خارج از چارچوب قضایی، ریشه‌های اختلاف را آشکار کرده و به مددکاران اجتماعی و افراد بیرون از اختلاف اجازه می‌دهد تا فعالیت‌های چشمگیر خود را در این زمینه دنبال کنند. حقوق‌دانان و صاحب‌نظران آلمانی معتقد‌اند که به این گونه راه حل‌ها باید به عنوان کیفرزدایی^۱ نگریست. هم‌چنین، باید توجه داشت که کنار گذاشتن راه‌حل‌های کیفری لزوماً منافع جامعه و نیز اصلاح مجرم و فراهم کردن منافع بزه‌دیده را به مخاطره نمی‌اندازد؛ بویژه نسبت به مجرمان اتفاقی - که برای نخستین بار مرتکب جرم شده‌اند، می‌توان از ضمانت‌اجرای کیفری صرف‌نظر کرد.

با وجود گسترش و رواج جبران خسارت و میانجی‌گری در آلمان، موارد استفاده از آن به نسبت موارد تعقیب مرتکب، محدودتر بوده است. هم‌چنین، جرم‌های کم‌اهمیت و جزئی

۱. در ساده‌ترین تعریف، می‌توان گفت که کیفرزدایی از ابزارهای سیاست جنایی است که در قالب ساز - و - کارهایی چون تخفیف مجازات یا پیشنهاد تناوب میان کیفر و یک اقدام غیرکیفری در قبال عمل مجرمانه متجلی می‌شود. مارک آنسل - از بنیان‌گذاران جنبش دفاع اجتماعی - کیفرزدایی را کاستن از شدت مجازات یا سلب خاصیت کیفری آن می‌داند. آنسل کیفرزدایی را «موزون‌سازی در امر مجازات» تعریف می‌کند. [دفاع اجتماعی؛

بیش‌ترین محدوده بکارگیری میانجی‌گری را تشکیل می‌دهند؛ هر چند به تازگی ادعا شده که میانجی‌گری را می‌توان در مورد جرم‌های بسیار مهم مانند قتل نیز به کار برد.

طرح‌های اجرا شده‌ی میانجی‌گری در آلمان نشان داده‌اند که بیش‌تر بزه‌دیدگان پذیرای جبران خسارت یا دست‌کم عذرخواهی مجرم‌اند و جبران خسارت مادی را بیش‌تر به عنوان یک عنصر ثانوی تلقی می‌کنند. متخلفان و مجرمان نیز از توافق‌هایی که بر اثر میانجی‌گری به دست می‌آید، پیروی کرده و آن را اجرا کرده‌اند. هم‌چنین، میزان موفقیت در مواردی که افراد متخصص نقش میانجی‌گر را ایفا می‌کنند، به مراتب بالاتر بوده است.

بیش‌تر موارد میانجی‌گری شامل ملاقات میان مجرم و بزه‌دیده بوده است. اغلب این ملاقات‌ها نتایج مثبتی برای طرف‌های اختلاف به همراه داشته است. کاهش خشونت، رفع ترس از مجرم، مسؤولیت‌پذیری مجرم نسبت به خسارتی که به بزه‌دیده وارد کرده است، حل مثبت اختلاف، و سرانجام، جبران خسارت از جمله‌ی این نتایج بوده است.

روش‌های مصالحه و میانجی‌گری جایگاه مناسبی برای تحقق اصول عادلانه‌ای چون رعایت تساوی و پشتیبانی از بزه‌دیده و مجرم است. این روش‌ها، همچون گونه‌های سنتی ضمانت‌اجراهای کیفری، دارای ارزش اصلاحی-درمانی و پیشگیرانه‌اند.

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، امروزه محدودیتی در زمینه‌ی اعمال میانجی‌گری نسبت به جرم‌های ارتكابی وجود ندارد و حتی در سال‌های اخیر، افزون بر مواردی مانند توهین، افترا، ایراد خسارت و صدمه به اموال و جراحت‌های بدنی، به جرم‌های مهم و حتی به جرم‌های علیه محیط زیست نیز گسترش یافته است.

هر چند نتایج تحقیقات و گزارش‌ها اغلب از سودمند و مؤثر بودن میانجی‌گری حکایت می‌کنند، انتقادهایی نیز بر میانجی‌گری وارد شده است. منتقدان عقیده دارند که در مواردی که بزه‌دیده و مجرم از لحاظ وضع اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند، فشارهای نامستقیمی بر مرتکب وارد می‌شود. از این گذشته، این واقعیت که تدابیر میانجی‌گری به اراده‌ی طرف‌های اختلاف وابسته است و این‌که مرتکب ناگزیر است به جرم ارتكابی خود اقرار کند ایراد دیگری است که به میانجی‌گری وارد می‌شود. سرانجام، گفته شده که دولت‌ها اغلب میانجی‌گری را به عنوان یک ضمانت‌اجرای تکمیلی که به مجازات دیگر افزوده شده و نتیجه‌ی آن، افزایش کنترل اجتماعی است و نه به عنوان یک مجازات جایگزین، تلقی می‌کنند.

با وجود این، برای آشکار کردن هر چه بیش‌تر ارزش اقدام‌های میانجی‌گرانه و کاستن از ایرادهای وارد بر آن، باید آن‌ها را بر مبنای تحقیقات علمی و جرم‌شناسانه استوار کرد. جبران خسارت و میانجی‌گری به عنوان ابزارهایی که گفت - و - گو، آشنی و بازگشت به صلح و آرامش را فراهم می‌کنند، نمی‌توانند در عدالت کیفری هزاره‌ی سوم جایی برای خود بازکنند مگر این‌که ریشه‌ای عمیق از لحاظ نظری و علمی در حقوق کیفری پیداکنند.

مبحث سوم: میانجی‌گری در اتریش

بکارگیری روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه در اتریش، به سال ۱۹۸۵ بازمی‌گردد. در این سال، لایحه‌ی قانونی جدیدی در زمینه‌ی دادگاه‌های کیفری نوجوانان - جانشین قانون دادگاه‌های ویژه‌ی نوجوانان مصوب ۱۹۶۱ - به مجلس پیشنهاد شد و در نهایت، به تصویب قانون دادگاه نوجوانان مصوب ۱۹۸۸ انجامید. به دنبال آن، برخی از استان‌های این کشور نیز در سال ۱۹۹۲ پروژه‌های نمونه‌ای در زمینه‌ی سازش و میانجی‌گری راه‌اندازی کردند. محور اصلی بکارگیری روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه در اتریش، بر مبنای تفکر تدابیر جایگزین زندان استوار بود و الگوی اصلی قانون ۱۹۸۸ را نیز قانون جزای نوجوانان آلمان تشکیل می‌داد. پیش از آن، نوجوانان بزهکار با قرار گرفتن در جریان رسیدگی‌های رسمی دادگاه که اغلب به محکومیت‌های زندان منتهی می‌شد، می‌توانستند برای جبران خسارت، کار داوطلبانه انجام داده و یا در دوره‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی شرکت کنند. ولی، این رویه انتقادهای بسیاری را نسبت به خود برانگیخت؛ تا آن‌جا که بسیاری از دادستان‌ها و قضات و حتی دست - اندر - کاران قانون خدمات تعلیق مراقبتی و مددکاری اجتماعی اتریش نسبت به آن بدبین شدند. به عقیده‌ی صاحب‌نظران، در چنین شرایطی لازم بود که از تدابیر گوناگون قضازدایی استفاده شود و اقدام‌های سودمند دیگری جانشین رسیدگی‌های سنتی دادگاهی شود.

گفتار نخست: شرایط

الف) احاله‌ی پرونده به دادستان

پس از دریافت گزارش پلیس، دادستان این مسئله را بررسی می‌کند که آیا عمل مجرمانه‌ای صورت گرفته تا پرونده‌ی تشکیل شده نیازمندی رسیدگی باشد. چنانچه شواهد کافی بر احتمال

وقوع جرم و لزوم رسیدگی وجود داشته باشد، دادستان به امکان مصالحه‌ی بیرون از دادگاه توجه می‌کند. این تصمیم در جریان هماهنگی به عمل آمده میان دادستان و میانجی‌گر گرفته می‌شود. افزون بر آن، دادگاه نیز می‌تواند پرونده را به طور مستقیم به مصالحه‌ی بیرون از دادگاه ارجاع کند. هم‌چنین، مجرم و بزهدیده نیز می‌توانند ارجاع به سازش را تقاضا کنند.

ب) مذاکره‌ی میانجی‌گر با مجرم و بزهدیده

پس از بحث و تبادل نظر درباره‌ی پرونده‌ی مطرح شده، پرونده به یکی از مددکاران اجتماعی ارجاع می‌شود. مددکار ابتدا با مجرم صحبت می‌کند. آنچه نخست در این ملاقات باید مشخص شود. این است که آیا مجرم مایل است مسؤلیت اعمال خود را بپذیرد؟ سپس، باید شرایط و اوضاع - و احوال شخصی و اجتماعی او روشن شود. در مرحله‌ی بعد، از مجرم خواسته می‌شود تا راه‌حل‌های خود را ارائه کند. این راه‌حل‌ها با ادعاهای احساسی و نیز مالی بزهدیده مقایسه می‌شود.

چنانچه مجرم بخواهد مسؤلیت اعمال خود را بپذیرد و خسارت وارد شده را جبران کند، تماس و ملاقات او با بزهدیده ترتیب داده می‌شود. در این مرحله، از بزهدیده درباره‌ی احساساتش و نیز تمایزش به سازش و میانجی‌گری، پرسش می‌شود. هم‌چنین نظر او درباره‌ی یک مصالحه و سازش مطلوب پرسیده می‌شود.

طرف‌های درگیر - مجرم و بزهدیده - با کمک میانجی‌گر می‌کوشند تا راه‌حلی بیابند که به حل - و فصل اختلاف منجر شود. مطلوب‌ترین حالت زمانی است که بزهدیده و مجرم توافق می‌کنند که میانجی‌گری جبران خسارت مالی، رفع معضلات و ناراحتی‌های احساسی و تمام مسایل مرتبط با پرونده را دربرداشته باشد. در مرحله‌های معینی از فرایند میانجی‌گری، ممکن است حضور افراد دیگری - مانند پدر و مادر نوجوانان بزهکار، خویشاوندان، وکیلان یا سایر افراد مرتبط با موضوع - نیز لازم شود.

در برخی از پرونده‌ها می‌توان از مرحله‌های ویژه‌ای پرهیز کرد. برای نمونه، ممکن است ملاقات مجرم و بزهدیده ضروری نباشد یا بخشی از فرایند توافق را بدون حضور میانجی‌گر و تنها با طرف‌های اختلاف به انجام رساند. این روش بیش‌تر در مواردی به کار می‌رود که بزهدیده

متحمل خسارت مالی شده، ولی ناراحتی عاطفی - احساسی او کم‌تر باشد^۱.

پ) سایر شرایط

وظیفه‌ی میانجی‌گر در روش‌های سازش‌گرانه‌ی موقتیت‌آمیز این است که اجرای موارد توافق را ثبت کرده و نتایج رفع اختلاف را به دادستان گزارش کند. چنانچه سازش به گونه‌ی مطلوب اجرا شود، پرونده‌ی مطرح شده بسته می‌شود. آمارها نشان داده‌اند که در بیش از ۹۰ درصد موارد در پرونده‌های نوجوانان و بیش از ۷۰ درصد موارد در پرونده‌های بزرگسالان، این هدف برآورده شده است.

در رفع واقعی اختلاف‌ها، چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، ملاقات و مذاکره برای رسیدن به سازش اهمیت بسیاری دارد و کمک می‌کند تا ریشه‌های اختلاف، مورد گفت - و - گو قرار گرفته و بهتر درک شوند. اگر درک عمیقی از ریشه‌های پنهان اختلاف به دست آید، طرف‌ها می‌توانند از درگیری‌های احتمالی آینده پرهیز کنند. در بیش‌تر طرح‌های سازش و مصالحه، میانجی‌گر با شرایط دشواری روبه‌روست که افراد گوناگونی با نقش‌ها و میزان دخالت متفاوت به آن می‌افزایند. میانجی‌گر پیشنهاد می‌کند که تمام مسائل حل نشده و مرتبط با جرم، مورد گفت - و - گو طرف‌های درگیر قرار گیرد. پرسش‌های او باید راهی به حل اختلاف بگشاید و توانایی‌های طرف‌ها را به کار گیرد. در جریان سازش و مصالحه، می‌توان فرض کرد (و واقعیت نیز اغلب چنین است) که اطلاعات و آگاهی همه‌ی طرف‌های درگیر یکسان نیست.

میانجی‌گر با همه‌ی طرف‌های درگیر تماس دارد و مراقب است تا تمام اطلاعات مربوط به پرونده مورد داد - و - ستد واقع شود و تمام آنچه برای ادامه یافتن فرایند حل اختلاف لازم است، از همان ابتدا فهمیده شود. در این مرحله است که روشن می‌شود آیا طرف‌های درگیر زبان مشترکی اند یا خیر؟

تفاوت‌های موجود در قدرت بیان طرف‌های درگیر مشخص شده و مورد توجه مددکار قرار می‌گیرد. در این میان، از یک سو لازم است معنای برخی اصطلاح‌های حقوقی ویژه به زبان ساده و روزمره تشریح شود و از سوی دیگر، انتظارات و نگرانی‌های طرف‌های درگیر به زبان حقوقی برگردانده شود.

۱. بررسی اجمالی روش‌های حل اختلاف در انریش، ص ۴.

گام بعدی حل اختلاف، تعریف مشترک مسأله است. به ظاهر، بدیهی است که برای رسیدن به راه‌حل، تعریف درست مسأله‌ی مورد اختلاف ضروری است. ولی، در جریان یک درگیری، درک این واقعیت دشوار است؛ چرا که هر اختلافی ویژگی‌های خاص خود را دارد. میانجی‌گر باید با دقت تمام، همه‌ی گفت‌وگوئی دو قطب متضاد را اداره کند و بکوشد که تعریفی مشترک از اختلاف بیابد. تعریف مشترک اختلاف، خود بخشی از جنبه‌های راه‌حل را روشن می‌کند. بدین ترتیب، چارچوب لازم فراهم می‌شود و آنچه باقی می‌ماند، در نظر گرفتن تمام انتظاراتی است که برنامه‌های واقع‌گرایانه، آن‌ها را روشن و شفاف می‌کند. در این روش، به جای راه‌حل‌های سریع، باید راه‌حل‌های مطلوب را جست‌وجو کرد. در اغلب پرونده‌های سازش و میانجی‌گری، بزهدیدگان بیش‌تر به جبران خسارت و یافتن آرامش و تسکین علاقه‌مندند. آن‌ها تمایل دارند که عمل خلاف دوباره تکرار نشود و گاهی نیز مایل‌اند که اوضاع به حال پیشین بازگردد.

اگر از دید بزهدیده به اختلاف نگریسته شود، احساسات گوناگون و ارزیابی او از وضعیت در معرض دید قرار می‌گیرد که اجزایی چون اضطراب، ناامنی، شرمساری، نارضایتی از سرنوشت و سرزنش خود به دلیل داوریت نادرست وضعیت را شامل می‌شود.

بدین ترتیب، یکی از جنبه‌های حل اختلاف، این است که به احساسات و انتظارات بزهدیده توجه خاصی شده و فضای لازم برای بروز آن‌ها فراهم شود؛ چرا که این امکان وجود دارد که بزهدیده، نه تنها از مجرم، بلکه از دست‌اندرکاران جامعه نیز انتظاراتی داشته باشد.

بزهدیده ممکن است نزد پلیس یا در محضر دادگاه احساسات خود را ابراز نکند. زیرا، این احتمال وجود دارد که در این باره از او پرسش نشود. ولی، بسیار پیش می‌آید که میانجی‌گر با پرسش‌های دربار‌ه‌ی احساسات بزهدیده و ایجاد فضای لازم برای طرح آن‌ها، توجه به جنبه‌های احساسی و عاطفی اختلاف را موجب شود.

در مواردی که روابط پیچیده‌ای میان بزهدیده و مجرم وجود دارد، رعایت جانب احتیاط لازم است. عمل مجرمانه‌ی ارتكابی، اغلب در اختلاف‌های پیشین ریشه دارد. ممکن است شواهد و واقعیت‌ها از نظر قضایی روشن باشند. ولی، این وضع لزوماً به معنای روشن بودن ارزش‌های شخصی طرف‌های درگیر نیست. در نتیجه، ممکن است تعریف قضایی اختلاف یا دیدگاه مددکار

اجتماعی متفاوت باشد. این گونه اختلاف‌ها تنها زمانی حل - و فصل می‌شوند که به محتوای آن‌ها توجه شود. بنابراین، حتی ممکن است مجرم خود را «بزهدیده حقیقی» بدانند یا برعکس، یکی از نشانه‌های این گونه موارد، پافشاری بزهدیده بر حفظ نقش‌های مجرم و بزهدیده، بر اساس پیشفرض‌های خود است؛ یعنی، بزهدیده اصولاً مایل است که تحریک‌های خود را در بروز اختلاف نادیده بگیرد.

لازم‌الاجرا کردن راه‌حل مورد توافق، آخرین مرحله‌ی هر سازش و میانجی‌گری است. انجام تشریفات اداری ویژه - مانند پر کردن فرم‌های مربوط - نه تنها اجرای توافق‌ها را از لحاظ قانونی الزامی می‌کند، بلکه علامت آشکاری برای فعالیت انجام شده و حل - و فصل اختلاف نیز است.

گفتار دوم: گونه‌ها و روش‌ها

الف) روش‌های مصالحه‌ی ویژه‌ی نوجوانان

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، بکارگیری روش‌های سازشگرایانه در اتریش، برای نخستین بار به قانون ۱۹۸۵ در مورد نوجوانان بازمی‌گردد. نزدیک به ۴۰ درصد پرونده‌هایی که به طرح‌های سازش ویژه‌ی نوجوانان ارجاع داده می‌شود، معمولاً به بزهدیه‌ی مربوط است که به سلامت جسمانی بزهدیده آسیب می‌رساند و اغلب جراحت‌های کوچکی را موجب می‌شود. نمونه‌های متداول این پرونده‌ها، دزدی، سرقت و استفاده‌ی نامجاز از وسیله‌ی نقلیه است.

در بسیاری از موارد، زمینه‌ی ارتكاب بزهدیده، گستاخی و آزمایش جسارت است. مصالحه‌ی بیرون از دادگاه می‌کوشد تا ناعدالانه بودن و پیامدهای جدی این اعمال را به نوجوانان تفهیم کند.

۱. یکی از پیامدهای جنبش ابتدایی تحقیقی (ایاتی)، پیدایش این اندیشه بود که رفتار مجرمانه تحت تأثیر یک سلسله عوامل یا نیروهای - فیزیکی یا اجتماعی - شکل می‌گیرد که مرتکبان آن، توانا به کنترل یا درک آن نیستند. در چنین رویکردی، مجرم، خود به نوعی، بزهدیده‌ی جرم محسوب می‌شود (the notion of offender as victim). ذهن بیش از آن که بر نیازهای بزهدیده واقعی متمرکز شود، به نیاز مرتکبان جرم (بزهدیدگان مجازی) توجه می‌کند. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به:

Williams, K. S.; *Text Book on Criminology*; p. 99.

۲. توجه به نقش و سهم بزهدیده در واقعه‌ی مجرمانه و مسؤولیت کیفری مجرم، به پیدایش شاخه‌ی نوینی از دانش جرم‌شناسی به نام «بزهدیده‌شناسی» بازمی‌گردد. نخستین رویکرد این رشته - با عنوان victim blaming - سهم بزهدیده را در وقوع پدیده‌ی مجرمانه بررسی می‌کند. در این رویکرد، به بررسی صفات زیستی، روانی، اخلاقی، خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و در نهایت به نقش و سهم بزهدیده در تکوین جرم ارتكابی و روابط او با مجرم توجه می‌شود. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به: بزهدیده در فرایند کیفری.

بزه‌دیدگان معمولاً مایل نیستند که آینده‌ی نوجوانان بزهکار تباه شود. بویژه، در موارد صدمه به دارایی‌های خود، اولویت را به جبران خسارت خود می‌دهند. نوجوانان نیز در یافتن راه‌حل‌های جبران خسارت بسیار خلاق‌اند.

در یکی از پرونده‌های سازش و مصالحه، گروهی از نوجوانان که میز یک محل بازی را آتش زده بودند، توانستند با پرداخت هزینه‌ی تعمیر، میز تازه‌ای بسازند. در پرونده‌ای دیگر، نوجوانانی که روی دیوار نقش و نگار کشیده بودند، آن را تمیز و دوباره رنگ کردند. بزه‌دیدگان نیز این گونه جبران خسارت‌ها را با کمال میل می‌پذیرند.

در پرونده‌های مصالحه‌ی ویژه نوجوانان، بر خلاف بزرگسالان، مورد بزهکاری پرخاشگرانه اندک گزارش شده است. چنان‌که اشاره شد، در اغلب موارد، زمینه‌ی بزه‌های نوجوانان، منازعه‌ی قدرت یا آزمودن جسارت خود است. در بیش‌تر پرونده‌های مربوط به جراحات‌های جسمانی، لازم است یک دوره‌ی میانجی‌گری میان طرف‌های درگیر برگزار شود.

درباره‌ی زمینه‌ی بروز بزهکاری - چه از دست دادن کنترل به دلیل مصرف الکل باشد، چه جریحه‌دار شدن غرور یا تنها تلاش برای تسلیم نشدن - گفت - و - گو می‌شود. نوجوانان اغلب نیازمند یادگیری چگونگی کنترل پرخاشگری خود - اند تا بدین ترتیب، خطری برای خود و دیگران، ایجاد نکنند. به همین منظور، لازم است که تا جوان بزهکار رفتار خود و پیامدهای آن را درک کند. میانجی‌گری می‌تواند با طرح پرسش‌هایی این فرایند را القا و پشتیبانی کند.

گزارش‌ها حکایت از آن دارند که در اتریش نزدیک به ۹۰ درصد پرونده‌های ارجاع شده به سازش را می‌توان با موفقیت حل - و - فصل کرد. نقش دادسرا نیز این است که پس از دریافت گزارش اجرای موفقیت‌آمیز سازش، پرونده‌ی مطرح شده را مختومه (بایگانی) کند.

در آمار گزارش شده از اجرای روش‌های مصالحه و سازش ویژه‌ی نوجوانان در اتریش، بالاترین رقم به صدمه‌های جسمانی و خسارت‌های مالی اختصاص دارد. طبق این گزارش، نزدیک به ۳۰ درصد از صدمه‌های جسمانی و بیش از ۲۶ درصد از خسارت‌های اموال به سازش و میانجی‌گری ارجاع داده شده است؛ در حالی که این رقم در دزدی ساده، سرقت و استفاده‌ی نامجاز از وسیله‌ی نقلیه، به ترتیب ۱۶/۶، ۱۰ و ۴/۴ درصد بوده است^۱.

۱. بررسی اجمالی روش‌های حل اختلاف در اتریش، ص ۱۱.

ب) روش‌های مصالحه‌ی ویژه‌ی بزرگسالان

بر خلاف پرونده‌های مصالحه‌ی ویژه‌ی نوجوانان، در پرونده‌های ویژه‌ی بزرگسالان، زمینه‌های ارتکاب جرم را معمولاً اختلاف‌ها و تعارض‌های متداول تشکیل می‌دهد. به طور کلی، ایراد صدمه‌های جسمانی و به خطر انداختن آزادی دیگران با تهدیدهای خطرناک و زورگویی، بخشی از اختلاف‌های روزمره‌ی مردم را تشکیل می‌دهد و بیش از موارد دیگر موضوع روش‌های مصالحه و سازش به شمار می‌روند. افزون بر آن، بسیاری از خسارت‌های مالی نیز در نتیجه اختلاف‌های شخصی ایجاد می‌شود. برای نمونه، در جریان یک نزاع و مشاجره، متهم ممکن است به جای لگد زدن به طرف مقابل، به خودروی او ضربه بزند. برخلاف پرونده‌های ویژه‌ی نوجوانان، لطمه‌ی واقعی به دارایی‌ها و اموال - از جمله دزدی و تقلب - در پرونده‌های ویژه‌ی بزرگسالان چندان فراوان نیست.

در این پرونده‌ها، بیش‌تر اختلاف‌ها و تعارض‌ها عبارت‌اند از:

۱. اختلاف‌های خانوادگی میان همسران. گزارش‌ها نشان داده‌اند که مسائل کوچکی می‌توانند به شرایطی وخیم تبدیل شوند (مانند حسادت، وضعیت مالی و ...).
۲. اختلاف میان همسایگان که ممکن است سال‌ها ادامه یابد و به تدریج خطرناک‌تر شود؛
۳. تعارض‌های ناشی از موقعیت (مانند نزاع بر سر محل پارک خودرو یا برخورد در مشروب‌فروشی) که در آن‌ها شرایط موجود (مستی، تحریک و ...) همراه با حالتی بسیار احساسی به درگیری منجر می‌شود؛
۴. اختلاف‌های کاری که به پرخاشگری مجرمانه یا صدمه‌های مالی منتهی می‌شوند. این اختلاف‌ها را بیش‌تر می‌توان میان کارمندان و شاغلان یا حتی میان رئیس‌ان و کارمندان یا کارفرمایان و کارگران مشاهده کرد.

از آن‌جا که اختلاف‌ها و درگیری‌ها، پیامدهای ویژه‌ی متفاوتی دارند، گاه لازم است برای حل - و - فصل اختلاف، روش مناسب‌تری برگزیده شود. بنابراین، روش حل اختلاف در نزاع و مشاجره بر سر محل پارک خودرو، از روش حل اختلاف در یک درگیری خانوادگی متفاوت است. در مورد اختلاف‌های ریشه‌دار و کهنه، در اتریش روش‌های ویژه‌ای ابداع شده است. در روابط بسیار پیچیده می‌توان از وجود یک میانجی‌گر بی‌طرف دیگر (میانجی دوم) استفاده کرد. این فرد موضع یکی از طرف‌های درگیر را برمی‌گزیند تا دیدگاه‌ها، احساسات و زمینه‌های

اختلاف را روشن کند. بویژه، در مورد اختلاف‌های ناشی از روابط اشخاص می‌توان به این نتیجه رسید که هرگاه درباره‌ی مسائلی زمینه‌ساز اختلاف و درگیری بحث شود، برخورد نخستین اهمیت خود را از دست می‌دهد. برخوردی را که به پلیس گزارش شده است، می‌توان با بحث و گفت‌وگو درباره‌ی موضوع‌هایی که در روابط بین اشخاص اهمیت بسیار دارند (حسادت، مسائل مالی، مسائل تربیتی...) حل - و- فصل کرد.

در جریان حل اختلاف و برای تقویت روند آن، از همکاری و کمک مشاوران حقوقی و وکیلان نیز استفاده می‌شود.

روش ابداعی دیگر، «ترکیب دوگانه» نام دارد که به طور عمده در اختلاف‌های ناشی از روابط کار مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، دو میانجی‌گر، فرایند سازش را به پیش می‌برند. بویژه، در برخوردهای میان همسایگان، بدیهی‌ست که تمایل به حل اختلاف، بدون رسیدگی‌های رسمی دادگاهی، تنها زمانی امکان‌پذیر است که درباره‌ی مسائلی از قبیل بدزبانی، سوء تفاهم و سرزنش یکدیگر بحث شده و درباره‌ی روش‌های جدیدی برای ارتباط و گفت‌وگو توافق شود.

برای حل اختلاف کسانی که روابط اجتماعی نزدیکی دارند (مانند همسران)، روش ویژه‌ای ابداع شده است که از یک سو بر جبران خسارت و از سوی دیگر بر بازتاب رابطه متمرکز است. تفاوت عمده‌ی این روش با روش‌های متداول این است که همانند روش ابداعی پیشین، در اینجا نیز دو میانجی‌گر به شکل ترکیب دوگانه به کار گرفته می‌شود. در صحبت‌های مقدماتی، میانجی‌گر مرد با مرد و میانجی‌گر زن با زن گفت‌وگو می‌کند. در جلسه‌ی بعدی میانجی‌گری، میانجی‌گران محتوای صحبت‌های مقدماتی را بازتاب می‌دهند. ضد و نقیض‌هایی که از تقابل حقایق بروز می‌کند، میان طرف‌های درگیر به بحث گذاشته می‌شود. میانجی‌گران هیچ یک از طرف‌ها را تحریک نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند پیشینه‌ی رابطه را بازتاب دهند، بر موضوع‌های مورد اختلاف تمرکز کنند، بحث و گفت‌وگو را آرام کنند، روشی سازنده برای حل اختلاف پیدا کرده و مصالحه و سازش را تثبیت کنند و به صورت نوشتاری درآورند. افزون بر آن، میانجی‌گران در زمینه‌ی انجام مشاوره و درمان نیز اطلاعاتی ارائه می‌کنند.

هر چند در روش‌های مصالحه‌ی ویژه‌ی بزرگسالان، طرف‌های درگیر موضوع‌های سخت‌تری می‌گیرند، با اینهمه، نزدیک به ۷۰ درصد از پرونده‌های ارجاعی را می‌توان با موفقیت

حل - و- فصل کرده و از رسیدگی کیفری پرهیز کرد.

پرسشی که به تازگی در اتریش مطرح شده، این است که آیا می‌توان میانجی‌گری را در اختلاف‌هایی که جرمه‌های سنگینی دارند، به کار گرفت؟ پژوهشگران اتریشی با توجه به تحقیق انجام شده درباره‌ی چنین مواردی، به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند. همچنین، میانجی‌گران و طرف‌های درگیر معتقد - اند که در چنین پرونده‌هایی، سازش و مصالحه می‌تواند شرایط لازم را برای حل - و- فصل اختلاف داشته باشد.

طبق مقررات کیفری اتریش، بکارگیری مصالحه‌ی بیرون از دستگاه برای بزرگسالان تنها در مواردی امکان‌پذیر است که مجازات زندان از سه سال بیش تر نباشد و جرم‌هایی مانند سرقت را نیز شامل نشود. به عقیده‌ی صاحب‌نظران اتریشی، لازم است که روش‌های مصالحه به جرم‌های سرقت نیز تسری داده شود.

گفتار سوم: ارزیابی نتایج

با اجرا شدن قانون کیفری نوجوانان اتریش در یکم ژانویه‌ی ۱۹۸۹، روش‌های مصالحه و سازش به تدریج در همه‌ی منطقه‌های این کشور اجرا شد. گزارش‌های رسیده از آن تاریخ تاکنون از اجرای بیش از ۱۰،۵۰۰ پرونده‌ی سازش حکایت می‌کنند.

با اجرای موفق طرح‌های سازش ویژه‌ی نوجوانان، این بحث در اتریش قوت گرفت که محدودی اجرای آن‌ها به پرونده‌های بزرگسالان نیز تعمیم یابد و بدین ترتیب، این امر در اواخر دهه‌ی هشتاد جامه‌ی عمل پوشید.

با گذشت بیش از یک دهه از اجرای طرح‌های مصالحه و سازش در اتریش، امروزه این روش مورد توجه خاص مجرمان و بزه‌دیدگان، میانجی‌گران و حقوق‌دانان، رسانه‌ها و سیاستمداران این کشور واقع شده است. تجربه اتریش نشان داده است که نزدیک به سه چهارم پرونده‌های مصالحه را می‌توان به گونه‌ی موفقیت‌آمیزی حل - و- فصل کرد.

با وجود رواج روش‌های مصالحه و سازش در اتریش، صاحب‌نظران معتقد - اند که شالوده‌های قضایی و قانونی این روش‌ها در قبال بزرگسالان کافی نیست. قانون‌گذار و کارشناسان اتریشی در این زمینه که قانون کیفری اتریش نیازمند اصلاح و بازنگری است، اتفاق نظر دارند. در سالهای اخیر پیش‌نویسی در زمینه‌ی «قضازدایی» در این کشور تهیه و تنظیم

شده است که طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها و تدابیر گوناگون جایگزین زندان را پیش‌بینی می‌کند. از مهم‌ترین این گزینه‌ها می‌توان از آزادی مشروط، مجازات‌های مالی و میانجی‌گری نام برد. افزون بر آن، صاحب‌نظران اتریشی بر ضرورت گسترش طرح‌های مصالحه و سازش به تمام قلمرو اتریش تأکید کرده‌اند. در همین راستا نیز، اداره‌ای مستقل ویژه مصالحه‌ی بیرون از دادگاه در محل «کانون خدمات تعلیق مراقبتی و مددکاری اتریش» تأسیس شده است. باری، امروزه روشن شده است که بکارگیری روش‌های مصالحه‌ی بیرون از دادگاه در امور کیفری به معنای ناچیز جلوه دادن جرم نیست، بلکه راه‌حل خوبی برای بحث و گفت‌وگو و اظهار نظر آگاهانه درباره‌ی رفتارهایی است که از لحاظ اجتماعی پذیرفتنی نیستند.^۱

مبحث چهارم: میانجی‌گری در روسیه

در روسیه، با توجه به ناتوانی عدالت تنبیهی در ایجاد بازدارندگی عمومی و نیز ناکامی آن در بازگرداندن عدالت اجتماعی مختل شده به وسیله‌ی جرم، تحولاتی در نظام عدالت کیفری در جهت استقرار یک نظام عدالت ترمیمی صورت پذیرفته است. در این میان، نقش برنامه‌های سازش میان بزه‌دیده و مجرم، اهمیت بسیار شناخته شده‌ای دارد. ریشه‌ی گرایش نظام عدالت روسیه به سمت بکارگیری روش‌های سازشگرانه‌ی حل اختلاف را باید در مسأله‌ی زندان‌های این کشور جست - و- جو کرد.

در یکی از آخرین آمار^۲ به دست آمده در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، یک میلیون و پنجاه هزار مجرم در روسیه گزارش شده است که بیش از یک سوم آن‌ها زندانی شده‌اند. مطابق قوانین کیفری روسیه، سرقت مواد غذایی، مستی‌های منتهی به زد - و- خورد و استفاده از سکه‌های رایج تقلبی مهم‌ترین جرم‌های مستوجب زندان را تشکیل می‌دهند. ولی، عیب‌های مجازات زندان برای مرتکبان و محکومان این جرایم، بیش از امتیازهای آن بوده است؛ تا آن‌جا که مرگ - و- میرهای ناشی از بیماری‌های مسری و خطرناک درون زندان نگرانی و ناامنی عمیقی در جامعه‌ی روسیه ایجاد کرده است.

از منظر جرم‌شناسی انتقادی واکنش اجتماعی^۳ نیز، عملکرد مجریان قانون بر مبنای عدالت

۱. همان، صص ۳ و ۱۶.

2. critical social reaction criminology

کیفری سنتی به نتیجه‌ای جز افزایش محصول زندان‌ها منجر نشده است. به عقیده‌ی حقوق‌دانان روسی، این جمعیت زندانی را محکومانی تشکیل می‌دهند که به قشر پایین و آسیب‌پذیر جامعه تعلق دارند و نظام عدالت کیفری با نگرشی تبعیض‌آمیز آنان را از یقه سفیدها جدا کرده است.^۱

علیرغم چنین وضعی، قانون جزای نوین فدراسیون روسیه که از یکم ژانویه‌ی ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شده است، همچنان بر حفظ رویکرد سنتی عدالت تنبیهی پای فشرده است. صاحب‌نظران روسی، موضوع قانون‌گذاران خود را در جهت کاهش شناس روش‌های مصالحه‌جویانه‌ی حل اختلاف میان مجرم و بزه‌دیده تفسیر کرده‌اند؛ هر چند بر اساس عدالت سنتی، امکان جبران خسارت بزه‌دیدگان از رهگذر دریافت غرامت وجود دارد.

با وجود این، قانون‌گذار روسیه کاربرد روش‌های سازشی را به شکل محدودی پذیرفته است. طبق قوانین کیفری روسیه، روش‌های سازش و مصالحه در جرم‌هایی که مجازات‌شان از ۲ سال زندان تجاوز نمی‌کند، اعمال‌شدنی است. این رقم در بزه‌های کودکان به ۵ سال زندان افزایش می‌یابد. هم‌چنین، طبق مواد ۸ و ۹ و شق نخست ماده‌ی ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری روسیه، بکارگیری روش‌های سازش و مصالحه در پرونده‌های کیفری جزئی یا کم‌اهمیت (جرم‌های خرد) پذیرفته شده است. در بند یک ماده‌ی ۹۱ قانون جزای فدراسیون روسیه نیز، اجرای موفق سازش در کاهش میزان مجازات مؤثر شناخته شده است. در پرونده‌های کودکان و نوجوانان نیز می‌توان از تدابیر سازشی به عنوان ساز - و- کاری برای جانشین کردن تدابیر آموزشی به جای تعقیب کیفری استفاده کرد.

در تحولات اخیر روسیه، گروهی زیر نظر امور جوانان، مأمور تهیه‌ی پیش‌نویسی برای قانون عدالت کیفری جوانان شده‌اند که سازش نیز از جمله هدف‌های تهیه‌کنندگان این پیش‌نویس معرفی شده است. پیش از آن نیز، در سال‌های ۸ - ۱۹۹۷، مرکز «اصلاحات قوانین» راه‌های فنی اجرای آیین‌های سازش را در چارچوب‌های قانونی موجود، گسترش داد. در پایان دهه‌ی ۱۹۹۰، با همکاری «بخش نظارت قانونی بر تصمیم‌های قضایی در پرونده‌های کیفری» - که بخشی از اداره‌ی تعقیب عمومی (دادسرای عمومی) محسوب می‌شود - سیستمی برای اجرای آیین‌های سازشی در چارچوب قوانین موجود ایجاد شد. به دنبال آن، برنامه‌های سازشی متعددی در

1. Punish, S. A.; *Prison or Reconciliation*; p. 1.

بخش‌هایی از مسکو اجرا شده است.^۱

گفتار نخست: شرایط، چگونگی اجرا و آثار

در نظام عدالت کیفری روسیه، سازش آیینی است که به وسیله آن طرف‌های درگیر در اختلاف برای غلبه بر پیامدهای جرم ارتكابی به توافق می‌رسند.

برنامه‌های سازش به ایجاد ملاقات‌هایی میان طرف‌های درگیر با هدف رفع اختلاف و کمک به ایجاد رابطه‌ای روان‌شناسانه میان آنان منجر می‌شود. با اجرای برنامه‌های مصالحه و سازش می‌توان فرد قانون‌شکن را از مسؤولیت رفتار خود آگاه کرد و در مقابل، برای بزه‌دیده یا خویشان او غرامت و جبران خسارتی عملی و واقع‌گرایانه ترتیب داد. در بسیاری از این برنامه‌ها، مجرم با احساس ندامت و پشیمانی، زبان‌واره را جبران کرده و از بزه‌دیده عذرخواهی می‌کنند و بدین ترتیب، مسؤولیت رفتار خود را در جامعه بر عهده می‌گیرند؛ چنان‌که می‌پذیرند به دنبال شغلی بروند یا حتی کارهایی داوطلبانه - برای نمونه، کار در یک بیمارستان - انجام داده و یا اگر به الکل یا مواد مخدر معتاد باشند، اعتیاد خود را درمان کنند.

سازش معمولاً در حضور یک میانجی‌گر که در بیش‌تر موارد شخصی بی‌طرف است، انجام می‌شود. وظیفه میانجی‌گر این است که شرایطی را برای انجام گفت - و - گو میان طرف‌های درگیر ایجاد کند تا آنان بتوانند به توافق دو جانبه‌ای در خصوص جبران خسارت و نیز تغییر در رفتار و نگرش خود نسبت به جرم ارتكابی دست یابند.^۲

جهت‌گیری برنامه‌های سازش در روسیه به طور عمده به هدف‌های زیر متمایل است:

۱. حل - و - فصل وضعیت مجرمانه به وسیله بزه‌دیده و مجرم با به عهده گرفتن نقشی فعال

در فرایند سازش؛

۲. تضمین پرداخت سریع و دست‌کم نسبی خسارت به بزه‌دیده؛

۳. فرصت دادن به شرکت‌کنندگان برای بیان احساسات خود و نیز رها کردن آنان از قید - و -

بندهای روانی و فشار ناشی از ایفای نقش «بزه‌دیده» و «محکوم»؛

۴. تبدیل کردن اختلاف میان طرف‌های درگیر به یک فرایند سازنده برای حل مشکلات آنان؛

۵. آگاه کردن مجرم از مسؤولیت رفتار - اش و نیز از خسارتی که وارد کرده است. حقوق‌دانان روسی، پیامدهای متعددی را بر روش‌های سازش مترتب دانسته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. برقراری و احیای روابطی خوب میان مردم و پیشگیری از افزایش خشونت؛

۲. کاهش و صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرای عدالت؛

۳. افزایش نقش جامعه در قبال مجرم.

هم‌چنین، به عقیده حقوق‌دانان روسی، موارد زیر از شمول سازش خارج‌اند:

۱. هیأت‌های داوری یا سازش تفاوت دارد؛

۲. درمان پزشکی یا روان‌درمانی^۱ در چارچوب سازش قرار نمی‌گیرد؛

۳. سازش جایگزینی برای سیستم قانونی و زندان‌ها به شمار نمی‌رود؛

۴. به طور کلی، سازش نوشدارویی برای مبارزه با جرم محسوب نمی‌شود.

ارجاع یک پرونده به سازش مستلزم اعتراف متهم به واقعه پرونده و نقشی است که او در آن ایفا می‌کرده است. به طور کلی، شرایط سازش را در روسیه به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. میانجی‌گر ابتدا با هر یک از طرف‌ها - مجرم و بزه‌دیده - به طور جداگانه ملاقات می‌کند

و نکته‌های عمده و پیامدهای احتمالی ملاقات‌های سازشی را برای آنان توضیح می‌دهد؛

۲. در صورت جلب توافق طرف‌ها به شرکت در سازش، تاریخی برای ملاقات آنان تعیین

می‌شود؛

۳. ملاقات در محلی بی‌طرف که هیچ ارتباطی با فرایند جنایی ندارد، انجام می‌شود؛

۴. در صورت موافقت میانجی‌گر، هر دو طرف درگیر - مجرم و بزه‌دیده - و نیز خویشان و

یستگان، وکیلان و مددکاران اجتماعی هم می‌توانند در ملاقات شرکت کنند؛

۵. ملاقات به طور عمده از دو مرحله تشکیل می‌شود:

- مرحله‌ی نخست که برای رسیدن به درک مشترک طرف‌ها از جرم ضروری است و بزه‌دیده

در آن فرصت می‌یابد که چگونگی تأثیر جرم بر خود را توضیح دهد و مجرم نیز پیامدهای واقعی

رفتار - اش را درک خواهد کرد. در این مرحله است که مجرم اغلب از بزه‌دیده عذرخواهی می‌کند

و از آنچه روی داده و وی مرتکب شده، اظهار تأسف می‌کند. هم‌چنین، ممکن است مجرم ضمن

1. Ibid.

1. Ibid; p. 3-4.

2. PRI- Information; Reconciliation in Criminal Justice in Russia; p. 1.

توضیح رفتار خود، عذرخواهی را رد کند؛

در مرحله دوم، طرف‌های درگیر تدابیری برای خروج از وضعیت اختلاف‌آمیز میان خود فراهم می‌کنند. در این مرحله، چنانچه ضرورت اقتضا کند و با جلب رضایت مجرم، می‌توان او را به یک برنامه‌ی بازپروری ارجاع داد. در صورت توافق تمامی طرف‌های درگیر با قرارداد سازش^۱، این قرارداد به امضای آنان رسیده و سپس برای مقام‌ها و مراجع قانونی فرستاده خواهد شد.^۲

آنچه در ملاقات‌های سازش اهمیت بسیاری دارد، بی‌طرفی نقش میانجی‌گر (سازش‌گر) است. نقش او تنها به اداری جریان سازش و تسهیل گفت‌وگو و مذاکره‌ی طرف‌ها و نیز اطمینان یافتن از دستیابی آنان به یک درک و تفاهم واقعی خلاصه می‌شود؛

۶. رونوشت توافق‌ها - که همراه با سایر اسناد و مدارک اجرای سازش برای مقام‌های قانونی یا دادگاه فرستاده می‌شود - مبتنی بر تصمیم‌گیری دادگاه نسبت به پرونده‌ی کیفری قرار خواهد گرفت.

حقوق‌دانان روسی آثار مختلف نهاد سازش را نسبت به هر یک از طرف‌های درگیر - بزه‌دیده و مجرم - به‌طور جداگانه مطالعه کرده‌اند. از جهت بزه‌دیده، سازش فرصتی برای دریافت غرامت (جبران خسارت) و نیز یافتن پاسخی درباره‌ی جرایمی وقوع جرم و ارتکاب آن نسبت به خود است و این‌که ممکن است بزه‌دیده نیز خود را در وقوع آن، قدری مقصر بداند. هم‌چنین، بزه‌دیده می‌تواند با گذشت و بخششی که از خود نشان می‌دهد، انسانیت خود را اثبات کند.

ولی، سازش برای مجرم نیز آثاری می‌تواند دربرداشته باشد. از جمله، او را توانا به درک پیامدهای واقعی رفتاراش می‌کند و موجب می‌شود تا مسؤولیت رفتار خویش را بپذیرد و از آنچه مرتکب شده، اظهار پشیمانی کند.

افزون بر آن، صاحب‌نظران روسی آثار برنامه‌های سازشی در قبال جامعه را نیز تحلیل کرده‌اند. از این چشم‌انداز، چنین گفته شده که تصمیم‌گیری درباره‌ی رفتارهای مجرمانه و اختلاف افراد به خود آن‌ها بازگردانده می‌شود و در نتیجه، سبب احیای سنت‌های صلح و آشتی و میانجی‌گری در جامعه می‌شود. سازش، گردهمایی محکمه‌گونه‌ای است که به شهروندان این امکان را می‌دهد تا ارزیابی مستقلی از آنچه رخ داده است داشته باشند و بتوانند با استقرار عدالت

1. reconciliation contract

2. Ibid; p. 2.

به اجرای هنجارهای اجتماعی نیز کمک کنند. سازش راهی است که سبب می‌شود دادگاه‌ها از رسیدگی به موضوع‌های جزئی و کم‌اهمیت فارغ شوند و وقت خود را صرف رسیدگی به جرم‌های مهم‌تر کنند. در نهایت، سازش باعث صرفه‌جویی در ساعت‌های کار کارکنان و نیز بودجه‌ی نظام عدالت کیفری، می‌شود.^۱ ولی، حقوق‌دانان روسی از نقش حساس و مهم میانجی‌گر یا سازش‌گر نیز در فرایند سازش غافل نمانده‌اند و وی را عاملی بی‌طرف دانسته‌اند که نباید پشتیبان منافع هیچ‌کس و حتی خود-اش باشد. وظیفه‌ی میانجی‌گر، جست‌وجوی افرادی است که بتواند با آن‌ها گفت‌وگو کند. میانجی‌گر باید انسانی درستکار باشد و بتواند از صداقت افراد نیز - چه عاقل، چه بیمار و ... - بهره‌مند شود. در روسیه، میانجی‌گران از میان افراد آموزش‌دیده‌ی مرکز اصلاحات قوانین برگزیده می‌شوند. هم‌چنین، کسانی که در سازمان‌های خارجی دیگری آموزش سازش دیده باشند^۲، می‌توانند به این سمت برسند.

با وجود نقش حساس میانجی‌گر در سازش، چنانچه طرف‌ها بخواهند بدون وجود میانجی‌گر به سازش دست یابند، این امر امکان‌پذیر است. به نظر حقوق‌دانان روسی، نخستین ملاقاتی که میان شرکت‌کنندگان در سازش برگزار می‌شود، این امر را روشن خواهد کرد که آیا آنان خواهان میانجی‌گر اند یا خیر. با وجود این، امتیاز داشتن یک میانجی‌گر باید برای آن‌ها توضیح داده شود و نقش سازش‌گر در آسان کردن مذاکره و گفت‌وگوئی آنان نیز باید تبیین شود.

همانگونه که گفته شد، در روسیه، میانجی‌گران معمولاً از میان افراد متخصص که آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند و بویژه در قبال خدمت خود انتظار دریافت پولی نداشته باشند، برگزیده می‌شوند. با وجود این، باید منابع کافی و منابعی برای تأمین هزینه‌های سازش و میانجی‌گران در نظر گرفت. زیرا، صرف آموزش داوطلبانه‌ی میانجی‌گر خود مستلزم هزینه‌هایی است که باید فراهم شود. در روسیه، برای فراهم کردن هزینه‌ها، تمهیدهایی از رهگذر پشتیبانی مالی طرف‌های درگیر در اختلاف یا از جانب سازمان‌های دولتی اندیشیده شده است.^۳ آنچه در روش‌های مصالحه و سازش مهم است، دستیابی طرف‌های درگیر به توافق است. میانجی‌گر و نه هیچ فرد دیگری بدون توافق طرف‌های درگیر از آنان در خواست امضای سند

1. Ibid; p. 3.

۲. مدت این دوره نباید از ۳۰ ساعت کم‌تر باشد.

3. Ibid; p. 7-8

سازش را نمی‌کند. ولی، در صورت توافق، سند سازش باید به امضای بزه‌دیده و مجرم برسد. بنابراین، اجرای موفقیت‌آمیز یک سازش، به حسن نیت و توافق طرف‌ها بستگی دارد. برای دستیابی به چنین توافقی، بزه‌دیده نباید فکر انتقام را در ذهن خود بپروراند.

باید توجه کرد، همیشه جبران خسارت یا پرداخت غرامت راه‌حل نهایی نیست، بلکه طرف‌ها می‌توانند جانشین مناسب دیگری برای آن بیابند هر چند کیفیت بالایی نداشته نباشد. برای نمونه، چنانچه متخلف کودکی باشد که اتمبیل بزه‌دیده را کثیف کرده است، می‌تواند اتمبیل او را شسته و تمیز کند. حتی ممکن است چنین کودکی مجبور شود برای جبران خسارت بزه‌دیده، هدیه‌ی تولد خود را از دست بدهد. در وضعیت کنونی، گسترش روش‌های مختلف مصالحه و سازش از رهگذر گونه‌های متنوع جبران خسارت در روسیه ضروری شناخته شده و حقوق‌دانان این کشور خواستار بازنگری قوانین موجود در این راستا شده‌اند.

گفتار دوم: ارزیابی نتایج

حقوق‌دانان و صاحب‌نظران روسی برنامه‌های سازش را در کاهش جمعیت زندان‌های خود مؤثر دانسته‌اند. زیرا، که اجرای این برنامه‌ها میزان استفاده از بازداشت و زندان را محدود می‌کند. به نظر اینان، گسترش پرونده‌های ارجاع شده به سازش، اثری ملموس در کاهش میزان متهمان و محکومان محروم از آزادی به همراه دارد. تحقق این امر مستلزم استقرار یک نظام عدالت غیر تنبیهی (عدالت ترمیمی) است. اکنون در روسیه، تدابیر جایگزینی چون مراقبت اجتماعی^۱ و بازپروری اجتماعی^۲ به جای بازداشت در قبال متهمان نوجوان وجود دارد. این تدابیر با هدف باز اجتماعی کردن نوجوانان معمولاً با برنامه‌های سازش همراه می‌شوند و کارایی و آثار خوبی نیز دارند. بنابراین، برنامه‌های سازش در روسیه - بویژه در مورد کودکان و نوجوانان - نقشی اصلاحی دارند. مهم‌ترین مشکل این برنامه‌ها این است که اصول و شگردهای فرایند کیفری در آن‌ها با فرایند کیفری بزرگ‌سالان تفاوت دارد. در نظر حقوق‌دانان روسی، مانع عمده در راه روش‌های مصالحه و سازش، سنباست جنایی نامعقول روسیه است که بر مبنای افزایش سزادهی جهت‌گیری شده است.^۳

1. social guardianship

2. social rehabilitation

3. Ibid; p. 4.

ولی، ارزیابی‌های منفی نگرانه‌ای نیز از برنامه‌های سازش ارائه شده است. از جمله، دست - اندرکاران عدالت کیفری روسیه نگران‌اند که این برنامه‌ها مشکلاتی در اجرای عدالت ایجاد کند و باعث گسترش جرم‌ها شود. در پاسخ به این نگرانی‌ها و برای کاهش آن، محدودیت‌هایی برای روش‌های مصالحه و سازش ترسیم شده است:

نخست، پرونده‌های مرتبط با جرم‌های سازمان‌یافته به سازش ارجاع داده نمی‌شوند. هم‌چنین، ارجاع پرونده‌هایی چون تجاوز به عفت به سازش، به ندرت صورت می‌گیرد؛ دوم، چنانچه بکارگیری روش سازش باعث ورود فشار به بزه‌دیده شده و سبب گردد تا بزهکار از پذیرش مسؤولیت خود شانه خالی کند، باید از آن پرهیز کرد. چنین وضعیت‌هایی ناشی از شرایط و اوضاع - و - احوال خاصی است که از برنامه‌های سازش خارج است و به ندرت با تهدید و فشار ادامه می‌یابد.

نگرانی دیگر درباره‌ی سازش این است که اگر سازش نقش مثبتی در خاتمه دادن به دعواهای کیفری دارد، آیا نقش دادگاه به عنوان یک نهاد مستقل و بی‌طرف در دادرسی‌های متناسب قانونی از میان نرفته است؟ تحقق دادرسی مناسب قانونی با توجه به تضمین‌های معمول در آیین دادرسی و رعایت حقوق متهمان - بویژه در مورد کودکان و نوجوانان - حساسیت و اهمیت بسیاری دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که چنین تضمین‌هایی را نیز باید در سایر گونه‌های رسیدگی‌های مرتبط با پرونده‌های کیفری - بویژه در پرونده‌های کودکان و نوجوانان - به کار گرفت.

نگرانی دیگر به شخص میانجی‌گر یا سازش‌گر مربوط می‌شود. زیرا، با توجه به اینکه میانجی‌گر از نظارت‌های رسمی خارج است، این احتمال وجود دارد که از مسیر امانت و درستکاری نسبت به شرکت‌کنندگان در سازش یا فراتر نهاده و مرتکب یک رفتار غیرقانونی شود. به همین دلیل باید نهایت دقت را در گزینش افراد آموزش‌دیده و دارای صلاحیت برای این سمت به کار گرفت.^۱

با توجه به این مسایل، حقوق‌دانان و صاحب‌نظران روسی بازنگری در قوانین موجود و تصویب قوانین جدیدی را در زمینه‌ی روش‌های مصالحه و سازش در روسیه ضروری دانسته‌اند. در نظر آنان، این قوانین باید شرایط قانونی متناسبی برای آیین‌های سازش فراهم کرده و

1. Ibid; p. 5-7.

طبقه‌بندی مشخصی از دعوای و پرونده‌های مشمول سازش و وضعیت‌هایی که در آن سازش امکان‌پذیر نیست، ارائه کنند.

باری، امروزه بکارگیری روش‌های مصالحه و سازش به جای مجازات‌های سنتی، تا اندازه‌ی بسیاری پذیرفته شده است. روش‌های مصالحه و سازش در مقایسه با مجازات‌های سنتی - همچون انواع محرومیت از آزادی - که به طور عمده نامنصفانه و خشن اند، مؤثر و منصفانه‌تر به نظر می‌رسد. وانگهی، در مورد مجازات سالب آزادی - به عنوان متداول‌ترین پادزهر پدیده‌ی مجرمانه - این باور وجود دارد که زندان زمینه را برای یادگیری رفتارهای مجرمانه فراهم می‌کند. بدین ترتیب، برنامه‌های سازش با ایجاد شرایطی برای پذیرش مسؤلیت رفتار ارتكابی از رهگذر جبران زیان وارده یا اصلاح رفتار مجرم، جایگزین مؤثری برای زندان به شمار می‌رود.

مبحث پنجم: میانجی‌گری در لهستان

روش‌های مصالحه و سازش در لهستان، طبق قانون «دادرسی‌های کودکان و نوجوانان» مصوب ۲۶ اکتبر ۱۹۸۲ پذیرفته شده است. ماده‌ی ۲۱ این قانون، هدف‌ها و اصول دادرسی در زمینه‌ی اجرای فرایند سازش را پیش‌بینی می‌کند. طبق این ماده، «رسیدگی در دادگاه شروع نمی‌شود مگر آن که اِعمال مجازات مناسب باشد».

مبنای دیگر روش‌های مصالحه و سازش در این قانون، ماده‌ی ۶/۲ است که به قرار دادن مجرم تحت تدابیر آموزشی - مانند پذیرفتن الزام به جبران خسارت و عذرخواهی از بزه‌دیده - مربوط می‌شود. طبق این قانون، سازش بخشی از فرایند کیفری در مرحله‌ی دادرسی و محاکمه محسوب می‌شود که در چارچوب ساز - و - کارهایی چون «تعویق مشروط اجرای مجازات»، «آزادی مشروط» یا «تحمل محکومیت بیرون از مؤسسه» جلوه‌گر می‌شود. هم‌چنین، در طول محاکمه (دادرسی)، یک سلسله تدابیر آموزشی - تربیتی، در وهله‌ی نخست برای پذیرفتن الزام ضرورت جبران خسارت و عذرخواهی از بزه‌دیده، به کار گرفته می‌شود.

ماده‌ی ۷۹ قانون ۱۹۸۲ جایگزین کردن یک سلسله اقدام‌های آموزشی را ضمن اجرای محکومیت پیش‌بینی می‌کند. که به عقیده‌ی حقوق‌دانان لهستانی، این ماده نیز می‌تواند مبنای دیگری برای نهاد سازش و مصالحه در لهستان قرار گیرد. هم‌چنین، آنان معتقد - اند که هر چند قانون ۱۹۸۲ به تدابیر سازشی در قبال نوجوانان بزه‌کار و آن هم در مرحله‌ی دادرسی و محاکمه

اختصاص یافته، هدف این قانون گردآوری داده‌های تجربی سودمندی درباره‌ی بکارگیری آیین سازش و مصالحه در مرحله‌های مختلف یک فرایند کیفری است.^۱

گفتار نخست: هدف‌ها و امتیازها

قانون‌گذار لهستان، هدف خود از تصویب قانون ۲۶ اکتبر ۱۹۸۲ و اجرای برنامه‌های مصالحه و سازش را جای دادن این روش در پیکره‌ی نظام عدالت کیفری لهستان معرفی می‌کند. در نظر لهستانی‌ها، روش‌های مصالحه و سازش امتیازهای متعدد زیر را داراست:

۱. روش‌های سازشگرا، ساز - و - کار مناسبی برای جبران سریع زیان‌های وارد بر بزه‌دیده به شمار می‌روند، در حالی که تحقق این امر در چارچوب دادرسی‌های قضایی دشوار به نظر می‌رسد؛

۲. روش‌های مصالحه‌جویانه جایگاه مناسبی برای اجرای ساز - و - کار تضارذایی تلقی می‌شوند. بویژه، در خصوص نوجوانان، از درگیر کردن و تماس آنان با دادرسی‌های سنتی قضایی جلوگیری می‌کند؛^۲

۳. بکارگیری روش‌های سازش و مصالحه در قبال نوجوانان سبب می‌شود تا آنان، پیامدهای رفتار خود را بهتر درک کنند و در جبران آن بکوشند. بدین ترتیب، آنچه در این برنامه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، ارزش آموزشی «پذیرفتن مسؤلیت» در قبال رفتار ارتكابی است؛

۴. روش‌های مصالحه و سازش بهترین فرصت برای بهره‌مندی از مشارکت جامعه‌ی مدنی (مراجع و مقام‌های محلی) است و بنابراین، نمود بارزی از سیاست جنایی مشارکتی به شمار می‌رود؛

۵. با توجه به بالا بودن هزینه‌های اجرای مجازات‌ها در لهستان، صاحب‌نظران این کشور معتقد - اند که اجرای برنامه‌های سازشگرا - ای که با موفقیت همراه است، ضمن دزیرداشتن هزینه‌ی کم‌تر، نسبت به روش‌های رسیدگی سنتی، در هزینه‌های نظام عدالت کیفری

1. PRI- Information; Eastern and Central Europe and Central Asia, Reconciliation in the Juvenile Justice System in Poland, op.cit., p. 3.

۲. با توجه به مفاد قانون «دادرسی‌های نوجوانان» مصوب ۲۶ اکتبر ۱۹۸۲، اجرای روش‌های سازش و مصالحه، تنها در مرحله‌ی دادرسی (محاکمه) امکان‌پذیر شناخته شده است که هنوز با هدف نهایی روش‌های مصالحه - یعنی برهیز از رسیدگی‌های سنتی قضایی و تحقق ساز - و - کار تضارذایی - فاصله دارد.

صرفه‌جویی بسیاری خواهد کرد.

گفتار دوم: شرایط، آثار و چگونگی اجرا

به‌طور کلی، در اجرای روش‌های مصالحه و سازش، میانجی‌گر - و در لهستان، قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده - نقش حساس و بسزایی دارد. قاضی پرونده، طبق قانون ۲۶ اکتبر ۱۹۸۲، باید همه‌ی واقعیت‌ها و اوضاع - و - احوال پرونده‌ی نوجوان را در نظر گرفته و تجزیه و تحلیل کند و حکم صادره‌ی خویش را بر این اساس استوار سازد. بدین ترتیب، قاضی رسیدگی‌کننده نقش حساس و مهمی در اجرای سیاست فردی کردن قضایی و اکتشای اتخاذ شده در قبال نوجوان بزهکار بر عهده دارد.

هم‌چنین، نباید از نقش میانجی‌گر در اجرای موفقیت‌آمیز یک فرایند سازش غافل ماند. آنچه در وهله‌ی نخست مهم به نظر می‌رسد، این است که میانجی‌گر باید از میان افراد متخصص - چون حقوق‌دانان یا وکیلان، مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان یا متخصصان علوم تربیتی - برگزیده شود. ممکن است میانجی‌گر فردی باشد که تجربه‌های مثبتی در کار با کودکان و نوجوانان داشته باشد و بویژه در این زمینه آموزش دیده باشد.

وظیفه‌ی میانجی‌گر این است که به هر دو طرف درگیر در پرونده توجه کند. در پرونده‌های کودکان و نوجوانان، معمولاً او ابتدا با کودک یا نوجوان بزهکار ارتباط برقرار می‌کند. در این مقطع، لازم است که تا بزهکار را از برنامه و محتوای آن آگاه کند.

از دیگر وظایف میانجی‌گر این است که گزارشی از کار خود را به دادگاه ارائه کند. این مسأله بویژه در پرونده‌های نوجوانان بزهکار که در آن‌ها قاضی موظف به رعایت قاعده‌ی فردی کردن و اکتشای اتخاذ شده‌ی مناسبی نسبت به کودک است، اهمیت بسیاری دارد.

میانجی‌گر هم‌چنین پس از ملاقات با مجرم و آغاز سازش، در جلب نظر او نسبت به جبران خسارت از بزه‌دیده همت می‌گمارد.

از دیگر نکته‌های مهم در پرونده‌های کودکان و نوجوانان، جلب رضایت آنان برای شرکت در برنامه‌ی سازش است. در صورت موافقت بزهکار با شرکت در برنامه، میانجی‌گر ملاقاتی با بزه‌دیده ترتیب می‌دهد و اطلاعاتی درباره‌ی برنامه‌ی سازش و امتیازهای آن - بویژه جبران

1. *Ibid*; p. 2.

خسارت - در اختیار او می‌گذارد. سپس، میانجی‌گر ملاقاتی دوباره با مجرم ترتیب می‌دهد. هدف از این ملاقات دوباره، گوشزد کردن انتظارات بزه‌دیده از پرداخت خسارت و کسب دیدگاه مجرم در این مورد و جلب رضایت وی برای ادامه یافتن برنامه است.

در صورت توافق میان طرف‌های درگیر، این بار نوبت به ملاقات مجرم و بزه‌دیده می‌رسد. در این مرحله، هدف این است که طرف‌های درگیر با کمک میانجی‌گر به توافق و راه‌حلی دست یابند که هر دو طرف راضی باشند. در این ملاقات، دو طرف فرصت دارند که دیدگاه‌های خود را در مورد حادثه مطرح کرده و چنانچه پرسش‌هایی درباره‌ی جرم ارتکابی و آسیب‌ها و صدمه‌های وارده در نظر دارند، بپرسند و در مجموع، در مورد شیوه‌ی حل - و - فصل اختلاف خود مذاکره و گفت - و - گو کنند.

وظیفه‌ی میانجی‌گر در این مرحله آن است که بحث‌ها و گفت - و - گوهای دو طرف را به‌طور منظم و پیوسته دنبال کند. در صورتی که طرف‌ها در نخستین ملاقات به توافق لازم نرسند، میانجی‌گر می‌تواند وقت دیگری برای ملاقات دوباره‌ی آنان تعیین کند. ولی، در صورت توافق طرف‌های درگیر، توافق آنان به شکل کتبی ثبت می‌شود.

در مورد نوجوانان بزهکار، آنچه اهمیت دارد، این است که خود بزهکار و نه پدر و مادر و اولیای او، باید پیامدهای جرم را متحمل شود و بر تعهدهای ناشی از توافق سازشگرانه‌ی خود با بزه‌دیده پای‌بند باشد.

بدین ترتیب، چنانچه روش‌های مصالحه و سازش را به عنوان شکلی متحول از واکنش‌های اجتماعی در قبال جرم ارتکابی بپذیریم، می‌توان گفت که این نکته، یکی از مصدق‌های بارز اصل شخصی بودن واکنش اجتماعی به شمار می‌رود؛ چه، تقیصه‌ی آثار نامستقیم مجازات‌ها بر خویشان و اطرافیان مجرمان، همواره از محدودیت‌های ناظر بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها دانسته شده است.

با گذشت مدت زمان معینی از توافقی به دست آمده میان طرف‌ها، میانجی‌گر اجرای تعهدهای ناشی از سازش را بررسی و تأیید می‌کند. میانجی‌گر سپس گزارش مکتوبی از نتایج سازش تهیه می‌کند و برای دادگاه می‌فرستد و دادگاه نیز بر اساس این گزارش، تصمیم‌گیری می‌کند.

1. *Ibid*; p. 3-5.

فصل سوم

تعليق مراقبتي فشرده^۱

مبحث نخست: مفهوم، ویژگی‌ها و تاریخچه

گفتار نخست: مفهوم و ویژگی‌ها

از آنجا که هدف از نظارت به عنوان یک تدبیر اصلاحی-اجتماعی، بکارگیری تدابیر پشتیبان نسبت به مجرمان بیرون از محیط رسمی زندان یا مؤسسه‌های اصلاحی-تربیتی است، این نظارت می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام گیرد: نظارت ممکن است ساده و بدون تحمیل شرایط فوق‌العاده باشد؛ از جمله آنکه مجرم موظف باشد هر ماه خود را به پلیس یا سایر ارگان‌های رسمی مسؤول معرفی کرده و گزارشی از حضور خویش در حوزه قضایی، محل کار و غیره ارائه کند. در مقابل، ممکن است مشدد یا فشرده باشد؛ هم‌چنان که ممکن است موضوع، نظارت بر بهره‌ور آزادی مشروط یا تعليق مراقبتي باشد.^۲

برنامه‌های نظارت فشرده شیوه‌ای از نظارت است که مستلزم سطح بالایی از تماس مجرم با مأموران اصلاح و مراقبت و نیز اعضای جامعه است. به گونه‌ایکه می‌دانیم، هدف این نهاد تحمیل مجازاتی است که از زندان سبک‌تر و از تعليق مراقبتي ساده شدیدتر باشد. در اغلب برنامه‌های تعليق مراقبتي فشرده، شمار کم‌تری از مجرمان به مأموران مراقبت سپرده می‌شوند و نظارت از نزدیک نیز بر مجرمان بیش‌تر بوده و به اجرای مطلق برنامه تأکید می‌شود. شیوه‌ی

1: intensive probation supervision or intensive supervised probation

۲. تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۲۰-۳۱۹

نظارت در این برنامه‌ها نظارت الکترونیکی^۱ را نیز دربرمی‌گیرد.^۲

هر چند به طور دقیق نمی‌توان از جداکننده‌های شکل ساده‌ی تعلیق از شکل مشدد آن سخن گفت اما، به طور کلی مؤلفه‌های اصلی نظارت فشرده عبارت‌اند از:

۱. تماس‌های پیاپی ماهانه میان مأموران اصلاح و مراقبت و مجرمان؛
۲. توسل به یک سلسله الزامات از جمله آموزش‌های شغلی یا حرفه‌ای، کار، خدمات عمومی، آزمایش مواد مخدر یا درمان معتادان و در پاره‌ای از موارد محدودیت یا ممنوعیت در رفت و آمد.

همان‌گونه که گفته شد، تعلیق مراقبتی فشرده برای مجرمان در معرض خطری که زندان برای آنان نامناسب به نظر می‌رسد، طرح‌ریزی شده است. این برنامه‌ها برای فراهم کردن بالاترین حد نظارت و کمک به مجرم برای تغییر رفتار - اش (الگوهای منفی رفتار) در نظر گرفته می‌شود. رفتار مجرم از رهگذر بازدید در منزل یا محل کار، شرکت در جلسه‌های مشاوره، تماس با اعضای خانواده و مشاوران و در برخی موارد از رهگذر بازرسی، توقیف و ضبط اموال ناشی از ارتکاب جرم^۳ و بازداشت او مورد نظارت قرار می‌گیرد.^۴

بدین ترتیب، برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده امکان نظارت نزدیک بر مجرمان را به وسیله‌ی مأموران آموزش‌دیده و از رهگذر مشاوره‌های فردی - برای مصرف مواد مخدر، الکل، آسیب‌های روانی، خشونت خانگی، نظارت بر خشم و پرخاشگری و نظارت و درمان مجرمان جنسی - فراهم می‌کند.

در تعلیق مراقبتی فشرده، در برخی کشورها مانند آمریکا، گروه‌های ۱۵ تا ۴۰ نفری زیر نظر مأموران قرار می‌گیرند که این شمار به نسبت افرادی که تحت نظر مأموران در تعلیق مراقبتی ساده قرار می‌گیرند، کم‌تر است. گروه‌های زیر ۴۰ نفر تحت نظر دو مأمور که یکی از آن دو متخصص برنامه‌های بازپروری و رابط دادگاه محسوب می‌شود و مأمور دوم در امر نظارت تخصص دارد، قرار می‌گیرند. اداره‌ی گروه‌های ۴۰ نفره معمولاً به سه مأمور واگذار می‌شود.

1. electronic monitoring

۲. رکا: راجعاً به اصلی، مهرداد؛ درمان مواد مخدر و حبس‌های منزلی همراه با نظارت الکترونیکی: ارزیابی یکی از تدابیر اجتماعی جایگزین زندان، مجله‌ی حقوقی قضایی دادگستری، ش ۳۶، ص ۱۰۶.

3. seizure

4. Adurch Probation of Pima County, File: //A:\united, htm, p. 1.

به طور کلی، ملاک‌های مراقبت و نظارت شامل ۵ ملاقات هفتگی در مرحله‌های نخستین برنامه، محدودیت یا منع رفت و آمد همراه با ملاقات‌های پیاپی خانگی برای نظارت، تحقیق در مورد اشتغال، آزمایش‌های اتفاقی ادرار و آزمایش‌های بازدم الکل است. وسایل و تجهیزات این ملاک‌های حداقلی برای مأموران تعلیق مراقبتی فشرده عبارت است از:

۱. بی‌سیم برای پشتیبانی در وضعیت‌های میدانی؛
۲. الکل‌سنج؛
۳. وسایل دستی (حمل‌شدنی) بررسی آزمایش ادرار و کیست‌های آزمایش ادرار. هم‌چنین، نزدیک به نیمی از مأموران نیز با خود سلاح حمل می‌کنند.

گفتار دوم: تاریخچه

ضرورت توجه به شخصیت بزهکار و فردی کردن مجازات‌ها، قانین‌گذاران کشورهای مختلف را به سوی موج جدیدی از ضمانت‌اجراهای بینابین^۱ - بویژه پس از جنگ دوم جهانی - سوق داده است. هر چند تعلیق مراقبتی یا تعلیق مراقبتی عادی - که در آن مجازات زندان تعلیق شده و محکوم‌علیه در اختیار مددکار اجتماعی قرار می‌گیرد - در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تا اندازه‌ی بسیاری اهمیت و جایگاه خود را در میان جایگزین‌های سنتی حفظ کرده بود، برای برخی از مجرمان که به نظر می‌رسید باید از زندانی کردن آنان پرهیز شود، کافی به نظر نمی‌رسید و انتقادهایی را سبب شده بود. تعلیق مراقبتی فشرده یکی دیگر از این ضمانت‌اجراهای نوین است که در برخی از کشورهای اروپایی مانند اسکاتلند و بویژه در آمریکای شمالی مورد توجه مسئولان عدالت کیفری قرار گرفته است تا بدین وسیله، از یک سو بتوان از گسیل داشتن برخی از محکومان به زندان پرهیز کرد و از سوی دیگری نظارت و کنترل بیش‌تری بر این‌گونه افراد اعمال کرد.

هر چند انگلستان در سال ۱۹۶۰ و هلند در سال ۱۹۹۳ به شکل آزمایشی به تعلیق مراقبتی فشرده روی آوردند، به علت این‌که نتایج به‌دست آمده چندان امیدوارکننده نبود، آن را رها کردند. ولی، در آمریکا، این تجربه از لحاظ تقدم و تأخر زمانی اجرا با دو رویکرد و هدف متفاوت

1. intermediate sanctions

روبه‌رو بوده است. گام نخست در سال ۱۹۶۰ با هدف اجرای بهتر درمان اجتماعی^۱ و تعیین این مسأله که (۱) آیا شدت این نوع نظارت موجب کاهش بار تعلیق مراقبتی عادی می‌شود و (۲) آیا نظارت فشرده امکان موفقیت نظارت را در پیشگیری از تکرار جرم افزایش می‌دهد یا خیر؟، شروع شد.^۲ گام دوم که حیات دوباره‌ی این نوع نظارت به شمار می‌رود، از پایان دهه‌ی ۱۹۸۰ آغاز شد که این بار می‌توان مشکل افزایش جمعیت زندان، هزینه‌های آن و افزایش مجرمان جرم‌های جنایی را از دلایل اقبال دوباره به آن به شمار آورد.^۳

تعلیق مراقبتی فشرده، افزون بر صاحب‌نظران مسائل کیفری، توجه هر دو گروه سیاست‌گذاران را - اعم از لیبرال و محافظه‌کار - در سراسر ایالات متحده‌ی آمریکا بویژه در دهه‌ی ۱۹۹۰ به خود جلب کرد. از دیدگاه لیبرال‌ها، نظارت فشرده نمایانگر نوعی راهبرد پرهیز از زندان است بی آن که نسبت به جرم ارتكابی بی توجه بوده و مسامحه‌کارانه به نظر برسد. محافظه‌کاران نیز بر این عقیده اند که با توسل به این شیوه، این امکان را فراهم می‌کند که با پرهیز از افزایش مخارج کلی اصلاح مجرمان، با آنان سخت‌گیرانه برخورد شده و بر میزان نظارت آنان افزوده می‌شود.

اتخاذ چنین دیدگاهی در ایالات متحده‌ی آمریکا سبب شد که در سال ۱۹۸۷، نزدیک به سه درصد جمعیت مجرمانی که تحت نظارت اصلاحی قرار گرفته بودند، در برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده قرار گیرند. در میان ایالت‌های مختلف آمریکا در سال ۱۹۸۱، ایالت جورجیا که از لحاظ میزان سرانه‌ی مجازات زندان مقام نخست را در سراسر جهان به دست آورده بود، فعالیت پیش‌تری را در توسل به جایگزین‌های جدید زندان معمول داشت. بی‌شک، تعلیق مراقبتی فشرده پیش‌تاز این نوع جدید از جایگزین‌ها بود که از نیمه‌ی سال ۱۹۸۲ در این ایالت اجرا شد. به گونه‌ای که خواهیم دید، هر چند ۴۵ ایالت آمریکا به تعلیق مراقبتی فشرده روی آورده‌اند، این ایالت‌ها از برنامه‌ی یکسانی در اجرای نظارت فشرده پیروی نمی‌کنند و ترتیب یا ترکیب اقدام‌های نظارتی و اصلاحی-درمانی، با توجه به شرایط موجود و ویژگی‌های بهره‌وران نظارت

1. community treatment

2. Clear, T. and Hardyman; the new intensive supervision movement, *Crime and Delinquency*; pp. 42-60.

3. غلامی، حسین، تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۳۲۰.

فشرده متفاوت است. در مجموع، می‌توان گفت که در دهه‌ی ۱۹۸۰، برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده در سراسر آمریکا افزایش چشمگیری پیدا کرد؛ تا آن‌جا که در آغاز دهه‌ی نود، تقریباً هر یک از ایالت‌ها گونه‌ای از آن را ایجاد و گسترش دادند. علت این گسترش را باید در تحقیقاتی که در زمینه‌ی کارایی آن انجام شد، جست‌جو کرد. بر اساس برخی از این پژوهش‌ها، تعلیق مراقبتی فشرده، از جمله به کاهش بسیار «بازداشت‌های دوباره»^۱ مجرمان منجر می‌شود؛ هر چند منتقدان همواره خاطرنشان کرده‌اند که داده‌های به دست آمده نمی‌توانند هدف‌های موردنظر را توجیه کنند.^۲ این مطالب به تفصیل در صفحه‌های بعدی بررسی می‌شود.

مبحث دوم: هدف‌ها و فواید

گفتار نخست: هدف‌ها

الف) هدف‌های اصیل (صریح)

به نظر می‌رسد که بیش‌تر جرم‌شناسان با این موضوع موافق باشند که هدف‌های رسمی و نخستین برنامه‌های نظارت فشرده عبارت‌اند از کاهش جمعیت زندان، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، پشتیبانی از امنیت عمومی و اعمال مجازاتی که بیش‌تر از تعلیق مراقبتی عادی جنبه‌ی تنبیهی و مداخله‌گرانه داشته باشد. در بررسی یکی از برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده در ایالت نیوجرسی آمریکا، هدف‌های این برنامه چنین توصیف شده است:

۱. بازنگری در چگونگی استفاده از امکانات محدود زندان از رهگذر آزاد کردن برخی مجرمان از زندان پس از گذشت سه یا چهار ماه از مدت محکومیت‌شان و نگهداری آنان در جامعه و در نتیجه، صرفه‌جویی در فضای زندان‌ها برای نگهداری مرتکبان جرم‌های مهم‌تر؛
۲. تنظیم برنامه به گونه‌ای که در مقایسه با زندان عادی، به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه و نیز مؤثر باشد؛

۳. پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه‌ی مجرمان شرکت‌کننده در برنامه در جزیان باز-یکپارچگی با اجتماع؛
۴. اعمال مجازات متناسب و متعادل ضمن مراقبت و نگهداری محکومان در جامعه و نه در

1. rearrest

۲. هاشمی‌بیگی، حمید؛ پروبیشن (تعلیق مراقبتی مجازات)؛ صص ۱۸۷-۱۸۰.

زندان.

طرح‌های نظارت فشرده، با مسامحه، «برنامه‌های درهای ورودی و خروجی» نامیده شده‌اند که منظور از آن، درهای زندان است. برنامه‌های گونه‌ی نخست، با هدف انصراف از زندان استفاده می‌شود و بدین ترتیب، به میزان فراوانی از ورود مجرمان به زندان پیشگیری می‌کنند. برنامه‌های گونه‌ی دوم امکان آزادی زودرس زندانیان را از زندان از رهگذر برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده فراهم می‌کند و در نتیجه، خروج زندانیان را از زندان، تسریع می‌کند.^۲

در توجیه این برنامه‌های دوگانه، چنین گفته شده است که اعمال آن‌ها موجب کاهش جمعیت زندان و صرفه‌جویی در بودجه‌ی عمومی از رهگذر جایگزین کردن نظارت فشرده‌ی کم‌هزینه به جای زندان پرهزینه و در عین حال، فراهم کردن آسایش عمومی به وسیله‌ی نظارت ارفاق‌آمیز می‌شود.

در آمریکا، بسیاری از ایالت‌ها - از جمله، آریزونا و نیویورک - برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی ایالت جورجیا را - که یکی از معروف‌ترین طرح‌های در ورودی به شمار می‌رود - الگوبرداری کرده‌اند. برنامه‌ی نیوجرسی را می‌توان شناخته‌شده‌ترین برنامه‌ی در خروجی دانست که مجرمان را از درون زندان با شرکت دادن در این برنامه - به بیرون از زندان منتقل می‌کند.^۳

ب) هدف‌های ضمنی

هدف‌های ضمنی تعلیق مراقبتی فشرده خود شامل چند مؤلفه است.

۱. هدف‌های نهادی

تعلیق مراقبتی فشرده موجب افزایش اعتماد به نهاد تعلیق مراقبتی می‌شود و جاذبه‌ی آن نیز بیش‌تر به علت همین واقعیت است. بسیاری از افراد جامعه - و در پاره‌ای از موارد نیز، برخی از

1. the entry and exit doors programmes

۲. برنامه‌های «در ورودی» اساساً بر پایه‌ی فلسفه‌ی تدابیر جایگزین زندان استوارند و در همین راستا، سعی در تبدیل محکومیت‌های زندان به تدابیر مستوفی جایگزین - مانند کار عام‌المنفعه - دارند. برنامه‌های «در خروجی» نیز با پیش‌بینی تدابیر مختلفی - همچون آزادی مشروط - هدف کوتاه کردن محکومیت‌های زندان را دنبال می‌کنند.

۳. پروپیشن (تعلیق مراقبتی مجازات)، صص ۱۹۲-۱۸۷.

محکومان - محکومیت‌های تعلیق مراقبتی را نصیحتی ساده تلقی می‌کنند. برخی بر این باورند که اگر تعلیق مراقبتی فشرده میزان اعتماد عمومی به نهاد تعلیق مراقبتی را افزایش دهد - هر چند در عمل به سایر هدف‌های رسمی خود دست نیافته باشد - باید آن را برای موفقیت آن کافی تلقی کرد.

۲. هدف‌های حرفه‌ای

از دیدگاه پژوهشگران، به نظر می‌رسد که برای مأموران تعلیق مراقبتی فشرده، این نهاد کیفی‌تری حس سردمندتر و مهم‌تر بودن را ایجاد کرده باشد. شواهد فراوانی در دست است که مأموران تعلیق مراقبتی برای برنامه‌های جدید نظارت فشرده ارزش بسیاری قائل‌اند.

در ایالت جورجیا، کارمندان اجراکننده‌ی برنامه‌ی نظارت فشرده مورد توجه ویژه‌ی مسؤولان مربوط قرار گرفته‌اند. این مأموران نیز با صرف انرژی بسیار و وقف خویش برای موفقیت برنامه، به این احساس پاسخ داده‌اند. هم‌چنین، منابع مالی جدید به مأموران تعلیق مراقبتی جورجیا اجازه داده است تا کار خود را بهتر انجام دهند. بیش‌تر آنان صادقانه معتقد بوده‌اند که تعلیق مراقبتی فشرده می‌تواند در سطحی گسترده در خدمت همه‌ی جامعه باشد. تردیدی نیست که منابع مالی بیش‌تر و اعتبار روزافزون به معنای توانایی اجرای بیش‌تر و بهتر برنامه خواهد بود.

۳. هدف‌های سیاسی

فراهم کردن برخی از هدف‌های سیاسی، آخرین فایده‌ای است که می‌توان برای تعلیق مراقبتی فشرده برشمرد. حقیقت این است که پاسخ به برخی از گرایش‌های سختگیرانه نسبت به جرم و ضرورت فراهم کردن منابع مالی برای مبارزه با آن، بسیاری از مسؤولان را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند. در برابر زندان‌های پر جمعیت و هزینه‌های سنگین ساخت زندان‌های جدید، تعلیق مراقبتی فشرده مسؤولان را توانا می‌کند تا به جامعه اطمینان دهند که ضمن صرفه‌جویی‌های مالی و مدنظر قرار دادن اقدام‌های پیشگیرانه‌ی ناظر به وقوع جرم، با جرم‌های ارتكابی نیز به شدت برخورد می‌شود.^۱

۱. همان، صص ۱۹۹-۱۹۸.

گفتار دوم: فواید

مهم‌ترین فواید این نوع نظارت را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. به مأمور تعلیق مراقبتی جهت مشاوره یا بهره‌ور تعلیق مراقبتی فرصت کافی می‌دهد تا او را به مراکز و کارگزاری‌های ارائه‌ی خدمات مربوط در مواقع ضروری هدایت کند؛
 ۲. به مأمور تعلیق مراقبتی اختیار و استقلال نظارت کافی را می‌دهد تا بدین وسیله با جلوگیری از ارتکاب جرم‌های جدید به وسیله‌ی بهره‌ور، از نظم عمومی پشتیبانی کند.
- این نوع نظارت در واقع روشی برای کاهش جمعیت زندانیان و انبوهی آنان در مراکز اصلاح و تربیت رسمی است. این امر بویژه در آمریکا که به شدت با پدیده‌ی پرجمعیتی زندان روبه‌روست، بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است.^۱

مبحث سوم: ارکان و ساختار اجرایی

گفتار نخست: ارکان

چنان‌که گفته شد، نظارت فشرده‌ی اجتماعی، در مقایسه با رژیم تعلیق مراقبتی عادی، معمولاً «تعلیق مراقبتی فشرده» نامیده می‌شود. ارکان کلیدی برنامه‌های تعبیه‌ی مراقبتی فشرده بسیار متفاوت‌اند و ترکیبی از موارد زیر را دربرمی‌گیرند:

۱. محدودیت یا منع رفت و آمد/ حبس در منزل (بدون نظارت الکترونیکی)؛
۲. محدودیت یا منع رفت و آمد/ حبس در منزل (همراه با نظارت الکترونیکی)؛
۳. شرایط ویژه‌ی مقرر به وسیله‌ی قاضی دادگاه (مانند اشتغال و مشاوره و...)
۴. نظارت گروهی؛
۵. نظارت و مراقبت از جهت مصرف الکل یا مواد مخدر؛
۶. پرداخت مبلغی به عنوان هزینه‌ی تعلیق مراقبتی؛
۷. مجازات‌های ضربتی؛
۸. نظارت اجتماعی؛
۹. جبران خسارت؛

۱. تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۳۲۲.

۱۰. ارزیابی نیازها.

امروزه، تأکید بر نظارت مجرمان - به جای تأکید بر اصلاح و درمان آنان - به عنوان عنصر مشترک موج جاری برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده شناخته می‌شود. در یکی از ارزیابی‌های انجام شده از طرح‌های تعلیق مراقبتی در یازده منطقه از ایالت‌های آمریکا، چند مؤلفه برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده عنوان شده است:

۱. طرح نظارت فشرده باید دارای هدف‌های مشخص و روشنی به عنوان بازتاب نیازها و علاقه‌های به‌روزان برنامه باشد؛
۲. طرح نظارت فشرده دارای محیطی پذیرا چه از نظر سازمان مادر و چه در ارتباط با کل سیستم - باشد؛
۳. سازمان مربوط رئیسی داشته باشد که با جدیت در خدمت هدف‌ها، ارزش‌ها و مسائل ضروری طرح قرار داشته و بتواند راهبردهای عملی در جهت ایجاد و وقوع تغییرات را به کار بندد؛
۴. طرح نظارت فشرده مدیری داشته باشد که با ایده‌ها و سلیقه‌های رئیس سازمان موافق بوده و از این ایده‌ها در جهت رهبری و هدایت فرایند اجرایی و عملی طرح سود ببرد؛
۵. کارورزان و مددکاران طرح نظارت فشرده را از آن خود بدانند، نه این‌که مجبور به مشارکت در آن شوند. به بیان دیگر، آن را از جان و دل بپذیرند، در گسترش آن شرکت کنند و دارای انگیزه‌ی حفظ یکپارچگی آن در طول فرایند تغییر باشند؛
۶. طرح نظارت فشرده سلسله مراتب روشنی داشته و ابهامی در مورد مسؤول هر کار وجود نداشته باشد؛
۷. پیشرفت و اجرای آن پیچیده و کلی نباشد؛
۸. سازمان دارای مدیران و مجریانی مطمئن و ثابت، جابه‌جایی کم در سطح کارمندان و منابع مالی کافی باشد.

گفتار دوم: ساختار اجرایی

بیش‌تر برنامه‌های نظارت فشرده بر اساس ملاک‌های ناظر به ماهیت جرم از یک سو و پیشینه‌ی کیفری مجرم از سوی دیگر تنظیم می‌شود. در ایالات متحده‌ی آمریکا، بهره‌وران برنامه‌های

۱. پرویشن (تعلیق مراقبتی مجازات)؛ صص ۲۰۵-۲۰۴.

تعليق مراقبتی فشرده از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت‌اند. در برخی از ایالت‌ها، مجرمان خشن از شمول این برنامه‌ها مستثنا‌اند، در حالی که در برخی دیگر از ایالت‌ها، این مجرمان بهره‌وران اصلی برنامه‌های تعليق مراقبتی فشرده را تشکیل می‌دهند. برنامه‌های نظارت فشرده دست‌کم در ۲۴ ایالت آمریکا تکرارکنندگان جرم و در ۶ ایالت مجرمان مواد مخدر را نیز شامل می‌شود. یکی از بررسی‌های انجام شده در سال ۱۹۹۰ نشان داد که بیش از ۲۵ هزار مجرم - از جمله ۳ درصد از کل محکومان تعليق مراقبتی - بهره‌ور برنامه‌های تعليق مراقبتی فشرده شده‌اند.^۱

چنان که گفتیم، برخی از برنامه‌ها - مانند برنامه‌ی نیوجرسی در ایالات متحده‌ی آمریکا مجرمان خشن را مستثنا کرده و از پذیرش آنان خودداری می‌کنند. برخی دیگر از این برنامه‌ها مصرف‌کنندگان مواد مخدر را نمی‌پذیرند. در برخی از حوزه‌های قضایی - مانند ایالت ماساچوست - مجرمان بر مبنای پیشینه‌ی کیفری‌شان از برنامه مستثنا نمی‌شوند. به بیان دیگر، پیشینه‌ی کیفری آنان در پذیرش‌شان تأثیر ندارد.

نکته‌ی مهم این‌که، نزدیک به ۶۰ درصد از برنامه‌های نظارت فشرده در آمریکا، مجرمانی را که شرایط حکم تعليق مراقبتی ساده را نقض کرده یا در اجرای آن ناکام مانده‌اند، مستثنا می‌کنند. شکل و ساختار برنامه‌های تعليق مراقبتی فشرده تا اندازه‌ی بسیاری با هم متفاوت است. این برنامه‌ها به طور عمده مستلزم ملاقات روزانه بهره‌وران با مأموران نظارت است. با وجود این، تحقیقات و بررسی‌ها، نوسان‌های بسیاری را در این برنامه‌ها نشان داده‌اند. برای نمونه، بر اساس یک پیمایش ملی در ایالات متحده‌ی آمریکا، در حالی که ۱۶ درصد بهره‌وران از برنامه‌های نظارت فشرده تقریباً درخواست ملاقات روزانه داشته‌اند، در ۱۳ درصد از این برنامه‌ها، تنها یک تا چهار درخواست ملاقات از سوی بهره‌وران در هر ماه مطرح شده است.

از این گذشته، تفاوت‌های بسیاری نیز در طول مدت و نوع تماس‌ها به چشم می‌خورد. در برخی از برنامه‌ها، تماس‌های روزانه طی شش ماه پایان می‌پذیرد؛ در حالی که در سایر برنامه‌ها، تماس‌های روزانه پس از ۹۰ روز خاتمه می‌یابد. در برخی از برنامه‌ها نیز، از تماس‌های رو-در-رو در منزل^۲ یا محل کار^۳ استفاده می‌شود. در سایر برنامه‌ها، بر تماس‌های تلفنی^۴، و ارسای‌های

1. Community Correction Punishment; p. 9.
2. face-to-face contacts at home
3. face-to-face contacts at work
4. telephone contacts

مربوط به رفت - و - آمد^۱ یا تماس‌های جنبی^۲ با خانواده، دوستان یا کارفرمایان، تأکید می‌شود.^۳

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در عمل، تماس‌های مستقیم فزاینده‌ای میان بهره‌وران و مأموران ناظر بر تعليق مراقبتی در این برنامه‌ها وجود دارد؛ به گونه‌ای که، می‌توان گفت تماس‌های رو-در-رو میان بهره‌ور و مأموران اصلاح و مراقبت، از ویژگی‌های اصلی برنامه‌های تعليق مراقبتی فشرده محسوب می‌شود. هم‌چنین، بسیاری از این برنامه‌ها سایر گزینه‌های بینابین - مانند نظارت الکترونیکی و حبس در منزل - را با تماس‌های بهره‌ور-مأمور ترکیب می‌کنند.

از این گذشته، شیوه‌های نامستقیم مراقبت^۴ نیز با برنامه‌های تعليق مراقبتی فشرده ترکیب می‌شوند. بسیاری از مواقع، مجرمان ملزم به معرفی خود برای انجام آزمایش‌های اذکار می‌شوند. در پایان یادآور شویم نوع و سطح تکالیفی که دادگاه برای مجرمان یعنی کسانی که مقررات تعليق فشرده را نادیده گرفته‌اند تعیین می‌کند، بسیار متفاوت است. مجرمان اغلب به پرداخت جریمه‌ی نقدی، رعایت محدودیت‌های اجباری رفت - و - آمد و انجام خدمات عام‌المنفعه ملزم می‌شوند. شرایط این الزام‌ها و تکالیف نیز با هم فرق دارند.^۵

مبحث چهارم: انواع

گفتار نخست: تعليق مراقبتی فشرده ناظر به مجرمان مواد مخدر

مجرمان مواد مخدر در سطح گسترده‌ای بر نظام عدالت کیفری و بویژه اصلاحات اجتماعی تأثیر می‌گذارند. بررسی‌ها نشان داده است که بیش از یک و نیم میلیون نفر از بهره‌وران برنامه‌های تعليق مراقبتی فشرده را مجرمان مواد مخدر - اعم از مصرف‌کنندگان و فروشندگان - تشکیل می‌دهند. بر اساس این پژوهش‌ها، بسیاری از مجرمان در دوران نظارت مصرف‌شان را ادامه داده‌اند. از این گذشته، مصرف مواد مخدر با میزان بالای ارتکاب جرم در ارتباط بوده است.

از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افزایش موارد درمان اعتیاد به مواد مخدر به نظام عدالت کیفری بستگی دارد و برنامه‌های تعليق مراقبتی‌ای که درمان را با نظارت فشرده ترکیب

1. curfew checks
2. collateral contacts
3. Criminology, p. 529.
4. indirect methods of observation
5. Preventing Crime; p.364.

می‌کنند، توانایی کاهش تکرار جرم، لافل به میزان نظارت ساده، در تعلیق مراقبتی را دارند. اما، از آن‌جا که چالش اصلی دست - اندرز - کاران تعلیق مراقبتی فشرده، چگونگی برخورد با مجرمان مواد مخدر است، در بسیاری از کشورها، دست - اندرز - کاران عدالت کیفری با اجرای رژیم تعلیق مراقبتی فشرده به مصاف این چالش رفته‌اند.

برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی درمان مواد مخدر، مجرمان را در چارچوب گروه‌های چندنفره - میان ۱۵ تا ۴۰ نفر - قرار می‌دهند که مشارکت آنان در کار، پذیرش آزمایش‌های اتفاقی ادرار و الکل و انجام خدمات عام‌المنفعه را ایجاب می‌کند.

طرفداران این برنامه‌ها معتقدند که نظارت فشرده بر درک و برداشت مجرمان از توانایی نظام عدالت کیفری در کشف و مجازات رفتار مجرمانه‌ی آنان و در نتیجه، بر بازدارندگی فردی یا خاص آنان تأثیر خواهد گذاشت.

هم‌چنین، نظارت فشرده باید احتمال شناسایی و بازداشت مجرمانی را که این بازدارندگی بر آنان تأثیر نکرده است، افزایش دهد. اگر این روش هشدار برای بازداشت تکرارکنندگان جرم باشد، نظارت بر جرم و «توان‌سازی»^۱ نیز انجام خواهد شد. در نهایت، از آن‌جا که شرکت‌کنندگان در این برنامه‌ها به مشارکت در کار و برنامه‌های درمانی تشویق و اغلب ملزم می‌شوند، بازپروری مجرم نیز تحقق‌پذیر خواهد بود.

با این‌همه، باید توجه کرد که واقع‌گرایانه بودن چنین نتایجی اکنون آشکار نیست. هر چند تاکنون صدها برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده اجرا شده، تنها شمار کمی از آن‌ها ارزیابی دقیق شده‌اند. یکی از دقیق‌ترین این ارزیابی‌ها را سازمان ملی دادگستری و اداره‌ی معاضدت دادگستری ایالات متحده‌ی آمریکا انجام داده‌اند. اداره‌ی معاضدت دادگستری تصریح کرده است که حوزه‌های مجری طرح نظارت فشرده در موارد زیر اتفاق نظر دارند:

۱. طرح یک برنامه‌ی نظارت فشرده برای مجرمان بزرگ‌سال مواد مخدر؛
۲. انجام آزمایش‌های ادرار به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی نظارت فشرده؛
۳. اجرای نظارت فشرده در چارچوب یک برنامه‌ی تعلیق مراقبتی که شرکت‌کنندگان آن از میان افرادی که معمولاً در رژیم تعلیق مراقبتی به سر می‌برند، گزینش می‌شوند.

۱. ناتوان‌سازی نیز یکی از مؤلفه‌های نظریه‌ی کاهش جرم است و به موجب آن، با تحمیل مجازاتی فیزیکی، موقت یا دائم بر مجرم، می‌توان از تکرار جرم پیشگیری کرد. بنگرید به: *Ibid*, p. 34

در برخی از حوزه‌های مجری طرح، مجرمان محکوم به یکی از جرم‌های مواد مخدر، برای شرکت در برنامه انتخاب می‌شوند. بیش‌تر شرکت‌کنندگان این برنامه‌ها، از نظر جنسیت، مرد و از جهت سن، میان ۲۰ تا ۳۰ سال بوده‌اند. هم‌چنین، بیش‌تر آنان پیشینه‌ی کیفری دارند؛ به گونه‌ای که، شمار میانگین پیشینه‌ی بازداشت‌ها از ۶ تا ۹ در نوسان بوده و حدود نیمی از آنان نیز در برخی از ایالت‌ها یک دوره‌ی محکومیت سنگین زندان را گذرانده‌اند.

ارزیابی این برنامه نشان می‌دهد که در عمل، رژیم نظارت فشرده از تعلیق مراقبتی عادی شدیدتر بوده است. میزان مشارکت در برنامه‌های مشاوره نیز به طور عمده میان ۳۲ تا ۱۰۰ درصد در نوسان بوده است.

در بررسی یکی دیگر از برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده در نیویورک، نتیجه‌ی آزمایش ادرار ۶۸ درصد از شرکت‌کنندگان - در وهله نخست برای کوکائین و ماری‌جوانا - مثبت بوده است. نتایج دیگر برنامه‌های مراقبتی فشرده‌ی درمان مواد مخدر در ایالت‌های آمریکا نشان می‌دهد که نتیجه‌ی آزمایش ادرار ۵۰ تا ۸۰ درصد بازداشت‌شدگان مرد، با توجه به رواج کوکائین در بسیاری از حوزه‌های مجری طرح، مثبت بوده است.

بدین ترتیب، درصد بالایی از موارد لغو این برنامه‌ها یا بازگشت شرکت‌کنندگان آن‌ها به زندان به افرادی مربوط می‌شود که نتیجه‌ی آزمایش‌هایشان مثبت بوده است. نزدیک به ۲۵ درصد از این مجرمان حکم «ارجاع به درمان» دریافت کرده‌اند.

ارقامی که ارائه شد، نشانگر این نکته‌اند که سیاست‌های هر یک از حوزه‌های مجری طرح متفاوت بوده است. به عنوان نمونه‌ای دیگر، در ایالت سیاتل، هنگامی که نتیجه‌ی آزمایش یکی از مجرمان مثبت می‌شد، دادگاه وی را به اتهام یک تخلف به یک دوره زندان کوتاه‌مدت (۱۵ روزه) محکوم می‌کرد. در هر صورت، با وجود اجرای برنامه‌های گوناگونی از تعلیق مراقبتی فشرده در آمریکا، در برخی از ایالت‌ها درصد بالایی از مجرمان مواد مخدر مورد درمان قرار نگرفتند.

با الگوبرداری از برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده در ایالات متحده‌ی آمریکا، نمونه‌های دیگری که در سایر نقاط دنیا اجرا شده‌اند، اغلب محکومان تعلیق مراقبتی‌ای را که درجه خطرناکی بالایی دارند انتخاب می‌کنند و به گروه کم‌تر خطرناکی که درمان نشده‌اند، توجه نمی‌کنند. در این میان، برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی مواد مخدر اصولاً برای ارائه‌ی تماس

رو-در-رو، آزمایش مواد مخدر و درگیر کردن مجرمان در برنامه‌های کاری و درمانی مناسب در نظر گرفته می‌شوند.

یافته‌های برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مجرمان برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده اغلب با پذیرش آزمایش ادرار، مشاوره‌های پیش‌تری دریافت کرده‌اند و سطح بالاتری از اشتغال - نسبت به هم‌تایان خود در تعلیق مراقبتی عادی - داشته‌اند. در مورد تکرار جرم نیز، نسبت بیش‌تری از محکومان تعلیق مراقبتی فشرده به دلیل مصرف مواد مخدر مرتکب تخلف شده‌اند. ولی، هیچ تفاوتی میان این دو گروه در تکرار بازداشت‌ها وجود نداشته است.

هم‌چنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که درصد تماس‌های نزدیک و آزمایش‌های مواد مخدر در این برنامه‌ها، بیش از برنامه‌های نظارت ساده بوده است. ولی، نتایج آزمایش‌های مواد مخدر در برنامه‌های نظارت فشرده و ساده، رقم مشابه‌ای را نشان داده است.

هدف نخستین برنامه‌های نظارت فشرده‌ی درمان مواد مخدر، کاهش تکرار جرم و بویژه کاهش مصرف مواد و در نتیجه کاهش اعتیاد است. طرفداران این برنامه‌ها امیدوارساند که مشاوره‌ها، آزمایش‌های مواد مخدر و تماس‌های رو-در-رو و نزدیک تکرار جرم را کاهش دهد. یافته‌های تحقیقات نشان داده است که نظارت فشرده تعداد افرادی که بازداشت شده‌اند، شدت و اهمیت جرم‌های بازداشت‌شدگان یا میزان سالانه‌ی بازداشت را کاهش نداده است.

هم‌چنین، بر اساس این یافته‌ها، احتمال بیش‌تری وجود دارد که محکومان تعلیق مراقبتی فشرده با ارتکاب تخلف به زندان بازگردند. این مطلب بویژه در مورد محکومیت‌های سالب آزادی صادق است. برای نمونه، در یکی از بررسی‌ها مشخص شد که ۳۹ درصد محکومان تعلیق مراقبتی فشرده - در مقایسه با ۲۸ درصد از محکومان تعلیق مراقبتی عادی - طی یک‌سال زندانی شده بودند. ظاهراً، میزان بالای زندان در برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی درمان مواد مخدر، اغلب به تخلف‌های فنی بالا بازمی‌گردد و نشان می‌دهد که هر چه نظارت، نزدیک‌تر و فشرده‌تر باشد، میزان کشف تخلف‌ها و جرم‌های احتمالی افزایش می‌یابد.

آیا این پیامدها نشانگر موفقیت یا ناکامی برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده است؟ این پرسش به موضوع بحث‌های صاحب‌نظران اصلاح‌گرا تبدیل شده است. به نظر برخی از اصلاح‌طلبان، اصلاحات اجتماعی باید به کاهش تکرار جرم منجر شود. با این همه، اکنون محقق شده است که برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی درمان مواد مخدر، شمار تخلف‌های فنی را افزایش خواهد

داد و با توجه به نوع ضمانت‌اجراهای تحمیلی، ممکن است شمار مجرمان زندانی را بسیار افزایش دهد. اعمال ضمانت‌اجراهای شدید و سنگین نسبت به مجرمان مواد مخدر، ممکن است هزینه‌های نظارت بر مجرمان را بالا ببرد. در صورت اتخاذ سیاست‌های سخت و شدید، نظارت فشرده می‌تواند افزایش هزینه‌ی سالیانه ۳۰ تا ۵۰ درصدی را برای هر مجرم به همراه داشته باشد. لذا برخی را عقیده بر این است که تنها در صورتی می‌توان این هزینه‌ها را توجیه کرد که برنامه‌های نظارت فشرده در وهله‌ی نخست به عنوان یک مجازات شدید به مجرمان خطرناک اختصاص یابد.

با در نظر گرفتن تمام این مسائل، می‌توان گفت که در صورت گزینش رژیم تعلیق مراقبتی فشرده در واکنش به مجرمان مواد مخدر، مجریان برنامه باید پیامدهای چنین برنامه‌هایی را - مانند تخلف‌های فنی و افزایش تعداد زندانیان - در نظر گرفته و ارزیابی کنند. آن‌ها هم‌چنین باید کاهش تکرار جرم را ارزیابی کنند و در نهایت، تحقق درمان نیز باید به عنوان مؤلفه‌ی اصلی برنامه مدنظر قرار گیرد.

گفتار دوم: تعلیق مراقبتی فشرده برای بزهکاران نوجوان و مجرمان

جنسی

الف) تعلیق مراقبتی فشرده برای بزهکاران نوجوان

امروزه، موفقیت نهاد نظارت فشرده به عنوان یک جایگزین اجتماعی برای نگهداری و پشتیبانی از نوجوانان در جامعه اثبات شده و بدین منظور، دادگاه‌های ویژه‌ی نوجوانان - برخوردار از حمایت‌های مورد نیاز - تشکیل شده است.

نظارت فشرده برای نوجوانان، یک رژیم تعلیق مراقبتی بسیار سازمان‌یافته با ویژگی‌های زیر است:

۱. اتکای بیش‌تر به بازدیدهای اتفاقی و بدون اطلاع. این بازدیدها ممکن است در خانه، مدرسه، پاتوق‌های معروف و محل‌های کار اتفاق بیفتد؛

1. Turner, Susan; Joan Prtersilia and Elizabeth Piper Deschenes; "Evaluating Intensive Supervision Probation/ Parole (IPS) for Drug Offenders", *Crime and Delinquency*, October 1992, Vol. 38, No. 4, pp. 539-556.

۲. توجه ویژه به شمار و انواع تماس‌های جنسی که دست - اندر - کاران اصلاح و تربیت با اعضای خانواده، دوستان و با دست - اندر - کاران سایر نهادها و مکان‌های مربوط برقرار می‌کنند؛

۳. استفاده‌ی بیش‌تر از طرح محدودیت یا منع رفت - و - آمد با اجرای دقیق‌تر و کم کردن ساعت‌های رفت - و - آمد؛

۴. استفاده‌ی بیش‌تر از سایر تدابیر اعمال کنترل؛ از جمله، حبس در منزل و نظارت الکترونیکی؛

۵. نظارت و مراقبت گسترده، به گونه‌ای که هفت روز هفته و ۲۴ ساعت یک شبانه‌روز را پوشش دهد.

مؤلفه‌های برنامه‌های نظارت فشرده‌ی نوجوانان عبارت اند از ضمانت‌اجراهایی که به شرح زیر درجه‌بندی می‌شوند:

۱. ضمانت‌اجراهایی که به عنوان پیامد فوری و مستقیم نقض شرایط و مقررات برنامه اجرا می‌شوند.
۲. جبران خسارت و اعاده‌ی وضع؛
۳. مشارکت و درگیر کردن پدر - مادرها در برنامه؛
۴. گسترش مهارت‌های جوانان؛
۵. فوری کردن ضمانت‌اجراها از رنگداز سازگاری و هماهنگ‌سازی آن‌ها با شخصیت مجرم و شرایط او.

برای پی بردن به لزوم بکارگیری یک رژیم نظارت فشرده در تعلیق مراقبتی، مأمور تعلیق مراقبتی باید روشی طبقه‌بندی شده اتخاذ کند. از آن‌جا که نظارت فشرده، بسیار وقت‌گیر است، باید به آن دسته از محکومان تعلیق مراقبتی اختصاص یابد که در معرض بالاترین خطر از جهت نقض حکم تعلیق مراقبتی قرار دارند.

برنامه «مؤسسه‌ی ملی پروژه طبقه‌بندی نهادهای اصلاحی - تربیتی»^۱ ایالات متحده‌ی آمریکا، یکی از معروف‌ترین برنامه‌های تعلیق مراقبتی نوجوانان است که بسیاری از دادگاه‌های کودکان و نوجوانان آن را پذیرفته اند. بر اساس یافته‌های تحقیقاتی این مؤسسه، می‌توان

1. the National Institute of Corrections Classification Project

متغیرهای زیر را پیشفرض رفتارهای مجرمانه‌ی آینده تلقی کرد:

۱. سن مجرم در نخستین محکومیت؛
۲. پیشینه‌ی رفتار مجرمانه (شمار و شدت و اهمیت پیشینه)؛
۳. شمار دفعه‌های اعزام به مؤسسه‌های نگهداری نوجوانان در گذشته؛
۴. مصرف مواد مخدر؛
۵. مصرف الکل؛
۶. روابط خانوادگی؛
۷. مسائل و مشکلات مدرسه؛
۸. روابط با همسالان.

برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده برای نوجوانان، بزهکارانی را پوشش می‌دهند که به عنوان بخشی از یک حکم تعلیق مراقبتی، به یک مؤسسه‌ی درمانی امن^۲ فرستاده می‌شوند. این گونه برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده با پذیرش و شور و شوق فراوانی در سال‌های اخیر رویه‌رو بوده است. حوزه‌های قضایی برخی از کشورها - از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا - برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ای را که موفقیت بیش‌تری از تعلیق مراقبتی با نظارت محدود داشته‌اند، پذیرفته‌اند. استفاده از تعلیق مراقبتی فشرده - به عنوان ساز - و - کاری برای بیرون کشیدن بزرگسالان از زندان - نیز بدون شک گسترش خواهد یافت. «هزینه‌ها و منافع»^۳ آشکار این برنامه‌ها، آن را به جانشین جذابی برای گونه‌های سنتی ضمانت‌اجراها - مانند زندان - تبدیل کرده است.

در آمریکا، برخی از پژوهش‌ها درباره‌ی نوجوانانی که مرتکب جرم‌های جنایی شده و نخست در برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده قرار گرفته بودند، نشان داد که «برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده‌ی نوجوانان» جانشین مؤثری برای زندان است؛ تا آن‌جا که، بر اساس این بررسی‌ها، سایر گونه‌های ضمانت‌اجراها در قبال نوجوانان محکوم به تعلیق مراقبتی - مانند آموزش مهارت‌های

1. Drowns, Robert W. and Karen M. Hess; Juvenile Justice; p.352.
2. secure treatment facility

۳. منظور از «هزینه و منافع» برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده نوجوانان این است که نتایج مثبت این برنامه‌ها، بیش از هزینه‌های سرمایه‌گذاری شده برای آن‌ها بوده است.

اجتماعی، مشاوره و برنامه‌های موسوم به در خروجی - ممکن است اثر بیشتری از خدمات تعلیق مراقبتی عادی نداشته باشد.^۱

تعلیق مراقبتی فشرده نوجوانان تحول و پیشرفتی در خدمات تعلیق مراقبتی سنتی محسوب می‌شود. در این برنامه‌ها، تماس‌های رو-در-روی بسیاری - معمولاً سه بار در هفته - میان مأمور تعلیق مراقبتی و نوجوان و خانواده‌ی او و نیز نظارت نزدیکی بر فعالیت‌های او و ارزیابی‌های بسیاری از پیشرفت وی وجود دارد. دستکم، ۳۰ درصد تماس‌های مأمور تعلیق مراقبتی با نوجوان، پس از ساعت‌های کاری و در پایان هفته صورت می‌گیرد.

تعلیق مراقبتی فشرده به عنوان حربه‌ی مؤثری برای برخی از بزهکاران نوجوان، تثبیت شده است. زیرا، اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه، از نگهداری پرهزینه نوجوانان در مؤسسه‌ها جلوگیری می‌کند. برای نمونه، هزینه نگهداری هر نوجوان در برنامه‌های نورثمپتون^۲، میان ۷۵ تا ۱۶۵ دلار در روز برآورد شده است.

کادر تعلیق مراقبتی نوجوانان - شامل مأموران تعلیق مراقبتی و نظارت - بزهکاران را تحت نظارت قرار می‌دهند. هر گروه دو نفره ممکن است حداکثر ۲۵ نوجوان را در هر مورد تحت نظارت قرار دهد. گروه‌های سه نفره نیز ممکن است بر حداکثر ۴۰ نوجوان در هر مورد نظارت کنند. مهم‌ترین کارهای گروه عبارت است از:

۱. نگهداری پیشینه‌ی هویت هر یک از جوانان تحت نظارت؛
۲. ملاقات با هر یک از شرکت‌کنندگان در برنامه دستکم ۴ بار در هفته و تماس هفتگی با پدر-مادر یا محافظ، مدرسه، کارفرما یا نظارت بر اجرای برنامه درمان؛
۳. نظارت بر رفتار هر محکوم تعلیق مراقبتی از جمله هنگام عصرها و پایان هفته و نیز نظارت بر پرداخت خسارت^۳.

یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین طرح‌های تعلیق مراقبتی نوجوانان، برنامه‌ای است که در اسکاتلند اجرا شده و بر پایه‌ی این فلسفه استوار است که بازداشت و زندانی کردن نوجوانان، مشکلات بسیاری را در رشد و بالندگی شخصی و تحول اجتماعی آنان رقم می‌زند و این

مشکلات در میزان تکرار جرم تأثیر بسزایی دارد. لذا، ارجاع بزهکار به برنامه نظارت فشرده به وسیله دادگاه یا بر اساس گزارش تحقیقی مددکار اجتماعی، بخشی از یک حکم تعلیق مراقبتی محسوب می‌شود. حکم تعلیق مراقبتی فشرده را مأمور نظارت اجتماعی پیگیری خواهد کرد و رعایت نکردن شروط آن، به نقض آن‌ها و لغو برنامه منجر خواهد شد. ارزیابی این برنامه نشان می‌دهد که هزینه‌ی آن بسیار ارزان‌تر از زندان است و از اجرای آن روابط کاری خوبی میان مؤسسه‌ها و نهادهای مرتبط با قضاوت به دست می‌آید. دادگاه عالی اسکاتلند نیز اعلام کرد که از چنین برنامه‌ای نه تنها برای پرونده‌های مشتمل بر جرم‌های خرد، بلکه در مورد پرونده‌های سنگین^۱ - یعنی جرم‌های مهم - نیز می‌توان بهره برد.

در پایان این بحث می‌توان گفت که تحقیقات کمی در زمینه‌ی تأثیر برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی نوجوانان به عنوان یک عامل بازدارنده از تکرار جرم وجود دارد.

امروزه، در بسیاری از منطقه‌ها، مانند بیش‌تر ایالت‌های آمریکا، سازمان‌های تعلیق مراقبتی نوجوانان فعالیت می‌کنند. این برنامه‌ها به منزله‌ی یک جانشین واقعی برای زندان یا دیگر گونه‌های ضمانت‌اجراهای نگهداری بیرون از خانه استفاده می‌شوند.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که بیش‌تر این برنامه‌ها - مانند برنامه‌ی بخش وین در دیترویت، میشیگان و برنامه‌ی بخش لوکاس در آهایو - جایگزین‌های مؤثر و به‌صرفه‌ای برای زندان بوده‌اند. این برنامه‌ها در سیاست‌گذاری اجرایی مورد تأکید بسیار قرار گرفته‌اند.

«رویکرد سنجشی» و «فلسفه‌ی عدالت ترمیمی» نیز در همین راستا راه‌های تازه‌ای برای ارائه‌ی خدمات تعلیق مراقبتی ایجاد کرده‌اند. «رویکرد سنجشی» از یک سلسله اصول مکمل - از جمله، پشتیبانی اجتماعی، پاسخگویی، و ایجاد مهارت و کاردانی - استفاده می‌کند. در حالی که، عدالت ترمیمی، مشارکت بزه‌دیده، بزهکار و اجتماع را در فرایند عدالت نوجوانان ارتقاء می‌بخشد. این دو مفهوم در یک مدل سنجشی و عدالت ترمیمی با هم ترکیب شده‌اند و بر اساس آن، عدالت هنگامی به بهترین شکل اجرا می‌شود که به جامعه، بزه‌دیده و جوان به یک اندازه توجه شود^۲.

۱. high tariff cases. منظور از پرونده‌های با تعرفه‌ی بالا جرم‌هایی است که به لحاظ شدت و اهمیت، در مقابل پرونده‌های مشتمل بر جرم‌های خرد قرار می‌گیرند.

2. Juvenile Delinquency; p. 605.

1. Juvenile Delinquency: Theory, Practice and law; p. 605.

2. Northampton

3. Juvenile Intensive Probation Supervision; File://A:\Jips. htm.

ب) تعلیق مراقبتی فشرده برای مجرمان جنسی^۱

تعلیق مراقبتی فشرده برای مجرمان جنسی پاسخی است به نیازمندی‌های قانونی نظارت تمام وقت بر برخی از مجرمان جنسی. در این برنامه، نظارت و درمان در سطوح بالایی از پاسخگویی و برای ایمن‌سازی جامعه در مقابل این‌گونه مجرمان ترکیب می‌شوند. بر اساس آخرین مدارک موجود، این برنامه در آمریکا از نوامبر ۱۹۹۸ در ایالت کلرادو اجرا شده است و تا پایان فوریه ۱۹۹۹، ۹ مجرم در این برنامه تحت نظارت قرار گرفته‌اند.^۲

مبحث پنجم: بررسی نمونه‌هایی دیگر از برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده

الف) برنامه‌ی جورجیا

برنامه نظارت فشرده‌ی جورجیا در ایالات متحده‌ی آمریکا که در سال ۱۹۸۲ اجرا شد، شامل مؤلفه‌های زیر است:

۱. تماس رو-در-رو در هفته؛
۲. ۱۳۵ ساعت خدمت عمومی اجباری^۳؛
۳. محدودیت الزامی رفت-و-آمد؛
۴. کار اجباری؛
۵. آزمایش‌های منظم و اتفاقی مواد مخدر و الکل^۴؛
۶. بازیابی هفتگی پیشینه‌ی توفیق‌ها؛
۷. تعیین یک مأمور تعلیق مراقبتی و یک مأمور ناظر برای هر ۲۵ نفر بهره‌ور یا یک مأمور تعلیق مراقبتی و دو مأمور ناظر برای ۴۰ نفر بهره‌ور (مأموران ناظر دارای پیشینه‌ی اشتغال در مؤسسه‌های اصلاحی-تربیتی یا دارای آموزش اجرای قانون‌اند و به بازیابی و بازرسی منازل، بازرسی سبیل و پیشینه‌های توقیف و انجام آزمایش‌های مواد مخدر و الکل و وظایف دیگر می‌پردازند)؛

1. Sexual Offenders Intensive Supervision Probation (SOISP)
2. Probation, Sex offender Intensive Supervision Probation; p. 2.
3. mandatory community service الزامی بودن انجام خدمات عمومی با شرط ضروری بودن جیل رضایت مجرم در صدور حکم کار عام‌المنفعه مناقات دارد.
4. Community Correction Punishments, *op. cit.*, P. 10.

۸. مأمور تعلیق مراقبتی فردی کردن درمان را تشخیص می‌دهد (برای نمونه، مشاوره، آموزش علمی یا فنی و حرفه‌ای برای مجرم)؛
۹. مأمور مربوط رابط میان دادگاه و مجرم است و به طور منظم پیشرفت مجرم را با توجه به یادداشت‌ها و مشاهده‌های خود و مأموران ناظر به دادگاه گزارش می‌کند.^۱

ب) برنامه‌ی کالیفرنیا

در کالیفرنیا نیز، پرونده‌های ویژه‌ی نظارت فشرده معمولاً از مجرمان الکلی و مواد مخدر، مجرمان جنسی، مرتکبان خشونت‌های خانگی یا باند‌های مجرم خشونت‌طلب^۲ تشکیل می‌شود.

مجرمان شرکت‌کننده در این برنامه‌ها، معمولاً چند ساعت در ماه در یک مؤسسه‌ی سکونتگاهی یا اصلاحی-تربیتی^۳ حضور می‌یابند و از آن‌ها آزمایش‌های اتفاقی ادرار به عمل می‌آید.

بسیاری از این مجرمان در انتظار محاکمه برای جرم‌های جنایی‌اند. چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، ایالت‌های آمریکا روش نظارت فشرده را با نظارت الکترونیکی ترکیب می‌کنند. برای نمونه، در برخی از برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده، برای مجرمان مواد مخدر - که در قالب ضمانت‌اجراهای درمانی بینابین اجرا می‌شود - درمان مواد مخدر در ترکیب با روش نظارت الکترونیکی نسبت به مجرمان معتاد به مواد مخدر صورت می‌گیرد.

پ) برنامه‌ی نیوجرسی

در برنامه‌ی تعلیق مراقبتی نیوجرسی، مجرمان را از زندان خارج کرده و تحت یک رژیم نظارت فشرده قرار می‌دهند. این برنامه در سال ۱۹۸۳، برای تحت پوشش قرار دادن بیش از ۵۰۰ مجرم - که پیش از ورود به برنامه، سه تا چهار ماه زندانی بودند - طرح‌ریزی شد. شرکت‌کنندگان در

۱. تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۳۲۳.
۲. violent gangs offenders دسته‌ها و گروه‌های خشونت‌طلب که مشخصه‌ی آنان، ارتکاب جرم‌های شدید است و بیش‌تر اعضای آن‌ها را جوانان دارای پیشینه‌ی کیفری، مجرد، کم‌سواد یا بیکار تشکیل می‌دهد.
3. residential or correctional facilities

این برنامه را زندانیان کم‌خطری تشکیل می‌دهند که هیأت قضات دادگاه عالی گزینش کرده‌اند. این طرح ۱۸ ماهه، به سه مرحله - همراه با آزادی نامشروط^۱ پس از پایان موفقیت‌آمیز برنامه - تقسیم شده است.

برنامه‌ی نیوجرسی به صورت شبانه‌روزی (۲۴ ساعته) و هفتگی اجرا می‌شود و مأموران ویژه‌ی آموزش‌دیده‌ی تعلیق مراقبتی - که به طور منظم، عصرها و روزهای پایان هفته با پرونده‌هایی محدود به ۲۵ نفر^۲ کار می‌کنند، آن را اداره می‌کنند.

در نخستین مرحله، مجرمان باید دست‌کم ۲۰ تماس ماهانه با مأمور تعلیق مراقبتی داشته باشند. هم‌چنین، یک محدودیت اجباری رفت - و - آمد همراه با بازدیدهای دیر هنگام شبانه از سوی مأموران نیز در برنامه وجود دارد. انجام ۶۰ ساعت خدمات عام‌المنفعه نیز الزامی است. برنامه‌ی نیوجرسی مستلزم آموزش شغلی است و رعایت نکردن شرایط مندرج در برنامه به فسخ آن و بازگشت به زندان منتهی می‌شود.

به طور خلاصه، می‌توان ویژگی‌های این برنامه را در نیوجرسی به شرح زیر بیان کرد:

۱. شرکت مجرم در برنامه‌ی نظارت به مدت ۱۸ ماه؛
۲. در طول ۱۴ ماه نخست، مأمور تعلیق مراقبتی هر ماه ۲۰ بار با بهره‌ور ارتباط برقرار می‌کند؛
۳. در طول ۶ ماه نخست برنامه، حداقل ۱۲ ملاقات رو-در-رو میان مأمور تعلیق مراقبتی و بهره‌ور باید به عمل آید؛
۴. میان ماه‌های ۱۵ تا ۱۸، بقیه‌ی ارتباطات میان مأمور و بهره‌ور باید با تلفن انجام شود؛
۵. چهار بازرسی از ۲۰ بازرسی، بازرسی الزام به اقامت در منزل است (که بر اساس آن، مجرم باید میان ساعت ۱۰ شب تا ۶ صبح در منزل باشد)؛
۶. مجرم باید به طور مرتب در طول برنامه مشغول به کار باشد؛
۷. مجرم باید تمامی جریمه‌ها و خسارت‌های بزه‌دیده را پرداخته و نسبت به جبران آن اقدام کند. هم‌چنین، باید هزینه‌های متفرقه در ارتباط با مخارج این برنامه را پرداخت کند؛

1. unconditional release

۲. شمار شرکت‌کنندگان که در هر پرونده‌ی تعلیق مراقبتی فشرده مستقر می‌شوند، معمولاً میان ۱۵ تا ۴۰ نفر است.

۸. بازرسی بدون برنامه‌ی پیشین نسبت به استفاده از مواد مخدر (با آزمایش‌های ادرار بدون برنامه‌ی پیشین) باید به عمل آید؛

۹. بهره‌وران هر مأمور تعلیق مراقبتی بیست و پنج نفراند؛

۱۰. انجام خدمات اجتماعی، که با توجه به شدت جرم ارتكابی مجرم و وضعیت شخصی او متفاوت است. میزان فعلی انجام خدمات اجتماعی در صورت امکان ۱۶ ساعت در ماه است؛

۱۱. وقایع هر روز باید به وسیله‌ی مأمور تعلیق مراقبتی ثبت شود تا چگونگی اجرای این برنامه را نشان دهد.^۱

شرکت در برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده‌ی نیوجرسی اختیاری است. لیکن، همه‌ی افرادی که مایل به شرکت‌اند، پذیرفته نمی‌شود. برای نمونه، میان سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ بیش از ۲۴۰۰ درخواست از سوی زندانیان ارائه شده که تنها کم‌تر از ۲۵٪ آن‌ها پذیرفته شده است. درخواست‌کنندگان باید حداقل ۳۰ روز در زندان نوع^۲ Jail^۲ بوده باشند. در سال‌های اخیر، این محدودیت برداشته شده است. با وجود این، تقریباً تمام زندانیان به‌طور متوسط ۴ ماه را در زندان باقی می‌مانند.^۳

ت) برنامه‌ی ماساچوست

یکی دیگر از نمونه‌های تجربی در این زمینه، برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده‌ی ماساچوست است که برای ارتقای حمایت اجتماعی از مجرمانی که معمولاً در برنامه‌ی تعلیق مراقبتی ساده قرار می‌گیرند، در نظر گرفته شده است.

در وهله‌ی نخست، به هر مجرم شرکت‌کننده اجازه‌ی ارزیابی نیازهایش داده می‌شود. سپس، مأموران تعلیق مراقبتی راهبردهای ویژه‌ی مداخله را گسترش داده و مراجعه‌های اجباری در زمینه‌های مورد نیاز - مانند درمان مواد مخدر یا الکل - را تنظیم می‌کنند. این برنامه مستلزم چهار تماس رو - در - رو و شش تماس تلفنی در هر ماه است. اشتغال

1. Champion, Dean. *Corrections in the United States*; p. 159.

۲. Jail به زندان‌های ایالتی و محلی گفته می‌شود که برای بازداشت موقت و یا زندان کم‌تر از یکسال در نظر گرفته شده است (به نقل از: تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۳۲۵).

3. *corrections in the United States*; p.159.

مجرم هر دو هفته یک بار تحقیق و بررسی شده و هر ماه یک بار از او در محل کار بازدید می‌شود.

ث) برنامه‌ی کارولینای جنوبی

این برنامه در سال ۱۹۸۴ در کارولینای جنوبی پذیرفته شد. بخش خدمات تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط و عفو کارولینای جنوبی مسئول تأسیس و اجرای این برنامه شد. هدف‌های نخستین این برنامه در کارولینای جنوبی عبارت بودند از: ۱. افزایش نظارت بر شرکت‌کنندگان؛ ۲. افزایش نظارت مأمور آزادی مشروط بر بهره‌وران؛ و ۳. دسترسی بیشتر تر به مجرمان. مهم‌ترین ویژگی‌های این برنامه عبارت‌اند از:

۱. هر بهره‌ور باید در هفته ۱۰ دلار بپردازد. با وجود این، اگر فردی امکان پرداخت آن را نداشت، نیز می‌تواند در این برنامه شرکت کند؛
۲. بهره‌وران تحت نظارت مأموران تعلیق مراقبتی قرار می‌گیرند. شمار بهره‌وران نباید بیش از ۳۵ نفر باشد؛
۳. ملاقات هفتگی اجباری رو-در-روی مجرمان با مأمور تعلیق مراقبتی و ملاقات آن دو با همسایه‌ها، دوستان، کارفرمایان و فراهم‌کنندگان خدمات تعلیق مراقبتی؛
۴. مأمور تعلیق مراقبتی کارولینای جنوبی به عنوان رابط میان بخش خصوصی و بهره‌وران جهت بالا بردن امکان اشتغال فعالیت می‌کند. بنابراین، مأموران تعلیق مراقبتی در موارد ضروری مشاوره‌هایی درباره‌ی اشتغال نیز ارائه می‌کنند؛
۵. بهره‌وران باید کار کنند یا در جست - و - جوی آن باشند؛
۶. مأموران تعلیق مراقبتی باید بدون برنامه‌ی پیشین (سرزده) از بهره‌وران بازدید کنند.^۱ در این برنامه، بهره‌وران با توجه به درجه‌ی خطرناکی و نوع نیازهای‌شان گزینش می‌شوند. مأموران تعلیق مراقبتی تلاش می‌کنند تا با توجه به نیازهای بهره‌وران، برنامه‌های تعلیق مراقبتی

1. Cavanaugh, Michael J; *Intensive Supervision in South Carolina: Accountability and Assistance; Corrections Compendium*; 17, pp.1-6 and *Corrections in the United States*; p. 160

(به نقل از: تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۳۲۵)

2. *Intensive Supervision in South Carolina*; pp.5-6.

را فردی کنند. مدت شرکت بهره‌وران در برنامه‌ی نظارت فشرده‌ی تعلیق مراقبتی کارولینای جنوبی از ۳ تا ۶ ماه است.

ممکن است مجرمان به وسیله‌ی نظارت الکترونیکی و دستبند یا پابند الکترونیکی برای ۳۰ روز نخست نظارت شوند. پس از گذراندن موفقیت آمیز این ۳۰ روز، آنان از این وسایل الکترونیکی رها شده و برای مدت ۶۰ روز تنها باید ارتباط کلامی داشته باشند. این ارتباط را کارکنان تعلیق مراقبتی، تلفنی در نوبات معینی انجام می‌دهند تا از اوضاع بهره‌ور آگاه باشند. مجرمان باید اطلاعات لازم را تلفنی در اختیار مأموران تعلیق مراقبتی قرار دهند.

ج) سایر برنامه‌ها

در بررسی‌های انجام شده از برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده در ایالت‌های اُریگان^۱، تگزاس و جورجیا، یافته‌های زیر به دست آمده است:

۱. تعلیق مراقبتی فشرده در کاهش جمعیت زندان‌ها ناکام بوده است؛
 ۲. تفاوت‌های بسیاری میان میزان تکرار جرم مجرمان شرکت‌کننده در برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده و عادی وجود ندارد؛
 ۳. هزینه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده بیش از آن چیزی است که در ابتدا، برنامه‌ریزی شده بود؛
 ۴. بر اساس گزارش مجلس کالیفرنیا، هزینه‌های تعلیق مراقبتی فشرده در این ایالت ۱۰ تا ۲۵ دلار در روز بوده است.
- مشاوره‌های بلندمدت و مهار تکرار جرم مجرمان جنسی و مجرمان اعتیادی مرتکب جرم‌های خرد^۲ در برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده، مستلزم «نگهداری پرهزینه‌ی خارج از خانه»^۳ می‌مجرم توسط خانواده‌ها، مؤسسه‌های بیمه و مقام‌های محلی است. این شیوه‌ی نگهداری ممکن است از توجه کافی به ضرورت درمان در خانواده و مشاوره بر مبنای یک روال عادی ناتوان باشد. شرکت‌کنندگان برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده را مجرمان در معرض خطر و معمولاً نوجوانانی تشکیل می‌دهند که در صورت شرکت نکردن در برنامه، حکم درمان

1. Oregon
3. out-of-home Placement

2. habitual petty criminals

سکونتگاهی خارج از خانه^۱ دریافت می‌کنند.

مأمور تعلیق مراقبتی - که برای ارائه‌ی خدمات نظارت فشرده گماشته شده است - می‌تواند از ساز - و - کارهایی چون هشدار زودرس^۲ یا کشف و مداخله‌ی احتمالی نقض شرایط برنامه استفاده کند. خدماتی که معمولاً در برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده فراهم می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. بازدید در مدرسه، در صورتی که بزهکار محکوم، نوجوان باشد؛

۲. کمک روانی - اجتماعی که درمان فردی و خانوادگی را فراهم می‌کند؛

۳. بازدیدهای مضاعف مأمور نظارت و بازدیدهای خانوادگی.

لازم است که مأموران ارائه‌کننده‌ی خدمات نظارت فشرده برای برآورد میزان پیشرفت و اطمینان یافتن از رعایت دستورهای دادگاه، بازدیدهای هفتگی انجام دهند. این مأموران برای تضمین رعایت شرایط درمانی مندرج در حکم دادگاه، از رهگذر خانواده یا دست - اندر - کاران مرکز مراقبت بهداشت روانی متمرکز بر خانه^۳ همکاری می‌کنند.

مبحث ششم: ارزیابی

در زمینه‌ی ارزیابی برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده، تاکنون بررسی‌های بسیاری شده است. برخی از ارزیابی‌ها میزان موفقیت این نوع برنامه‌ها را در حد بالایی گزارش کرده‌اند و برخی دیگر از ناکامی آن‌ها سخن رانده‌اند. بخشی از این ارزیابی‌ها درباره‌ی کارایی برنامه‌هایی است که اجرا شده و بخشی دیگر متوجه نظریه‌ها و تحقیقاتی است که درباره‌ی این نوع برنامه‌ها وجود دارد.

در رابطه با کارایی برنامه‌های نظارت جورجیا آمده است که مدل نظارت IPS جورجیا به دلیل کاهش میزان تکرار جرم در میان شرکت‌کنندگان این برنامه موفق بوده است. در مقایسه با مجرماتی که بهره‌ور آزادی مشروط بوده و سپس مرتکب تکرار جرم شده‌اند، میزان تکرار جرم افرادی که در برنامه‌های نظارت IPS شرکت داشته‌اند، با در نظر گرفتن درجه‌ی خطرناکی آنان بسیار کم‌تر است. با طبقه‌بندی درجه‌ی خطرناکی به خطرناکی پایین^۴، خطرناکی متوسط^۵،

1. out-of-home residential treatment order

2. early warning

4. low risk

3. home based mental health

5. medium risk

خطرناکی بالا^۱ و خطرناکی شدید یا حداکثر^۲، میزان محکومیت دوباره در این گروه‌ها به ترتیب ۲۵ درصد، ۱۶ درصد، ۲۸ درصد و ۲۶ درصد بوده است؛ در حالی که این میزان در میان گروه‌های دارای حالت خطرناکی بهره‌ور آزادی مشروط بسیار بالاتر بوده است.^۳ در سال‌های اخیر، مدل جورجیا به عنوان یک الگوی موفق در کاهش میزان تکرار جرم مورد تقلید بسیاری از ایالت‌ها قرار گرفته است.^۴ افزون بر آن، تقریباً ۱۰۰ مجرم بی‌هیچ‌گونه قید - و - شرطی از تحت نظارت آزاد شده‌اند و ۱۸۵ مجرم حداقل به مدت یک‌سال این برنامه‌ها را با موفقیت تمام کرده‌اند. میزان تکرار جرم افرادی که در این برنامه شرکت کرده‌اند، به گونه‌ی رضایت‌بخشی کم‌تر از ۳۰٪ بوده است.^۵

هم‌چنین، برنامه‌های نظارت فشرده‌ی کارولینای جنوبی موفقیت‌آمیز بوده است و در کاهش میزان تکرار جرم تأثیر چشمگیری داشته است. در سال ۱۹۹۱، تنها ۱۳٪ از ۲۰۰۰ بهره‌ور این برنامه‌ها از آن تخلف کرده‌اند. دو درصد از بهره‌وران تعلیق مراقبتی فشرده به علت ارتکاب جرم جدید مرتکب تکرار جرم شده‌اند. بهره‌وران آزادی مشروطی که در سال ۱۹۹۱ در این برنامه‌ها شرکت کرده بودند، ۸٪ مرتکب نقض شرایط این برنامه شدند؛ در حالی که دو درصد به دلیل ارتکاب جرم جدید از این برنامه تخلف کرده‌اند.^۶ بدین ترتیب، با در نظر گرفتن میزان معمولی ۳۰٪ تکرار جرم می‌توان به این نتیجه رسید که بر اساس این آمارها، برنامه‌های نظارت کارولینای جنوبی موفقیت‌آمیز بوده‌اند.^۷

افزون بر نتایج مدل‌های سه‌گانه‌ی بالا، تحقیقات دیگر نیز حکایت از موفقیت برنامه‌های تعلیق مراقبتی همراه با نظارت فشرده دارند. در سال ۱۹۹۰، پیترسیلیا و ترنر نتایج اجرای این

1. high risk

2. maximum risk

3. Erwin, Billie; turning up the heat on probationers in Georgia; *Federal Probation*; 50; pp. 17-24.

(به نقل از: تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ ص ۳۲۷)

4. Bayrne, James M. (Ed); intensive probation supervision: an alternative to prison in the 1980; *Crime and Delinquency* 36; pp. 3-19.

5. *Corrections in the United States*; p. 160.

6. *Intensive Supervision in Sout Carolina*; p. 161.

7. *Corrections in the United States*; p. 161.

برنامه‌ها را در سه شهر ایالت کالیفرنیا (کنتراکوستا^۱، ونتر^۲ و لوس‌آنجلس^۳) بررسی کردند. این محققان دریافته‌اند که مأموران تعلیق مراقبتی فشرده در راستای تقویت جهت‌دهی سالم مجرمان موفق بوده‌اند. ولی، در افزایش ارائه‌ی خدماتی همچون مشاوره و ایجاد اشتغال، کم‌تر موفقیت داشته‌اند. نتایج برنامه در لوس‌آنجلس و کونتراکوستا نشان می‌دهد که بهره‌وران این برنامه بیش از بهره‌وران تعلیق مراقبتی عادی احتمال تخلف از شرایط تعلیق مراقبتی را دارند. ولی، احتمال توقيف دوباره یا محکومیت آنان به زندان به دلیل ارتکاب جرم جدید بسیار کم‌تر از گروه دیگر است که بهره‌ور این برنامه‌ها نیستند^۴. با وجود این که دلیل روشنی که دلالت بر چرایی احتمال تخلف بیش‌تر این گروه از شرایط نظارت مشدد کند وجود ندارد، به نظر می‌رسد که محدودیت‌های فراوان ناشی از این برنامه‌ها و نظارت افزون‌تر علت اصلی افزایش درصد تخلف از آن‌هاست؛ امری که برای بهره‌وران تعلیق مراقبتی عادی منتفی بوده و کم‌تر کشف می‌شود^۵.

در تحقیقی دیگر در سال ۱۹۹۲، پیترسیلیا و همکاران او تأثیر برنامه‌های نظارت فشرده را بر مجرمان مواد مخدر شدید (یعنی آن دسته از مجرمان مواد مخدر که دارای مشکل جدی در مصرف اعتیاد به این مواد اند) که معمولاً بالاترین درصد ارتکاب جرم را به خود اختصاص می‌دهند، بررسی کردند. اشخاصی که به گونه‌ی اتفاقی برای این مطالعه گزینش شدند، موضوع احکام الزام به انجام آزمایش‌های متعدد مواد مخدر و نیز ملاقات اجباری چهره‌به‌چهره با مأموران تعلیق مراقبتی بودند^۶.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که صرف‌نظر از چند استثنا، هیچ‌گونه تفاوت مشخصی میان بهره‌وران برنامه‌های نظارت فشرده و بهره‌وران تعلیق مراقبتی ساده یا آزادی مشروط در قبال موارد زیر مشاهده نمی‌شود:

1. Contra Costa
2. Ventura
3. Los Angeles
4. Petersilia, Jona and Susan Turner; comparing intensive and regular supervision for high-risk probationers: Early results form an experiment in California; *Crime and Delinquency* 36; pp. 87-111.
5. Clear, Todd R. and George F. Cole; *American Corrections*; pp. 176-177.
6. Petersilia, Joan; Susan Turner and Decheness Piper, Elizabeth; intensive supervision programmes for drug offenders, In *Smart Sentencing: the emergence of intermediate sanctions*; James M. Byrne, Arthur J. Lurigio, and Joan Petersilia, (eds.).

۱. نسبت افرادی که دوبار توقیف شده‌اند؛
 ۲. متوسط شمار افرادی که در طول مدت انجام این مطالعه توقیف شده‌اند؛
 ۳. ماهیت جرم‌های ارتکابی جدید؛
 ۴. میزان توقیف‌ها^۱.
- تحقیقات دیگر دلالت بر ناکارآمدی تعلیق مراقبتی فشرده داشته است. مهم‌ترین موضوعی که در این گزارش‌ها برای بیان موفق نبودن این برنامه به آن استناد شده است، «بالاتر بودن میزان تکرار بازداشت نسبت به بهره‌وران تعلیق مراقبتی عادی است».
- همان گونه که در صفحه‌های پیشین گفته شد، بالا بودن میزان تکرار بازداشت بهره‌وران این برنامه‌ها به دلیل انجام تخلف از مقررات تعلیق لزوماً به معنای ناتوانی برنامه‌ها در کاهش تکرار جرم و در نتیجه شکست آن‌ها نیست. بلکه، آن‌گونه که صاحب‌نظران گفته‌اند؛ گسترده بودن نظارت مأموران بر کار بهره‌وران تعلیق خود عاملی برای کشف میزان بیش‌تری از تخلفات است؛ حال آن‌که در تعلیق ساده، نظارت به این گستردگی نیست. افزون بر آن، تعلیق مراقبتی فشرده بیش‌تر برای مجرمان دارای پیشینه‌ی خطرناک‌تری از مصرف مواد مخدر نسبت به تعلیق عادی در نظر گرفته شده است. به طور خلاصه، می‌توان گفت که هر چند هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد صرف نظارت فزاینده و بالا در جامعه، مجرمان را از ارتکاب جرم بازدارد، به نظر می‌رسد که نظارت بیش‌تر، احتمال کشف تخلف‌های کیفی را افزایش می‌دهد.
- با فرض این‌که تحلیل‌های انجام شده درباره‌ی تعلیق مراقبتی فشرده اساساً درست باشد و نظارت فشرده به شدت در خدمت هدف‌های ضمنی سازمانی، حرفه‌ای و راهبردی دست‌اندرکاران تعلیق مراقبتی قرار گرفته و در دستیابی به هدف‌های آشکار خود - در مورد گسیل نداشتن مجرمان به زندان، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و پیشگیری از تکرار جرم - ناموفق بوده باشد، آیا باید از تعلیق مراقبتی فشرده صرف‌نظر کرد؟
- یکی از پاسخ‌های این پرسش آن است که تعلیق مراقبتی فشرده تنها در صورتی ایفای‌کننده‌ی دست‌اندرکاران تعلیق مراقبتی است که به هدف‌های آشکار خود دست یابد. در غیر این صورت، این راهبرد ناکام جلوه خواهد کرد.
- پاسخ پیچیده‌تری که از اصل برتری سود اکثریت - بیش‌ترین سود برای بیش‌ترین افراد -

1. *Ibid*; p. 18.

ناشی می‌شود، مجموعه هدف‌های آشکار و ضمنی را در نظر می‌گیرد و معتقد است که اسبقا یا حذف این برنامه وابسته به این امر است که کدام یک بیش‌تر منافع عمومی را تأمین می‌کند.

پاسخ نهایی به این پرسش - که آیا تعلیق مراقبتی فشرده می‌تواند ادامه یابد یا خیر، از اصولی سرچشمه می‌گیرد که به فلسفه‌ی تلافی‌جویانه^۱ مجازات‌ها بازمی‌گردد. این دیدگاه محکوم کردن مجرمان را - که اصولاً باید به تعلیق مراقبتی عادی محکوم شوند - به تعلیق مراقبتی فشرده، ناعادلانه می‌شمارد. زیرا، این افراد شرایط مداخله‌جویانه‌تری را نسبت به تعلیق مراقبتی عادی متحمل می‌شوند و احتمال زندانی شدن آن‌ها به دلیل رعایت نشدن شرایط افزایش خواهد یافت؛ حتی اگر تعلیق مراقبتی فشرده در عمل به مجازات‌هایی منجر شود که جنبه‌ی تعدی‌جویانه‌ی کم‌تری داشته باشند.

نظر بر این است که صرف‌نظر از توجیه‌کنونی فلسفه‌ی وجودی تعلیق مراقبتی فشرده در برخی از ایالت‌های آمریکا بر اساس شواهد موجود، این نهاد و مجازات‌های واسطه‌ی دیگر در آینده باقی خواهند ماند. بیش‌تر ایالت‌های آمریکا فاقد مجازات‌های معمولی شدیدتر از تعلیق مراقبتی عادی یا خفیف‌تر از زندان‌اند. با اندکی تعمق می‌توان دریافت که برخی از مجرمان شایسته‌ی مجازات‌هایی‌اند که از کیفی‌های رسمی، شدیدتر و در عین حال، خفیف‌تر از مجازات‌هایی‌اند که اراده‌ی فرد را به کلی از میان می‌برند. تعلیق مراقبتی فشرده یکی از این موارد است.

با وجود تردیدهایی که در کارایی چنین برنامه‌هایی وجود دارد، نهاد مذکور با پشتیبانی گسترده‌ی قضات، دادستان‌ها و مأموران اجرایی روبه‌رو شده است. امکان نظارت نزدیک و بسیار، اعتبار تعلیق مراقبتی را در نظام عدالت کیفری بالا برده است.

بی‌تردید تأثیر برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده یا آزادی مشروط تنها متوقف بر کیفیت این برنامه‌ها و تأثیر آن‌ها بر بهره‌وران تعلیق مراقبتی یا آزادی مشروط نیست، بلکه از سوی دیگر، کارایی مأموران و ناظران این برنامه‌ها و آموزش‌های تخصصی ارائه‌شده‌ی به آن‌ها نیز می‌تواند در نتایج این برنامه‌ها مؤثر باشد. این نکته در تحقیقات دیگر و از جمله در تحقیق جداگانه‌ای که در استرالیا انجام شده، اثبات شده است؛ یعنی، آن دسته از مأموران برنامه‌های نظارت فشرده که

1. retributivism

آموزش‌های ویژه‌ای داشته‌اند، از جهت کاهش تکرار جرم افراد تحت آموزش و سرپرستی آن‌ها، موافقت بیش‌تری نسبت به مأمورانی که آن آموزش‌ها را ندیده یا نیمه تمام رها کرده بودند، داشتند^۱. این امر را می‌توان در تأثیر آموزش‌های اصلاحی بر تکرار جرم نیز مطالعه کرد؛ امری که هم موجب توفیق بیش‌تر مأموران و هم موجب توفیق افزون‌تر بهره‌وران در کاهش میزان تکرار جرم است.

1. Intensive Supervision Programs for Drug Offender; p. 19.

فصل چهارم

کار عام‌المنفعه (خدمات اجتماعی)

مبحث نخست: تاریخچه، هدف‌ها، شرایط و الزامات

گفتار نخست: تاریخچه

کارکردن به نفع جامعه به عنوان جایگزینی برای سایر مجازات‌ها، به دوران امپراتوری روم برمی‌گردد. تحقیقات اخیر نیز بیانگر آن است که در برخی از کشورهای افریقایی، پیش از این‌که این کشورها به پیروی از اروپاییان از زندان استفاده کنند، کار به نفع جامعه به عنوان واکنشی در مقابل جرم‌های ارتكابی مرسوم بوده است.^۱ در اروپا، در دوران پس از رنسانس، بکار یا در کتاب «رساله‌ی جرم‌ها و مجازات‌ها» که در سال ۱۷۶۴ در ایتالیا منتشر شد، استفاده از کار عام‌المنفعه (خدمات عمومی) را در مورد جرم سرقت پیشنهاد کرد. به عقیده‌ی وی، سرقت‌های بدون خشونت باید به کیفر مالی مجازات شوند. ولی، از آن‌جایی که ارتكاب چنین جرمی اغلب ناشی از فقر و ناامیدی است، کیفرهای مالی جز افزودن به شمار مجرمان سودی دربر ندارد. بنابراین، بکار یا مناسب‌ترین مجازات زاکه می‌تواند عادلانه نیز باشد، «... بردگی موقت که کار فرد مجرم را در خدمت جامعه قرار می‌دهد» توصیه می‌کند. در مواردی که سرقت با خشونت همراه باشد، کیفر بردگی باید با کیفر بدنی همراه شود.^۲

بعدها در فرانسه، سناتور میشو^۳ در پایان سده‌ی نوزدهم بر ضرورت استفاده از کار عام‌المنفعه، بی آن‌که به آن ترتیب اثری داده شود، تأکید کرد. در حقیقت، استفاده از کار

1. Le Travail d'Intérêt Général. (PRI) Londre, p. 3.

۲. بکار یا، سزار، رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها، ترجمه‌ی محمدعلی اردبیلی، صص ۱۰۶-۱۰۷.

3. Michaud

عام‌المنفعه، چه در اروپا و چه در آمریکای شمالی و کانادا، از سال‌های پس از جنگ دوم جهانی مورد توجه قرار گرفت. در ایالات متحده آمریکا، قضات آلامدای کالیفرنیا در دهه‌ی ۱۹۶۰ برای پرهیز از تحمیل جریمه‌ی نقدی برای تخلف‌های رانندگی به زنان کم‌درآمدی که نمی‌توانستند جریمه پرداخت کنند، این مجازات را ابداع کردند.

در اروپا، برای نخستین بار در سوئیس و بلژیک، قضات حتی بدون وجود متنی قانونی، آن را در مورد نوجوانان مورد حکم قرار دادند. در فنلاند، کار عام‌المنفعه در سال ۱۹۹۱ به طور آزمایشی آغاز شد و در ابتدای آوریل ۱۹۹۴ در سراسر کشور به کار گرفته شد.

کار عام‌المنفعه اساساً برای جایگزینی مجازات زندان طرح‌ریزی شده و علت موفقیت آن در دو دهه‌ی اخیر این است که به عنوان ضمانت‌اجرایی نسبتاً شدید و پذیرفتنی تلقی شده است که در میانه‌ی راه نظام ضمانت‌اجراهای کیفری قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در انگلستان، از کار عام‌المنفعه در سطح گسترده‌ای از پرونده‌ها به عنوان جایگزین زندان استفاده شده است. در فنلاند، دادرسی دو مرحله دارد: نخست، دادگاه بدون توجه به کار عام‌المنفعه مجازات را تعیین می‌کند؛ و سپس، چنانچه مجازات زندان غیر تعلیقی باشد، دادگاه مجاز است در مرحله‌ی دوم آن را با کار عام‌المنفعه جانشین کند.

هر چند از دیدگاه نظری کار عام‌المنفعه تنها جایگزینی مناسب برای زندان‌های کوتاه‌مدت نباید باشد، در عمل در مورد محکومیت‌های کوتاه‌مدت زندان (تا ۶ ماه) در اغلب کشورها متداول است. به طور استثنایی، در نیو ولز جنوبی، زندان‌های بیش از ۱۲ ماه نیز ممکن است به کار عام‌المنفعه تبدیل شود. در چنین مواردی، ساعت‌های کاری نیز ممکن است تا ۵۰۰ ساعت افزایش یابد؛ حال آن‌که در مورد زندان‌های تا ۶ ماه، در صورت تبدیل، حداکثر ساعت‌های کار عام‌المنفعه در این کشور ۱۱۰ ساعت است.

دلیل دیگر موفقیت کار عام‌المنفعه نرمش‌پذیری آن است؛ بدین معنا که، نخست می‌تواند به عنوان ضمانت‌اجرایی مستقل به کار گرفته شود؛ و دوم، این امکان برای دادگاه وجود دارد که آن را همراه با تدابیر سنتی جایگزین زندان - مانند تعلیق و تعلیق مراقبتی یا تعلیق همراه با سایر تدابیر - مورد حکم قرار دهد. برای نمونه، در کوئینزلند (استرالیا)، کار عام‌المنفعه همراه با غرامت یا جبران خسارت از بزه‌دیده به کار گرفته می‌شود. امکان ترکیب کار عام‌المنفعه با سایر تدابیر و جایگزین‌ها در انگلستان نیز به موجب قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ مورد توجه

قانون‌گذار قرار گرفت.

سوانجام، یادآور می‌شویم که رمز پیروزی کار عام‌المنفعه را باید در امکان اِعمال آن به اغلب جرم‌های متداول و مرسوم و نیز فعال‌ترین بخش مجرمان نیز دانست. برای نمونه، آمار اعلام شده در فرانسه حکایت از آن دارد که ۶۰٪ از تصمیم‌های ناظر به کار عام‌المنفعه برای موارد ارتکاب سرقت یا اخفای اموال مسروقه گرفته می‌شود. این در حالی است که اغلب اقوام تحت این تصمیم، مردان جوان، مجرد و بی‌کار - اند (۹۰٪ مرد و ۷۶٪ زیر ۳۰ سال). اطلاعات مشابهی - چه درباردهی نوع جرم و چه گروه مجرمان - از هلند نیز گزارش شده است.^۱

در سطح بین‌المللی، افزون بر گردهمایی‌های متعددی که با هدف بررسی و توصیه‌ی استفاده از کار عام‌المنفعه صورت گرفت^۲، مجمع عمومی سازمان ملل در شصت و هشتمین اجلاس عمومی خود در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ و به دنبال پیشنهاد «کمیته‌ی پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان»، «قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای اقدام‌های غیربازداشتی» را که قواعد توکیو نامیده می‌شود، تصویب کرد. طبق بند ۸/۱ این قواعد، «مقام قضایی با در اختیار داشتن سلسله‌ای از تدابیر غیربازداشتی باید در تصمیم‌گیری خود به نیازهای ناشی از بازسازی مجرم، پشتیبانی جامعه و منافع قربانیان که در موارد مقتضی باید طرف مشورت قرار بگیرند، توجه کند». در بند ۸/۲ این قواعد، به دولت‌های عضو توصیه شده است که ترتیبی اتخاذ کنند تا قضات بتوانند از تدابیر غیربازداشتی (در بند ۸/۲ به ۱۲ تدبیر اشاره شده) از جمله کار عام‌المنفعه استفاده کنند.^۳

نخستین نتایج به دست آمده از اجرای خدمات عمومی، در کنار توصیه‌ی مجامع بین‌المللی، موجبات تشویق کشورهای مختلف را در استفاده و بکارگیری کار عام‌المنفعه، نه تنها به عنوان یک جایگزین مجازات زندان بلکه به عنوان مجازاتی مستقل، فراهم کرد. چنین است که اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۶۰)، بلژیک (۱۹۶۵)، سوئیس (۱۹۷۱)، انگلیس (۱۹۶۹)، آلمان (۱۹۷۴)، فرانسه (۱۹۷۵)، هلند (۱۹۸۴)، کانادا (۱۹۸۴)، استرالیا (۱۹۸۷)، زیمبابوه (۱۹۹۴)،

1. PRI Information Alternatives to Imprisonment, Eastern and Central Europe and Central Asia, Information Pask 2, 2000.

۲. جانی برر، علی‌کرم: جایگزین‌های مجازات زندان، ص ۱۹۱.

۳. رک. به: گزارش هشتمین کنفرانس سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با محکومان-هاوانا، کوبا، سپتامبر ۱۹۹۰، صص ۱۶ و ۱۷.

کنیا (۱۹۹۹)، زامبیا (۱۹۹۹)، اوگاندا (۱۹۹۹)، جمهوری آفریقای مرکزی، بورکینافاسو، کنگو و موزامبیک (۱۹۹۹) با تدوین قوانین لازم و بعضاً با استفاده از کمک‌های مالی بین‌المللی کار عام‌المنفعه را وارد قوانین موضوعی خود کرده‌اند. یادآوری این مطلب ضروری است که سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی^۱ که یک نهاد غیردولتی است و در ۱۹۸۹ در هلند ثبت شده است، کشورها را در تدوین قوانین مناسب و استفاده از جایگزین‌های مجازات زندان یاری می‌دهد. این سازمان در سال ۱۹۹۹ مسافرت هیأت‌هایی از روسیه را جهت آشنایی با نتایج ناشی از اجرای کار عام‌المنفعه و سایر جایگزین‌های زندان، به لهستان و بلغارستان تسهیل کرده است. سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی از سال ۱۹۹۷ نیز با سازمان زندان‌ها در ایران در ارتباط بوده است و در تابستان ۲۰۰۰ از کانون اصلاح و تربیت تهران بازدید کرده و با مسؤولان عدالت کیفری ملاقات داشته و در جهت اصلاح زندان‌ها و کاهش جمعیت کیفری و استفاده از مجازات‌های غیرسالب آزادی تبادل نظر کرده و اخیراً نیز سمینارها و نیز گردهمایی را تشکیل داده است.^۲

گفتار دوم: هدف‌ها، شرایط و الزامات

کار عام‌المنفعه‌ی امروزی نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای مرتکب شده برآید. به عبارت دیگر، خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه یکی از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و با هدف جبران خسارت از بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده‌ی جامعه به وسیله‌ی او - از رهگذر انجام یک کار رایگان برای جامعه - مورد حکم قرار می‌گیرد. از آن‌جا که حکم به خدمات عام‌المنفعه محدودیت‌های جسمانی و روانی برای شخص محکوم دربردارد، مجرم باید نسبت به اجرای آن راضی باشد؛ یعنی، مجرمان حق دارند از کاری که از آنان خواسته

۱. Penal Refrom International (PRI) سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی، یک سازمان غیردولتی است که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد و در هلند به ثبت رسید. دبیرخانه‌ی این سازمان در لندن واقع است و دفاتری نیز در پاریس، مسکو، بخارست و سن‌خوان (پورتوریکو) دارد. هم‌چنین، این سازمان دارای یک دفتر پروژه‌های تحقیقاتی در گیگالی و روانداست. سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی متشکل از اعضای سیزده کشور است. این سازمان دارای یک کمیسیون مشورتی در سازمان ملل و شورای اروپا و یک کرسی ناظر در کمیسیون آفریقای حقوق بشر است.

2. Mission to Iran 16-22 February 2001.

می‌شود، به طور دقیق آگاه شوند.

بدین ترتیب، کار عام‌المنفعه را می‌توان وسیله‌ای برای تقویت و گسترش احساس مسئولیت در مجرمان و شیوه‌ی مثبت و مؤثری برای جبران خسارت جرم‌های ارتكابی آنان به شمار آورد که رشد شخصی و عزت نفس مجرم را نیز ارتقاء می‌بخشد. خدمات عام‌المنفعه به مجرم نشان می‌دهد که هر چند جامعه از مجرمیت او متأثر شده است، می‌تواند به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده - نه مخرب و زیانبار - نیز بنگرد. به عبارت دیگر، کار عام‌المنفعه آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی است که در کنار هم موجبات باز-سازگاری مجرم را فراهم می‌کند.^۱ از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که هدف‌های اصلی خدمات عام‌المنفعه - یا آنچه امید دستیابی به آن می‌رود - شامل «بازیکپارچگی اجتماعی مجرم» از راه‌های زیر است:

۱. اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان؛
۲. تضمین‌های لازم جهت جبران خسارت و ترمیم اجتماعی با انجام کار به وسیله‌ی مجرم؛ افزون بر آن، با خدمات عام‌المنفعه می‌توان به هدف‌های زیر نیز رسید:

۱. کاهش خطر تکرار جرم؛
 ۲. افزایش احتمال باز-سازگاری و اصلاح مجرم از رهگذر ملاک‌های اجتماعی پذیرفتنی. در بخشنامه‌ی شماره‌ی ۱۸ - ۱۹۸۹ وزارت کشور انگلستان با عنوان «ملاک‌های ملی خدمات عام‌المنفعه»، به سه هدف عمده‌ی زیر برای کار عام‌المنفعه اشاره شده است:
۱. مجازات و تنبیه مجرم با ملزم کردن او به انجام کاری که از نظر اجتماعی سودمند است، وقت‌شناسی و پذیرش هدر ندادن وقت آزادی که برای مجرم باقی می‌ماند؛
 ۲. جبران خسارت و منتفع کردن جامعه با انجام کاری سودمند برای جامعه؛
 ۳. منتفع کردن جامعه با انجام کارهایی که به شکل دیگر امکان‌پذیر نیست.
- بدین ترتیب، می‌توان گفت که هدف کارهای عام‌المنفعه فراهم کردن یک مجازات اجتماعی ارزشمند و سودمند است که می‌تواند باعث باز-سازگاری، اصلاح و کاهش تکرار جرم شود. با وجود این، باید خاطر نشان کرد که خدمات عمومی - چنان‌که خواهیم گفت - برای همه‌ی مجرمان مناسب نیست. به همین منظور نیز، یکی از مهم‌ترین کارهای قضات، تضمین سازگاری

1. Community Punishment Orders; National Service For England and Wales.

جرم، مجرم و محکومیت صادره با اصول و مبانی حاکم بر مجازات‌هاست^۱. افزون بر آن، استفاده از خدمات عام‌المنفعه مستلزم آگاهی‌دهی به افکار عمومی و نهادهای داوطلب محلی - افزون بر سازمان اداری و اجرایی - است. در این میان، رسانه‌های گروهی می‌توانند بیش‌ترین نقش را داشته باشند؛ فیلم‌برداری و عکس‌برداری از کار عام‌المنفعه آسان بوده، و نمایش نتایج آن به وسیله‌ی تصاویر و ارقام، کار مشکلی نیست و بازتاب آن در رسانه‌های گروهی، موجبات آگاهی عمومی را فراهم می‌کند.

تأثیر خدمات عمومی به طور عمده به توانایی مجرم در انجام کار، در چارچوب محدودیت‌هایی که این مجازات به او تحمیل می‌کند، بستگی دارد. حضور و غیاب، توانایی کار گروهی، کیفیت کار و تحرک در این زمینه اهمیت بسیاری دارد.

برای جلوگیری از ناکامی مجرم در جریان کار عمومی، باید اطلاعات دقیقی درباره‌ی شخصیت او در اختیار دادگاه صادرکننده‌ی حکم قرار گیرد. این اطلاعات ممکن است در جریان یک تحقیق اجتماعی به وسیله‌ی مأمور تعلیق مراقبتی به دست آید. پلیس نیز در دستیابی به این اطلاعات نقش بسزایی می‌تواند داشته باشد^۲. بنابراین، می‌توان گفت که در توسل به کار عام‌المنفعه، تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای مجرم الزامی است.

یکی دیگر از عواملی که به استقرار و موفقیت خدمات عام‌المنفعه کمک فراوانی کرده است، وجود قضات متخصص (ویژه‌ی کودکان و نوجوانان و قضات اجرای مجازات‌ها - برای نمونه - در فرانسه) است. این قضات نه تنها در اقدام به قبولاندن این طرح‌ها به مراجع محلی و بخش داوطلب فعال بوده‌اند، بلکه بر اجرای روزانه آن نیز نظارت داشته و ارتباط سیستم قضایی را با این پدیده حفظ کرده‌اند. تضمین حفظ این ارتباط - بویژه از آن جهت که خدمات عمومی یک مجازات محروم‌کننده از برخی آزادی‌های فردی است - بسیار مهم و اساسی تلقی می‌شود^۳.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی خدمات عام‌المنفعه، گزینش نهادها و افرادی است که اجرای کار عام‌المنفعه‌ی محکومان به آنان واگذار می‌شود. این نهادها می‌توانند مراجع محلی داوطلب

1. *Community Service in Practice*; All Africa Conference-Community Service - Zimbabwe; p. 4.
 2. Picqarto, Jean-Marie *Community Service*; p. 2-3.
 3. *Ibid*; p. 3.

باشند. برای نمونه، بنیادهای خیریه در فرانسه نقش بسیار مهمی در این زمینه دارند. در این بنیادها، یک نوع اتحاد و همبستگی میان محکومان به کار عام‌المنفعه می‌توان مشاهده کرد: آنان در این مراکز درمی‌یابند که تنها نیستند.

امروزه، ثابت شده است که بهتر است درگیر کردن مجرمان در تلاش‌های گروهی در چارچوب نهادهایی واقع شود که توانایی نشان دادن ارزش و سودمندی کار محکومان و اهمیت آن در چارچوب اصول و قواعدی چون حضور و غیاب، انجام صحیح کار و... باشند.

بی تردید، آگاهی افرادی که برای این مراجع کار می‌کنند، بر اهمیت نقش خویش اهمیت بسیار دارد و بویژه لازم است درباره‌ی آنچه باید انجام دهند، از این واقعیت آگاه شوند که خدمات عمومی یک ضمانت‌اجرای قانونی همراه با یک سلسله تعهدها و الزامات است.

خلاصه این‌که، امروزه این ضمانت‌اجرای بینابین بتدریج از یک جایگزین غیرسالب آزادی (به عنوان جایگزین زندان)، به مجازاتی که هدف آن فراهم کردن یک تدبیر مستقل و نرمش‌پذیر و وسیله‌ای برای ترمیم و باز-سازگاری است، تغییر مفهوم یافته است^۱. به طور کلی، می‌توان شرایط اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز یک طرح خدمات عمومی را به شرح زیر برشمرد:

الف) مشارکت دستگاه قضایی

برای ارتقای طرح خدمات عمومی با مشارکت دستگاه قضایی، افزون بر اراده‌ی سیاسی و تعهد قضات دادگاه‌ها - با وجود حجم بسیار کاری آنان - به اجرای هر چه بهتر این طرح، گام‌های مؤثری از جمله در زمینه‌ی آموزش و تبلیغات باید برداشته شود. در برخی از کشورها - مانند زیمبابوه، دیوان کشور و دادگاه‌های عالی در پشتیبانی از این طرح با ارائه‌ی راهکار و رهنمود به قضات دادگاه‌های بدوی، همکاری و مشارکت می‌کنند.

ب) مشارکت مردم و جمعیت‌های محلی

برای بالا بردن امکان سازگار کردن هر چه بیش‌تر مجرمان با جامعه و نهادینه کردن هر چه بهتر ارزش‌های اجتماعی در آنها، جمعیت‌های محلی - بویژه شوراهای محلی - باید در اصلاح و بازسازی مجرمان از رهگذر خدمات عام‌المنفعه شرکت فعال داشته باشند.

1. *Ibid*; p. 4-5.

پ) مشارکت رسانه‌های گروهی

برای حساس کردن جامعه و دگرگون کردن رویکردها و نگرش‌های اجتماعی در جهت شناساندن امتیازهای طرح خدمات عمومی، باید از رسانه‌های گروهی در زمینه‌ی تبلیغات این طرح استفاده‌ی مؤثری شود.

ت) مشارکت سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی باید در اجرای طرح خدمات عمومی در تمام سطوح مشارکت داشته باشند. آن‌ها همچنین در سیاست‌گذاری‌های مربوط در حد ارائه‌ی توصیه و راهکار باید شرکت کنند.

ث) تصویب یک متن قانونی

برای تضمین این امر که خدمات عمومی به عنوان یک ضمانت‌اجرای کیفری دارای یک مبنای قانونی باشد، باید تا حد امکان متنی قانونی در بردارنده‌ی مقررات موردنیاز در این زمینه به تصویب قوه‌ی مقننه برسد.^۱

مبحث دوم: قلمرو و اصول حاکم بر اجرا

خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه را تنها برای برخی از جرم‌ها و مجرمان می‌توان استفاده کرد. مجرمی که برای جامعه خطر دارد، معمولاً به انجام کار عام‌المنفعه تن در نمی‌دهد و چنانچه خود او نیز داوطلب باشد، باید از ارجاع کار عام‌المنفعه به او پرهیز کرد. بنابراین، خدمات عمومی مجرمان ویژه‌ای را باید مدنظر قرار دهد؛ یعنی افرادی را که معمولاً خطری برای جامعه ندارند. بدین ترتیب، دادگاه‌ها برای صدور حکم خدمات عمومی مقید به جرم‌های ویژه‌ای هستند. با این‌همه، قضات باید در زمان بررسی امکان توسل به کار عام‌المنفعه همیشه این مهم را در نظر داشته باشند که مجازات زندان را باید به عنوان «آخرین چاره»^۲ برگزینند.^۳

پیش از صدور حکم محکومیت به انجام کار عام‌المنفعه، قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده باید

1. *Ibid*; pp. 15-16.

2. Last resort

3. *Ibid*.

به دقت الزامات خدمات عمومی و به طور کلی ماهیت و چگونگی این تدبیر جایگزین را برای متهم تشریح کند و در این راستا، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، رضایت متهم را مدنظر قرار دهد و در صورت عدم رضایت وی، از صدور حکم به انجام کار عام‌المنفعه پرهیز شود. بنابراین، به عنوان یک قاعده‌ی کلی، در صدور حکم خدمات عام‌المنفعه، رضایت مجرم و توانایی او به انجام کار شرط ضروری است و در صورت عدم رضایت او به انجام کار عمومی، دادگاه او را به زندان یا تدبیر جانشین مناسب دیگری محکوم خواهد کرد.

هم‌چنین، پیش از محکوم کردن متهم به انجام خدمات عمومی، تمایل و توانایی مؤسسه‌ی محل انجام کار به پذیرش مجرم باید اثبات شود و از معرفی محکوم به مؤسسه‌هایی که بیش از نیاز واقعی خود محکوم پذیرفته‌اند یا مؤسسه‌هایی که با وجود امکان کار، از پذیرش مجرمان خودداری می‌کنند، باید پرهیز کرد.^۱

درباره‌ی قلمرو کار عام‌المنفعه یادآوری این مطلب ضروری است که چنانچه موضوع حکم صادره جرمه‌ی نقدی باشد، در صورت ناتوانی محکوم از پرداخت آن و در نتیجه اعزام او به زندان، می‌توان از کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزین زندان - استفاده کرد. اما، تحمیل کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزین مستقیم برای جرمه‌ی نقدی، مجاز نیست. زیرا، جزای نقدی خود به عنوان جایگزینی مستقل برای مجازات زندان استفاده می‌شود. بدین ترتیب، کار عام‌المنفعه تنها در صورتی باید مورد حکم قرار گیرد که کاملاً مشخص شود که متهم در وضعیتی نیست که بتواند مبلغ جریمه را بپردازد. چنانچه متهم توانایی پرداخت جریمه را داشته باشد، نباید حکم به خدمات عمومی داد.^۲

نکته‌ی مهم دیگر این است که در صورت شاغل بودن محکوم، باید مراقب بود تا کار عام‌المنفعه باعث از دست دادن شغل او نشود. زیرا، در غیر این صورت، یکی از هدف‌های خدمات عام‌المنفعه عقیم خواهد ماند. در چنین مواردی، کار عام‌المنفعه باید پس از ساعت‌های کار رسمی یا در پایان هفته مورد حکم قرار گیرد تا با کار اصلی محکوم تداخل پیدا نکند. این مسأله با مؤسسه‌ی محل انجام کار نیز هماهنگ خواهد شد. چنانچه محکوم در طول مدت انجام خدمات عمومی کاری پیدا کند، حکم کار عام‌المنفعه باید با توجه به کار جدید محکوم تغییر

1. *Ibid*; p. 22.

2. *Ibid*; p. 21.

پیدا کند و مورد تجدیدنظر قرار گیرد.^۱

پس از محکومیت مجرم به انجام کار عام‌المنفعه، چنانچه محکوم در جریان اجرای کار شرایط مندرج در حکم را نقض کند، به دادگاه صادرکننده حکم بازگردانده می‌شود تا دلیل ناکامی او در اجرای حکم بررسی شود. چنانچه دلیل نقض حکم برای دادگاه موجه نباشد، قاضی می‌تواند مجرم را روانه زندان کند. ولی، باید توجه کرد که نگهداری مجرم در زندان با دشواری‌هایی همراه است؛ از جمله این‌که مستلزم هزینه‌های بسیاری است.

از یک سو، هزینه‌ای که باید صرف تغذیه، مسکن، پوشاک و نیازهای اساسی پزشکی هزاران شهروند شود، مصروف مجرمان زندانی می‌شود. از سوی دیگر، بیش‌تر زندانیان «مجرمانی خطرناک» که نیازمند حفاظت و نگهداری به دور از جامعه باشند، نیستند. اغلب مجرمان را افراد فقیر و نیازمندی تشکیل می‌دهند که مرتکب جرم‌های کم اهمیت و در پایین‌ترین حد مقیاس خطرناکی - همانند سرقت ساده و خسارت به اموال - شده‌اند. به بیان دیگر، اینان مجرمان حرفه‌ای به شمار نمی‌روند.

بنابراین، از یک سو دولت با زندانی کردن آنان متحمل هزینه‌های اضافی می‌شود، بی آن‌که از بزه‌دیده و جامعه جبران خسارت مناسبی شده باشد و از سوی دیگر، جمعیت زندان‌ها افزایش می‌یابد. بی‌تردید، در چنین شرایطی با قراردادن مجرم در مؤسسه‌ای که بتواند در آن‌جا کار سودمند برای جامعه انجام دهد، نتایج به مراتب بهتری را می‌توان انتظار داشت.

همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، در تمام پرونده‌ها و پیش از محکوم کردن متهم به انجام کار عام‌المنفعه، قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده باید اطلاعات لازمی درباره‌ی پیشینه و وضعیت متهم به دست آورد. این اطلاعات را باید مأمور تحقیق تهیه کند. در این‌جا یادآور می‌شویم که دادستان نیز می‌تواند از مأمور تحقیق تهیه‌ی اطلاعات بیش‌تری را درخواست کند. در نقاطی که مأمور ویژه‌ی خدمات عمومی نیز در دسترس باشد، از او نیز در امر تحقیقات درخواست همکاری خواهد شد.

اطلاعات گردآوری شده باید ثبت شود. طرح پرسش‌هایی از متهم و ثبت واکنش‌های او در پاسخ به این پرسش‌ها نیز حایز اهمیت است. افزون بر آن، هرگونه اطلاعات دیگری که دادستان یا مأمور ویژه‌ی خدمات عمومی تهیه می‌کند، نیز باید ثبت شود. بنابراین، صدور حکم مبني بر

1. Ibid.

تعهد متهم به اجرای کارهای عام‌المنفعه در ساعت‌هایی خاص در یک مؤسسه‌ی معین، بی آن‌که مشخص باشد این تصمیم چگونه و بر مبنای چه اطلاعاتی به دست آمده است، کافی نخواهد بود.^۱ افرادی که به انجام خدمات عمومی محکوم می‌شوند، برای اجرای داوطلبانه‌ی آن در ساعت‌های مقرر، به یک مؤسسه‌ی عمومی (همانند مدرسه، بیمارستان، درمانگاه یا یک مکان عمومی مانند پارک‌ها) فرستاده می‌شوند. باید توجه داشت که محکومان بیش‌تر به انجام کار مورد نیاز گماشته می‌شوند. ولی، برای انجام چنین کاری استخدام نمی‌شوند. بنابراین، در نتیجه‌ی محکومیت به انجام کار عام‌المنفعه، شفلی عاید مجرم نمی‌شود.

همان‌گونه که ملاحظه شد، در جریان کار عام‌المنفعه، محکوم و ادار می‌شود که کاری عام‌المنفعه و رایگان را انجام دهد. این کارها همان‌گونه که گفته شد بسیار متفاوت و گوناگون‌اند و شامل پروژه‌هایی از قبیل زیراتند:

۱. کار در بیمارستان و آسایشگاه سالمندان؛

۲. شرکت در کاوش‌های باستانی؛

۳. کارهای ساختمانی؛

۴. شرکت در کلاس‌های آموزشی، فنی، حرفه‌ای، راهنمایی و رانندگی و بهداشتی؛

۵. پاکسازی بزرگراه‌ها، پارک‌ها یا اماکن تفریحی و امثال آن.

در میان فهرست کارهای عام‌المنفعه، گاه موارد جالب دیگری نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه، اریک کانتونا - بازیکن فرانسوی تیم فوتبال منچستر یونایتد انگلستان - در جریان یک مسابقه‌ی فوتبال در اولد ترافورد، بر اثر فحاشی یکی از تماشاگران تیم مقابل، با مشت و لگد به سر و صورت او حمله کرده و وی را مصدوم و مجروح می‌کند. پس از طرح محاکمه در دادگاه، کانتونا محکوم می‌شود تا در ساعت‌های فراغت خود، در یکی از پارک‌های شهر منچستر به کودکان بتیم آموزش فوتبال بدهد.

مؤسسه‌ی مربوط برنامه‌ی کار عمومی را با توجه به شمار ساعت‌هایی که مجرم به انجام آن کار محکوم شده است، تنظیم می‌کند. کار فرد محکوم باید تحت نظارت باشد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظارت بر کارها به اجرای موفقیت‌آمیز آن منجر می‌شود.

اگر مجرم بیکار باشد، کار عام‌المنفعه به عنوان یک کار روزانه‌ی چندساعته (معمولاً هشت

1. Ibid; p. 19.

ساعته) در نظر گرفته خواهد شد و در صورت شاغل بودن - همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد - محکوم باید در وقت آزاد کار عام‌المنفعه خود را انجام دهد.

در برخی از کشورها - مانند انگلستان - حکم خدمات عام‌المنفعه در بردارندوی جبران خسارت از جامعه (همانند پاکسازی پارک‌ها) و درخواست انجام یک فعالیت منظم است و بنابراین، می‌توان آن را به عنوان یک جانشین واقعی برای زندان در نظر گرفت.^۱

چارچوب معمولی زمان کار عام‌المنفعه ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت است. در برخی از کشورها - مانند اوگاندا - یک چارچوب زمانی جدید برای کار عام‌المنفعه وجود دارد که جایگزین چارچوب پیشین شده است. حداقل این زمان ۳۵ ساعت خواهد بود، ولی در موارد استثنایی ساعت کم‌تری را می‌توان تعیین کرد. در هر حال، در هیچ شرایطی خدمات عمومی نباید کم‌تر از ۷ ساعت باشد. چارچوب زمانی جدید کار عام‌المنفعه در این کشور به نسبت مدت محکومیت به زندان، به شرح زیر است:

- یک تا سه ماه زندان / برابر با ۳۵ تا ۱۰۵ ساعت کار؛

- سه تا شش ماه زندان / برابر با ۱۰۵ تا ۲۱۰ ساعت کار؛

- شش تا نه ماه زندان / برابر با ۲۱۰ تا ۳۱۵ ساعت کار؛

- نه تا ۱۲ ماه زندان / برابر با ۳۱۵ تا ۴۲۰ ساعت کار.^۲

بر این امر توافق شده است که مبنای ساعت‌های کار عام‌المنفعه از ۳۰ ساعت که در قانون پیشین اوگاندا مقرر بود، به ۳۵ ساعت افزایش یابد. دلیل این افزایش آسانی تقسیم ۳۵ ساعت به نسبت ۵ روز در یک هفته است؛ ۳۵ ساعت را می‌توان به گروه‌های ۷ ساعته در هر یک از ۵ روز هفته تقسیم کرد؛ حال آن که ۳۰ ساعت پیشین این ویژگی را نداشت.

جدول ساعت‌های پیشین نرمش‌ناپذیر بود. ولی، بر اساس جدول فعلی، از این پس قضات آزادی عمل بیش‌تری برای تعیین ساعت‌های کاری میان ۳۵ تا ۱۰۵ ساعت دارند. البته، این در صورتی است که قضات به مجازات زندان از ۱ تا ۳ ماه حکم داده باشند. این امر به قاضی اجازه می‌دهد که انجام کار عام‌المنفعه تا ۱۰۵ ساعت را در مواردی که محکوم علیه به مجازات ۱ ماه زندان همراه با تعلیق محکوم شده است، از محکوم علیه خواستار شود.

1. Clarson, C. M. V. and H. M. Keating; *Criminal law, text and Materials*; p. 75.
2. *Community Service in Practice*; pp. 21-26.

هنگامی که قاضی مجازات ۳ تا ۶ ماه زندان را برای محکوم علیه تعیین کرده باشد، مجازات کار عام‌المنفعه از ۱۰۵ تا ۲۱۰ ساعت خواهد داد؛ یعنی، قاضی می‌تواند به شرط موجه بودن، مجازات کار عام‌المنفعه را تا ۲۱۰ ساعت تعیین کند؛

رده‌ی بعدی جدول تبدیل مجازات از ۶ تا ۹ ماه زندان را به ۲۱۰ تا ۳۱۵ ساعت کار عام‌المنفعه امکان‌پذیر کرده است. این امر در موردی که فردی به مجازات تا ۶ ماه زندان محکوم شده است، به قاضی برای تعیین مجازات تا ۳۱۵ ساعت کار عام‌المنفعه آزادی عمل بخشیده است.

قاضی بر اساس رده‌ی بعدی جدول می‌تواند در مواردی که به مجازات از ۹ تا ۱۲ ماه زندان برای مجرم حکم داده، آن را به مجازات از ۳۱۵ تا ۴۲۰ ساعت کار عام‌المنفعه تبدیل کند. در این‌جا نیز، همانند موارد پیشین، قاضی برای تحمیل مجازات تا ۴۲۰ ساعت کار عام‌المنفعه در حائاتی که حداقل به مجازات ۹ ماه زندان حکم داده باشد، آزادی دارد.

امکان فزاینده‌تر رفتن از رقم مبنای ۳۵ ساعت و نیز نرمش‌پذیر بودن جدول ساعت‌های کار عام‌المنفعه باید این فرصت را برای قضات فراهم کند که مقدار معقولانه‌ای از کار عام‌المنفعه را بر فرد محکوم علیه تحمیل کنند. باید اشاره کرد که استفاده از این جدول توجه به شاغل بودن یا نبودن محکوم علیه را لازم می‌داند. هم‌چنین، به قضات توصیه شده است که در مواردی که فردی شاغل بوده و در نتیجه کار عام‌المنفعه‌ی خود را پس از ساعت‌های کاری خود یا در پایان هفته انجام می‌دهد، فرصت انجام کار عام‌المنفعه را طولانی‌تر کنند. در این شرایط، نباید چنین برداشت کرد که قضات می‌توانند به دلخواه خود شمار ساعت‌های کار عام‌المنفعه را در سطحی که خود مناسب تشخیص می‌دهند، تغییر دهند.

از دیدگاه مجرمان و نیز عموم مردم، بسیار مهم است که کار عام‌المنفعه معرفی‌کننده‌ی یک مجازات معقول و مناسب با شرایط جرم ارتكابی باشد. هم‌چنین، اهمیت دارد که شمار ساعت‌های اعلام شده برای کار عام‌المنفعه به گونه‌ی سنجیده‌ای مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی، حداقل شمار ساعت‌هایی که می‌توان برای کار عام‌المنفعه تعیین کرد، ۳۵ ساعت است، یعنی، شمار ساعت‌هایی که می‌توان به طور عادی در یک هفته کار کرد.

با این حال، ممکن است در برخی از موقعیت‌ها تعیین شمار ساعت‌هایی کم‌تر از حداقل در نظر گرفته شده برای کار عام‌المنفعه، درست و منطقی جلوه کند. باید توجه داشت که قضات تنها

با رعایت احتیاط و دوراندیشی‌های فراوان می‌توانند مجازات‌های کار عام‌المنفعه‌ای کم‌تر از ۳۵ ساعت تعیین کنند. برای نمونه، مجازات کار عام‌المنفعه‌ی کم‌تر از ۳۵ ساعت در حالت زیر تعیین می‌شود. متهمی به خاطر جرمی محکوم شده است و قاضی مجازات جزای نقدی از ۱۰ تا ۵۰ دلار یا مجازات از ۴ تا ۱۵ روز زندان را برای آن در نظر گرفته است. با این حال، محکوم‌علیه در وضعیت عدم امکان مطلق پرداخت جریمه - صرف‌نظر از مبلغ آن - قرار داشته یا اقامتگاه معینی ندارد. در این‌جا، قاضی در مقام تعیین مجازات هیچ‌گزینه‌ی دیگری جز این‌که برای پرداخت جریمه وقت تعیین نکند، ندارد. زیرا، ممکن است هیچ‌گاه آن جریمه را دریافت نکنند. در این شرایط، مناسب آن است که جریمه‌ی پیش‌بینی شده در قوانین و یک مجازات جایگزین زندان تعیین شود. ولی، قاضی اجرای این حکم را به شرطی که محکوم‌علیه برای نمونه ۷ ساعت کار عام‌المنفعه، انجام دهد، معلق کند.

دلیل توصیه‌ی گزینه‌ی ۷ ساعت این است که حداقل در بُعد نظری، ممکن بود که محکوم‌علیه در حالت عدم تعلیق اجرای حکم به طور مستقیم از همان دادگاه به زندان منتقل شود. ولی، اکنون متهم با انجام این ۷ ساعت کار در همان روز یا حتی فردای آن روز آزاد می‌شود. وجه دیگر تعیین این ۷ ساعت آن است که محکومان بدون اقامتگاه برای چنین مجازاتی (کار عام‌المنفعه‌ی کم‌تر از ۳۵ ساعت) توصیه می‌شوند. جزئیات عملی مربوط به اجرای کار عام‌المنفعه برای یک دوره‌ی کوتاه را دادگاه با همکاری مؤسسه‌های صلاحیت‌دار تعیین می‌کند.

مبحث سوم: کار عام‌المنفعه در کشورهای افریقایی

گفتار نخست: زیمبابوه

کشور زیمبابوه در چند سال گذشته در زمینه‌ی استفاده از خدمات عمومی تجربه‌هایی داشته است. جمعیت زندان‌های زیمبابوه همانند بسیاری از کشورهای دیگر، در سال‌های اخیر و پیش از استفاده از نهاد خدمات عمومی افزایش خیره‌کننده‌ای داشته است. ناتوانی بسیاری از محکومان به پرداخت جزای نقدی و در نتیجه زندانی شدن آنان، بویژه در این افزایش مؤثر بوده است. افزون بر آن، در سال ۱۹۶۲، نسبت زندانیانی که دوره‌ی محکومیت‌شان سه ماه یا کم‌تر بوده است، ۶۰ درصد جمعیت کیفری برآورد شده بود که این پرجمعیتی زندان‌ها سبب ایجاد مسائلی

چون هزینه‌های گزاف نگهداری، مسائل بهداشتی و شرایط بسیار بد زندان و غیرانسانی بودن آن شده بود.

دولت زیمبابوه برای حل این مشکلات و کاهش استفاده از زندان، یک کمیته‌ی ملی زیر نظر وزارت دادگستری تشکیل داد. پیش از این، جریمه‌ی نقدی تنها جایگزین زندان محسوب می‌شد. ولی، با تشکیل این کمیته، به سایر جایگزین‌ها - از جمله خدمات عام‌المنفعه - نیز توجه شد.

اعضای این کمیته در کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی که در این زمینه برگزار شد، شرکت کرده، از برنامه‌های خدمات عمومی سایر کشورها - در افریقای جنوبی و اروپا - بازدید کردند و اطلاعاتی از منابع مختلف به دست آوردند. پس از آن‌که کمیته‌ی ملی به ارزش این طرح پی برد، مسأله‌ی چگونگی اجرای آن در زیمبابوه و کارایی و تأثیر آن مطرح شد. اعضای کمیته برای آشنا کردن مردم با این مجازات‌های جایگزین، در میزگردهای تلویزیونی نیز شرکت کردند.

به دنبال این تلاش‌ها و اصلاح و وضع قانون، کمیته‌ی ملی برای سازماندهی این طرح در جامعه، کمیته‌های محلی را تشکیل داد. ریاست این کمیته‌ها بر عهده‌ی قضات بود و اعضای آن را افراد مورد احترام جامعه، سازمان‌های غیردولتی و نمایندگان از دست - اندر - کاران عدالت کیفری (پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها، حکومت محلی و خدمات اجتماعی) تشکیل می‌دادند. عضویت این کمیته‌ها داوطلبانه بود و هیچ یک از دست - اندر - کاران این طرح، پولی برای کاری که بر عهده گرفته بودند، دریافت نمی‌کردند.

کمیته‌ی ملی خدمات عمومی زیمبابوه^۱ فهرستی از دوازده مؤلفه‌ی اساسی برای موفقیت طرح خدمات عمومی تهیه کرده است. مؤلفه‌های دوازده‌گانه‌ی این فهرست عبارت‌اند از:

۱. داشتن اراده‌ی سیاسی و پشتیبانی از طرح خدمات عام‌المنفعه؛
۲. مشارکت و همکاری تمام وزیران و مقام‌های بلندپایه‌ی مربوط، بویژه مقام‌های رفاه اجتماعی، مقام‌های محلی، وزارتخانه‌های خارجه و دادگستری؛
۳. استقلال کامل کمیته‌های اجرایی از محدودیت‌ها و نظارت‌های اجتماعی. در زیمبابوه، این استقلال کاملاً میسر است. زیرا، کمیته‌ی ملی خدمات عمومی زیمبابوه از نظر حقوقی در زیر مجموعه‌ی دولت و کاملاً تحت نظارت آن قرار دارد؛

1. The Zimbabwe National Committee on Community Service (ZNCCS)

۴. اعمال نظارت مالی و نظارت بر کارکنان و چگونگی اجرای طرح و اختیار تنظیم و ارائه راهکارها و برقراری نظارت‌های اداری و اجرایی از سوی کمیته ملی خدمات عمومی؛
 ۵. وجود دادگاه‌های کارآمد و مسؤول و متعهد کردن قضات (مجیستریٹ) به پیشرفت و ارتقای این سیستم (با وجود بسیار بودن حجم کاری آن‌ها)؛
 ۶. تشکیل کمیته‌های منطقه‌ای از ائتلاف سازمان‌های دولتی و غیردولتی داوطلب با هدف اجرای سیاست‌های مرکزی؛
 ۷. مشارکت دیوان کشور و دادگاه عالی در تقویت و ترویج این سیستم؛ یعنی در زمینه رهنمودها و راهکارهایی که این مراجع به قضات مجیستریٹ ارائه می‌کنند؛
 ۸. تعلق اراده‌ی رئیس‌ان و مدیران مؤسسه‌ها و نهادهای مجری طرح به مشارکت در طرح و نظارت مناسب بر مجرمانی که به مؤسسه‌ی آن‌ها فرستاده شده‌اند؛
 ۹. متعهد کردن کمیته‌ی اجرایی به فراهم کردن بودجه‌ی این طرح؛
 ۱۰. همکاری میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی؛
 ۱۱. نظارت مؤثر کمیته‌ی ملی خدمات عمومی بر قراردادهای استخدامی کارکنان این طرح از رهگذر پرهیز از بوروکراسی اداری؛
 ۱۲. استفاده‌ی مؤثر و به موقع از رسانه‌های گروهی برای ارائه تبلیغات مربوط به طرح؛
- در نخستین سال اجرای طرح (میان سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴)، بیش از سه هزار محکوم علیه در خدمات عمومی شرکت کردند. آنان به کار در بیمارستان، مدرسه‌ها، خانه‌های کودکان و خانه‌های سالمندان گماشته شدند.
- کمیته ملی بزودی دریافت که تداوم این برنامه بدون در اختیار داشتن منابع کافی امکان‌پذیر نیست. برای حل این مشکل، «سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی» - که خود خواستار تثبیت این طرح بود - با اختصاص بودجه‌ای کمیته را توانا به اداره‌ی آن کرد.
- بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که سازمان بین‌المللی اصلاحات کیفری به عنوان یکی از راهبردهای خود در جهت ارتقای جایگزین‌های زندان، از طرح ملی خدمات عمومی در زیمبابوه پشتیبانی کرده است. این طرح سپس به شکل الگویی برای گسترش خدمات عام‌المنفعه در سایر نقاط افریقا و بسیاری از کشورهای دیگر درآمده است.

در سپتامبر ۱۹۹۳، سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی برای ایجاد یک نهاد یا مرجع هماهنگ‌کننده داخلی و دوازده معاونت منطقه‌ای برای اجرای این طرح، از اتحادیه‌ی اروپا و دولت بریتانیا کمک مالی درخواست کرد. بدین ترتیب، این سازمان با همکاری خوبی که میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی و سایر گروه‌های مدنی و مذهبی برقرار شد و به این شرط که دولت زیمبابوه بودجه‌ی طرح را پس از سه سال نخست آن، خود بر عهده بگیرد، سرمایه‌ی آن را از کشورهای اروپایی فراهم کرد. این سازمان بودجه‌ی این طرح را بار دیگر در سال ۱۹۹۷ برای دولت زیمبابوه تضمین کرد. هم‌چنین، برای تداوم اجرای این طرح، هزینه‌ی استخدام چهار عضو کلیدی را برای مدت ۱۸ ماه زیر نظر کمیته‌ی ملی خدمات عمومی زیمبابوه و نیز برای پشتیبانی از برگزاری سیمینارهای آموزشی برای دادستان‌ها و سایر مأموران عدالت کیفری فراهم کرد.

در سال ۱۹۹۴، کمیته ملی برای بالا بردن آگاهی عمومی و آموزش قضات و سایر دست‌اندرکاران عدالت کیفری، یک سلسله برنامه‌های آموزشی منطقه‌ای در مورد هدف‌ها و چگونگی اجرای طرح خدمات عمومی زیمبابوه تشکیل داد. به دنبال آن، رهنمودها و راهکارهایی به قضات و مجریان طرح ارائه شد و چارچوب‌هایی برای استفاده‌ی دادگاه‌ها و مؤسسه‌های نظارت‌کننده بر اجرای حکم از سوی دادگاه تعیین شد.

در آگوست ۱۹۹۴، کادر گمارده شده‌ی پیش‌بینی شده در برنامه، اقدام به سازماندهی اجرایی خدمات عمومی کرد و کارهای اداری لازم برای تضمین استقرار مجرمان در مؤسسه‌های اجتماعی و گزینش یک سیستم مناسب را برای جریان منظم و مؤثر این طرح بر عهده گرفت.^۱

سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی (PRI) پشتیبانی خود را از این طرح در سال ۱۹۹۹ نیز تداوم بخشید و اعضای کمیته‌ی ملی خدمات عمومی زیمبابوه نیز در مأموریت‌های این سازمان برای کمک به ارتقای خدمات عام‌المنفعه در سراسر جهان مشارکت کردند.^۲

به گونه‌ای که ملاحظه شد، مطالعات و بررسی‌ها درباره‌ی جایگزین‌های زندان در زیمبابوه از سال ۱۹۹۲ آغاز شد. در سال ۱۹۹۴، زیمبابوه با پشتیبانی اساسی اتحادیه‌ی اروپا و دولت بریتانیا از رهگذر سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی یک طرح خدمات عمومی ایجاد کرد. تجربه‌ی زیمبابوه از موفقیت این برنامه حکایت می‌کند. در آگوست ۱۹۹۷، هنگامی که سازمان

1. *Community Service as an Alternative to Custody*; p. 2-3.
 2. *Penal Reform International; Annual Report*; p. 13.

اصلاحات کیفری بین‌المللی اجرای طرح خدمات عمومی را به طور رسمی به دولت زیمبابوه واگذار کرد، بیش از ۱۶ هزار نفر به انجام کار عام‌المنفعه - به عنوان جایگزین زندان - محکوم شده بودند.

مدل خدمات عمومی زیمبابوه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از برخی مسائل و مشکلات که میان تمام نظام‌های عدالت کیفری مشترک است، جلوگیری کرد و چنین طرحی را به گونه‌ای مدیریت و سازماندهی کرد که هم از جهت هزینه برای دولت و هم از نظر سود اجتماعی، بالاترین و بیش‌ترین تأثیر و کارایی را داشته باشد.

طرح خدمات عمومی زیمبابوه در آغاز پشتیبانی اکثریت افکار عمومی را به خود جلب کرد و وجهی بین‌المللی بسیاری نیز به دست آورد. امروزه، مردم زیمبابوه کار عام‌المنفعه را جزء جدا نشدنی نظام عدالت کیفری این کشور تلقی می‌کنند و دولت نیز درصدها است آن را افزون بر مجامع شهری، به روستاها نیز تسری دهد. به دنبال اجرای موفقیت‌آمیز این طرح، شماری از

کشورهای آفریقایی شروع به ایجاد طرح‌های خدمات عمومی بر اساس مدل زیمبابوه کردند. افزون بر آن، طرح خدمات عمومی زیمبابوه به علت داشتن اهمیت بین‌المللی، یک افتخار ملی برای این کشور محسوب می‌شود. اعضای کمیته ملی به کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی دعوت می‌شوند و نمایندگی‌هایی از کشورهای مختلف برای بررسی و آموزش این برنامه از زیمبابوه دعوت می‌کنند. به دنبال زیمبابوه، سایر کشورهای آفریقایی - از جمله، اوگاندا، کنیا، مالاوی، زامبیا، بورکینافاسو، جمهوری آفریقای مرکزی و کنگو - طرح‌های مشابهی همانند طرح مالی، موزامبیک و سنگال ارائه کرده‌اند. در سال ۱۹۹۶، رئیس کمیته ملی (که یکی از قضات دیوان عالی است) برای آشنا کردن قضات کامبوج با این برنامه، به مدت شش هفته به این کشور دعوت شد.

تا پایان ژوئن ۱۹۹۸، بیش از ۲۱ هزار مجرم موفق به گذراندن این طرح شدند. جمعیت زندان‌ها از زمان شروع طرح و با وجود افزایش میزان جرم‌ها، از ۲۲ هزار نفر به ۱۸ هزار نفر کاهش یافت. آمارها نشان می‌دهند که از ژانویه ۱۹۹۶ تا نوامبر همان سال و در مقایسه با میزان به دست آمده در کشورهای توسعه‌یافته‌ای که منابع بیش‌تری را برای اجرای این طرح تخصیص داده‌اند، ۸۰ تا ۹۰ درصد احکام خدمات عام‌المنفعه با موفقیت اجرا شده‌اند. در نخستین سال اجرای برنامه و زمانی که دامنه‌ی جغرافیایی آن محدود بود، میزان تکرار جرم

شرکت‌کنندگان در برنامه در سطح بسیار پایینی قرار داشت.

قضات، تأثیر این طرح و مشارکت خود در آن را پذیرفته و بر آن تأکید کرده‌اند. هم‌چنین، آنان از ماهیت راه‌گشای این ضمانت‌اجرا ارزیابی مثبتی داشته‌اند. آنان بیش از ۲۱ هزار مجرم را به جای روانه کردن به زندان، در این برنامه قرار دادند. برای آماده‌سازی و توانمند کردن قضات و دادستان‌ها در اجرای برنامه‌ی خدمات عمومی و پیروی از راهکارهای اجرای عملی این طرح، برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی مختلفی برگزار شد.

هزینه‌ی نگهداری هر نفر در زندان‌های زیمبابوه، نزدیک به ۱۲۰ دلار آمریکا در هر ماه است؛ در حالی که هزینه‌ی قرار دادن یک نفر در برنامه‌ی خدمات عمومی تنها به ۲۰ دلار آمریکا می‌رسد. تأثیر این طرح بر روابط خانوادگی مجرمان نیز مثبت بوده است. زیرا، مجرمانی که پیش از محکومیت‌شان شغلی داشتند، توانسته‌اند همزمان شغل خود و خدمات عمومی مورد محکومیت را انجام دهند و بنابراین، از عهده‌ی مخارج خود و پشتیبانی از خانواده‌ی خود برآیند. این طرح به علت نتایج چشمگیر آن، رضایت افکار عمومی را نیز به همراه داشته است؛ هر چند مباحثه‌هایی را نیز در سطح جامعه درباره‌ی ماهیت عدالت کیفری و مسؤولیت جامعه در قبال افرادی که قواعد و مقررات آن را نقض می‌کنند، برانگیخته است. برنامه‌ی دیگری نیز با همکاری وزارت دادگستری اجرا شده است. این برنامه - که همواره زیر نظر قوه‌ی قضائیه قرار دارد - با کوشش و پشتکار فراوان دنبال می‌شود.

گفتار دوم: برخی دیگر از کشورهای آفریقایی

پس از اجرای موفقیت‌آمیز طرح خدمات عمومی در زیمبابوه و پشتیبانی سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی از آن در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷، این سازمان هیأت‌های را در سال ۱۹۹۹ به مالاوی، کنیا، اوگاندا و زامبیا فرستاد و برای کمک به تصویب مقررات لازم و تأسیس نهادهای کارآمد برای اجرای عملی خدمات عام‌المنفعه، اقدام به راه‌اندازی کمیته‌های ملی خدمات عمومی و نمایندگانی از مراجع حکومتی، افراد خیر و نیکوکار در این کشورها کرد.

الف) مالاوی

در مالاوی، با تصویب قانونی، کار عام‌المنفعه به عنوان یک مجازات رسمی از سوی دادگاه به رسمیت شناخته شد و سپس یک طرح آزمایشی با بودجه‌ی «دفتر خارجی و مشترک‌المنافع بریتانیا»^۱ آغاز به کار کرد. این طرح‌ها در سه منطقه‌ی از چهار منطقه‌ی تحت اجراء، با موفقیت همراه بود؛ هر چند در گزارش رئیس قضات مجیستریت نیز خاطر نشان شد که آموزش هر چه پیش‌تر قضات صادرکننده‌ی حکم و مؤسسه‌ها و نهادهای اجراکننده‌ی حکم نیز ضروری است. به دنبال آن، از «سازمان غیردولتی بریتانیایی» و مرکز داوطلب خدمات برون‌مرزی درخواست بودجه و همکاری شد.

ب) کنیا

در سال ۱۹۹۹، خدمات عمومی با پشتیبانی دادستان کل به طور رسمی وارد کنیا شد و به دنبال آن، کمیته‌ی ملی جدید خدمات عام‌المنفعه تشکیل شد. تا پایان این سال، بیش از ۳۰۰۰ نفر به انجام خدمات عام‌المنفعه گماشته شدند. در کنیا، برخلاف سایر کشورهای آفریقایی از جمله زیمبابوه، خدمات عمومی از رهگذر «مرکز خدمات تعلیق مراقبتی» (که کمک‌هایی را از سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی دریافت داشته است) پشتیبانی می‌شود.

پ) زامبیا و اوگاندا

در زامبیا و اوگاندا، پیشرفت خدمات عمومی در دو سال گذشته کند بوده است. با وجود این، در سال ۱۹۹۹، اعضای کمیته‌های ملی خدمات عام‌المنفعه بر تجدید و احیای طرح‌ها تأکید کردند و برنامه‌هایی برای تصویب مقررات قانونی لازم و ایجاد ترتیبات اداری و اجرایی در این زمینه تهیه کرده‌اند.

سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۹ تداوم فراهم کردن بودجه‌ی لازم به وسیله‌ی کمیسیون اروپایی را برای گسترش نهادهای ملی خدمات عام‌المنفعه در کنیا، اوگاندا و زامبیا تضمین کرد. هم‌چنین، «بنیاد بارینگ» بودجه‌ی تبلیغ این طرح‌ها و بالا بردن آگاهی عمومی را در چهار کشور مالاوی، کنیا، زامبیا و اوگاندا فراهم کرد. این منابع مالی امکان تجدید و احیای

1. The British Foreign and Commonwealth office.

طرح‌های گسترده‌ی ملی را فراهم کرده است.^۱

کمیته‌ی ملی خدمات عمومی اوگاندا، با هدف ارتقای ایده‌آل‌های ناظر به خدمات عام‌المنفعه به عنوان یکی از شکل‌های جایگزین‌های مجازات زندان، درصدد هماهنگ کردن کارهای بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری - یعنی پلیس، دستگاه قضایی، مراکز خدمات تعلیق مراقبتی و سازمان زندان‌ها - با یکدیگر است. این هدف‌های عبارت‌اند از:

۱. گسترش شیوه‌ها و راه‌های کاهش استفاده از زندان و افزایش استفاده از ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی که باعث آسان کردن بازپرویی و باز-بکیارچگی اجتماعی و در نظر گرفتن منافع بزه‌دیدگان و جامعه می‌شود؛

۲. گسترش شیوه‌ها و روش‌هایی که مشارکت و همکاری اداره‌ها و سازمان‌های مربوط را در سطوح بالاتر و تمام بخش‌های عدالت کیفری در اوگاندا و منطقه تشویق کرده و ارتقاء می‌بخشد؛

۳. تضمین و پشتیبانی از تصویب اصلاحات لازم در مقررات قانونی که گسترش خدمات عمومی را به عنوان یکی از شکل‌های جایگزین‌های زندان آسان می‌کند؛

۴. ارتقای ایده‌آل‌های خدمات عمومی و اجرای برنامه‌های آموزشی در این زمینه برای عموم مردم و سازمان‌های دولتی و غیردولتی مربوط؛

۵. پی‌ریزی خدمات عام‌المنفعه و راهکارهای مربوط؛

۶. ارتقای همکاری میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی در زمینه‌ی خدمات عام‌المنفعه؛

۷. تحقیق و بررسی درباره‌ی هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اوگاندا که جهت‌گیری‌های اجتماعی مجازات بر پایه‌ی آن استوار است؛

۸. ارتقاء و پشتیبانی از سازمان‌ها و نهادهای ناظر و مجری برنامه‌های خدمات عمومی؛

۹. ایجاد و تدبیر ساز-و-کارهایی برای اجرای مناسب طرح خدمات عمومی و تشکیل نهادهای سازمان یافته در سطوح ملی و منطقه‌ای که ائتلاف نهادهای دولتی و غیردولتی داوطلب را فراهم می‌کند؛

۱۰. ایجاد یک منبع مالی سالم برای تداوم کار این کمیته از رهگذر افزایش بودجه‌های

1. Penal Reform International: p. 13.

تأمینی از نظر ملی و بین‌المللی.^۱

به گونه‌ای که ملاحظه می‌شود، سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی در ایجاد طرح‌های خدمات عام‌المنفعه در قاره‌ی افریقا نقش اساسی ایفا کرده است. این سازمان در سال ۱۹۹۸ بودجه‌ی «برنامه کمک به معرفی خدمات عام‌المنفعه»^۲ را در بورکینافاسو، جمهوری افریقای مرکزی، کنگو و موزامبیک فراهم کرد و در سال ۱۹۹۹، از تمام این کشورها بازدید کرده و با مقام‌های حکومتی و محلی و کمیته‌های ملی خدمات عمومی ملاقات کرده و به تصویب و گسترش مقررات و قوانین مربوط کمک کرده است. برای نمونه، این سازمان برای آموزش مربیان آموزشی خدمات عمومی بورکینافاسو، با کمیته‌ی ملی خدمات عمومی این کشور همکاری کرده است و پیش از گسترش «طرح‌های آزمایشی خدمات عمومی»^۳ در پنج استان این کشور، چند کارگاه آموزشی با شرکت کمیته‌های استانی خدمات عمومی^۴، قضات و رؤسای نهادهای کاربایی و سایر نهادهای مربوط برگزار کرده است. سازمان اصلاحات کیفری بودجه‌ی تأسیس یک طرح ملی را در بورکینافاسو نیز فراهم کرده است.

در جمهوری افریقای مرکزی، چهار طرح آزمایشی اجرا شده است. در کنگو، به دلیل بروز آشوب‌ها و ناآرامی‌های داخلی، پیشرفت این برنامه‌ها با وقفه روبه‌رو شده است. ولی، سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی دیدارهای خود را با وزیر دادگستری و سایر مقام‌های رسمی برای طراحی و تنظیم و اقدام‌های پیش‌تر، تداوم بخشیده است.

سرانجام، یادآور شویم که سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی فعالیت‌های خود را در سال ۱۹۹۹ به اروپای مرکزی و خاوری و نیز آسیای مرکزی گسترش داده است. در سال ۱۹۹۹، این سازمان سمیناری را در قزاقستان برای آشنایی با کار عام‌المنفعه تشکیل داد که در آن بیش از یکصد نماینده از کشورهای ارمنستان، رومانی، فدراسیون روسیه، تاجیکستان و ازبکستان شرکت داشته‌اند.

1. *Community Service in Practice*; pp. 13-14.
2. Programme of Helping to Introduce Community Service
3. Pilot Community Service Schemes
4. Provincial Committees on Community Service

مبحث چهارم: کار عام‌المنفعه در فرانسه

قانون‌گذار فرانسه کار عام‌المنفعه را به عنوان یکی از جایگزین‌های مجازات زندان در سال ۱۹۸۳ پذیرفت. بروز این رویداد محصول یک اتفاق نبود، بلکه چند عامل مهم در آن نقش داشتند.

گفتار نخست: افزایش و رشد جمعیت زندان‌ها

میان دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، گنجایش زندان‌های فرانسه حدود ۳۰ هزار نفر بود. این فضا با توجه به شمار زندانیان و روند اعلام عفو پس از انتخابات ریاست جمهوری فرانسه کافی بود. ولی، از نیمه‌ی دهه‌ی هفتاد، جمعیت زندان به سرعت رو به افزایش نهاد. دولت سوسیالیستی که پس از انتخابات ۱۹۸۱ به قدرت رسیده بود، برای تعدیل این تورم، به طور پیاپی چند فرمان عفو اعلام کرد. با وجود این، شمار زندانیان در ابتدای دهه‌ی هشتم (۱۹۸۱) هم‌چنان رو به افزایش بود. دولت نیز از آن پس شروع به اعلام فرمان‌های عفو و سرمایه‌گذاری برای احداث زندان کرد.^۱

در چنین شرایطی بود که خدمات عام‌المنفعه در ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳، با علم به این که منحنی جمعیت زندان به سرعت رو به افزایش است، وارد نظام کیفری فرانسه شد.

گفتار دوم: استفاده از تجربه‌های سایر کشورها

کار عام‌المنفعه ابتکار فرانسوی‌ها نیست. طراحان این روش در فرانسه با الهام از احکام خدمات عمومی^۲ در حقوق انگلوساکسون (کامن‌لا) – بویژه کانادا – آن را وارد قوانین این کشور کردند. آنان هم‌چنین از تجربه‌هایی که در اجرای آزمایشی کار عام‌المنفعه در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در فرانسه صورت گرفته بود، بهره بردند. نتایج این تجربه‌ها نشان داده بود که کار عام‌المنفعه می‌تواند کاربرد بسیار خوبی برای مجرمان بار نخست (در مقابل تکرارکنندگان جرم) داشته باشد و از تماس آنان با محیط‌های کیفری جلوگیری کند. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌داد که کار عام‌المنفعه نسبت به تکرارکنندگان جرم – که در بازداشت و زندان به سر می‌برند – نیز می‌تواند

1. *Community Service, the French experience*; p. 1.

کاربرد داشته باشد^۱.

در این کشور بر این امر تأکید می‌شود که کار عام‌المنفعه مستلزم همکاری دولت، کارفرمایان، شهرداری‌ها و سایر نهادهای ذی‌ربط با دستگاه قضایی است. به عبارت دیگر، کار عام‌المنفعه باید در اداره‌های دولتی، شهرداری‌ها یا انجمن‌هایی که از نظر قوانین فرانسه برای همگان سودمند شناخته شده‌اند - از جمله بنیادهای خیریه - صورت گیرد. و بنابر این، انجام کار عام‌المنفعه در بخش خصوصی مجاز نیست؛ هر چند این کار به شکل رایگان و بلاعوض اجرا شود. زیرا، اجرای آن در یک مؤسسه خصوصی مشکلاتی از نظر نظارت محکوم از سوی مددکاران اجتماعی به وجود خواهد آورد^۲.

با توجه به مرحله‌های مختلف فرایند کیفری، خدمات عمومی را به شکل‌های گوناگون می‌توان پیش‌بینی و اجرا کرد. در فرانسه، از سه مرحله‌ی فرایند کیفری (پیش از محاکمه، در جریان محاکمه و پس از آن)، کار عام‌المنفعه تنها در دومین مرحله و به عنوان جایگزین مجازات زندان پیش‌بینی شده است.

بدین ترتیب، در فرانسه هیچ‌گونه مقرراتی برای خدمات عام‌المنفعه‌ی پیش از محاکمه - که به وسیله‌ی دادستان انجام می‌شود - و نیز کار عمومی به عنوان جایگزینی برای جرمه‌های نقدی‌ای که محکوم نمی‌تواند آن‌ها را بپردازد، وجود ندارد.

گفتار سوم: گونه‌های کار عام‌المنفعه

در حقوق فرانسه، کار عام‌المنفعه به شکل‌های زیر پیش‌بینی شده است:

۱. کیفر اصلی؛
۲. جایگزین مجازات زندان؛
۳. تعلیق همراه با کار عام‌المنفعه؛
۴. کیفر تکمیلی؛
۵. مورد ویژه‌ی محکومیت به حداکثر ۶ ماه زندان.

1. *Ibid*; p. 1.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حقوق جزای عمومی (۲)، تقریرات دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم ۱۳۷۹-۸۰.

الف) کار عام‌المنفعه به عنوان کیفر اصلی

در قانون جزای فرانسه، کار عام‌المنفعه یکی از مجازات‌های جنبه‌ای مقرر در قانون جزا محسوب می‌شود. ماده‌ی ۳ - ۱۳۱ قانون جزای این کشور مقرر می‌دارد که مجازات‌های جنبه‌ای اعمال‌شدنی درباره‌ی اشخاص حقیقی به شرح زیر است:

۱. زندان؛
۲. جزای نقدی؛
۳. روزهای جزای نقدی (یا جریمه‌ی نقدی روزانه)؛
۴. کار عام‌المنفعه؛
۵. مجازات‌های سالب یا محدودکننده‌ی حقوق به شرح مندرج در ماده‌ی ۶ - ۱۳۱؛
۶. مجازات‌های تکمیلی مندرج در ماده‌ی ۱۰ - ۱۳۱.

درباره‌ی جایگاه کار عام‌المنفعه در میان مجازات‌های شش‌گانه‌ی بالا، باید یادآور شویم که طبق رویه‌ی قضایی مستمر فرانسه، شدت نسبی یک مجازات، نه بر اساس مدت یا مقدار آن بلکه بر مبنای جایگاهی که قانون‌گذار در سلسله مراتب مجازات‌ها قائل شده است، محاسبه می‌شود^۱. بدین ترتیب، میان مجازات‌های پیش‌بینی شده برای جرم‌های جنبه‌ای، کار عام‌المنفعه چهارمین جایگاه را به عنوان مجازات به خود اختصاص داده است.

ب) کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزین زندان

ماده‌ی ۸ - ۱۳۱ قانون جزای فرانسه برای قاضی دادگاه در امور جنبه‌ای این امکان را پیش‌بینی کرده است که بتواند کار عام‌المنفعه را جایگزین مجازات زندان کند. این ماده مقرر می‌دارد:

در مواردی که برای یک جرم جنبه‌ای مجازات زندان مقرر شده باشد، دادگاه می‌تواند مقرر دارد که محکوم علیه کاری عام‌المنفعه و بی‌دستمزد را برای مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به نفع یک شخص حقوقی عمومی یا انجمنی که شایستگی و توانایی اجرای کار عام‌المنفعه را داشته باشد، انجام دهد. دادگاه مجاز نیست به متهمی که از انجام کار عام‌المنفعه سرپیچی می‌کند یا در دادگاه حضور ندارد، حکمی مبنی بر انجام این کار صادر کند. قاضی دادگاه پیش از تصمیم‌گیری، متهم را از حق خود مبنی بر عدم پذیرش از انجام کار عام‌المنفعه آگاه

1. *Crime a Fév 1938 Ga3 Pul 1938. 1. 523; Crime 15 Fév 1958; Bull Crime N° 164.*

کرده و پاسخ او را دریافت می کند.

پ) تعلیق همراه با کار عام المنفعه

مراد ۴۰ - ۱۳۲ و ۴۱ - ۱۳۲ قانون جزای فرانسه به تعلیق مراقبتی اشخاص حقیقی اختصاص دارد و پیش بینی می کند که دادگاه در صورت صدور حکم زندان و تعلیق آن به صورت مراقبتی و مشروطه و وضعیتی را که بر اثر ارتکاب جرم جدید یا عدم رعایت شرایط تکمیلی در مدت آزمایش به وجود خواهد آمد، به محکوم تذکر می دهد. ماده ۴۱ - ۱۳۲ یادآور شده است که تعلیق مراقبتی و مشروط در مورد محکومیت های جنحه ای و جنایی که از ۵ سال تجاوز نکند، امکان پذیر است. یکی از شرایطی که دادگاه می تواند به محکوم تحمیل کند، انجام کار عام المنفعه به مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت است. بی تردید، در صورت مخالفت متهم با انجام کار عام المنفعه، از صدور حکم تعلیق مراقبتی و مشروط باید خودداری شود. در صورت پذیرش متهم و صدور حکم انجام کار عام المنفعه و انجام کار و رعایت سایر شرایط، محکومیت بی اثر تلقی خواهد شد (ماده ۵۴ - ۱۳۲).

ماده ۵۴ - ۱۳۲ مقرر می دارد که در مدتی که دادگاه برای انجام کار عام المنفعه تعیین کرده است، محکوم مکلف است افزون بر انجام این کار، اقدام های نظارتی زیر را نیز رعایت کند:

۱. به احضاریه های قاضی اجرای مجازات یا مأمور تعلیق مراقبتی پاسخ دهد؛
۲. برای تشخیص ابتلا به بیماری و اگیردار و خطرناک و نیز توانایی انجام کار عام المنفعه، پیشاپیش خود را تحت آزمایش های پزشکی قرار دهد؛
۳. دلیل موجه تغییر شغل یا محل اقامت خود را که مانع اجرای برنامه کار عام المنفعه می شود ارائه کند؛
۴. برای هرگونه جابه جایی که مانع اجرای برنامه کار عام المنفعه می شود، از قاضی اجرای مجازات ها مجوز بگیرد؛
۵. به ملاقات های مأمور تعلیق تن دهد و مدارک و اطلاعات مربوط به اجرای کار عام المنفعه را در اختیار او قرار دهد؛

۶. محکوم هم چنین مکلف است تکلیف یا تکالیف مندرج در ماده ۴۵ - ۱۳۲ را که دادگاه مقرر کرده است، رعایت کند. تکالیف مندرج در این ماده در ۱۴ بند شمرده شده است و دادگاه یا

قاضی اجرای مجازات ها می تواند یک یا چند مورد از این موارد را به متهمی که به تعلیق مراقبتی محکوم شده است، تحمیل کند (مانند عدم حضور در مراکز فروش مشروبات الکلی، هم نشینی نکردن با برخی از اشخاص، حمل نکردن سلاح، رانندگی نکردن با برخی از وسایل نقلیه و...). به گونه ای که ملاحظه شد، متهمی که مجازات تعلیق مراقبتی همراه با کار عام المنفعه دریافت می کند، ناگزیر است افزون بر شرایط مندرج در ماده ۴۵ - ۱۳۲ که به فردی اختصاص دارد که مجازات او تنها تعلیق شده است، شرایط مندرج در ماده ۵۴ - ۱۳۲ را رعایت کند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که قانون گذار فرانسه در کنار تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی، نوع سومی از تعلیق را که همان تعلیق مراقبتی همراه با کار عام المنفعه است و می تواند به بازپروری محکوم کمک کند، پیش بینی کرده است.

ت) کار عام المنفعه به عنوان کیفری تکمیلی

قانون گذار فرانسه در برخی از موارد انجام کار به نفع جامعه را به عنوان یک کیفر تکمیلی مدنظر قرار داده است. برای نمونه، نظر به این که طبق قانون ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ مجازات زندان در مورد امور خلافی از زندان های کیفری این کشور حذف شده است، بند ۲ ماده ۱۷ - ۱۳۱ مقرر می دارد: «مقرراتی که درباره ی ارتکاب جرم خلافی از طبقه ی پنجم وضع می شود، می تواند مجازات تکمیلی کار عام المنفعه از ۲۰ تا ۱۲۰ ساعت را نیز در نظر بگیرد».

ث) مورد خاص محکومیت غیابی به حداکثر ۶ ماه زندان

طبق ماده ۵۷ - ۱۳۲ قانون جزا، دادگاهی که رأی به حداکثر ۶ ماه زندان تأدیبی بدون تعلیق در اتهام جنحه ای عمومی صادر کرده باشد، در صورتی که رأی نسبت به متهم تجدیدنظر ناپذیر باشد، دادگاه می تواند اجرای مجازات را به شرط انجام کاری عام المنفعه تعلیق کند. به گونه ای که ملاحظه می شود، این ماده به قاضی صادرکننده حکم اجازه می دهد که با وجود حاکمیت امر مختوم کیفری، دستور تعلیق همراه با کار عام المنفعه را صادر کند.

ماده ۲ - ۷۴۷ اقدام هایی را که لازم است در این زمینه صورت گیرد، پیش بینی کرده و مقرر

۱. مجازات های امور خلافی در حال حاضر عبارتند از: ۱. جزای نقدی؛ ۲. مجازات های سالب یا محدودکننده حقوق به شرح مندرج در مواد ۱۴ - ۱۳۱، ۱۶ - ۱۳۱، ۱۷ - ۱۳۱ قانون جزا.

می‌داند که قاضی اجرای مجازات گزارشی مبنی بر صرف‌نظر کردن صریح محکوم از حق مخالفت خود با کار عام‌المنفعه به دادگاه صادرکننده‌ی رأی ارائه می‌کند. این گزارش، اجرای مجازات را تا تصمیم‌گیری دادگاه به حالت تعلیق درمی‌آورد. دادگاه با جلب نظر دادرسی و احضار یا شنیدن گفته‌های محکوم یا وکیل او در جلسه‌ی غیرعلنی تصمیم‌گیری می‌کند. تصمیم دادگاه فوری به آگاهی قاضی اجرای مجازات‌ها می‌رسد و در صورت عدم حضور محکوم هنگام صدور رأی، به او ابلاغ می‌شود. این رأی تنها فرجام‌پذیر است و فرجام‌خواهی سبب تعلیق تصمیم نیست.^۱

به صراحت ماده‌ی ۲۲-۱۳۱ قانون جزای فرانسه، انجام کار عام‌المنفعه ممکن است به علل پزشکی، خانوادگی، شغلی یا اجتماعی تعلیق شود. هم‌چنین، مدتی که کار عام‌المنفعه باید در آن انجام گیرد، ممکن است به علت بازداشت محکوم یا انجام خدمت سربازی معلق شود. تصمیم‌گیری نسبت به شیوه‌ی انجام کار عام‌المنفعه یا تعلیق آن را قاضی اجرای مجازاتی که اقامتگاه معمولی محکوم در حوزه‌ی قضایی او واقع است، انجام می‌دهد و چنانچه اقامتگاه محکوم بیرون از فرانسه باشد، این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها با رئیس دادگاه بدایتی است که حکم کار عام‌المنفعه را صادر کرده است.

ج) محکومان و جرم‌های موضوع کار عام‌المنفعه

مطابق گزارش وزارت دادگستری فرانسه، ۹۵ درصد محکومان به کار عام‌المنفعه در سال ۱۹۹۲ مرد بودند که متوسط سنی آنان ۲۸ سال و در حین محکومیت بیکار بوده‌اند. ۵۳ درصد موارد محکومیت به کار عام‌المنفعه به جنحه‌های سرقت و اختفای اموال مسروقه اختصاص یافته است. در جرم‌های علیه امنیت جاده‌ای، این رقم از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ دو برابر شده و به ۲۳ درصد کل محکومیت‌ها رسیده است. از هر یکصد نفر محکوم به کار عام‌المنفعه در ۱۹۹۲، ۳۹ نفر هرگز محکومیت‌شان را به انجام نرساندند.

۱. استانی، لواسور، بولکا، حقوق جزای عمومی، ش. ۸۵۱-۲.

منبع: وزارت دادگستری - Casier judiciaire national

درصد محکومیت‌ها	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
سرقت، اختفای مال مسروقه	۶۸/۲	۶۷/۲	۶۸/۷	۶۹/۵	۶۲/۴	۵۶/۴	۵۳/۶	۵۱/۹	۵۳/۱
تخریب، تخریب اموال	۴/۸	۳/۷	۴/۹	۳/۶	۳/۹	۴/۳	۴/۲	۴/۱	۴/۶
تخلفات راهنمایی و رانندگی	۱۲/۹	۱۲/۹	۱۱/۲	۸/۷	۱۶	۲۱/۶	۴/۶	۲۵/۴	۳۳/۸
ایراد ضرب و خشونت‌های عمدی	۴	۴/۶	۴	۴/۷	۴/۵	۴/۶	۳/۳	۵/۲	۵
جرم‌های مربوط به مواد مخدر	۱/۹	۱/۸	۲/۲	۳/۱	۳/۹	۳/۱	۳	۳/۲	۳/۳
جرم‌های علیه نظم اداری و قضایی	۲/۶	۲/۸	۳/۴	۳/۷	۳	۳	۳	۳/۸	۳/۴
جرم‌های دیگر	۱/۸	۱/۶	۱/۶	۲/۸	۱/۶	۱/۸	۱/۷	۱/۶	۱/۸

تقسیم محکومان به کار عام‌المنفعه بر حسب جرم

گفتار چهارم: شیوه‌ی اجرا و رژیم حقوقی

همان‌گونه که ملاحظه شد، جلب رضایت متهم به انجام کار عمومی در همه‌ی موارد ضروری است. متهم می‌تواند انجام کار عمومی را نپذیرد و به جای آن، رفتن به زندان را اولویت دهد.^۱ اگر مرتکب پس از تفهیم موضوع انجام کار را بپذیرفت، دادگاه به انجام کار عمومی حکم می‌کند. مدت انجام کار عمومی حداکثر ۱۸ ماه است که زمان آن میان ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به وسیله‌ی دادگاه تعیین می‌شود.

طبق ماده‌ی ۱۳۱-۲۴ قانون جزای فرانسه، محکوم تحت پشتیبانی و مسؤولیت دولت (سازمان زندان‌ها) قرار دارد و چنانچه به مناسبت انجام کار خسارتی به دیگری وارد کند، دولت مسؤول پرداخت آن است. در ماده‌ی ۱۳۱-۳ پیش‌بینی شده است که مجازات کار عام‌المنفعه در حکم کارهای عادی است و بنابراین، مشمول قوانین مربوط به کار در شب، کار سخت، بهداشت و ایمنی و مقررات ویژه‌ی کار زنان و جوانان است. به بیان دیگر، محکوم از امتیازهای قانون کار بهره‌مند می‌شود. بدیهی است محکوم در کنار انجام این کار - تا زمانی که به تحمل کیفر لطمه‌ای نزند و در صورتی که شاغل بوده باشد - می‌تواند به فعالیت شغلی خود ادامه دهد. پیشینه‌ی کیفری مجرم در ارجاع کار عام‌المنفعه اهمیتی ندارد و بنابراین، تکرارکنندگان جرم نیز می‌توانند آن را به دست آورند. این جایگزین نسبت به نوجوانان ۱۶ تا ۱۸ سال نیز اعمال شدنی است.

گفتار پنجم: تهیه‌ی کار و شغل

قاضی اجرای مجازات‌ها در فرانسه مسؤولی کاریابی شناخته شده است و بنابراین، وظیفه‌ی تعیین کار از عهده‌ی دادگاه صادرکننده‌ی حکم خارج است. قاضی اجرای مجازات‌ها با همکاری دادسرا (دادستان محلی) و با رایزنی در اداره‌های دولتی، شهرداری و مؤسسه‌های مورد اعتماد، فهرستی از مشاغل موجود را تهیه کرده و با توجه به آن، کار را میان محکومان توزیع می‌کند. بدیهی است که به تناسب و اقتضای هر کار، محکوم باید آزمایش‌های پزشکی، استعداد و آزمون توانایی کاری خود را نیز بگذراند.

قاضی اجرای مجازات‌ها در اجرای حکم تعلیق مراقبتی همراه با کار عمومی دارای اختیاراتی به شرح زیر است:

۱. ماده‌ی ۱۳۲-۵۴ قانون جزا.

۱. تعیین شرایط و چگونگی انجام یک کار عام‌المنفعه؛

۲. تجدیدنظر در تصمیم پیشین خود درباره‌ی کار تعیین شده؛

۳. تنظیم یا حذف تعهدهای ویژه‌ای که به محکوم تحمیل شده است؛

۴. تعلیق موقتی اجرای کار عام‌المنفعه به دلایل پزشکی، خانوادگی، حرفه‌ای یا اجتماعی^۱.

با رعایت شرایط عمومی و مهلتی که دادگاه تعیین کرده است، قاضی اجرای مجازات‌ها چگونگی فیزیکی اجرای کار عام‌المنفعه را تعیین می‌کند. او با توجه به فهرست کارهای عام‌المنفعه‌ای که برای حوزه‌ی او تعیین شده است، کارها را میان محکومان توزیع می‌کند و تصمیم خود را به محکوم و مؤسسه‌ای که کار به نفع آن انجام می‌شود و نیز به دادسرا ابلاغ می‌کند.

اجرای کار عمومی در صورت فورس‌ماژور - بویژه در مدت بازداشت موقت محکوم به اتهام جرم جدید - بی‌آنکه به فسخ تعلیق همراه با کار عام‌المنفعه منجر شود، معلق می‌شود. در صورت اشتغال محکوم به کار یا اجرت، کار عام‌المنفعه نباید بیش از ۱۲ ساعت از کل مدت قانونی کار باشد. فاصله‌ی راه و وقت صرف غذا جزو مدت کار عمومی محسوب نمی‌شود. در صورت رخداد یک حادثه یا بیماری شغلی، محکوم از قوانین تأمین اجتماعی مربوط به حوادث کار استفاده می‌کند.

گفتار ششم: آثار تعلیق همراه با کار عام‌المنفعه

در صورت رعایت تعهدهای مختلف، به محض انجام کار عمومی - حتی در صورتی که پیش از موعد مقرر به اتمام رسیده باشد - محکومیت بی‌اثر تلقی شود.

قاضی اجرای مجازات‌ها خود یا به وسیله‌ی مأمور تعلیق مراقبتی از اجرای کار عام‌المنفعه مطمئن می‌شود و به محض اتمام دوران تعلیق و کار عمومی، مجازات‌های تبعی یا عدم اهلیت قطع می‌شود.

قاضی اجرای مجازات‌ها به وسیله‌ی بازرس فنی کار از رعایت نکردن احتمالی تعهدهای ویژه آگاه می‌شود. در صورت وجود یا امکان وجود خطرهای فردی، مسؤول بازرسی فنی می‌تواند کار را معلق کند. قاضی اجرای مجازات‌ها به محض آگاهی از جریان امر ممکن است

۱. همانجا، ص ۴-۸۵۳.

ابتدا تعهد را تغییر دهد. برای نمونه، یک دستور کار عام‌المنفعه‌ی دیگر صادر کند یا یکی از تعهدهای تعیین‌شده‌ی دادگاه را تغییر دهد. همچنین، می‌تواند محکوم را زندانی کرده و به دادگاه جنحه مراجعه کند.

دادگاه جنحه می‌تواند مهلت انجام کار را تمدید کند بی آن‌که از حداکثر ۱۸ ماه مقرر تجاوز کند. همچنین، می‌تواند با فسخ تعلیق، دستور اجرای تمام یا بخشی از مجازات را صادر کند. افزون بر آن، در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت در جریان مدت اجرای حکم کار عمومی - که به یک مجازات سالب آزادی بدون تعلیق منجر شود - می‌توان تعلیق همراه با کار عام‌المنفعه را فسخ کرد.

در صورتی که به نظر برسد بازپروری و اصلاح محکوم به دست آمده است، دادگاه نمی‌تواند برنامه‌ی کار عام‌المنفعه را لغو کند. گواهی انجام کار عام‌المنفعه در مؤسسه‌ای که کار به نفع او انجام شده، برای رهایی محکوم از تعهدهای ناشی از محکومیت کافی است.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که شرایط و مقررات کار عمومی در چارچوب تعلیق مراقبتی تا انداره‌ی بسیاری با شرایط کار عام‌المنفعه به عنوان یک جایگزین مستقل یکسان و مشابه است.

با وجود این، دادگاه‌های فرانسه مقررات این گونه جایگزین‌های زندان را که نوعی از رژیم تعلیق مراقبتی همراه با کار عام‌المنفعه به حساب می‌آید و از آغاز ژانویه ۱۹۸۴ اجرا شده است، آن‌گونه که باید، نپذیرفته‌اند.^۱

مبحث پنجم: کار عام‌المنفعه در ایالات متحده‌ی آمریکا

یکی از ضمانت‌اجراهای بینابین و در واقع بیش‌ترین مجازات بینابینی که در ایالات متحده‌ی آمریکا استفاده می‌شود، خدمات عام‌المنفعه است.

کار عام‌المنفعه در قوانین بیش‌تر ایالت‌های آمریکا پیش‌بینی شده و در برخی از ایالت‌ها - از جمله فلوریدا و جورجیا - در مواردی الزامی است.

خدمات عام‌المنفعه ممکن است به صلاحدید و تشخیص قاضی به جای زندان یا جریمه‌ی نقدی - در صورت ناتوانی محکوم به پرداخت جریمه - و بویژه در مورد نخستین جرم ارتكابی

(در مقابل تکرار جرم) به کار گرفته شود. همچنین، ممکن است از آن به عنوان یکی از شرایط مندرج در تعلیق مراقبتی استفاده شود. بنابراین، می‌توان گفت که کار عام‌المنفعه در ایالات متحده‌ی آمریکا دو شکل دارد:

۱. کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزینی مستقل برای زندان؛

۲. کار عام‌المنفعه همراه با تعلیق مراقبتی.

خدمات عمومی در بیش‌تر ایالت‌های این کشور به عنوان یکی از شرایط تعلیق مراقبتی اعطایی به محکومان یا به عنوان مجازاتی برای جرم‌های خرد - همانند جرم‌های رانندگی - به کار می‌رود. این نهاد به عنوان جایگزین، برای جرم‌های شدید و سنگین و نیز بر مجرمان حرفه‌ای تأثیر سودمند اندکی دارد.

برخی از جرم‌شناسان آمریکایی معتقد - اند که خدمات عمومی در صورتی که به خوبی اجرا شود، هزینه‌ی پایینی در بر خواهد داشت. ولی، در غیر این صورت، هزینه‌ی اجرایی بالایی را رقم خواهد زد که در واقع، یکی از ایرادهای وارد بر این مجازات به شمار می‌رود.

در ایالات متحده‌ی آمریکا، تحقیقات کمی درباره‌ی تأثیر خدمات عمومی به عنوان یک مجازات بینابین صورت گرفته است. مهم‌ترین تحقیق موجود در این زمینه با عنوان «پروژه‌ی خدمات عمومی» به وسیله‌ی اداره‌ی دادگستری «ورا»^۱ (نیویورک) اجرا شده است.

در این برنامه، کار عام‌المنفعه برای مرتکبان جرم‌های مالی مستوجب زندان شش ماه به بالا - که در گذشته به تعلیق مراقبتی یا زندان محکوم شده بودند - در نظر گرفته شد.

روش کار چنین بود که مجرمان به انجام هفتاد ساعت کار عمومی تحت نظارت یک سرگروه یا سرکارگر محکوم می‌شدند. به گفته‌ی شرکت‌کنندگان در این برنامه، تمام ساعت‌های حضور آن‌ها از نزدیک تحت نظارت بود و عدم حضور یا عدم همکاری آنان به اعمال مجازات منتهی می‌شد. در همین راستا، با قضات توافق شده بود تا در صورت مشاهده‌ی هر نوع تخلف و نقض مقررات برنامه، به بازداشت فوری و رسیدگی‌های سریع اقدام کنند.

هدف این برنامه، دورنگه داشتن محکومان و شرکت‌کنندگان از تیررس زندان بود. نتایج بررسی و ارزیابی این برنامه نشان داد که هر چند اجرای آن تأثیری بر میزان تکرار جرم نداشته است، در هزینه کردن مالیات‌های گرفته شده از شهروندان به نوعی صرفه‌جویی کرده است. در

1. Vera.

مجموع، تجربه‌ها و تحقیقات انجام شده در آمریکا نشان می‌دهد که خدمات عمومی می‌تواند به عنوان یک ضمانت‌اجرای هدفمند و مؤثر به جای زندان استفاده شود.^۱

مبحث ششم: کار عام‌المنفعه در حقوق انگلیس

کار عام‌المنفعه ابتدا در سال ۱۹۶۹ در مورد کودکان و نوجوانان تصویب و وارد حقوق کیفری انگلستان شد. آنگاه از سال ۱۹۷۳، طبق قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری، به مجرمان بزرگسال نیز تسری داده شد. برخی پذیرش چنین نهادی را در انگلستان با توجه به طبیعت و ماهیت این حقوق و ویژگی سخت‌گیری انگلیسی‌ها در پذیرش نهادهای جدید، یکی از مهم‌ترین کارها و افتخارات برای این نظام حقوقی تلقی کرده‌اند.

احکام کار عام‌المنفعه ابتدا به عنوان جایگزین زندان وارد حقوق انگلیس شد. در آخرین تحولات قانونی در این خصوص که طبق مقررات قانون عدالت کیفری سال ۱۹۹۱ واقع شد، اساس کار عام‌المنفعه به گونه‌ای که در قانون سال ۱۹۷۳ آمده بود، تغییری نکرد. ولی، مستلزم قرار ترکیبی جدید و شدیدتری است که احکام تعلیق مراقبتی را با کار عام‌المنفعه درهم می‌آمیزد و امکان صدور «قرارهای مرکب» را پیش‌بینی می‌کند که از رهگذر آنها می‌توان مجرم را هم تحت تعلیق مراقبتی قرار داد و همزمان وی را ملزم به انجام کارهای عام‌المنفعه کرد.

مطابق این قانون، دادگاه می‌تواند دو یا چند قرار را با هم ترکیب کند (به استثنای تعلیق مراقبتی همراه با کار عام‌المنفعه که خود قرار مرکب مستقلی به حساب می‌آید) و نیز می‌تواند جریمه یا قرار پرداخت غرامت را نیز بر محکومیت بیفزاید. بسیاری از محدودیت‌هایی که پیش‌تر قضات عالی و قضات دادگاه‌های بخش را آزار می‌داد (مانند جمع نشدن تعلیق با جریمه یا جمع نشدن کار عام‌المنفعه با جریمه)، با این قانون برداشته شده است.^۲ در سال ۱۹۹۳، شمار بسیاری از این نوع قرارهای مرکب به وسیله دادگاه‌ها صادر شد و به موازات آن، آمار قرارهای تعلیقی مراقبتی تنها نیز، کاهش یافت.^۳

1. *Community Corrections; op.cit.*

2. Ashworth, Andrew; *Non-Custodial Sentences*; p. 246.

3. Rayan, Mick and Sim, Joc; *The Penal system in England and Wales*, p. 98.

گفتار نخست: شرایط صدور حکم کار عام‌المنفعه

الف) شرایط ماهوی

۱. محکومیت مجرم

کار عام‌المنفعه ابتدا به عنوان جایگزین زندان وارد حقوق انگلیس شد. مطابق قسمت اول بخش چهاردهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، حکم کار عام‌المنفعه ممکن است در صورتی که مجازات محکوم زندان باشد، صادر شود.

ولی، امروزه این شرایط پیشین که تنها در موارد کار عام‌المنفعه استفاده می‌شد که در غیر آن صورت تنها مجازات زندان تحمیل شدنی می‌بود، وجود ندارد. از سال ۱۹۹۱، قانون‌گذار امکان صدور احکام کار عام‌المنفعه را به جای جریمه یا در ترکیب با آن نیز پیش‌بینی کرده است. مطالعات حاکی از آن است که حکم کار عام‌المنفعه تقریباً تنها در ۵۰ درصد موارد به عنوان جایگزین زندان استفاده شده است.^۱

۲. احراز تناسب حکم کار عام‌المنفعه با جرم ارتكابی و مجرم به وسیله دادگاه

مطابق قسمت دوم از بخش چهاردهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، دادگاه پیش از صدور حکم الزام به خدمات اجتماعی (کار عام‌المنفعه) باید با در نظر گرفتن گزارش کتبی مأمور تعلیق مراقبتی در مورد مجرم و اوضاع - و - احوال وی با شنیدن گزارش شفاهی مأمور تعلیق مراقبتی، مطمئن شود که مجرم شرایط مناسب و کافی برای انجام کار عام‌المنفعه را بر اساس حکم صادره دارد.

بخش ۶ (۲) قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ مقرر می‌دارد که احکام اجتماعی - از جمله قرارهای کار عام‌المنفعه و قرارهای مرکب (ترکیبی از تعلیق مراقبتی و کار عام‌المنفعه) - را تنها در صورتی می‌توان صادر کرد که دادگاه بر این باور باشد که جرم یا ترکیب جرم‌های مرتبط با آن به اندازه‌ای اهمیت دارند که تحمیل این قبیل مجازات‌ها را توجیه کنند.

این قانون، اگر چه نه به صراحت ولی به طور تلویحی، چنین مقرر می‌دارد که صدور حکم‌های اجتماعی در صورتی مناسب است که اهمیت جرم ارتكابی به اندازه‌ای باشد که مجازات مالی صرف (مانند جریمه یا غرامت) برای آن کفایت نکند. هم‌چنین، بخش ۷ (۱) این

1. *Non-Custodial Sentences*; p.246.

قانون به دادگاه‌ها یادآور می‌شود تا همه‌ی اطلاعات مربوط به اوضاع - و - احوال جرم را هنگام تصمیم‌گیری در مورد اهمیت جرم مد نظر قرار دهند.

بخش ۶ (۲) قانون مزبور مقرر می‌دارد که دادگاه باید از دو شرط مطمئن شود: نخست، این که، حکم اجتماعی خاص باید مناسب‌ترین مجازات برای مجرم باشد؛ و دوم، محدودیت‌هایی که طی حکم به مجرم تحمیل می‌شوند، باید با اهمیت جرم یا جرم‌های ارتكابی متناسب داشته باشد. این امر بیانگر آن است که دادگاه ابتدا باید درباره‌ی اهمیت جرم ارتكابی تصمیم‌گیری کند و سپس حکم اجتماعی مناسب با آن را برگزیند.^۱

ب) شرایط شکلی

۱. ابلاغ و تفهیم به محکوم

مطابق بخش پانزدهم، شانزدهم و هفدهم و نیز قسمت پنجم از بخش چهاردهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، دادگاه باید پیش از صدور حکم محکومیت با زبانی متعارف برای مجرم تشریح و تفهیم کند که:

یکم. هدف و کارایی حکم کار عام‌المنفعه چه بوده و بویژه این که محکوم علیه چه شرایط و ترتیباتی را باید رعایت کند؛

دوم. در صورتی که محکوم علیه از اجرای شرایط و رعایت ترتیباتی که در قرار مقرر شده سر باز زند، چه پیامدهایی را برای وی دربرخواهد داشت؛

سوم. دادگاه اختیار خواهد داشت تا بر اساس درخواست مجرم یا درخواست مأمور تعلیق مراقبتی، در مندرجات و شرایط حکم کار عام‌المنفعه تجدیدنظر کرده و آن را تغییر دهد.

۲. رضایت محکوم علیه

بر اساس قسمت دوم از بخش چهاردهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، پس از آن که دادگاه از ابلاغ و تفهیم به محکوم فارغ شد، نمی‌تواند حکم به انجام کار عام‌المنفعه صادر کند مگر این که مجرم پس از استماع و تفهیم، رضایت خود را مبنی بر انجام کار عام‌المنفعه و رعایت شرایط و ترتیبات مقرر در آن با صراحت اعلام کند.

1. *Ibid*; pp. 246-247.

مطابق قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ نیز، در تمامی حکم‌های اجتماعی و از جمله کار عام‌المنفعه، رضایت محکوم علیه شرط صدور این حکم است. بخش ۱ (۳) این قانون مقرر می‌دارد که چنانچه محکوم از دادن رضایت نسبت به حکم اجتماعی‌ای که دادگاه برای وی مناسب دانسته است، سرپیچی کند، دادگاه می‌تواند بدون رعایت ترتیبات مندرج در بخش ۱ (۲) مجرم را به مجازات زندان محکوم کند.

۳. وجود شرایط و امکانات لازم در محل

مطابق قسمت دوم از بخش چهاردهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، دادگاه نمی‌تواند حکم به الزام کار عام‌المنفعه صادر کند؛ مگر این که از رهگذر وزارت کشور مطمئن شود که امکانات و ترتیبات لازم در محلی که مجرم سکونت داشته یا سکونت خواهد کرد، به اندازه‌ای کافی وجود دارد، به گونه‌ای که انجام ترتیبات مقرر در حکم دادگاه به آسانی امکان‌پذیر است.

هم‌چنین، طبق قسمت‌های چهارم تا ششم از بخش چهاردهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، حکم الزام به کار عام‌المنفعه باید محلی را که مجرم در آن سکونت داشته یا سکونت خواهد کرد، معین کند. دادگاهی که این حکم را صادر می‌کند، جز در صورتی که خودش دادگاه بخش ناحیه‌ی مقرر در حکم باشد، باید برای منشی دادگاه آن ناحیه، کپی‌ها و اسناد و اطلاعات مربوط به پرونده را که تصور می‌کند برای اجرای ترتیبات مقرر در حکم لازم است، بفرستد. هم‌چنین، کپی‌هایی از حکم دادگاه باید به مجرم و مأمور تعلیق مراقبتی داده شود.

گفتار دوم: میزان و نوع کاری که محکوم باید انجام دهد

الف) ساعت‌های کار و مدت انجام آن

مطابق قسمت اول از بخش چهاردهم قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳، دادگاه نباید مجموع ساعت‌های کار عام‌المنفعه برای مجرم را کم‌تر از ۴۰ ساعت و بیش‌تر از ۲۴۰ ساعت تعیین کند.

طبق قسمت هفتم از بخش چهاردهم این قانون، وزارت کشور به طور قانونی اختیار دارد هر از گاهی محدوده‌ی ساعت‌های کار تعیین شده در قسمت اول از بخش چهاردهم این قانون را تغییر دهد.

مطابق قسمت دوم از بخش پانزدهم این قانون، کار عام‌المنفعه باید - جز در موردی که طبق قسمت اول بخش هفدهم قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳ مدت کار تمدید می‌شود - در مدت ۱۲ ماه از تاریخ صدور حکم، به وسیله‌ی محکوم‌علیه انجام شود.

ب) نوع کار

تعیین نوع کار و محل اشتغال که حتماً باید در محل اقامت همیشگی مجرم باشد، برعهده‌ی مأمور تعلیق مراقبتی است.

به طور کلی، انواع کار شامل اشتغال در بیمارستان‌ها، تمیز کردن اداره‌ها یا مراکز تفریحی، اشتغال در آسایشگاه سالمندان، شرکت در کاوش‌های باستانی، انجام خدمات عمومی (پاک کردن جنگل‌ها، پارک‌ها، جاده‌ها و زمین‌های ورزشی) بازدید از زندان‌ها، کمک به بزه‌دیده یا شرکت در کلاس‌های آموزشی، فنی، حرفه‌ای، راهنمایی و رانندگی و بهداشتی است که مأمور تعلیق مراقبتی با در نظر گرفتن سن و جنس مجرم، استعداد و توانایی و وضع روانی وی کار معینی را برای وی برمی‌گزیند.

مطابق قسمت سوم از بخش پانزدهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، نوع کار و دستورهایی که مأمور تعلیق مراقبتی به مجرم می‌دهد، نباید با باورها و اعتقادهای مذهبی وی تعارض داشته باشد. هم‌چنین، ساعت‌های انجام کار عام‌المنفعه نباید با ساعت‌های کار عادی مجرم، ساعت‌های حضور او در مدرسه یا سایر مؤسسه‌های آموزشی تداخل کند.

گفتار سوم: نظارت بر اجرا

الف) اختیارات مأمور مراقب

مجرمی که تحت حکم کار عام‌المنفعه قرار می‌گیرد، باید به مأمور مراقب مربوط به‌طور پیاپی گزارش دهد. محکوم‌علیه باید مأمور را از تغییر احتمالی آدرس و محل اقامت خود آگاه کند. وی باید به شمار ساعت‌هایی که در حکم دادگاه تعیین شده، کارهای ویژه‌ی او را که انجام آن در زمان مقرر به وسیله‌ی مأمور مراقب تعیین شده است، نیز انجام داده و گزارش آن را به مأمور مربوط بدهد (قسمت اول، بخش پانزدهم قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳).

مأمور مراقب مربوط، طبق قسمت چهارم از بخش چهاردهم یا قسمت پنجم از بخش

هفدهم قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳، ممکن است یک مأمور تعلیق مراقبتی باشد که در محل اقامت مجرم به کار اشتغال داشته یا برای این منظور و به مدت مقرر در حکم به این کار گماشته شده است یا شخصی باشد که «کمیت‌ی تعلیق مراقبتی و پشتیبانی‌های بعدی»^۱ به این منظور و برای آن منطقه تعیین کرده است.

هم‌چنین، مأمور مراقب باید ساعت‌های کار را به گونه‌ای تنظیم کند که - جز در مواردی که طبق قسمت اول بخش هفدهم قانون، مدت کار عام‌المنفعه تمدید شده باشد - کار عام‌المنفعه در مدت ۱۲ ماه از تاریخ صدور حکم خاتمه یابد.

ب) اختیارات وزارت کشور

طبق قسمت اول و دوم از بخش ۴۸ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳، وزیر کشور می‌تواند قواعد و دستورهای را برای انجام کار عام‌المنفعه تنظیم کند.

وزارت کشور می‌تواند با تنظیم این قواعد، به طور ویژه ساعت‌های انجام کار در هر روز را محدود کند، قواعدی درباره‌ی چگونگی محاسبه‌ی ساعت‌های کار انجام شده وضع کند، مقرراتی درباره‌ی پرداخت مبلغی برای مسافرت یا سایر هزینه‌های مربوط به انجام کار عام‌المنفعه تنظیم کرده یا مقرراتی درباره‌ی ثبت اموری که باید حفظ و نگهداری شوند، وضع کند. ولی، در عمل، وزارت کشور به ندرت از این اختیارات استفاده کرده است.

گفتار چهارم: اصلاح حکم کار عام‌المنفعه

الف) افزایش مدت کار و تمدید حکم

مطابق قسمت اول از بخش هفدهم قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳، هنگامی که حکم کار عام‌المنفعه در مورد شخصی در حال اجرا باشد، بنا به تقاضای مجرم یا با تقاضای مأمور مربوط، دادگاه بخشی که در محل معین در حکم انجام وظیفه می‌کند، می‌تواند با توجه به اوضاع و - احوالی که از زمان صدور حکم به وجود آمده و نیز به مقتضای عدالت، دوازده ماهی را که کار باید مطابق حکم نخستین کار در ظرف آن مدت انجام شود، تمدید کند.

1. Probation and after-care committee.

مطابق قسمت هفتم از بخش هفدهم این قانون، جز در موردی که تمدید به درخواست مجرم است، دادگاه باید برای تصمیم گیری در مورد تمدید کار، مجرم را احضار کند و در صورتی که حاضر نشود، دستور توقیف وی را برای حضور در دادگاه صادر کند.

ب) تغییر محل اقامت

مطابق قسمت پنجم از بخش هفدهم قانون اختیارات دادگاه های کیفری ۱۹۷۳، چنانچه دادگاه بخشی که در محل و مدت معین شده در حکم کار عام المنفعه انجام وظیفه می کند صلاح بداند، در شرایط معینی، به تقاضای محکوم علیه برای تغییر محل اقامت او یا به درخواست مأمور مربوط، به سبب تغییر عملی اقامتگاه محکوم علیه، حکم را با جایگزینی محل اقامت جدید محکوم یا محلی معین شده ی پیشین در حکم، اصلاح می کند. شرایط معین عبارت اند از:

یکم. در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که امکانات لازم و کافی برای انجام کار عام المنفعه ی مقرر در حکم در محل اقامت جدید وجود دارد؛

دوم. چنانچه بر دادگاه محرز شود که مقرراتی که محکوم باید بر اساس آنها کار عام المنفعه ی مقرر در حکم را انجام دهد، رعایت می شود.

چنانچه دادگاه حکم پیشین را اصلاح کند، باید کپی حکم را برای دفتر دادگستری محل جدید بفرستد. همچنین، باید تمامی مدارک و اطلاعات مربوط به پرونده را که برای جریان صحیح کار و اجرای حکم لازم تشخیص می دهد، برای دفتر دادگستری مربوط ارسال کند. (بخش ۱۷ (۶)).

ب) تخلف از الزامات و شرایط حکم

۱. تخلف از الزامات طبق قانون ۱۹۷۳

طبق قسمت اول و دوم از بخش شانزدهم قانون اختیارات دادگاه های کیفری ۱۹۷۳، اگر در مدتی که حکم کار عام المنفعه در مورد مجرمی در حال اجرا است، بر دادگاه بخش محل محرز شود که مجرم از رعایت الزامات قانونی سر باز زده است - اعم از آن که انجام ندادن الزامات عمدی بوده یا غیر عمدی -، دادگستری می تواند احضار وی را یا حکم جلب لازم را صادر کند تا مجرم حاضر شده یا برای حضور در دادگاه بخش محل دستگیر شود.

مطابق قسمت سوم از بخش شانزدهم قانون ۱۹۷۳، دادگاه بخش در صورتی که تشخیص دهد مجرم بی هیچ گونه عذر موجهی از الزامات قانونی سرپیچی کرده است، می تواند بدون قضاوت درباره ی ادامه ی حکم، وی را به جریمه ای که از ۵۰ پوند تجاوز نکند، محکوم کند یا این که با لغو حکم پیشین، وی را به مجازاتی محکوم کند که در صورت عدم صدور حکم کار عام المنفعه، می بایست آن مجازات در مورد وی اعمال می شد.

مطابق بندهای الف و ب از قسمت پنجم بخش شانزدهم قانون ۱۹۷۳ مزبور، دادگاه سلطنتی نیز اختیارات مشابه با دادگاه های مجیستریست در موارد مشابه بالا دارد.

۲. تخلف از الزامات مطابق قانون ۱۹۹۱

گزارش سفید ۱۹۹۰ در مورد تخلف از الزامات حکم کار عام المنفعه، چنین می گوید:

اگر آیین دادرسی در این مورد بسیار انعطاف پذیر باشد، اعتماد به کارایی مجازات های اجتماعی مورد پرورش قرار می گیرد. از سوی دیگر، اگر آیین دادرسی مزبور بسیار سخت و شدید باشد و اجازه دهد که مجرم به علت یک تخلف انضباطی به زندان بیفتد، احتمال دارد مجرمانی که شایسته ی مجازات زندان نبودند، به ناگاه خود را در زندان بیابند.

بنابراین، مطابق قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱، برای تحکیم و تضمین اجرای الزامات احکام، سه مرحله در صورت تخلف از رعایت شرایط و الزامات وجود دارد:

مرحله ی نخست: اخطار یا ضمانت اجرایی که در اختیار مأمور مراقب است؛

مرحله ی دوم: احضار مجرم به دادگاه در قبال نقض الزامات؛

مرحله ی سوم: تصمیم دادگاه و صدور حکم در مورد تخلف از الزامات.

در این مرحله، دادگاه می تواند بدون تصمیم گیری در مورد اصلی حکم نخستین - یعنی با ادامه ی حکم -:

۱. مجرم را به پرداخت جریمه ای تا ۱۰۰۰ پوند محکوم کند؛

۲. تا ۶۰ ساعت کار عام المنفعه ی جدید به محکوم تحمیل کند؛

۳. در صورت لزوم، قرار نگهداری در مرکز مراقبت^۱ صادر کند.

۱. attendance center order. این قرار در صورتی صادر می شود که دادگاه، زندانی کردن محکوم را شدید و تنها مجازات جریمه را خفیف بداند. بنابراین، قرار مرکز مراقبت یک قرار متوسط میان زندان و جریمه ای است که

افزون بر آن، قانون ۱۹۹۱ مزبور در بخش دوم پاراگراف ۳ (۱) (د) مقرر می‌دارد که دادگاه می‌تواند حکم پیشین را لغو کرده و دوباره به جرم نخستین او رسیدگی کند و حکمی غیر از حکم‌های اجتماعی در مورد او صادر کند.

پاراگراف ۳ (۲) از بخش بالا می‌افزاید که در این صورت، دادگاه باید بخش انجام شده‌ی کار به وسیله‌ی مجرم را به حساب آورده و در مجازات متدرج در حکم جدید محسوب بدارد. این قانون هم چنین می‌افزاید که در مورد مجرمی که به کرات و عامدانه از رعایت شرایط حکم تخلف کرده و یا فردی که از رضایت دادن به حکم‌های اجتماعی و از جمله کار عام‌المنفعه خودداری می‌کند، دادگاه می‌تواند، مطابق بخش ۱ (۳) قانون مزبور، حکم به مجازات زندان صادر کند.^۱

گفتار پنجم: پایان یا لغو حکم کار عام‌المنفعه

الف) خاتمه و الغای حکم

هنگامی که حکم کار عام‌المنفعه در مورد مجرمی در حال اجراست، در صورتی که دادگاه بنا به درخواست خود مجرم یا درخواست مأمور مربوط تشخیص دهد که با توجه به اوضاع - و - احوالی که از زمان صدور حکم به بعد به وجود آمده، عدالت ایجاب می‌کند که حکم کار عام‌المنفعه در مورد محکوم خاتمه یابد یا این که مجرم باید به شیوه‌ی دیگری به مجازات برسد، طبق بند الف از قسمت دوم بخش هفدهم قانون عدالت کیفری ۱۹۷۳، در صورتی که حکم نخستین از دادگاه مجیستریت صادر شده باشد، دادگاه می‌تواند به حکم مزبور خاتمه داده و یا دوباره و به شیوه‌ی دیگری، با الغای حکم پیشین، نسبت به جرم نخستین او حکم جدیدی به جز حکم کار عام‌المنفعه صادر کند.

اگر حکم نخستین از دادگاه کراون^۲ صادر شده باشد، (معادل دیوانعالی جنائی) طبق بند ب قسمت دوم بخش هفدهم این قانون، هنگامی که متهم در پیشگاه دادگاه کراون حاضر شد، دادگاه با توجه به اوضاع - و - احوال جدیدی که پس از صدور حکم نخستین به وجود آمده، می‌تواند با

طبق آن محکوم برای ۳ تا ۳۶ ساعت در یک مؤسسه که به وسیله‌ی مقام‌های محلی اداره می‌شود، ترفیق می‌شود.

1. Ashworth, Andrew; *a concise dictionary of law oxford*; p. 246.

2. Crown court

رعایت عدالت به حکم کار عام‌المنفعه خاتمه دهد. هم چنین، می‌تواند مطابق قسمت سوم از بخش هفدهم قانون مزبور، با الغای حکم نخستین، به شیوه‌ای به جز صدور حکم کار عام‌المنفعه، درباره‌ی جرم نخستین مجرم اتخاذ تصمیم کند.

ب) ارتکاب جرم جدید به وسیله‌ی محکوم

سرانجام، طبق قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱، ارتکاب جرم جدید به الغای حکم اجتماعی و از جمله کار عام‌المنفعه منجر نمی‌شود.^۱

اختیارات دادگاه‌ها در مورد ارتکاب جرم‌های جدید، مندرج در پاراگراف‌های ۸ و ۹ از بخش دوم قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱، محدود شده است. ولی، در صورتی که محکومیت به جرم‌های جدید در دادگاه کراون صورت بگیرد، این دادگاه اختیارات گسترده‌تری در این زمینه دارد، یعنی ارتکاب جرم‌های سبک و در صلاحیت دادگاه مجیستریت، خللی به احکام کار عام‌المنفعه‌ی پیشین وارد نمی‌کند. ولی، ارتکاب جرم‌های مهم و در صلاحیت دادگاه کراون، ممکن است به ایجاد تغییراتی در احکام کار عام‌المنفعه‌ی پیشین منجر شود.

مبحث هفتم: کار عام‌المنفعه در جمهوری چک

تحمیل کار عام‌المنفعه به عنوان یک تدبیر کیفری در مواد ۴۵-۴۵ B و ۳۳۵-۵۶ تا ۳۴۰ قانون جزا پیش‌بینی شده است. دادگاه این اقدام را حتی بدون توافق با زندانی نیز، در صورتی که مجازات قانونی تا ۵ سال زندان باشد، ممکن است اعمال کند. این نوع مجازات ممکن است به عنوان جایگزین زندان، به شکل جداگانه یا به همراه دیگر تصمیم‌های دادگاه اعمال شود (برای نمونه کیفرهای مالی، دستور تبعید و غیره). چنین مجازاتی می‌تواند شامل ۵۰ تا ۴۰۰ ساعت کار اجباری به نفع جامعه‌ی محلی یا در جهت منافع تمامی جامعه باشد.

مجرم باید وظایف خود را حتی الامکان در محل اقامتگاه همیشگی‌اش انجام دهد. افزون بر آن، او باید کار را در وقت آزاد-اش، بدون مزد و ظرف یک سال پس از اعلام محکومیت‌اش به پایان رساند. هم چنین همزمان با تحمیل کار عام‌المنفعه، دادگاه ممکن است مجرم را به جبران خسارت ناشی از جرم ملزم کند. در مواردی که مجرم نمی‌تواند تعهدهای ناظر به کار عام‌المنفعه

1. *Ibid*; p. 249.

را انجام دهد و یا آن را به شیوه‌ی مقرر انجام ندهد، دادگاه مجاز است آن را تبدیل به زندان کند. در این صورت، ۲ ساعت کار عام‌المنفعه برابر با یک روز زندان محاسبه می‌شود.

کار عام‌المنفعه معمولاً در محل سکونت مجرم و زیر نظر دادگاه صالح اجرا می‌شود. با این همه، اگر مجرم موافق باشد، می‌تواند کار-اش را در جای دیگری انجام دهد. پس از لازم‌الاجرا شدن تصمیم دادگاه مبنی بر انجام کار عام‌المنفعه، مأمور تعلیق مراقبتی با مجرم در مورد شرایط آن مذاکره می‌کند. مأمور تعلیق مراقبتی باید اوضاع - و - احوالی را که مانع اجرای تصمیم دادگاه می‌شود، روشن کند؛ برای نمونه سلامتی مجرم، محدودیت‌های موقتی، نبود وسایل نقلیه و غیره. همچنین، مأمور باید مجرم را از حقوق و تکالیف اش در حین اجرای مجازات آگاه کند.

هنگام اجرای کار عام‌المنفعه به وسیله‌ی مجرم، مأمور تعلیق مراقبتی در محل اجرای آن با مقام‌های محلی در تماس است. اگر لازم باشد، مأمور تعلیق مراقبتی اطلاعات ضروری را درباره‌ی ادامه‌ی اجرا یا تعلیق کار عام‌المنفعه (ماده‌ی ۳۳۹ قانون جزا) یا تغییر شرایط آن (ماده‌ی ۳۴۰) یا اقدام کیفری دیگر، (ماده‌ی ۳۴۰b) برای دادگاه فراهم می‌کند. پس از تصمیم‌گیری، دادگاه ممکن است از مأمور تعلیق مراقبتی میزان کار عام‌المنفعه‌ی اجباری برای محکوم علیه را، با توجه به سلامتی و جایگاه خانوادگی و اجتماعی اش جویا شود. در طول مدت انجام محکومیت به کار اجباری، مأمور تعلیق مراقبتی با دقت لازم با مجرم کار می‌کند (ماده‌ی ۴۵a). مجرم ملزم است همکاری دو سویه‌ای با مأمور تعلیق مراقبتی در اثنای این مدت داشته باشد. چنین همکاری چندمنظوره‌ای اطمینان می‌دهد که مجرم بهبود یابد، در زندگی پیرو قانون شود و نوعی غرامت به بزه‌دیده بپردازد.

مبحث هشتم: ارزیابی

امروزه، در بیش‌تر کشورهای پیشرفته، انجام کارهای عام‌المنفعه - به عنوان یکی از جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت - در قوانین کیفری پیش‌بینی شده است. خدمات عمومی می‌تواند تأثیر مثبتی بر کاهش جمعیت زندان‌ها داشته باشد. برای نمونه، در اوگاندا، طبق آمار سازمان زندان‌ها، نزدیک به ۵۵۰ دلار برای هر زندانی در ماه هزینه می‌شود. بنابراین، خدمات عام‌المنفعه می‌تواند مبالغ بسیاری از هزینه‌های مؤدیان مالیاتی را صرفه‌جویی کند. هم‌چنین، کار عام‌المنفعه موجب پرهیز از انگ خورده‌ن شخص محکوم به برچسب زندانی شده و مجرم را

توانا به حفظ روابط خانوادگی اش می‌کند.^۱

اجرای کار عمومی با پذیرش و نیز انتقادهای مختلفی روبه‌رو بوده است. از جمله محاسن خدمات عام‌المنفعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

گفتار نخست: نداشتن خطرها و عیب‌های زندان

زندان مکانی است که مجرمان اتفاقی و غیرحرفه‌ای در کنار مجرمان حرفه‌ای در آنجا قرار می‌گیرند. این مسأله سبب می‌شود که مجرمان حرفه‌ای، تجربه‌ها و مهارت‌های خویش را به مجرمان اتفاقی انتقال دهند. در نتیجه، هنگام خروج از زندان، آنان به مجرمان خطرناک و کنترل‌ناپذیری تبدیل می‌شوند.

از سوی دیگر، زندان تأثیرهای روانی نامطلوبی بر فرد دارد و از نظر اجتماعی نیز باعث ازم‌هم‌گسیختگی خانواده‌های زندانیان می‌شود. اشتغال به کارهای عام‌المنفعه از خطرها و مفاسد زندان می‌کاهد و مانع تماس محکومان با مجرمان حرفه‌ای و خطرناک می‌شود.^۲

گذشته از این ایراد کلاسیک، خطر شیوع بیماری‌های مهلکی چون ایدز و هپاتیت - بویژه در میان مجرمان مواد مخدر - از بزرگ‌ترین عیب‌های امروز زندان به شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان داده است که بروز این بیماری‌ها زندانیان را دچار یک حالت انزوای شدید کرده و حس یأس و ناامیدی را در آنان تشدید می‌کند. آموزش مأموران زندان در این مورد نیز ناکافی بوده است. در همین راستا، یکی از تلاش‌های سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۹، پی‌ریزی طرح‌هایی در زمینه‌ی گسترش راهکارهای مناسب درمانی و مراقبتی برای زندانیان مبتلا HIV و ایدز بوده است.^۳

زندانیان جوان بخش دیگری از گروه‌های آسیب‌پذیر در زندان‌های امروز را تشکیل می‌دهند. گسترش شیوه‌های مهارت‌آموزی و روش‌های بازپروری و اصلاحی برای آنان، در رأس برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی بسیاری از کشورها قرار گرفته است. آموزش مکانیک و تعمیر اتومبیل، رایانه، رانندگی و کشاورزی و نیز یافتن کار مناسب برای این زندانیان جوان از جمله‌ی

1. *Community Service in Practice*; p. 19.

۲. جایگزین‌های مجازات زندان، ص ۹۵۱.

3. *Penal Reform International*; p. 15.

این برنامه هاست.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود عیب های برشمرده برای زندان تحولات بین المللی را در زمینه واکنش در قبال مجرمان، به «استفاده ی حداقل از مجازات زندان در مقابل بکارگیری جایگزین هایی مانند کار عام المنفعه» جهت داده است.^۱

گفتار دوم: کاهش هزینه های احداث زندان و نگهداری زندانیان

از آن جا که مجازات های زندان کوتاه مدت به طور عمده به جرم هایی مربوط اند که همگام با پیشرفت صنعت و فناوری و با هدف برقراری نظم اجتماعی ایجاد شده اند و شمار این جرم ها نیز رو به فزونی است، نگهداری این زندانیان نیازمند ساختن زندان های بسیاری است که هزینه ی فراوانی را بر دوش دولت می نهد و در نهایت، به جامعه ضرر وارد می کند. از این رو، با جایگزین کردن تدابیری چون کار عام المنفعه می توان چنین هزینه های گزافی را کاهش داد.

گفتار سوم: ارتقای پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

با توجه به این که بیش تر زندانیان را افراد جوان و بهره مند از نیروی کار تشکیل می دهد، استفاده از آنان بر حسب توانایی های فکری و جسمی برای انجام کارهای عام المنفعه و سودمند به حال جامعه، به پیشرفت جامعه کمک فراوانی خواهد کرد.

گفتار چهارم: اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی بزهارکار

اصولاً زندان باعث افسردگی روحی و جسمی محکومان می شود و حس انتقام جویی آنان را افزایش می دهد. حال آن که، کارهای عام المنفعه از یک سو باعث تقویت روحیه و توانایی جسمانی آنان می شود و از سوی دیگر، حس مسئولیت پذیری نسبت به جامعه، وجدان کاری و نظم اجتماعی را در مجرم افزایش می دهد و در نتیجه، باز سازگاری او را در اجتماع آسان می کند.

گفتار پنجم: داشتن قابلیت اجرایی

در پاره ای موارد، محکوم به دلیل نداشتن توانایی مالی، نمی تواند جزای نقدی را بپردازد. و از

1. Ibid: pp. 16, 28.

سوی دیگر، زندانی کردن چنین فردی (که اغلب نیز خطرناک نیست) هیچ سودی برای مجرم و جامعه در پی نخواهد داشت. در چنین مواردی، قاضی می تواند چنین فردی را به فراخور توانایی اش، به انجام خدمات عام المنفعه محکوم کند تا همزمان، هدف های سزادهی و سودمندی مجازات ها نیز جامعه ی عمل ببود.

به طور کلی، می توان گفت که اشتغال به کارهای عام المنفعه روش تربیتی مناسبی است که برای تقویت اراده ی مجرمان و عادت دادن آنان به نظم و انضباط، رعایت قوانین و مقررات، همزیستی مسالمت آمیز، ایفای نقش اجتماعی و برپا بردن مسؤلیت های اجتماعی و سرانجام، پیشگیری از زیان های نگهداری در محیط بسته، اجرا می شود.

در کنار این امتیازها، انتقادهایی نیز بر کار عام المنفعه وارد شده است. عده ای از اندیشمندان حقوق کیفری نسبت به تبدیل مجازات زندان به خدمات عام المنفعه ایراد کرده اند و گفته اند که الزام مجرم به انجام کار و ترک محل زندگی و عزیمت به محل دیگر، سبب از دست دادن آزادی او می شود و در مقابل، با ابقای وی در محل زندگی و کار خود و انجام کار عام المنفعه در این مکان، اطلاق عنوان جایگزین مجازات بر این تدبیر مفهوم خود را از دست خواهد داد. بنابراین، این سیستم هیچ مزیتی بر مجازات سالب آزادی ندارد.^۱

با وجود امتیازهایی که برای خدمات عام المنفعه برشمردیم و با توجه به بحث هایی که پیرامون این تدبیر جایگزین زندان مطرح است، در شرایط کنونی نمی توان گفت که آیا خدمات عام المنفعه، به هدف اصلی خود - یعنی کاهش میزان حبس - دست یافته است یا خیر. زیرا، مطالعات و تحقیقات کافی برای توجیه این نتیجه گیری وجود ندارد. ولی، از همین میزان از تحقیقات به عمل آمده نیز نتایج یکسانی به دست نیامده است. ظاهراً کار عام المنفعه تغییری در رقم محکومیت ها و شمار محکومیت های سالب آزادی - به جز در مقاطعی و در پاره ای کشورها همانند زمینیاوه - به وجود نیاورده است.

در مجموع، در سطح بین المللی ثابت شده است که خدمات عمومی به عنوان شیوه ای کارآمد و مقرون به صرفه نسبت به مجرمان، می تواند سودمند و مؤثر باشد؛ برپا بردن آن که اعمال آن در برخی از کشورها مانند زمینیاوه، رویکرده جدیدی نیست. زیرا، مجازات زندان به عنوان یکی از واکنش های معمولی در قبال مجرمان، در طول دوران استعمار این کشور به وسیله ی اروپاییان

۱. جایگزین های مجازات زندان، ص ۱۵۴.

پدید آمده است. در این کشور، پیش از آن، خدمات عمومی و روش‌های مشابه به‌عنوان واکنش جامعه در قبال مجرمیت به کار گرفته می‌شد. بنابراین، خدمات عام‌المنفعه بیش از زندان کردن افرادی که می‌توانستند اصلاح‌پذیر باشند، بازتاب‌دهنده‌ی عدالت سنتی در این کشور است. این گونه محکومیت، مجازاتی را درچارچوبی از منافع ملی و تمامیت و قوام فرهنگی معرفی می‌کند.^۱

ولی، بحث در این‌جا پایان نمی‌پذیرد. در پاسخ به این پرسش اساسی که چند نفر از محکومان از رهگذر خدمات عام‌المنفعه اصلاح شده‌اند، نیز باید گفت که مطالعات کافی و جامعی درباره‌ی میزان تکرار جرم پس از خدمات عمومی وجود ندارد. ولی، اگر در مورد کار عام‌المنفعه مطالعات و تحقیقات کافی و بسیاری انجام نشده است، متخصصان نظام عدالت کیفری (پلیس، قاضی، دادستان.....) در مجموع آن را در باره‌ی مجرمان، بسیار توانمند ارزیابی کرده‌اند.

پیوست

قوانین، فرم‌ها و پرسشنامه‌های نمونه

برای آشنایی بیشتر با شیوه‌ی اجرای کار عام‌المنفعه، نخست قانون ۱۹۹۷ اوگاندا، با توجه به موفقیت‌هایی که این نهاد جایگزین در برخی کشورهای افریقایی داشته است، ارائه می‌شود. پس از آن، فرم‌های مربوط به پرسشنامه‌های نمونه که قضات برای آشنایی با مجرم پیش از تصمیم‌گیری درباره‌ی کار عام‌المنفعه باید تکمیل کنند یا دستور تکمیل آن را بدهند، سپس فرم مربوط به مستقر کردن یک مجرم تحت برنامه، فرم ناظر به میزان ساعت‌های کار انجام شده، گزارش عدم حضور، تقاضای لغو کار عام‌المنفعه و در نهایت فرم احضار محکوم به دادگاه جهت تصمیم‌گیری درباره‌ی ادامه یا لغو کار عام‌المنفعه به عنوان پرسشنامه و فرم‌های نمونه آورده شده است.

1. *Ibid*; p.6.

الف) لایحه‌ی قانونی کار عام‌المنفعه (اوگاندا) مصوب سال ۱۹۹۷

۱. معرفی مواد

بخش نخست: مقدمه

عنوان مختصر

واژه‌شناسی

۲. احکام کار عام‌المنفعه

کار عام‌المنفعه

دوره و تعهدهای ناظر به حکم کار عام‌المنفعه

خورداری از انجام تعهدهای حکم کار عام‌المنفعه

جرمی که در ادامه‌ی کار عام‌المنفعه ارتکاب می‌یابد

۳. اصلاح، بازنگری و اجرای احکام کار عام‌المنفعه

اصلاح حکم کار عام‌المنفعه

اجرای حکم کار عام‌المنفعه

۴. سازمان کار عام‌المنفعه

کمیته‌ی کار عام‌المنفعه

قواعد

اجراکردن کار عام‌المنفعه

تاریخ اوگاندا

۱. مقدمه

عنوان کوتاه: ۱. قانون حاضر جایگزین قانون کار عام المنفعه ۱۹۹۶ می شود.

واژه شناسی: ۲. در قانون حاضر و به جز در مواردی که فحوای کلام معنای دیگری را اقتضا می کند، اصطلاح های زیر به کار برده شده است:

حکم کار عام المنفعه: حکمی است که در بر دارندهی مقررات قانون حاضر بوده و محکوم علیه را به اجرای فعالیتی در جامعه در طول یک دوره ی معین متعهد می کند؛

دوره ی کار عام المنفعه: دوره ای است که در طول آن محکوم علیه باید فعالیتی را طبق حکم کار عام المنفعه انجام دهد؛

دادگاه: مراد از دادگاه همان دادگاه شهرستان یا یک دادگاه تالی است؛

وزیر: مراد، وزیر امور داخلی (وزیر کشور) است؛

جرم کوچک: جرمی است که دادگاه مجازات آن را کم تر از یک سال زندان تعیین کرده است؛

جنحه: جرمی است که دادگاه ضمن مشخص کردن ماهیت آن و مشخصات مربوط به محکوم علیه، کار عام المنفعه را به عنوان مجازاتی مناسب برای آن در نظر می گیرد؛

محکوم: فردی است که موضوع انجام دستور کار عام المنفعه قرار گرفته باشد؛

دادگاه سرپرستی: دادگاهی است که حکم کار عام المنفعه را صادر می کند و دادگاه هایی با همان صلاحیت - واقع در محلی که محکوم علیه در ادامه ی انجام کار ممکن است در آنجا اقامت گزینند - را نیز پوشش می دهد؛

قاضی یا کمیته ی اجرای مجازات: قاضی یا کمیته ای است که دادگاه برای نظارت بر محکوم علیه در طول کار عام المنفعه وی تعیین می کند.

۲. احکام کار عام المنفعه

۱-۲. هنگامی که فردی به علت ارتکاب یک جرم کوچک مجرم شناخته می شود، دادگاه می تواند به جای صدور حکم محکومیت به مجازات زندان، حکم کار عام المنفعه صادر کند؛

۲-۲. دادگاه باید پیش از صدور حکم، شرایط خاص، شخصیت و پیشینه ی محکوم علیه را در نظر بگیرد و نیز رضایت محکوم علیه را نسبت به کار عام المنفعه به دست آورد؛

۳-۲. پیش از صدور حکم کار عام المنفعه، دادگاه باید با زبانی که محکوم علیه می فهمد، نتایج این حکم و این امر را که چنانچه به هر دلیلی این کار را انجام ندهد، باید مجازات نخستین را تحمل کند، برای محکوم علیه تبیین کند؛

۴-۲. محکوم علیه تحت نظارت قاضی یا کمیته ی مأمور اجرای مجازات که در حکم کار عام المنفعه مشخص می شود، قرار می گیرد؛

۵-۲. حکم کار عام المنفعه باید تدابیری را که دادگاه آن ها را برای نظارت بر محکوم علیه لازم می داند، در بر داشته باشد؛

۶-۲. دادگاهی که حکم کار عام المنفعه را صادر می کند، یک کپی از مدارک و اطلاعات مربوط به پرونده را در اختیار قاضی یا کمیته ی مأمور اجرای مجازات قرار می دهد؛

۷-۲. در صورتی که در هر زمان از دوره ی کار عام المنفعه محکوم علیه تعهد های کار عام المنفعه را رعایت نکند، دادگاه می تواند به وی ابلاغ کند که در دادگاه حضور پیدا کند. این ابلاغ تنها بر اساس گزارش قاضی مأمور اجرای مجازات صورت می گیرد؛

۸-۲. در صورت عدم حضور محکوم علیه طبق مندرجات اجضاریه، دادگاه سرپرستی می تواند قرار جلب وی را صادر کند؛

۹-۲. در صورتی که برای دادگاه سرپرستی احراز شود که محکوم علیه یکی از تعهد های حکم کار عام المنفعه را انجام نداده است، می تواند:

الف) حکم را با در نظر گرفتن شرایط ویژه ی محکوم تغییر دهد؛

ب) جریمه ای نقدی برای وی تعیین کند که از پنجاه هزار شیلینگ فواتر نرود؛

پ) حکم کار عام المنفعه را فسخ کرده و محکومیتی را برای جرم اصلی تعیین کند؛

ت) در صورتی که قاضی یا کمیته ی اجرای مجازات، محکوم علیه را برای نفع شخصی خود به کار گیرد، به مجازات پرداخت جریمه ای نقدی تا دوست هزار شیلینگ محکوم می شود؛

۱۰-۲. در صورتی که محکوم علیه به علت ارتکاب جرم جدیدی در طول دوره ی کار عام المنفعه مجرم شناخته شده و به مجازات زندان محکوم شود، دادگاه محکومیتی را که ممکن بود به علت ارتکاب جرم نخستین علیه وی صادر شود، بررسی می کند و می تواند بدین علت محکوم علیه را به مجازات زندان تکمیلی محکوم کرده و حکم کار عام المنفعه را لغو کند. دادگاه باید در رأی خود میزان کاری را که محکوم علیه انجام داده است، در نظر بگیرد؛

۱۱-۲. در صورتی که یک دادگاه تالی محکوم‌علیه را به علت ارتکاب جرمی در طول دوره‌ی انجام کار عام‌المنفعه مجرم بشناسد، این دادگاه باید یک کپی از پرونده را نزد دادگاه شهرستان بفرستد؛

۱۲-۲. دادگاه شهرستان پس از دریافت پرونده، باید محکوم‌علیه را به دادگاه احضار کرده و طبق بند ۱ این ماده اقدام کند؛

۱۳-۲. چنانچه دادگاه شهرستان محکوم‌علیه‌ی را که باید مجازات کار عام‌المنفعه‌ی تعیین شده‌ی یک دادگاه تالی را انجام دهد، به علت ارتکاب جنجه‌ای در طول دوره‌ی انجام کار عام‌المنفعه مجرم بشناسد یا محکوم‌علیه به علت ارتکاب جرمی در دادگاه شهرستان حضور یابد، دادگاه شهرستان می‌تواند در مورد جرمی که موجب صدور حکم کار عام‌المنفعه شده است (جرم نخستین)، به همان شکلی که دادگاه تالی یا قاضی صلح در صورت مجرم شناختن او به علت ارتکاب چنین جرمی به قضاوت می‌پرداخت، او را محاکمه کند؛

۱۴-۲. در صورتی که دادگاه تالی دیگر محکوم‌علیه متعهد به اجرای مجازات کار عام‌المنفعه‌ی صادر شده را به علت ارتکاب جنجه‌ای در طول دوره‌ی انجام کار عام‌المنفعه مجرم بشناسد، این دادگاه تالی می‌تواند به علت ارتکاب جرمی که موجب حکم کار عام‌المنفعه شده، نیز آن شخص را محاکمه کند.

۳. اصلاح، بازنگری و اجرای کار عام‌المنفعه

۱-۳. چنانچه محکوم‌علیه قصد داشته باشد محل اقامت خود را تغییر دهد، باید این امر را به آگاهی قاضی مأمور اجرای مجازات برساند؛

۲-۳. قاضی یا کمیته‌ی مأمور اجرای مجازات باید پس از آگاه شدن، دادگاه سرپرستی را از جزئیات پرونده آگاه کند؛

۳-۳. دادگاه سرپرستی باید آن‌گونه که شایسته می‌داند، حکم کار عام‌المنفعه را تغییر دهد و دادگاه صالح محلی را که محکوم‌علیه در آنجا اقامت دارد، آگاه کند؛

۴-۳. دادگاه باید کپی حکم کار عام‌المنفعه را به محکوم‌علیه بدهد. او مکلف است آن را به دادگاه سرپرستی جدید ارائه کند؛

۵-۳. در صورتی که محکوم‌علیه جرمی را بیرون از اقامتگاه عادی خود مرتکب شود، کار

عام‌المنفعه‌ی پیش‌بینی شده در حکم باید در اقامتگاه عادی وی اجرا شود؛

۶-۳. چنانچه محکوم‌علیه مکلف به انجام یک کار عام‌المنفعه در دوره‌ای بیش از ۶ ماه باشد، قاضی یا کمیته‌ی مأمور اجرای مجازات باید گزارش مربوط به کار انجام شده‌ی محکوم‌علیه و نیز رفتار کلی وی را به دادگاه سرپرستی بفرستد؛

۷-۳. دادگاه سرپرستی می‌تواند در صورتی که محکوم‌علیه رفتار خوبی داشته و قاضی مأمور اجرای حکم این تخفیف را سفارش کند، دوره‌ی کار عام‌المنفعه را کاهش دهد؛

۸-۳. قاضی یا کمیته‌ی مأمور اجرای مجازات باید گزارشی را در پایان دوره‌ی کار عام‌المنفعه به دادگاه بفرستد.

۴. سازمان کار عام‌المنفعه

۱. وزیر کشور، حوزه‌ها و بخشهای قضایی‌ای را که در آن‌ها هماهنگی‌های لازم برای صدور حکم کار عام‌المنفعه به وسیله‌ی دادگاه‌ها صورت گرفته است، به مسؤولان قضایی اعلام می‌کند؛

۲. قاضی یا کمیته‌ی مأمور نظارت بر محکوم‌علیه، قاضی‌ای است که نام او در حکم کار عام‌المنفعه آورده شده و در بخش یا ناحیه‌ای که محکوم‌علیه در آن اقامت دارد یا اقامت خواهد کرد، مشغول انجام وظیفه است. در صورتی که این قاضی فوت کرده یا به هر دلیلی برای انجام وظیفه‌ی خود اهلیت نداشته باشند، قاضی دیگری به وسیله‌ی دادگاه سرپرستی معین می‌شود؛

۳. کمیته‌ای با عنوان «کمیته‌ی ملی کار عام‌المنفعه» تشکیل می‌شود که اعضای آن عبارت‌اند:

— یک قاضی؛

— یکی از اعضای کمیسیون اصلاح قانون‌گذاری اوگاندا؛

— نماینده‌ی دائمی امور داخلی (وزارت کشور)؛

— بازرس کل پلیس؛

— مدیر کل مؤسسه‌های زندان؛

— مدیر آزادی تحت مراقبت؛

— کمیسر دولت محلی (شوراها محلی)؛

— یک نفر از یک نهاد غیردولتی؛

— دو نفر از افراد تعیین شده به وسیله‌ی وزیر؛

۳-۱. رئیس کمیته را اعضای کمیته تعیین می کنند؟

۳-۲. کمیته دارای کارهای زیر است:

- نظارت بر اجرای برنامه در تمام جنبه های آن، تضمین رابطه و ارتباطات با تمام دفاتر یا اشخاصی که مسؤول پرونده ای مورد بررسی اند؟
- پیشنهاد تدابیری برای اجرای بهتر برنامه؟
- دریافت و مطالعه ای تمام شکایت ها، نظرها و در صورت امکان توصیه هایی در مورد ماهیت کار عام المنفعه ای انجام شده به وسیله ای محکوم علیه؟
- اجرای دیگر کارهایی که ممکن است از این کمیته خواسته شود و برای حسن اجرای قانون لازم است؟

۳-۳. کمیته ای ملی، کمیته های بخش را که موقعیت و کارهای آنها را وزیر کشور ضمن مشاوره با کمیته ای ملی مشخص می کند، گرد هم می آورد؟

۴. وزیر می تواند قواعدی را مقرر دارد که بیان کنند ه ای موارد زیر باشد:

- ۴-۱. کارهای کمیته یا قضات مأمور اجرای مجازات؟
- ۴-۲. تأسیس کمیته ای بخش کار عام المنفعه و تبیین کارهای آن؟

(ب) فرم ها و پرسشنامه های نمونه

۱. پرسشنامه برای استفاده ای قضات جهت احراز مناسب بودن کار عام المنفعه (قاضی آنچه را کار عام المنفعه محسوب شده و نیز مزیت های آن را برای محکوم علیه تبیین می کند).

۱. الف) آیا شما به خوبی متوجه موضوع شدید؟ بله / خیر

ب) آیا شما انجام یک کار عام المنفعه را می پذیرید؟ بله / خیر

۲. محل سکونت عادی

الف) آیا شما مالک، مستأجر، ساکن نزد پدرمادر یا خانواده اید؟ پاسخ درست را علامت

بزنید؟

ب) نام پدر- مادر یا اعضای خانواده (تنها در صورتی که محکوم علیه نزد پدر- مادر یا یکی

از اعضای خانواده اش زندگی می کند؟)

۳. شما متأهل، جدا شده از همسر، مجرد، طلاق گرفته یا بیوه اید؟ پاسخ درست را علامت بزنید؟

۴. افراد تحت تکفل شما چند نفر اند؟

۵. آیا شما شاغل اید؟ بله / خیر؟

۶. نام کارفرمای شما چیست؟

۷. فعالیت مورد اشتغال شما کدام است؟

۸. نام رئیسی که از لحاظ سلسله مراتب بلافاصله بالاتر از شما قرار دارد، چیست؟

۹. چه ساعتی کار خود را آغاز می کنید؟

۱۰. چه ساعتی کارتان تمام می شود؟

۱۱. میزان درآمد شما چه قدر است؟

۱۲. آیا پیشینه ای محکومیت دارید؟ بله / خیر؟

۱۳. در صورت مثبت بودن پاسخ، محل گذراندن زندان (نام مؤسسه یا زندان) را ذکر کنید؟

۱۴. میزان فاصله ای شما تا آن مؤسسه چه قدر است؟

۲. مستقر کردن یک مجرم در برنامه ای کار عام المنفعه در زیمبابوه (پرسشنامه)

مدیر دفتر دادگاه باید هنگام آغاز هر کار عام المنفعه ای این پرسشنامه را پر کرده و یک نمونه از آن را برای نماینده ای استانی کار عام المنفعه، مدیر کمیته ای ناحیه ای که دادگاه آن را تعیین می کند و مدیر مؤسسه ای که کار عام المنفعه در آن انجام می شود، بفرستد (نسخه ای اصلی آن را باید دادگاه نگهداری کرده و در بایگانی خود حفظ کند).

نام محکوم علیه:	نام خانوادگی:	نام کوچک:
شماره ای سجل قضایی:	محل ارتکاب جرم:	
محل اقامت محکوم علیه		
مدت کار عام المنفعه ای محکوم علیه		
نوع کار عام المنفعه		

۴. تقاضای لغو کار عام‌المنفعه

به مدیر دفتر دادگاه

گزارش عدم حضور محکوم‌علیه برای انجام کار عام‌المنفعه

نام محکوم‌علیه: نام خانوادگی:

نام کوچک:

شماره‌ی سجل قضایی:

نام و آدرس مؤسسه:

بدین وسیله به آگاهی شما می‌رسانم که محکوم‌علیه نامبرده به شکل زیر (شرح جزئیات آورده شود) از انجام تعهدهای مربوط به کار عام‌المنفعه‌ی خود خردداری کرده است (برای نمونه، سرکار خویش حضور پیدا نکرده است، به طور مستمر با تأخیر به سرکار می‌رسد، کار خود را به گونه‌ای رضایت‌بخش انجام نمی‌دهد).

اقدام‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام داده‌ام، عبارت‌اند از: (شرح جزئیات آورده شود) (برای نمونه، من به وی اطلاع داده‌ام که وی را به دادگاه می‌فرستم، من به دادن کار به وی تأکید ورزیده‌ام، فردی را نزد او فرستاده‌ام، مأمور کار عام‌المنفعه را در جریان گذاشته‌ام).

من درخواست می‌کنم که این پرونده به دادگاه فرستاده شود تا چنانچه دادگاه تصمیم گیرد، کار عام‌المنفعه لغو شود.

تاریخ امضا مأمور نظارت مؤسسه

۵. پیشنهاد اصلاح شرایط مندرج در حکم

به مدیر دفتر دادگاه

گزارش عدم حضور محکوم‌علیه برای انجام کار عام‌المنفعه

نام محکوم‌علیه: نام خانوادگی:

نام کوچک:

شماره‌ی سجل قضایی:

نام و آدرس مؤسسه:

بدین وسیله درخواست می‌کنم که شرایطی که در آن محکوم‌علیه مذکور کار عام‌المنفعه‌ی خود را انجام می‌دهد، به شکل زیر (شرح جزئیات آورده شود) اصلاح شود (برای نمونه، محکوم‌علیه موظف است روزهای دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه در مؤسسه حضور پیدا کند. ولی، درخواست من آن است که این روزها به روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه تغییر یابد. ساعات‌های کنونی کار عام‌المنفعه محکوم‌علیه از ساعت ۱۸ تا ۲۰ است. ولی، درخواست من آن است که این ساعت‌ها به ۱۹ تا ۲۱ تغییر پیدا می‌کند).

تدابیری که گهگاهی اتخاذ کرده‌ام، به شکل زیر است (شرح جزئیات آورده شود).

(برای نمونه، من به طور غیررسمی به محکوم‌علیه اجازه داده‌ام که تاریخ یا ساعات کار عام‌المنفعه‌اش را به شکل..... تغییر دهد).

من درخواست می‌کنم که دادگاه این پرونده را در کم‌ترین مهلت ممکن خواستار شود.

تاریخ امضا

مأمور نظارت مؤسسه

۶. گزارش پایان کار

(این پرسشنامه را باید مدیر مؤسسه‌ای که محکوم‌علیه کار عام‌المنفعه را در آن داده است، تکمیل کند و باید از تاریخی که کار عام‌المنفعه به پایان رسیده یا به آن پایان بخشیده‌اند، برای مدیر دفتر دادگاهی که این حکم را صادر کرده، همراه با یک کپی از آن برای نماینده‌ی کار عام‌المنفعه در استان مربوط، فرستاده شود).

نام و آدرس مؤسسه

نام محکوم‌علیه: نام خانوادگی:

نام کوچک:

شماره‌ی سجل قضایی:

جرمی که به علت آن کار عام‌المنفعه انجام شده است:

تاریخ آغاز کار عام‌المنفعه:

دوره‌ی کامل کار عام‌المنفعه‌ی پیش‌بینی شده:

دوره‌ی کامل کار عام‌المنفعه‌ای که محکوم علیه واقعاً انجام داده است:

تاریخ پایان یافتن کار عام‌المنفعه:

دلیل پایان یافتن کار عام‌المنفعه (پاسخ مناسب را علامت بزنید).

۱. محکوم علیه به گونه‌ای رضایت‌بخش تمام ساعت‌های تعیین شده به‌وسیله‌ی دادگاه برای کار عام‌المنفعه را فعالیت کرده است () .

۲. محکوم علیه مرتکب جرم‌های دیگری شده و به‌وسیله‌ی پلیس دستگیر شده است () .

۳. محکوم علیه به دادگاه صادرکننده‌ی حکم به دلیل نقض شرایطی که دادگاه برای کار

عام‌المنفعه وی در نظر گرفته، ارجاع شده است () .

۴. محکوم علیه بیمار و بستری شده است () .

۵. محکوم علیه در داخل مؤسسه مجروح و بستری شده است () .

۶. کار عام‌المنفعه به دلیل زیر پایان یافته است () .

تاریخ امضا (مدیر) مؤسسه

۷. فرم احضار محکوم به دادگاه

برای..... (نام محکوم علیه)

ساکن..... (آدرس محکوم علیه)

با عنایت به این‌که شما با رأی دادگاه عالی / دادگاه بخش مورخ..... به انجام کار

عام‌المنفعه در..... محکوم شده‌اید

و

با توجه به اطلاعاتی که به دست ما رسیده، شما به تعهدهای مربوط به این رأی با ارتکاب

جرم زیر..... (جزئیات مربوط به جرم ارتكابی) عمل نکرده‌اید.

با این نامه به شما دستور می‌دهیم که در تاریخ..... در دادگاه برای توضیح دادن در مورد

کوتاهی از انجام این تعهدها حضور یابید.

تاریخ امضا

قاضی دادگاه

فصل پنجم

جریمه‌های روزانه

مبحث نخست: تاریخچه و مفهوم

یکی از حرکت‌های کاملاً جدید برای مؤثرتر و عادلانه‌تر کردن جریمه‌های نقدی، ابداع جریمه‌های روزانه است. همان‌گونه که برخی صاحب‌نظران نوشته‌اند، این جریمه‌ها به این دلیل «جریمه‌ی روزانه» نامیده می‌شوند که میزان آن‌ها با درآمد روزانه‌ی مجرم ارتباط و پیوستگی دارد.

اندیشه‌ی ایجاد و اجرای روش جریمه‌های روزانه در اسکاندیناوی شکل گرفته است. فنلاند نخستین کشوری است که در سال ۱۹۲۱ نظام جریمه‌ی روزانه را معرفی کرد. البته، تا پیش از این سال، بحث‌های طولانی و درازی درباره‌ی امتیازهای این روش و قابلیت آن برای فراهم کردن یک مجازات متناسب و شایسته وجود داشت. ولی، با وجود این، دلیل اصلی معرفی جریمه‌های روزانه در فنلاند را باید کاهش سریع ارزش پول آن کشور دانست؛ چرا که جریمه‌های روزانه، در مقایسه با جریمه‌های ثابت، به سادگی با تغییرات ناشی از تورم یا رکود اقتصادی قابلیت سازگاری دارند. با وجود این، در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم، تنها چند کشور - از جمله برخی کشورهای آمریکای جنوبی، فنلاند، سوئد و دانمارک - نظام جریمه‌های روزانه را پذیرفته بودند.

به دنبال این کشورها، ایتالیا، آلمان، هلند، اتریش و سوئیس نیز ضمن بازنگری در قوانین کیفری خود، آن را وارد حقوق جزای خود کرده‌اند.

جمهوری فدرال آلمان و اتریش در سال ۱۹۷۵ و به دنبال آن‌ها، مجارستان در سال ۱۹۷۸ و فرانسه و پرتغال در سال ۱۹۸۳، نظام جریمه‌ی روزانه را پذیرا شدند. در انگلستان و ولز نیز، در

سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۹۹۰ و به دنبال اصلاح قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱، یک نظام واحدبندی جریمه^۱ معرفی شد. ولی، موفقیت آن هیچ‌گاه به اثبات نرسید و نظام جزای نقدی روزانه سرانجام پس از ابراز مخالفت شدید برخی قضات مجیستریت، رسانه‌ها و روزنامه‌ها، به موجب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۳ لغو شد.

در فرانسه، قانون مجازات جدید این کشور که از اول مارس ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شده است، گستره‌ی روش جریمه‌ی روزانه را توسعه داده است. در برخی از پیش‌نویس‌های قانونی در زمینه‌ی امور کیفری در سوئیس و لهستان نیز، پیشنهادهایی درباره‌ی معرفی روش جریمه‌ی روزانه به چشم می‌خورد.

از سویی دیگر، یکی از این پیش‌نویس‌ها در بلژیک، اندیشه‌ی جریمه‌های ثابت را با اعتقاد به ایرادپذیری روش جریمه‌های روزانه همچنان حفظ کرده است. سایر کشورهای اروپایی - از جمله، هلند، نروژ، ایتالیا و ایسلند - نیز جریمه‌های روزانه را وارد نظام‌های عدالت کیفری خود نکرده و بر حفظ روش جریمه‌های ثابت هم‌چنان پای فشرده‌اند؛ هر چند برخی از آن‌ها گام‌هایی در جهت اصلاح قوانین کیفری خود برداشته بودند. در این کشورها، جریمه‌ی نقدی (ثابت یا نسبی) و نه جریمه‌های روزانه به خودی خود نقش مهمی در روند محکومیت‌های کیفری دارد.

از این گذشته، برخی از ایالت‌های آمریکا نیز برای ارزیابی توانایی خود در کاهش جمعیت زندان‌ها، روش جریمه‌های روزانه را آزمایش کرده‌اند. نتیجه‌ی این ارزیابی‌ها تاکنون مثبت بوده و طبق یکی از تازه‌ترین گزارش‌های منتشره درباره‌ی عدالت کیفری و پیشگیری از جرم، این روش کیفری مجازاتی خوش آتیه در آمریکای شمالی قلمداد شده است.^۲

در نظام جریمه‌ی روزانه، مبلغ و میزان جریمه، در دو مرحله مشخص می‌شود: در مرحله‌ی نخست، قاضی بر حسب نوع و اهمیت جرم، شمار روزهای پرداخت جریمه را در یک محدودده‌ی قانونی (حداقل و حداکثر قانونی) معین می‌کند. برای نمونه، اگر قانون‌گذار در مورد تخلفات رانندگی از ۱ تا سی روز جریمه تعیین کرده باشد، قاضی می‌تواند برای فردی که در حال

1. Unit fines system
2. Albrecht Hans-Jörg; *Penal Policies and Criminal Sanctions in the Changing Face of Crime and Criminal Policy in Europe*; pp.1-23.

بخش دوم: مجازات زندان و جایگزین‌های نوین آن

مستی رانندگی کرده است، ۱۸ روز جریمه در نظر بگیرد.^۱

در بیش تر کشورها، حداقل جریمه‌های روزانه، معادل یک روز کار است؛ ولی حداکثر آن در هر یک از این کشورها متفاوت است. برای نمونه، حداکثر شمار این روزها در سوئد ممکن است به ۱۲۰ روز و در آلمان فدرال به ۳۶۰ روز بالغ شود.^۲

در مرحله‌ی دوم، قاضی به تناسب درآمد مجرم، مبلغ جریمه روزانه‌ی را تعیین می‌کند؛ یعنی، از مجموع درآمد روزانه‌ی او مقداری را برای فراهم کردن مخارج مجرم و عائله‌اش کنار می‌گذارد و بقیه را به‌عنوان جریمه از آن کسر می‌کند. سپس، مقدار کسر شده از درآمد روزانه‌ی مجرم را در شمار روزهایی که از پیش در نظر گرفته، ضرب می‌کند و به این شکل، مجموع جریمه‌ای را که مجرم باید بپردازد، تعیین می‌کند. برای نمونه، اگر در مورد جرم‌های رانندگی درآمد روزانه‌ی مجرم را سی هزار ریال فرض کنیم و از این مبلغ، بیست هزار ریال را برای فراهم کردن مخارج عائله‌اش کنار بگذاریم و برای چنین جرمی ۱۸ روز جریمه در نظر بگیریم، محکوم باید یکصد و هشتاد هزار ریال بپردازد.

در نظام‌هایی که طبقه‌بندی سه‌گانه‌ی جرم‌ها (جنایت، جنحه و خلاف) را پذیرفته‌اند (همانند فرانسه)، جریمه‌ی روزانه تنها نسبت به محکومان بزرگسال و در خصوص جرم‌های جنحه‌ای اجرا شدنی است و اجرای آن در مورد جرم‌های نظامی و اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست. هر چند جریمه‌ی روزانه یکی از گونه‌های جایگزین‌های مجازات زندان به شمار می‌رود، به محض کوتاهی محکوم از پرداخت آن، زندانی شدن او را به دنبال خواهد داشت. متهم در گزینش میان جریمه‌ی نقدی روزانه و رفتن به زندان در مرحله‌ی صدور حکم، حق گزینش دارد.^۳

در برخی از کشورها، قاضی مکلف است با توجه به وضع معیشت، درآمد روزانه و مخارج و تعهدهای مجرم، مبلغ جریمه را به گونه‌ای تعیین کند که از پس‌انداز روزانه‌ی او تجاوز نکند. برای نمونه، مبلغ جریمه‌ی روزانه در سوئد از دو تا ۵۰۰ کورون و در آلمان از دو تا ۱۰۰۰۰ مارک در نرسان است. در کشورهای دیگر همانند فنلاند و دانمارک، قانون‌گذار ملاک ثابتی برای جریمه‌ی روزانه به دست داده و مأخذ آن را مجموع درآمد روزانه‌ی مجرم دانسته است. در این کشورها، به

۱. صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی، ص ۱۲۹.
۲. ماده‌ی ۴۰ قانون جزای آلمان؛ دفاع اجتماعی، ص ۱۱۰.
۳. رک. ک. به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات درس حقوق جزای عمومی (۳)

قاضی اختیار داده شده که با توجه به تمام عواملی که می‌تواند در توانایی مالی یا عدم آن در مجرم مؤثر باشد، مبلغ جریمه‌ی روزانه را کم‌تر یا بیش‌تر از درآمد ثابت روزانه تعیین کند.

جمهوری فدرال آلمان نیز با تجدیدنظر در قانون مجازات خود در سال ۱۹۷۵، مجازات جریمه‌ی نقدی را لزوماً جایگزین زندان‌های کوتاه‌مدت کرد.^۱ در این کشور، طبق این قانون، حداقل جریمه‌ی نقدی ۱۰ مارک است که بر مبنای ۵ روز و هر روز دو مارک محاسبه می‌شود، البته، برای مجازات افرادی که از رهگذر فعالیت‌های نامشروع اقتصادی سودهای کلان می‌برند، حداکثر جریمه‌ی نقدی سه میلیون و ششصد هزار مارک تعیین شده است که محاسبه‌ی آن بر پایه‌ی ۳۶۰ روز و حداکثر جریمه‌ی نقدی روزانه‌ی هزار مارک صورت می‌گیرد.

در فرانسه نیز، جریمه‌های روزانه که در سال ۱۹۸۵ وارد حقوق این کشور شد، در قانون مجازات عمومی ۱۹۹۲ به عنوان مجازات جنحه‌ای پذیرفته شده است. طبق این قانون، هرگاه جرم مستوجب زندان جنحه‌ای باشد، دادگاه می‌تواند به جای زندان، جریمه‌ی روزانه را با در نظر گرفتن شرایط زیر تعیین کند:

۱. تناسب با درآمد و هزینه‌های زندگی مجرم؛
۲. عدم تجاوز جریمه‌ی هر روز از دو هزار فرانک؛
۳. عدم تجاوز مدت جریمه‌ی روزانه از ۳۶۰ روز.

در فرانسه، قاضی مجاز است با توجه به وضع مالی مجرم، پرداخت جریمه‌ی روزانه را قسط‌بندی کند. در این صورت، مجرم خواهد توانست جریمه‌ی خود را بی آن که نظم‌های شدیدی به وضع خانوادگی‌اش وارد آید، بپردازد و از سوی دیگر، برای آن که بتواند قسط‌های جریمه را پرداخت کند، کوشش بیش‌تری به خرج می‌دهد و فعالیت حرفه‌ای خود را بالا می‌برد. هر چند در قسط‌بندی جریمه‌ی روزانه، رضایت محکوم لازم نیست، در عمل قضات برای تعیین مبلغ قسط به نظر مجرم نیز توجه می‌کنند. تعیین جریمه‌ی روزانه نسبت به محکومان غیابی امکان‌پذیر نیست.

دادگاه برای تعیین قسط‌های جریمه‌ی نقدی و فردی کردن هر چه بیش‌تر مجازات، افزون بر ملاقات حضوری متهم، از منابع اطلاعاتی دیگری نیز استفاده می‌کند. برای نمونه، از نظر اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از اداره یا محل کار مجرم یا از فیش‌های مالیاتی یا پرداخت حقوق

۱. هنریش یسکه: قانون جزای جدید آلمان در برهه آزمایشی ترجمه‌ی محمد آشوری؛ ص ۲۴۳.

وی آگاه شود. همچنین، اقدام به گردآوری اطلاعات در مورد وضعیت بدنی‌ها، تأهل و شغل همسر مجرم نیز امکان‌پذیر است.^۱

مبحث دوم: ویژگی‌ها

یکی از بارزترین ویژگی‌های جریمه‌های روزانه این است که پرداخت نکردن آن به زندانی کردن محکوم منجر می‌شود و با رفتن محکوم به زندان، جریمه‌ی مورد حکم از میان می‌رود. در مقابل، در جریمه‌ی مقطوع یا ثابت، روش اجبار تنی یا جسمی به عنوان یک اقدام قهرآمیز یا مجبورکننده، ساز و -و- کاری برای دریافت جریمه‌های نقدی به شمار می‌رود.

جریمه‌های روزانه در تلقی دیوان کشور فرانسه، گونه‌ای از جریمه‌های عمومی با همان ماهیت و ویژگی‌هاست و بنابراین، با فوت محکوم، به ورثه انتقال‌پذیر است و در خصوص محکومانی که متأهل‌اند، دادگاه درآمدهای همسر آنان را نیز محاسبه و ملحوظ می‌کند. ولی، برای ضبط بخشی از حقوق متهم، دادگاه نمی‌تواند بابت قسط‌های جریمه، معادل آن مبلغ را از حقوق همسر محکوم ضبط کند. به بیان دیگر، ضبط بخشی از حقوق همسر مجرم به علت عدم مسؤولیت کیفری وی، به دلیل خدشه بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها، ممنوع است. ولی، محاسبه‌ی قسط روزانه‌ی جریمه‌ی نقدی با لحاظ درآمد همسر وی امکان‌پذیر است.

در عمل، مواردی پیش می‌آید که دادگاه، همزمان فرد را به جریمه‌ی روزانه و زندان محکوم می‌کند. از این رویه انتقاد شده است. زیرا، با محکوم کردن متهم به حبس و اعزام او به زندان، وی اغلب از درآمدهایی که باید برای پرداخت جریمه‌ی نقدی کارسازی شود، محروم می‌شود و بنابراین، قسط‌بندی مبلغ جریمه به شکل روزانه مفهوم خود را از دست خواهد داد. در نتیجه، پیشنهاد شده که به جای ترفیق مجازات زندان با جریمه‌ی نقدی، بهتر است جریمه را با روش تعلیق مراقبتی همراه کرد تا محکومی که مجازات خود را در محیط باز سپری می‌کند، بتواند با حفظ ممر درآمد خود، از عهده‌ی قسط‌های جریمه‌ی روزانه نیز برآید.

در ارزیابی‌هایی که از این گونه‌ی جدید جریمه‌های نقدی (جریمه‌ی روزانه) انجام شده، مشخص شده است که میزان دریافت آن‌ها بسیار بیش‌تر از میزان کیفرهای نقدی مقطوعی است که دریافت نشده‌اند. برای نمونه، این نسبت در کشورهایی همانند آلمان ۹۰ درصد در مقابل ۵۰

۱. جایگزین‌های مجازات زندان؛ ص ۱۲۸.

درصد بوده است.^۱

ولی، به طور کلی می‌توان گفت که با وجود ایرادهای اندکی که بر نظام جریمه‌ی روزانه وارد شده است، در کشورهایی که در اجرای آن تجربه‌هایی داشته‌اند، نتایج درخشان و سودمندی به همراه داشته است.^۲

مبحث سوم: ارزیابی

همان‌گونه که دیدیم، تحمیل جریمه و دیگر مجازات‌های مالی به جای سایر ضمانت‌اجراها یا در ترکیب با آن‌ها، سود و مزایای بسیاری دارد. اگر تحمیل این مجازات سبب آزار و رنجش مجرم شود، به عنوان یک ضمانت‌اجرای تنبیهی بینابین، دارای فوایدی خواهد بود. ولی، درباره‌ی تأثیر این ضمانت‌اجراها چه می‌دانیم؟

یکی از جنبه‌های ارزیابی آثار این مجازات‌ها ناظر به تکرار جرم است. مقایسه‌ی هزینه‌ی این مجازات‌ها نسبت به سایر ضمانت‌اجراها نیز، یکی دیگر از جنبه‌هاست. یافته‌های یکی از تحقیقات نشان داد که شمار بازداشت‌ها و زندان‌های بعدی افرادی که به یک مجازات مالی (همانند جریمه‌ی مقطوع) محکوم شده بودند، نسبت به افرادی که به زندان محکوم شده بودند، به گونه‌ی قابل توجهی کم‌تر بوده است. از سوی دیگر، ادعا شده که تعمیم استفاده از جریمه‌ی نقدی و سایر مجازات‌های مالی به گستره‌ی وسیعی از جرم‌ها و مجرمان، به ناکامی گسترده‌ای در جانب‌داری از فلسفه‌ی «مجازات‌های استحقاقی» منجر خواهد شد.

نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که جریمه‌ها تقریباً مجازات مستقلی برای جرم‌های رانندگی‌اند و در بسیاری از دادگاه‌ها، بیش‌تر برای جرم‌های جنحه‌ای مورد حکم قرار می‌گیرند و بیش‌تر جریمه‌ها نیز دریافت می‌شود.

اما مسأله‌ای که موضوع مباحثات فراوان قرار گرفته، فقط نبود دریافت جزای نقدی نیست، بلکه این نکته است که بسیاری از قضات، جریمه نقدی را به تنهایی به‌عنوان یک جایگزین هدفمند برای حبس یا تعلیق مراقبتی تلقی نمی‌کنند. با اینهمه و برای نمونه، در هلند فرض بر این است که جریمه نقدی را می‌توان به‌عنوان بهترین مجازات برای هر جرمی مورد حکم قرار داد

و ماده ۶-۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور مقرر می‌دارد که قضات در هر پرونده برای صادر نکردن حکم جریمه نقدی، دلایلی ارائه کنند.

در آلمان نیز، برای مثال در سال ۱۹۸۶، ۱۱ درصد از تمام مجرمان بالغ، به پرداخت جریمه نقدی محکوم گردیدند که در این میان ۷۳ درصد به جرایم خشونت‌بار محکوم شده بودند.

طبق یک پژوهش انجام شده جریمه‌های روزانه - که یکی از گونه‌های مهم و متداول مجازات‌های مالی در اروپاست - مقیاس خوبی برای سنجش توانایی بزهکار به پرداخت جریمه (با توجه به درآمد روزانه او) و ملاک نسبی برای تناسب جریمه با اهمیت جرم ارتكابی است.

امروزه، بر خلاف سایر گونه‌های مجازات مالی، جریمه‌های روزانه مورد بیش‌ترین توجه پژوهشگران و دست‌اندرکاران عدالت کیفری در آمریکا قرار گرفته است. قضات، دادستان‌ها و سایر کارکنان دادگاه‌ها که در طرح ریزی و اجرای پروژه‌های جریمه‌ی روزانه نقش داشتند، موفقیت چشمگیری به دست آورده‌اند.

نتایج این پروژه‌ها نشان داد که میانگین جریمه‌های تحمیلی تا ۲۵ درصد افزایش یافته و ۷۰ درصد متهمان جریمه‌های خود را کاملاً پرداخت کرده بودند.

لذا، جریمه‌ی روزانه نیز یکی از طرح‌ها و تدابیر خوش‌آیند در آمریکا محسوب می‌شود و به‌عنوان مجازاتی برای جرم‌های مهم توانسته پذیرش شود.

جریمه‌های روزانه هم به‌عنوان جایگزینی برای مجازات‌های مالی و هم به‌عنوان یک ضمانت‌اجرای بینابین به طور فزاینده‌ای متداول شده است. یافته‌های بررسی‌های انجام شده پیرامون جزای نقدی روزانه نشان می‌دهد که این مجازات می‌تواند:

۱. جریمه‌ی نقدی را به طور روزانه برآورد کند؛

۲. مجازات را با یک میانگین ۲۵ درصدی بیش از نظام پیشین جریمه (جزای نقدی مقطوع

یا ثابت) تحمیل کند؛

۳. جریمه‌ها را با میزان بیش‌تری از نظام پیشین گردآوری کند.

تحمیل جریمه‌های بالاتر و گردآوری درصد بیش‌تری از جریمه، یافته‌های مهمی در پاسخ به مخالفان جریمه‌ی روزانه است که مدعی‌اند این روش به‌عنوان یک مجازات، مؤثر نخواهد بود و

۱. رک. به: نجفی ابرنآبادی، علی حسین: تقریرات حقوق جزای عمومی (۲).

۲. جایگزین‌های مجازات زندان، ص ۱۲۸.

کارآمد و مقرون به صرفه نیست.

جریمه‌ی روزانه و نیز جریمه‌های نقدی سنتی، در صورتی که حدود و مقدار تصریح شده آن‌ها در قانون بازنگری شود، می‌توانند مؤثرتر باشند. حداکثر جریمه‌ها در بسیاری از کشورها - از جمله در بسیاری از ایالت‌های آمریکا - در سال‌های اخیر تغییر نیافته است. تغییر و اصلاح این محدوده‌ها بر مبنای «طرح‌های جریمه‌های روزانه» می‌تواند به یک ضمانت‌اجرای مناسب و مؤثرتر منتهی شود.^۱

فصل ششم

بازداشت خانگی (حبس در منزل)

مبحث نخست: مفهوم، تاریخچه، هدف‌ها و شرایط

گفتار نخست: مفهوم

حبس خانگی که برخی از آن به بازداشت یا حبس در منزل تعبیر می‌کنند، در معنای واقعی خود یک سلسله ضمانت‌اجراهای محدود کننده‌ای است که از تحمیل منع رفت - و - آمد شبانه تا حبس در منزل در ساعت‌های غیرکاری مجرم را در برمی‌گیرد.^۱ در آمریکا، برخی از ایالت‌ها - از جمله فلوریدا، اوکلاهما، آرگون، کنتاکی و کالیفرنیا - برنامه‌های حبس خانگی (حبس در منزل) را به‌عنوان یک ضمانت‌اجرای بینابینی پذیرفته و آنرا گسترش داده‌اند. مفهوم حبس خانگی ایجاب می‌کند که مجرمان محکوم شده مدت بسیاری از اوقات خود را در خانه‌های شان - به‌عنوان جایگزینی برای مجازات زندان - بگذرانند. برآوردهای کنونی نشان می‌دهد که در این کشور، بیش از ده هزار نفر تحت حبس خانگی به سر می‌برند. خود ایالت فلوریدا تنها ۴۰ هزار نفر را طی دهه‌ی گذشته تحت حبس خانگی قرار داده است.

همانند برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده، تحولات فراوانی در برنامه‌ی حبس خانگی از آغاز تاکنون صورت گرفته است. اجرای برخی از آن‌ها را اداره‌های تعلیق مراقبتی عهده دارند، در حالی که برخی دیگر تنها حکم‌های قضایی‌اند که مأموران نظارتی آن‌ها را نظارت می‌کنند. برخی از این برنامه‌ها، محکومان را ۲۰ دفعه یا بیش‌تر در یک ماه بررسی و نظارت می‌کنند. در حالی که، برخی دیگر تنها شمار اندکی از بررسی‌های مربوط به نقض مقررات رفت - و - آمد را انجام می‌دهند. برخی از برنامه‌ها از حبس ۲۴ ساعته در منزل استفاده می‌کنند؛ در حالی که برخی

1. Thomas F.; *Corrections and the Criminal Justice*; p.362.

1. *Intermediate Sanctions*; pp.379-380.

دیگر به مجرمان اجازه می‌دهند که در محل کار یا مدرسه حضور یابند. صرف‌نظر از مدلی که بکار گرفته می‌شود، برنامه‌های حبس خانگی بدین علت طرح‌ریزی شده‌اند که نسبت به برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده یا هر نوع جایگزین نظارت اجتماعی دیگر تنبیهی‌تر باشند و به‌عنوان آخرین شانس پیش از زندان رفتن تلقی شوند^۱.

گفتار دوم: تاریخچه

مفهوم حبس خانگی یادآور مؤسسه‌های اصلاحی - تربیتی است که در طی دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در آمریکا استفاده می‌شد. زندان‌ها برای زندانیان به اندازه‌ای زیانبار بودند که تا حد امکان می‌بایستی با مراکز اصلاح و تربیت و خانه‌های نیمه راهی^۲ جایگزین می‌شدند.

برنامه‌های حبس خانگی در نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ به سرعت گسترش یافت. نخستین برنامه‌ها نوعاً محدود بودند (شامل ۳۰ تا ۵۰ مجرم). به مرور زمان برنامه‌ها رشد کرده و پربارتر شده‌اند. بزرگ‌ترین برنامه در ایالت فلوریدا اجرا شده است که در آن بیش از ۱۳ هزار مجرم در سال ۱۹۹۳ در حبس خانگی بودند و برنامه‌های همراه با نظارت الکترونیکی (بعداً در مورد نظارت الکترونیکی به تفصیل صحبت خواهیم کرد) که در سال ۱۹۸۲ در هیچ‌یک از ایالت‌ها وجود نداشت، در سال ۱۹۸۶ در هفت ایالت و در اکتبر ۱۹۹۰ در پنجاه ایالت ایجاد شدند؛ توضیح این مطلب لازم است که، حبس خانگی ضرورتاً با نظارت الکترونیکی همراه نیست. برای نمونه، رنژما^۳ در سال ۱۹۹۲ گزارش کرده است که در اوت ۱۹۹۰ در ایالت فلوریدا، ۱۰،۵۴۹ نفر در حبس خانگی بودند که از این شمار فقط ۸۷۳ نفر تحت نظارت الکترونیکی قرار داشته‌اند.^۴

در نخستین برنامه‌ای که در ایالت فلوریدا اجرا شد، زندانیان به شرط شرکت در برنامه‌ی حبس در منزل، پیش از موعد آزاد می‌شدند. در این ایالت که در حال حاضر بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین برنامه‌های حبس در منزل اجرا می‌شود، این برنامه‌ها به‌عنوان آخرین شانس برای

1. *Criminology*; p.529.

- *Community Correction*; p.86.

- Harr, J. Scott, and M. Hess Karen; *Seeking Employment in criminal Justice*; p.61.

2. halfway houses

3. Renzema

4. *Community Correction*; p.86.

بخش دوم: مجازات زندان و جایگزین‌های آن
مجرم عمل می‌کند که در غیر این صورت مجرم روانه‌ی زندان می‌شود.^۱

گفتار سوم: هدف‌ها

همانگونه که اشاره کردیم، حبس خانگی مدل‌های مختلفی دارد. ولی، هدف برنامه‌های حبس خانگی، صرف‌نظر از مدلی که به کار گرفته می‌شود، آن است که نسبت به برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده یا هر نوع نظارت اجتماعی دیگر تنبیهی‌تر باشد و آخرین شانس را پیش از رفتن به زندان به مجرم ارائه دهد^۲. هم‌چنین، هدف برنامه‌های حبس خانگی آن است که با نگهداشتن مجرمان در خانه، از پرجمعیتی زندان‌ها بکاهند^۳.

همانگونه که گفته شد، حبس خانگی ضمانت‌اجرای «بینابینی» است که نظارت و مجازاتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کم‌تر از زندان پیش‌بینی می‌کند. با این وضعیت، انتظار می‌رود که حداقل سه هدف زیر را برآورده کند:

۱. ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید؛

۲. مجازات؛

۳. بازپروری (با اجازه دادن به مجرمان برای زیستن در جامعه به جای زندان).

گفتار چهارم: شرایط افراد تحت پوشش

برخی از برنامه‌های مربوط به حبس خانگی مجرمانی را که خطر کم‌تری برای جامعه دربرداشته باشند، تحت پوشش قرار می‌دهند. برای نمونه، در اوهایو، در یک زندان محلی، برنامه‌ی حبس در منزل تنها شامل زندانیان معدودی می‌شود. نظارت الکترونیکی در این برنامه به بخش خصوصی واگذار شده است. برای دوری از خطر بیش‌تر، کلانتری شهر یک برنامه‌ی «بسیار محافظه کارانه» مشتمل بر تنها ۳ درصد متوسط جمعیت زندان محلی ترتیب داد. این برنامه شامل انتخاب افراد طبق ضوابط زیر بود:

۱. تنها زندانیان «نمونه» واجد شرایط استفاده از حبس در منزل‌اند؛

۲. زندانیان باید قراردادی امضا کنند که آنان را ملزم به رعایت قواعد محدودکننده می‌کند؛ از

1. *Ibid.*

2. *Criminology*; p.529.

3. *Seeking Employment in Criminal Justice*; P. 61.

جمله محدودیت رفت-و-آمد شبانه و آزمایش مواد مخدر؛

۳. بهره‌وران حبس خانگی باید به مأموران اجازه دهند که برای نظارت و بررسی تجهیزات وارد خانه آنان شوند؛

۴. بهره‌وران مسئول پرداخت هزینه‌های نظارت به وسیله‌ی بخش خصوصی اند.

این برنامه در اوهایو، همانند بسیاری از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی ابتکاری دیگر در سال‌های اخیر، در واقع پاسخی به افزایش جمعیت زندان طی چند سال گذشته بوده است. بخش بزرگ این افزایش به طور مستقیم به جرم‌های رو به فزونی قاچاق مواد مخدر- بویژه کوکائین - مربوط می‌شود.

بنا به گزارش گرون^۱، از ۴۹ مجرم بار نخست که در حبس در منزل بودند، تنها ۴ نفرشان موفق به طی دوره نشدند. دو نفرشان به خاطر غیبت‌های غیرمجاز از محل اقامت و نفر سوم به خاطر پرداخت نکردن صورتحساب هزینه‌های مربوط و عدم اشتغال به کار و نفر چهارم به خاطر خودداری از آزمایش مصرف کوکائین موفق به طی دوره نشد.

هم اکنون، برنامه‌ی حبس خانگی افزون بر مجرمان کم‌خطر، در مورد مجرمان با خطر بالا نیز اعمال می‌شود.^۲

مبحث دوم: چگونگی نظارت افراد و ضمانت اجرای تخلف از مقررات

برای نظارت افرادی که در مورد آنها ضمانت اجرای حبس در منزل اعمال می‌شود، از فن‌آوری نظارت الکترونیکی استفاده می‌شود. وسایل به کار گرفته شده نیز در حال دگرگونی‌اند. ولی، اکنون عموماً از چهار فن‌آوری عمده استفاده می‌شود:

۱. وسیله‌ی علامت دهنده‌ی پیاپی. این فن‌آوری به یک فرستنده و یک شماره گیر دریافت‌کننده و یک رایانه نیاز دارد. یک فرستنده‌ی کوچک در منزل نصب می‌شود. این دستگاه نبود علامت و باز دریافت آن را ثبت می‌کند. رایانه اطلاعات دریافت شده را با برنامه‌ی منع عبور-محرور شبانه‌ی مرتکب مقایسه می‌کند و موقعی که غیبت غیرمجازی وجود داشته باشد، به مأموران نظارتی هشدار می‌دهد. این سیستم می‌تواند اطلاعات را برای گزارش کردن و ارزیابی

1. Orren Gowen.

2. *Corrections and the Criminal Justice*; pp. 365, 366, 367, 368, 369, 370.

هدف‌ها ذخیره کند؛

۲. وسیله‌ی تماس برنامه‌ریزی شده. رایانه (از رهگذر خط تلفن) با مجرم در طی ساعت‌های نظارت تماس برقرار می‌کند. تماس‌ها ممکن است اتفاقی یا در وقت‌های مشخص باشد.

مسئله‌ای که در مورد برقراری ارتباط از رهگذر خط تلفن با مجرم و پاسخگویی وی به تلفن مطرح می‌شود، هویت پاسخ‌گوست؛ با این توضیح که، ممکن است پاسخ‌گو شخصی به جز مجرم باشد. برای جلوگیری از بروز این مشکل و برای تشخیص هویت شخص پاسخ‌گو به تلفن از سه فن‌آوری استفاده می‌شود:

الف) فن‌آوری تأیید صدا. این نوع فن‌آوری باید تأیید کند که دریافت‌کننده و پاسخ‌گو همان مجرم است و این کار با تشخیص صدای وی صورت می‌گیرد؛

ب) وسیله‌ای که به مچ دست مجرم بسته می‌شود، به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که کد مخصوصی را به تلفن تماس منتقل کند؛

پ) وسیله‌ای به بازوی مجرم بسته می‌شود که به جعبه‌ی تأیید‌کننده‌ی متصل به تلفن وصل می‌شود؛

۳. علامت رادیویی. به مجرم دستگاه کوچکی وصل می‌شود که این دستگاه علامتی را به شبکه‌ی رایانه‌ای می‌فرستد و این علامت را حداکثر ۲۵ نفر مجرم می‌توانند دریافت کنند.

۴. دستگاه صدا دهنده. یک دستگاه نظارت‌کننده‌ی نسبتاً ساده که می‌تواند برای تماس سریع با مجرمان استفاده شود و آنان را ملزم به پاسخ‌گویی با تلفن کند. امتیاز این دستگاه، سادگی و کم هزینه بودن آن است.

به همراه علامت رادیویی ممکن است از یک وسیله‌ی اضافی برای نظارت مؤثر مجرم، هنگامی که مرکز رایانه دچار اختلال گردد، استفاده شود. این وسیله در اختیار مأموران نظارتی است و آن‌ها به این شیوه نه تنها می‌توانند علامت‌ها را از مجرمان دریافت کنند، بلکه می‌توانند انحرافات آنان را نیز کشف کنند.

افزون بر موارد بالا، حبس در منزل به عنوان ضمانت اجرای بینابین محدودیت‌های دیگری را نیز بر مجرمان تحمیل می‌کند. از همه‌ی بهره‌وران به حبس در منزل باید به‌طور اتفاقی آزمایش ادرار گرفته شده و منزل او بازدید شود.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، برنامه‌ی حبس در منزل به این دلیل طرح‌ریزی شده است

که تشبیهی تر از تعلیق مراقبتی فشرده باشد و لذا، به‌عنوان آخرین شانس پیش از زندان رفتن تلقی می‌شود؛ ضمانت‌اجرای تخلف از مقررات مربوط به حبس در منزل، گسیل کردن فرد به زندان است.^۱

مبحث سوم: هزینه‌ها

برنامه‌ی حبس خانگی در اصل به‌عنوان یک سیستم صرفه‌جویی در بودجه آزادی پیش از موعد مجرمان خطرناک تلقی می‌شود. این برنامه که حبس در منزل را با نظارت الکترونیکی ترکیب کرده است، به مقدار بسیاری هزینه‌ها را کاهش می‌دهد^۲؛ به گونه‌ای که، تحمیل نکردن هزینه به دولت از ویژگی‌های بارز این برنامه تلقی شده و آن را ظاهراً جذاب کرده است. این مجازات هزینه‌ای برای دولت در بر ندارد. مجرم برای اجاره‌ی خانه، اسرار معاش و ... پول پرداخت می‌کند.^۳

اصولاً یکی از هدف‌های عمده‌ی تمامی ضمانت‌اجراهای بینابین - بویژه حبس خانگی بدون نظارت الکترونیکی - کاهش عمده‌ی هزینه‌هاست. تحقیقات متعددی که در این زمینه صورت گرفته است کاهش هزینه‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد. در ارتباط با نظارت الکترونیک نیز، که در بیش از $\frac{1}{3}$ حوزه‌ها از آن استفاده می‌شود چون پرداخت مخارج به مجرمان تحمیل می‌شود، هزینه‌ها کاهش می‌یابد.^۴

مبحث چهارم: امتیازها و عیب‌ها و ارزیابی

گفتار نخست: امتیازها

از مزیت‌های این ضمانت‌اجرای جایگزین، افزون بر کم‌هزینه بودن آن برای دولت، آن است که مجرم در جامعه زندگی می‌کند و پیوندهای مهم اجتماعی وی با خانواده، دوستان، کارفرمایان و گروه‌های اجتماعی حفظ می‌شود. در این‌جا، نسبت به هنگامی که مجرم به زندان فرستاده می‌شود، مجازات نمود بیش‌تری برای اجتماع دارد. به یک معنا، باز-اجتماعی شدن، بازدارندگی

1. *Criminology*; p. 86.

2. *Criminology Corrections*; p. 87.

3. *Seeking Employment in Criminal Justice*; p. 61.

4. *Correction and the Criminal Justice*; p. 377.

و مسؤلیت مالی هم‌زمان بکار گرفته می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند که بیش‌تر شهروندان به دلایلی موافق حبس خانگی به‌عنوان یک مجازات برای مجرمان غیرخشن‌اند.^۱ پیتر سیلیا نیز به‌عنوان یکی از محققانی که در این زمینه تحقیق کرده، در گزارشی که تسلیم مؤسسه‌ی ملی عدالت در ایالات متحده‌ی آمریکا کرده است، مزیت‌های حبس خانگی را به شرح زیر شمرده است:

۱. از نظر هزینه، اگر نظارت الکترونیکی استفاده نشود، حبس خانگی یک امتیاز محسوب می‌شود. ولی، خرید تجهیزات، به کار انداختن و نگهداری آن‌ها گران تمام می‌شود؛
۲. از دیدگاه اجتماعی، مزیت‌های عمده‌ای بر حبس خانگی مترتب است. حبس خانگی هیچ‌یک از آثار فاسدکننده یا لکه‌دارکننده‌ی مربوط به زندان را ندارد. این امر امتیاز ویژه‌ای برای مجرمان بی‌پیشینه است. این مجرمان با دور بودن از زندان، تحت تأثیر مجرمان حرفه‌ای قرار نمی‌گیرند یا در معرض حملات جنسی یا فیزیکی زندانیان دیگر نیستند.
۳. حبس خانگی انعطاف‌پذیر است. این ضمانت‌اجرا را می‌توان با ضمانت‌اجراهای دیگر ترکیب کرده یا به تنهایی استفاده کرد. حبس خانگی می‌تواند در مورد مجرمان خاص، مانند بیماران روحی و جسمی، اشخاص معلول و زنان باردار استفاده شود.
۴. آسانی اجرا و سرعت پاسخ‌دهی از امتیازهای حبس خانگی محسوب می‌شود. زیرا، مجرمان را می‌توان در صورت ضرورت به راحتی و با سرعت از برنامه خارج کرد.^۲

گفتار دوم: عیب‌ها

هر چند حبس در منزل به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای بینابین امتیازهایی دارد لیکن مانند هر ضمانت‌اجرای دیگری خالی از عیب هم نیست. برخی را نظر بر این است که مؤثر بودن حبس خانگی پس از چند ماه بتدریج کاهش می‌یابد و یا محو می‌شود. هم‌چنین، به گونه‌ی فزاینده‌ای دشوار است که شرایط بازداشت در خانه را در سال دوم اجرا کرد؛ لذا، به نظر می‌رسد که این برنامه به بهترین شکلی برای مجرمان کم‌خطر که اقامتگاه نسبتاً ثابتی دارند، مناسب باشد. هم‌چنین عیب‌هایی به شرح زیر نیز برای این ضمانت‌اجرا ذکر شده است:

1. Joseph, J. Senna and Larry J. Siegel; *Essentials of Criminal Justice*; p. 391.

2. *Corrections and the Criminal Justice*; p. 364.

۱. این ضمانت‌اجرا به اندازه‌ی کافی برای بهره‌وران حبس خانگی جنبه‌ی تنبیهی ندارد؛
۲. از توجه بسیاری که به نظارت می‌شود ممکن است جنبه‌ی بازپروری ایده‌آل، کاملاً نادیده گرفته شود؛
۳. نظارت جنبه‌ی مداخله‌جویانه و تجاوزکارانه به خود می‌گیرد و این امر ممکن است در برخی موارد با توجه به ملاک‌های قانون اساسی، غیرقانونی باشد؛
۴. امکان بروز برخی تعصبات طبقاتی، نژادی و اجتماعی وجود دارد. حبس خانگی - با نظارت الکترونیکی یا بدون آن - مجرمان را اغلب ملزم به پرداخت هزینه‌های نظارت و حداقل مقداری از هزینه‌های تجهیزات می‌کند.^۱

گفتار سوم: ارزیابی

داده‌های قطعی مبنی بر این که حبس خانگی یک بازدارنده‌ی مؤثر در ارتکاب جرم است، وجود ندارد. همچنین، دلیل کافی مبنی بر این که این نهاد میزان تکرار جرم را کاهش داده است، در دست نیست. در ارزیابی برنامه‌ی فلوریدا این نتیجه به دست آمده است که حکم نزدیک به ۱۰ درصد این افراد به دلیل تخلفات فنی طی ۱۸ ماه پس از شروع برنامه لغو شده است. ارزیابی دیگری از همین برنامه دریافت که میزان تکرار جرم در این برنامه نسبت به یک نمونه‌ی بررسی شده از بهره‌وران مؤسسه‌های اصلاحی - تربیتی مشابه و یکسان است. انتقادهای وارد به حبس خانگی، همچنین دربرگیرنده‌ی این اتهام است که این برنامه ارزش بازدارندگی اندکی دارد. با این همه، به نظر می‌رسد که امتیازات حبس خانگی بیش از معایب آن باشد، کاهش هزینه‌ها و کمک به جلوگیری از شلوغی بیش از اندازه نظام اصلاحی - تربیتی در آمریکا و برخی کشورهای دیگر آزمایش و توسل بیشتر به این مجازات جایگزین را اجتناب‌ناپذیر کرده است.^۲

نتایج خوشبینانه‌ای را می‌توان در ارزیابی ضمانت‌اجرای حبس خانگی همراه با نظارت الکترونیکی اجرا شده در ایالت آرگون درباره‌ی مجرمان مواد مخدر که در تعلیق مراقبتی معمولی شکست خورده بودند، پیدا کرد. نتیجه‌ی این ارزیابی آن است که سوء مصرف مواد مخدر در میان بهره‌وران حبس خانگی همراه با نظارت الکترونیکی از ۹۵ درصد در شروع حبس در منزل به ۳۲ درصد در پایان دوره رسیده است.

1. *Ibid*; p. 365.

2. *Criminology*; p. 391.

لذا، پس از بررسی حبس خانگی به‌عنوان یک ضمانت‌اجرای جایگزین زندان که ممکن است همراه با نظارت الکترونیکی یا بدون آن باشد، حبس در منزل همراه با نظارت الکترونیکی را که در آن نظارت مزبور تکمیل‌کننده‌ی تعلیق مراقبتی فشرده است مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فصل هفتم

نظارت الکترونیکی

مبحث نخست: مفهوم، تاریخچه، هدف‌ها و شرایط

گفتار نخست: مفهوم

نظارت الکترونیکی نیز به عنوان یک ضمانت‌اجرای جایگزین مجازات زندان عمل می‌کند؛ با این توضیح که، برای فردی که در مورد او مجازات زندان اجرا نمی‌شود می‌تواند مشمول مقررات آن شود. حبس در منزل همراه با نظارت الکترونیکی به عنوان یک مجازات مستقل محسوب می‌شود. همچنین در مورد کسی که به عنوان مثال مجازات او از سوی دادگاه برای مدت ۱ تا ۲ سال تعلیق می‌شود، قاضی دادگاه ممکن است مقرر دارد که در ماه‌های نخستین در مورد او نظارت الکترونیکی صورت بگیرد. نظارت در این حالت یک مجازات اصلی تلقی نمی‌شود، بلکه مجازات تبعی و وابسته به تعلیق مراقبتی قشرده است.^۱

بهره‌وران نظارت الکترونیکی ابزارهایی را دور میچ دست یا گردن‌شان می‌بندند که علامت‌هایی را به اداره‌ی نظارت می‌فرستند.^۲ بدین ترتیب، مجرم فقط حق رفتن به سرکار یا شرکت در برخی فعالیت‌های مشخص را دارد، در بقیه اوقات، در منزل زندانی شده و رفت و - آمد اش کاملاً نظارت می‌شود.^۳ انواع مختلف نظارت، به تفصیل، در صفحات آینده مورد بحث قرار می‌گیرد.

1. *Canadian Association of Provincial court Judges-law*; p. 3.

2. *Criminology*; p. 530.

3. Bonta, Jame; Suzanne wallace et Jennifer Rooney; *La surveillance electronique au Canada*; p. 3.

هر چند از نظارت الکترونیکی به عنوان تدبیری نسبتاً جدید برای فراهم کردن رعایت قواعد حبس در منزل یاد می‌شود،^۱ نباید تصور کرد که همیشه چنین است. بلکه، حبس در منزل تنها گاهی وقت‌ها با نظارت الکترونیکی همراه است. به همین دلیل، مبحث حبس خانگی (حبس در منزل) را جداگانه مورد بحث قرار دادیم.^۲

در هر حال، نظارت الکترونیکی به خودی خود به عنوان یک ضمانت‌اجرای مستقل تلقی نمی‌شود، بلکه یک ضمانت‌اجرای تبعی و وابسته به حبس در منزل یا تعلیق مراقبتی فشرده و برای اطمینان از پیروی مجرم از شرایط مقرر برای وی محسوب می‌شود. چون پیش‌تر در مورد حبس در منزل - اعم از این که با نظارت الکترونیکی همراه باشد یا بدون آن - به تفصیل بحث شده است، در صفحات آینده تأکید اصلی بر نظارت الکترونیکی در تعلیق مراقبتی فشرده خواهد بود؛ هر چند تعلیق مراقبتی فشرده نیز همیشه با نظارت الکترونیکی همراه نیست.^۳

گفتار دوم: تاریخچه

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، نظارت الکترونیکی تدبیری نسبتاً جدید برای رعایت قواعد حبس خانگی است. به منظور نظارت بر رفت - و - آمد مجرم، مچ‌بندی به پای وی بسته می‌شود که به رایانه‌ای در مرکز مراقبتی زندان وصل است و علامت‌هایی را برای آن می‌فرستد البته، غرض از اعمال نظارت الکترونیکی گوناگون است. در برخی از موارد، برای کاهش هزینه‌ی زندان و در برخی از موارد، برای کاهش احتمال تکرار جرم استفاده می‌شود.^۴

از نظارت الکترونیکی به منزله‌ی اختراع و ابداع برجسته‌ی کیفری پایان دهه‌ی ۱۹۸۰ یاد می‌شود. زیرا افزون بر استفاده از فن‌آوری برای اصلاح و تربیت و کاهش هزینه‌های زندان، از زمان اجرای ابتدایی آن در پایان دهه‌ی ۱۹۸۰، نظارت الکترونیکی به صنعت بزرگی تبدیل شده است و هزاران مجرم هر روز از این رهگذر نظارت می‌شوند.

عصر الکترونیک باعث پیشرفت ناگهانی در مراقبت الکترونیکی شده است. برای نمونه،

1. *Ibid*; p. 3.

2. *Sense and Nonsense about Walker*; p. 216.

3. *Corrections and the criminal justice*; p. 371.

4. *La Sarveillanec électronique au canada*; p. 3.

امروزه از رهگذر خطوط تلفن با مجرم ارتباط برقرار می‌شود. مأمور تعلیق مراقبتی می‌تواند به راحتی با تلفن مجرم را بخواند و بدون خروج از اداره، یک مصاحبه‌ی رودررو با وی انجام دهد. به موجب این سیستم، مأمور تعلیق مراقبتی می‌تواند یک دوربین ویدیویی را در هر زمان در منزل مجرم فعال کرده و اطلاعات مستقیم و درست را درباره‌ی رفتار مجرم و اجرای قانون برسیله‌ی وی به دست آورد.^۱

نخستین مورد استفاده از نظارت الکترونیکی به سال ۱۹۸۴ می‌رسد. به نظر می‌رسد که این روش مراقبتی از کارتون مرد عنکبوتی^۲ الهام گرفته شده باشد که در آن قاضی جک لاو^۳ از نیومکزیک دستور نصب یک وسیله‌ی الکترونیکی به مچ پای مجرمی را برای نظارت رفت - و - آمده‌های اش صادر کرد.

در آغاز، نظارت الکترونیکی اساساً برای رعایت قواعد حبس در منزل استفاده می‌شد. زیرا، از این رهگذر نظارت بر مجرم از راه دور امکان‌پذیر بود. امروزه، فن‌آوری، روش‌های متنوع دیگری برای نظارت به دست می‌دهد. برای نمونه، می‌توان با رایانه شماره تلفن مجرم را در ساعت‌های مختلف گرفته و از حضور وی در محل مطمئن شد. یا چنانچه مجرم بیش از اندازه از محدوده‌ی تعیین شده دوری‌گزیند، زنگ خطری که در منزل وی نصب شده، به صدا در بیاید. یا می‌توان در کنار تلفن دوربین ویدیویی جهت داشتن ارتباط دیداری کار گذاشت. همچنین این امکان وجود دارد که از مجرم خواسته شود تا به آزمایش تنفس برای تشخیص مصرف یا عدم مصرف مواد مخدر تن دهد، با توجه به نقش فزاینده‌ی بخش خصوصی برای یافتن راهکارهای جدید و میزان رقابت در بازار، بدون شک راهکارهای دیگری نیز پیدا خواهد شد.

در آغاز، در آمریکا نظارت الکترونیکی تنها برای نظارت بر بهره‌وران تعلیق مراقبتی استفاده می‌شد. با وجود این، از سال ۱۹۸۹ این مجرمان تنها ۱۰ مضمولان را دربرمی‌گرفتند. بیش‌تر بهره‌وران نظارت الکترونیکی آن‌هایی بودند که اعمال این تدبیر نسبت به آنان کم‌خرج‌تر از هزینه‌ی زندان محسوب می‌شد. ولی، اینک استفاده از نظارت الکترونیکی بسیار افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که، مطابق تحقیقات انجام شده (به وسیله‌ی اسکلتون^۴ و رنزا) در ۳۷ ایالت

1. Clear, Todd R. and George F. Cole; *American Corrections*; p. 476.

2. spider man

3. Jack love

4. Skelton

آمریکا در سال ۱۹۸۹، ۶۴۹۰ مجرم در این برنامه‌ها شرکت کرده‌اند. انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی نیز استفاده از نظارت الکترونیکی را شروع کرده‌اند.

در کانادا، در آغاز در کلمبیای بریتانیک از این تدبیر استفاده می‌شد. هدف از این کار، اعمال مجازات کم‌خرج‌تر به جای زندان در قبال مجرمان بود. از سال ۱۹۹۲، نظارت الکترونیکی در تمامی کانادا به جز منطقه‌های کم‌جمعیت اجرا شد. در سال ۱۹۹۶، به‌طور متوسط هر روز ۶۰۰ مجرم در برنامه شرکت داشته‌اند. مطابق گزارش‌های نخستین، نظارت الکترونیکی در مقایسه با زندان بسیار به‌صرفه بوده و برای مجرمان امتیازهای گوناگونی در بر دارد.

بدیهی‌ست که تجربه‌ی به دست آمده در کلمبیای بریتانیک بر دیگر استان‌های کانادا نیز تأثیر گذاشته است. در ساسکاچوان^۱ و تر نو^۲، به ترتیب در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴، برنامه‌های نظارت الکترونیکی بر پا شده‌اند. در یوکون^۳، چنین تدبیری وجود داشته، ولی هرگز اعمال نشده است. در سال ۱۹۹۶، انتاریو^۴ برنامه نظارت الکترونیکی را برقرار کرده است.

با وجود این، نباید تصور کرد که نظارت الکترونیکی یک نوشداروست و بنابراین، نباید آن را به‌عنوان ضمانت‌اجرائی که زندان‌ها را خالی می‌کند، تلقی کرد. ولی، می‌تواند به‌عنوان ضمانت اجرای جایگزین مؤثری در اختیار دادگاه‌ها باشد. نظارت الکترونیکی مداخله‌جویانه‌ترین ضمانت‌اجرای غیربازداشتی‌ست. مجرم به محل اقامت اش محدود می‌شود و کارکنان تعلیق مراقبتی با تماس تلفنی وی را کنترل می‌کنند. بی‌تردید، در مواردی که «تعلیق مراقبتی فشرده» همراه با نظارت الکترونیکی باشد، به مجرم فرصت کم‌تری برای ارتکاب دوباره‌ی جرم می‌دهد.^۵

در آغاز، عمده‌ترین بهره‌وران برنامه‌های نظارت الکترونیکی را محکومان به جرائم راهنمایی و رانندگی مهم تشکیل می‌دادند. ولی، از سال ۱۹۸۹، مجرمان علیه اموال و مجرمان مواد مخدر بزرگ‌ترین طبقه را تشکیل می‌دهند.^۶

1. Saskatchewan

2. Terreure

3. Yukon

4. Entario

5. Vancise, W. J. ; *Canadian Association of Provincial court Judges-Law*; ISE lectronically Monitored House Arrest an Effective Alternative to Imprisonment: File://H:\interet2\alter3.htm.page 2.

6. *Sense and Nonsense about Crime and Druge*; p. 217.

گفتار سوم: هدف‌ها

هدف اصلی و عمده‌ی نظارت الکترونیکی کاهش پرجمعیتی زندان است و به‌عنوان یک ضمانت‌اجرا جایگزین و گاهی تکمیل‌کننده‌ی مجازات زندان عمل می‌کند.^۱ هم‌چنین، کاهش هزینه‌ها و در اجتماع نگهداشتن مجرمان و حفظ ارتباط اجتماعی آنان و حضور آنان در خانواده که از بسیاری از مشکلات دیگر جلوگیری می‌کند، از دیگر هدف‌های این برنامه قید شده است.^۲

گفتار چهارم: شرایط

الف) اشخاص دارای شرایط ورود به برنامه

در کانادا، اشخاص دارای شرایط ورود به برنامه را سه گروه عمده تشکیل می‌دهند: زنان، بومی‌ها و اشخاصی که بر حسب طبیعت جرم ارتکابی یا اوضاع - و - احوال شخصی‌شان (پیشینه) قاعدتاً باید به زندان محکوم شوند و بعداً در مورد آنان تعلیق مراقبتی نیز اجرا شود.

دلیل‌گزینش این سه گروه برای اجرای برنامه‌های الکترونیکی در مورد آنان عبارت است از:

۱. زنان به این دلیل مشمول برنامه می‌شوند که در مؤسسه‌های اصلاحی - تربیتی، تسهیلات

و برنامه‌های محدودی برای آن‌ها وجود دارد؛

۲. بومی‌ها بخش عمده‌ای از افراد مشمول برنامه را تشکیل می‌دهند. زیرا، سهم نامتناسبی از

جمعیت زندان را این افراد تشکیل می‌دهند (۶۵٪)؛

۳. اشخاصی که مرتکب جرم‌هایی می‌شوند که به‌طور معمول باید به زندان محکوم شده و

بعداً در مورد آن‌ها تعلیق مراقبتی نیز اجرا شود. اینان، به این دلیل مشمول برنامه می‌شوند که در

موارد خاصی که به آن‌ها اجازهی آزادی پیش از موعد داده می‌شود، برای این که جامعه با خطر

کم‌تری رو- به- رو شود، تحت نظارت قرار گیرند و در مورد آنان نظارت الکترونیکی صورت

بگیرد.

نظارت الکترونیکی در مورد مجرمان غیرخشن اجرا می‌شود و در مورد مجرمان خشن

اصولاً و در اغلب کشورها اعمال شدنی نیست. برای این منظور، پیش از محکومیت به این

1. *Evaluation of the Richmond City Continuum of Juvenile Justice services Poilot Progeram*: Final Report V. continuam Progeram Descri Ptions; file: //H: \intrnet2\ alter 24. htm. p. 2.

2. *American Corrections*; p. 475.

برنامه، یک ارزیابی بر اساس چهار شاخص از مجرم صورت می‌گیرد. در این ارزیابی، مأمور تعلیق مراقبتی در مورد مناسب بودن شخص برای تعلیق مراقبتی مشخصه همراه با نظارت الکترونیکی تصمیم می‌گیرد. مجرمی که خطرناک تشخیص داده شود، ابتدا به دلیل ماهیت جرم ارتكابی باید زندانی شود و سپس، اگر خطری برای جامعه وجود نداشته باشد، مشمول چنین برنامه‌ای قرار گیرد.

افزون بر اهمیت جرم، به انگیزه‌ی مجرم نیز در تشخیص مناسب بودن وی برای اجرای برنامه توجه می‌شود. مهم‌تر از همه، حفظ امنیت جامعه است و اگر مجرم برای جامعه خطر بسیاری داشته باشد، برای اجرای برنامه‌گزینه‌ش نمی‌شود.

تعلیق مراقبتی فشرده همراه با نظارت الکترونیکی با تعلیق مراقبتی ساده فرق می‌کند. تعلیق مراقبتی فشرده هدف‌هایی معین با برنامه‌ی زمانی مشخص دارد. این برنامه لازم می‌داند که نظارت رود. در رو بوده و میان مأمور تعلیق مراقبتی یا مشاوران و مجرم تماس برقرار شود. معمولاً با مجرم تماس‌های مکرر گرفته شده، یا هر هفته لااقل یک ملاقات رودررو میان مأمور تعلیق مراقبتی و مجرم صورت می‌گیرد. مجرم برای بهره‌مندی از مشاوره به مؤسسه‌های خدماتی موجود در جامعه هدایت می‌شود. دیدارهای منظم نیز برای بررسی این که مجرم در منزل حضور دارد یا نه، صورت می‌گیرد. همچنین، آزمایش مصرف مواد مخدر نیز از مجرم گرفته می‌شود.

مجرم باید موافقت خود را برای اجرای برنامه اعلام کرده و شرایط تعلیق مراقبتی را که قاضی اعلام می‌کند، بپذیرد. آنگونه که گفته شد پس از شروع برنامه، حرکات مجرم پیوسته بسوسیلۀ فرستنده‌ای که به مچ پای وی وصل است، نظارت می‌شود. این فرستنده علامتی را از محیط پیرامون مجرم به فرستنده‌ی نصب شده در محل اقامت مجرم می‌فرستد. این فرستنده نیز به نوبه‌ی خود علامت‌هایی را با خطوط تلفن به یک مرکز رایانه ارسال می‌کند.

اگر مجرم محل معین شده را ترک کند، این امر بلافاصله کشف می‌شود. نقض مقررات مربوط به منع رفت و آمد شبانه (با ترک منزل) در چند دقیقه برای مقام‌های مرکز نظارت روشن می‌شود و اقدام‌های لازم در محل بلافاصله شروع می‌شود. این امر ابتدا با تلفن و سپس با همکاری پلیس محلی از رهگذر بازدید از محل صورت می‌گیرد.^۱

در ایالت ساسکاچوان کانادا، این دادگاه است که مجرمان را به سوی برنامه‌ی نظارت الکترونیکی هدایت می‌کند؛ قضات در حین اعلام تعلیق مراقبتی آن را مشروط به نظارت الکترونیکی می‌کنند. هر چند تعلیق مراقبتی می‌تواند تا سه سال به طول انجامد، معمولاً نظارت الکترونیکی از ۶ ماه تجاوز نمی‌کند. ولی در ایالت ترونو، سیستم زندان و مرکز اصلاح و تربیت و نه دادگاه مجرمان را به سوی برنامه هدایت می‌کند. مجرمان گزینش شده افرادی هستند که خشن نبوده و احتمال تکرار جرمشان متوسط است.

در کلمبیای بریتانیک (کانادا) نیز، سیستم زندان مجرمان را به سوی برنامه‌ی نظارت الکترونیکی سوق می‌دهد. در این ایالت، بر خلاف برخی استانهای کانادا، کارکنان نظارت از مأموران زندان و نه از مأموران تعلیق مراقبتی تشکیل می‌شوند.

از نظر ویژگی‌های بهره‌ورانی نظارت الکترونیکی، تفاوت‌های بسیاری میان مجرمان این سه استان از لحاظ خصیصه‌های جمعیتی و شخصیتی وجود دارد. مجرمان استان ترونو از لحاظ موقعیت اجتماعی در سطح پایین‌تری قرار دارند و شمار نسبتاً بسیاری از آنان مصرف‌کنندگان مواد مخدراند. مجرمان استان ساسکاچوان پایین‌ترین میزان مصرف مواد مخدر (۱۷/۳٪) را داشته‌اند.

ب) طول مدت برنامه

از نظر طول مدت شرکت در برنامه‌ی نظارت الکترونیکی، تفاوت‌هایی در کشورهای مختلف و حتی در یک کشور مشاهده می‌شود. برای نمونه، در کانادا، میان سه استان بالا تفاوت وجود دارد. در ساسکاچوان ۱۳۹/۳ روز و در ترونو و کلمبیای بریتانیک ۳۷/۳ روز میانگین شرکت در برنامه‌ها بوده است. در گزارش دیگر آمده است که حداکثر مدت نظارت الکترونیکی باید ۶ ماه باشد.^۱

مبحث دوم: انواع نظارت الکترونیکی

اساساً از دو نوع نظارت الکترونیکی استفاده می‌شود:

۱. نظارت الکترونیکی منفعل؛

1. *Ibid*; p. 7.

1. *Canadian Association of provincial court judges-law*; p. 3, 5.

۲. نظارت الکترونیکی فعال.

گفتار نخست: نظارت الکترونیکی منفعل

در نظارت الکترونیکی منفعل، فرستنده‌ای به بدن مجرم (یک میچ‌بند به دست یا میچ پای مجرم) و شماره‌گیری نیز به تلفن وصل می‌شود. اگر بهره‌ور تعلیق مراقبتی محل را ترک کند، علامت قطع می‌شود و شماره‌گیر به‌طور خودکار با اداره‌ی تعلیق مراقبتی تماس برقرار می‌کند. چون شخص مکلف به پاسخ‌گویی به تلفن است و عدم پاسخ‌گویی وی خروج‌اش از محل را نشان می‌دهد، در برخی از حوزه‌ها رایانه صدا را در آن طرف خط تلفن نظارت می‌کند و آن را با نمونه صدای شناخته شده‌ی مجرم تطبیق داده و بررسی می‌کند^۱. برخی از سیستم‌های منفعل مجرم را ملزم می‌کنند تا ابزار الکترونیکی خود را به یک جمع‌بندی رسیدگی‌کننده وصل کنند که پس از آن، علامتی را به رایانه‌ی کنترل‌کننده صدا و آوا می‌فرستد و با صدای مراجعه‌کننده مقایسه می‌شود^۲.

گفتار دوم: نظارت الکترونیکی فعال

نظارت الکترونیکی فعال بر اساس نظام‌های تماس، مستلزم برقراری تماس تلفنی پیوسته و اغلب اتفاقی با منزل بهره‌ور تعلیق مراقبتی است. این ارتباط تلفنی ممکن است به‌طور خودکار، توسط دستگاه یا به وسیله‌ی خود مأمور مربوط انجام شود^۳.

در این سیستم، یک رادیوی فرستنده‌ی کوچک به میچ پای مجرم بسته می‌شود. این فرستنده می‌تواند علامت‌ها را به گیرنده‌ی واقع در خانه‌ی مجرم برگشت دهد یا ممکن است علامتی را به گیرنده‌ی مرکزی منتقل کند^۴.

سیستم فعال با فرستادن علامت‌ها به اداره‌ی نظارت، مجرم را پیوسته کنترل می‌کند. اگر مجرم هنگامی که نمی‌تواند خانه را ترک کند، این کار را انجام دهد، علامت‌ها قطع می‌شود و

1. Kopel, David B.; *How America's Foolish Sentencing Policies Endanger*; file://H:\internet2\alter17.htm; p 29.
2. *Criminology*; p. 530.
3. *Sense and Nonsense about Crime and Drug*; p. 217.
4. *Canadian Association of Provincial Court Judges- law*; p. 3.

شکست برنامه ثبت می‌شود. در برخی از موارد، مأمور نظارت به‌طور خودکار از طریق یک وسیله‌ی الکترونیکی از ماجرا آگاه می‌شود^۱.

مبحث سوم: ارتباط با آزادی فردی

برنامه‌های فزاینده‌ی نظارت الکترونیکی مسائل مهمی را در مورد آزادی مدنی مطرح می‌کند. این برنامه آینده‌ای را ترسیم می‌کند که در آن حکومت می‌تواند همه مردم را کنترل کند! تاریخ دلیل‌های فراوانی را برای توسل از نظارت افکار در اختیار دارد^۲.

آزادی مجرم در این برنامه به شدت محدود می‌شود. مجرم محدود به محل اقامت‌اش است و جز برای کار یا حضور در برنامه‌های بازپروری یا درمان حق ترک محل را ندارد و ۲۴ ساعته تحت نظارت است^۳.

برخی از آزادی‌خواهان مدنی در آمریکا، با توجه به این واقعیت که نظارت الکترونیکی می‌تواند زندگی خصوصی و آزادی افراد را تضعیف کند، نگران‌اند: آیا واقعاً از شهروندان آمریکایی می‌خواهیم که به وسیله‌ی رایانه نظارت شوند؟ محدوده‌های نظارت الکترونیکی چیست؟ آیا می‌تواند در مورد بیماران روانی بکار برده شوند؟ آیا می‌توان آن را در مورد حاملان ایدز، نوجوانان و جوانان مستعد خودکشی و در مورد افرادی که به‌عنوان مجرم آنی با خطر بالا تلقی می‌شوند، بکار برد؟ در آمریکا این دیدگاه وجود دارد که در حالی که وعده‌های کاهش جمعیت مؤسسه‌های اصلاحی - تربیتی داده می‌شود، نظارت الکترونیکی عملاً این پتانسیل را دارد که روند تبدیل کردن خانه‌ها به زندان‌ها را فزونی بخشد.

مبحث چهارم: هزینه‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، هدف از بکارگیری نظارت الکترونیکی، اعمال مجازات کم‌خرج‌تر به جای زندان در قبال برخی از مجرمین است. از سال ۱۹۹۲، نظارت الکترونیکی در تمامی کانادا، به جز مناطق کم‌جمعیت، اجرا شده است. در این کشور در سال ۱۹۹۶، به‌طور

1. *Criminology*; p. 530.

2. *How America's Foolish Sentencing Policies Endanger?*; p. 30.

3. *Canadian Association of Provincial Court Judges-Law*; p. 7.

متوسط هر روز ۶۰۰ مجرم در برنامه شرکت داشته‌اند. مطابق گزارش‌های نخستین، نظارت الکترونیکی در مقایسه با زندان بسیار باصرفه بوده است. با اینهمه، در ارتباط با هزینه‌ی نظارت الکترونیکی و مقایسه‌ی آن با هزینه‌ی زندان، در پاره‌ای از موارد اختلاف‌نظرهایی به چشم می‌خورد.

در ایالات متحده‌ی آمریکا، از بهره‌وران نظارت الکترونیکی ماهیانه ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار خواسته می‌شود که حتی می‌تواند تا ۴۵۰ دلار نیز برسد.

علیرغم اختلاف نظرهای موجود، برخی با جرات به کم‌هزینه بودن نظارت الکترونیکی در مقایسه با هزینه‌های زندان که شامل هزینه کارکنان، غذا و پوشاک و خدمات دیگر می‌شود، باور دارند و معتقدند که نظارت الکترونیکی در مقایسه با زندان بسیار ارزان‌تر است. هم چنین، پرداخت هزینه‌ی استفاده از دستگاه‌ها به وسیله‌ی مجرم را دلیلی بر کم‌هزینه بودن نظارت الکترونیکی در مقایسه با زندان عنوان می‌کنند.^۱

ولی، برخی دیگر از بُعد دیگری به قضیه نگاه می‌کنند و باور دارند که این فرض که نظارت الکترونیکی قادر است «زندانی» همراه با امنیت لازم و «هزینه‌ی» پایین فراهم کند، ممکن است دقیق نباشد؛ افزون بر مخارج نخستین برای تجهیزات نظارت الکترونیکی، هزینه‌های دیگری نیز باید لحاظ شود؛ از جمله، پرداخت اضافه‌کاری به مأموران نظارت که باید شب و روز و بویژه در پایان هفته نیز انجام وظیفه کنند. هزینه‌ی آموزش کارکنان برای استفاده از تجهیزات پیچیده و هزینه‌ی آموزش قضات نیز باید به مخارج اولیه اضافه شود. نظارت الکترونیکی باعث صرفه‌جویی در پول نخواهد شد مگر این‌که ضرورت ساخت زندان‌های جدید را مرتفع کند.^۲

مبحث پنجم: امتیازها و عیب‌ها و (ارزیابی)

گفتار نخست: امتیازها

در تحقیقات به عمل آمده، درباره‌ی مزیت‌های نظارت الکترونیکی، به جز صرفه‌جویی در هزینه زندان‌ها، بیش‌تر مجرمان را عقیده بر این بوده که حفظ ارتباط با خانواده مهم‌ترین امتیاز آن است. در مورد حفظ شغل، دیدگاه‌های مجرمان استان‌های مختلف کانادا متفاوت است. برخی آن را

1. *Sense and Nonsense about Crime and Drug*; p. 218.
2. *Essentials of Criminal Justice*; p. 392.

سودمند و گروهی دیگر آن را کم‌تر سودمند دانسته‌اند. از نظر تکرار جرم نیز، مدافعان برنامه‌های نظارت الکترونیکی آن را سودمندتر از زندان می‌دانند.^۱

استدلال جالبی که درباره‌ی سودمند بودن نظارت الکترونیکی ارائه می‌شود این است که در مورد مجرمی که به زندان کوتاه مدت محکوم می‌شود، اعتماد عمری نسبت به اجرای عدالت از میان رفته است. زیرا، در این گونه موارد، مجرم با آزادی مشروط پیش از موعد مقرر از زندان آزاد می‌شود. در حالی که، در نظارت الکترونیکی، مدت زمانی که شخص باید تحت نظارت قرار بگیرد، مشخص است و تنها برای ادامه‌ی کار یا درمان اجازتی خروج از محل داده می‌شود.^۲

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های نظارت الکترونیکی آن است که اجرای آن متکی به سرمایه است نه کار. نظر به اینکه مجرمان با رایانه نظارت می‌شوند، یک سرمایه‌گذاری آغازین در زمینه‌ی سخت‌افزار رایانه، ضرورت بکارگیری شمار فراوان مأموران نظارتی را منتفی می‌کند.

نشانه‌های چندی وجود دارد مبنی بر این که نظارت الکترونیکی می‌تواند ابزار مؤثر نظارتی در حلقه‌ی مجازات‌های جایگزین باشد. میزان تکرار جرم در این برنامه‌ها نسبت به برنامه‌های سنتی بالاتر نیست. پژوهش نشان می‌دهد که هر چند شمار فراوانی از بهره‌وران نظارت الکترونیکی به خاطر تخلف از شرایط برنامه احضار شده‌اند اما، میزان تکرار جرم بسیار پایین بوده است. بهره‌وران، به نوبه خود برنامه را با ارزش تلقی می‌کنند و شمار فراوانی از آنان از این فرصت برای به دست آوردن شغل و بهبود روابط خانوادگی استفاده می‌کنند. این برنامه نسبت به تعلیق مراقبتی انعطاف‌پذیرتر است و نسبت به زندان شرایط انسانی‌تری دارد. زیرا، مجرم شغل خویش را حفظ کرده و در کنار خانواده‌اش زندگی می‌کند.^۳

گفتار دوم: عیب‌ها

یکی از عیب‌های نظارت الکترونیکی مشکلات فنی است که در زمان اجرا با آن روبه‌رو می‌شوند. برخی از انواع ساخت - و -سازه‌های ساختمانی می‌تواند علامت دستگاه‌ها را قطع کند. تلفن اتفاقی، در نیمه شب، نه تنها خواب بهره‌ور تحت تعلیق مراقبتی را قطع می‌کند، بلکه نیازمند آن

1. *La surveillance Electronique au Canada*; p. 14.
2. *Canadian Association of provincial court Judges-law*; p. 8.
3. *Essentials of Criminal Justice*; p. 392.

است که یک کارمند در واکنش نشان دادن به یک تخلف احساس وظیفه کند.

افزون بر آن، برنامه‌های نظارت الکترونیکی صرفه‌جویی‌های نسبتاً اندکی برای نظام عدالت کیفری به وجود می‌آورند. نظارت گسترده مشکلات جدیدی را به وجود می‌آورد. بیش‌تر مجرمان به خاطر تخلفات فنی و نه ارتکاب اعمال مجرمانه‌ی جدید احضار و شمار فراوانی از آنان به زندان فرستاده می‌شوند.^۱

هم‌چنین بیش‌تر برنامه‌های نظارت الکترونیکی خدمات بازپروری ارائه نمی‌کنند. زیرا، هدف اصلی آن‌ها تضمین از توان انداختن قطعی مجرمان است نه اصلاح و درمان‌شان. افزون بر آن، نظارت الکترونیکی ممکن است فاقد قدرت بازدارندگی حبس باشد و نسبت به تعلیق مراقبتی سنتی، همانگونه که گفته شد تأثیرهای بازپروری اندکی داشته باشد.^۲

یکی دیگر از عیب‌های نظارت الکترونیکی آن است که تنها مجرمان دارای تلفن و افرادی که می‌توانند هزینه‌های استفاده از دستگاه‌های موردنیاز را بپردازند، قادرند از این برنامه استفاده کنند. افزون بر آن، زندانی شدن در خانه هیچ تضمینی نمی‌کند که بهره‌ور جرم‌های دیگری مرتکب نشود. شمار فراوانی از جرم‌ها - از جمله فروش مواد مخدر - معمولاً در سکونت‌گاه‌های مجرمان روی می‌دهد.

به علاوه، قابلیت اطمینان این دستگاه‌ها به تازگی به یک موضوع بحث‌انگیز تبدیل شده است. برخی از مجرمان متوجه شده‌اند که چگونه دستگاه‌های کنترل را بدون شناسایی شدن انتقال داده و جابه‌جا کنند. برخی دیگر از مجرمان در محل ارتکاب جرم دستگیر شده‌اند با وجود این‌که دستگاه نظارت الکترونیکی مشخص کرده که وی در خانه است. هم‌چنین، این دستگاه‌ها می‌توانند مزاحم زندگی خصوصی خانواده شده و فشار روانی بسیاری را برای مجرم و خانواده‌اش به بار آورند.^۳

سرانجام، نظارت الکترونیکی در مقابل مجرمی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد و در مورد احتمال دستگیر شدن خود فکر نمی‌کند، مانعی محسوب نمی‌شود. افزون بر آن، برخی از میچ‌بندها را می‌توان به راحتی از میچ پا باز کرد بی آن‌که علامت هشداردهنده فعال شده باشد.^۴

1. *Ibid*; p. 217.

2. *Ibid*; p. 394.

3. *Ibid*; p. 393.

4. *How Americas Foolish sentencing policies Endanger*; p. 29.

گفتار سوم: ارزیابی

در این باره که آیا نظارت الکترونیکی مجازات جایگزین پذیرفتنی برای زندان به شمار می‌رود یا نه، بحث‌های گوناگونی مطرح شده است.

تعیین مجازات در شیوه‌ی سنتی در یک چارچوب مبتنی بر اصول معین صورت می‌گیرد که با توجه به آن‌ها، دادگاه‌ها در صدد تعیین یک مجازات مناسب، با توجه به جرم و مجرم، برمی‌آیند. اساساً یکی از دلایل‌هایی که قضات در خودداری از پذیرش توصیه مأمور تعلیق مراقبتی مبتنی بر تحت نظارت الکترونیکی قراردادن مجرم ارائه می‌کنند، آن است که این مجازات هدف مجازات سنتی مبتنی بر زندانی شدن مجرم را برآورده نمی‌کند، یعنی، این مجازات به اندازه‌ی کافی شدید تلقی نمی‌شود.

با اینهمه، باید توجه کرد که طبقه‌های معینی از جرم‌ها وجود دارد که در نظر اول مرتکبین آن‌ها مستوجب مجازات زندان‌اند (برای نمونه، قاچاق هروئین یا کوکائین). فرض زندانی کردن باید به مواد مخدر سخت که مستلزم هزینه‌های اجتماعی و سودهای بالقوه‌ی هنگفت در خرده‌فروشی و عمده‌فروشی مواد مخدر است، اختصاص یابد. جرم‌هایی همانند نگهداشتن، نگهداری یا هدف و حتی قاچاق مقدارهای اندکی از مواد مخدر نباید به زندانی شدن بینجامد. زندان‌ها باید ناظر به قاچاقچیان یا نگهدارندگان مقدارهای تجاری به عنوان خرده‌فروش، عمده‌فروش، واردکننده یا حامل باشد.^۱

با وجود این، به نظر می‌رسد که درباره‌ی نظارت الکترونیکی وعده‌های بسیاری داده شده، اما تأثیر ویژگی آن تعیین نشده است. هنوز روشن نیست که آیا نظارت الکترونیکی یک نجات‌دهنده‌ی اصلاحی- تربیتی است یا یک موج موقتی.^۲

در مجموع، می‌توان گفت نظارت الکترونیکی یک ضمانت اجرای جایگزین مناسب و مؤثر در مورد جرم‌های غیرخشن است. ضمانت اجرایی است که دربردارنده‌ی عناصر کافی مجازات است (هم خوارکننده است و هم مداخله‌گرانه) که باید از سوی همگان به عنوان جایگزین زندان پذیرفته شود. دلیل‌های تجربی وجود دارد که نشان می‌دهد نظارت الکترونیکی از نظر بازپروری

1. *Canadian Association of Provincial Court Judges-Law*; pp. 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, 13, 16.

2. *Essentials of Criminal Justice*; p. 394.

و کاهش تکرار جرم مؤثرتر از ضمانت‌اجراهای بازداشتی سنتی است.

تردیدی نیست که ارزیابی برنامه نظارت الکترونیکی در ارتباط با تکرار جرم بسیار مشکل است؛ چراکه اغلب گزارش‌ها تنها به اعلام نتایج بسنده می‌کنند بی آن‌که گروه‌های شاهد را در نظر بگیرند. بدین ترتیب، احتمال دارد که درصد بالای موفقیت و میزان پایین تکرار جرم به علت کم‌خطر بودن مجرمان باشد و نه به علت خود برنامه زیرا، شمار بسیاری از برنامه‌ها تنها مجرمان کم‌خطر را می‌پذیرند.^۱

هم‌چنین، در خصوص توانایی برنامه‌های نظارت الکترونیکی در کاهش رفتار مجرمانه، دو دیدگاه وجود دارد. رایج‌ترین دیدگاه این است که نظارت الکترونیکی اثر متقاعدکننده دارد و همانند دیگر مجازات‌ها، تنبیهی است که بر رفتار نظارت دارد. دیدگاه دوم آن است که نظارت الکترونیکی اثر تطبیق‌دهنده دارد. با اجبار به ماندن در محل معین ممکن است مجرم رفتار خود را اصلاح کند، هر چند تصور این مسئله که نظارت الکترونیکی جدای از قطع رفت - و - آمدهای خلافکارانه‌ی مجرم، چگونه می‌تواند به وی در حل مشکلات - اش - مانند اعتیاد - کمک کند، مشکل است.

از نظر تکرار جرم، از بهره‌وران برنامه‌های نظارت الکترونیکی در سه استان ترو نو و ساسکاچوان و کلمبیای بریتانیک پرسیده شد که آیا نظارت الکترونیکی در پیشگیری از وقوع جرم هر یک از مجرمان و سپس تمامی مجرمان مؤثر است یا خیر؟ از میان بهره‌وران نظارت الکترونیکی، ۳۱/۹٪ تصور می‌کردند که نظارت الکترونیکی مانع تکرار جرم اغلب مجرمان می‌شود. ولی، مأموران مراقبتی کلمبیای بریتانیک در این خصوص بدبین بوده و اظهار می‌کردند که تنها از وقوع تکرار جرم ۲۷/۳٪ مجرمان جلوگیری کرده است.

در نهایت، این باور وجود دارد که تعلیق مراقبتی فشرده‌ی همراه با نظارت الکترونیکی به مجرم فرصت کم‌تری برای ارتکاب مجدد جرم می‌دهد.^۲

فصل هشتم

پادگان‌های آموزشی - اصلاحی

مبحث نخست: مفهوم، تاریخچه و هدف‌ها

گفتار نخست: مفهوم و تاریخچه

پادگان آموزشی - اصلاحی که می‌توان آن را ترجمه‌ی واژه‌ی انگلیسی boot camp تلقی کرد و از آن به «زندان شوک‌آور»^۱ نیز تعبیر می‌شود، یکی از جدیدترین تدابیر جایگزین در حقوق کیفری است. نخستین نمونه از چنین اردوگاه‌های نظامی در سال ۱۹۸۳ میلادی در جورجیای آمریکا افتتاح شد. استفاده از این نهاد در دهه‌ی نود بویژه در ایالات متحده‌ی آمریکا در سطح گسترده‌ای رواج یافت تا شاید در کنار سایر ضمانت‌اجراهای بینابین روند رو به افزایش جمعیت زندان‌ها را متوقف کند. هر چند به نظر می‌رسد که استفاده از این روش به ایالات متحده‌ی آمریکا منحصر است، این گونه نیست. زیرا، انگلستان نیز برای مدتی از همین روش «نظامی - تربیتی» برای بزهکاران جوان استفاده کرد. در سال ۱۹۶۰، بریتانیا مراکزی را برای بزهکاران جوان به عنوان جایگزین زندان و تعلیق مراقبتی تأسیس کرد. در این مراکز، بزهکاران ۱۴ تا ۲۱ سال را برای مدت کوتاهی که معمولاً سه ماه طول می‌کشد، زندانی می‌کردند و در این مدت، یک روش زندگی نظامی‌گونه‌ای را بر آن‌ها تحمیل می‌کردند؛ بدین ترتیب که، در میان برنامه‌های بزهکاران، مشق نظامی، تمرین‌های ورزشی و کار جسمی و بدنی نسبتاً سخت جزو فعالیت‌های روزانه به چشم می‌خورد. بر خلاف برنامه‌های پادگان آموزشی - اصلاحی آمریکا، این مراکز زندانی در بریتانیا به دو بخش کودکان و بزرگسالان تقسیم شده و کودکان و نوجوانان بزهکار تا ۱۷ سال به مراکز کودکان و از ۱۷ تا ۲۱ سال به مراکز بزرگسالان فرستاده می‌شدند.

1. shock incarceration.

1. Canadian Association of Provincial Court Judges-Law; p. 17.

2. Canadian Association of Provincial Court Judges-law; p. 2.

یادآوری این نکته درباره‌ی تاریخچه‌ی این برنامه ضروری است که فکر ایجاد این نوع مراکز در آمریکا، از تجربه‌ی ارتش این کشور در دوران جنگ ویتنام ناشی شده است. در سال ۱۹۶۸، ارتش آمریکا در فوریت ریلی^۱ و کانزاس^۲ مراکز آموزشی-اصلاحی ویژه‌ای را هنگام نیاز ضروری به نیروی انسانی نظامی برای جنگ ویتنام، ایجاد کرد. این برنامه برای زندانی کردن مجرمان نظامی طرح‌ریزی شده بود تا ضمن تحمل کیفر جرم‌های ارتكابی، آمادگی نظامی آنان برای بازگشت به ارتش و انجام وظیفه‌ی محوله حفظ شود. پس از سال ۱۹۸۴، ارتش راهبرد آموزشی-اصلاحی خود را تغییر داد؛ به گونه‌ای که، مجرمان نظامی هنوز نیز آموزش‌های مجدد نظامی را می‌دیدند، ولی شمار اندکی از آن‌ها برای کارهای نظامی خود به ارتش برمی‌گشتند. بیش از ۹۰ درصد این افراد پس از آموزش دوباره، از انجام کارهای نظامی رها شده و به زندگی عادی شهروندی بازگشتند. با این تغییر راهبرد، نام این مرکز نیز به «اصلاح و بازپروری تخصصی در بخش اصلاح و تربیت ارتش» تغییر نام داد.

در حالی که برنامه‌ی زندان سنتی شهروندان عادی بر آموزش حرفه‌ای و علمی تأکید داشت، این برنامه جدید ارتش بر تربیت جسمانی و ایجاد نظم و انضباط در آموزش‌گیرندگان تمرکز یافت. از زمان ایجاد این برنامه، بیش از ۴۰۰۰ مجرم نظامی در این برنامه آموزش دیده‌اند.

ارتش معتقد بود که این نوع برنامه‌ی بازپروری مجرمان برای بزهکاران نوجوانی که بار نخست مرتکب جرم شده‌اند و کم‌تر تجربه‌ی بزهکاری دارند، مناسب است. بدین ترتیب، ایالت‌های مختلفی در آمریکا با ایجاد پادگان آموزشی-اصلاحی به عنوان جایگزین مجازات زندان موافقت کردند و آن را بر دامنه‌ی اختیارات قضات افزودند، با این توصیه که باید از آن برای بزهکاران جوانی که برای مرتبه‌ی نخست مرتکب جرم شده‌اند و قدرت کافی برای اجرای آموزش‌های بدنی سخت و فشارهای انضباطی را دارند، استفاده شود.

با این که زندان شوک‌آور به منزله‌ی «روش جدید» اصلاحی شهرت یافته، با اینهمه، باید گفت، که در گذشته، آقای زبولون براک وی^۳ - نخستین سرپرست مرکز اصلاحی المیرا- (نیویورک) اعمال روش نظامی را در برنامه‌ی این مرکز نیز گنجانده بود. البته، برقراری فضای نظامی در زندان‌های آمریکا در آن دوران بیشتر برای کمک به مدیریت و اداره‌ی زندان‌ها انجام

1. Fort Riley.

2. Kansas.

3. Zebulon Brockway

می‌شد تا اصلاح و تغییر رفتار زندانیان؛ با این که زندانیان در این مرکز به کارهای تولیدی مشغول بودند، ولی ایجاد محدودیت در فروش محصولات ساخته شده و به دنبال آن بیکاری زندانیان، براکوی و جانشینانش را واداشت تا برای جلوگیری از وقت‌گذرانی و بطالت اوقات زندانیان - که تصور می‌شد از جمله عوامل گرایش افراد به کارهای خلاف است - آن‌ها را به آموزش‌های نظامی در زندان‌ها مشغول کنند. آموزشهایی که در آن هنگام از پشتیبانی افکار عمومی نیز برخوردار بود.

امروزه، توسل به زندان شوک‌آور به علت مزایای تعلیمات نظامی نیست، بلکه این روش وسیله‌ای است برای اعمال خشونت مثبت کیفری و به عنوان یک مجازات مؤثر.

در هر حال، این نوع ضمانت‌اجرا، بر خلاف سایر ضمانت‌اجراهای بینابین - مانند تعلیق مراقبتی فشرده، حبس خانگی، نظارت الکترونیکی، دستورهای جبران خسارت و... - که در آمریکا به وسیله‌ی اداره‌های تعلیق مراقبتی و با استفاده از مأموران آن اجرا می‌شود، توسط مؤسسه‌های اصلاحی و تربیتی به مرحله‌ی اجرا در می‌آیند.

پادگان آموزشی-اصلاحی عموماً مستلزم یک دوره زندان کوتاه‌مدت است که مجرمان بار نخست را در بر می‌گیرد. عناصر تشکیل‌دهنده این برنامه عبارت‌اند از:

۱. یک نظام تربیتی با قواعد سختگیرانه‌ی انضباطی؛

۲. کاتونی با حال و هوای نظامی؛

۳. ضرورت شرکت افراد در تمرین‌های جسمی، کارهای بدنی سخت و ورزش‌های شدید؛

۴. لزوم شرکت در برنامه‌های تربیتی و برنامه‌های مربوط به مبارزه با سوءمصرف مواد

مخدر؛

۵. تفکیک برنامه و افراد مشمول آن از برنامه‌ی زندان‌ها و زندانیان عادی.

با توجه به سیر تاریخی تحول این نوع برنامه و ویژگی‌های خاص آن، این برنامه اغلب برای بزهکاران جوان، مرد و غیرخشن که برای نخستین بار مرتکب جرم شده‌اند پیش‌بینی شده است. هر چند برنامه‌هایی نیز برای زنان تدارک دیده شده است اما شمار آن بسیار محدود است. احتمالاً تصور این است که روش زندگی سخت در یک پادگان نظامی برای زنان نامناسب است.

گفتار دوم: هدف‌ها

همانند سایر جایگزین‌های زندان، پادگان آموزشی-اصلاحی هدف‌های چندگانه‌ای دارد، با این تفاوت که توجه چگونگی رسیدن به این هدف‌ها بعضاً نسبت به سایر جایگزین‌ها متفاوت است. نخستین هدف این برنامه، کاهش جمعیت زندان‌هاست. کوشش بر این است که از این رهگذر بتوان به هدف اصلاحی- تربیتی کیفرها که تا پیش از این بر زندان متمرکز شده بود، دست یافت. هدف دوم، پایین آوردن میزان تکرار جرم است که البته معمولاً ادعا می‌شود که هدف همه‌ی کیفرهاست و نه خاص این مجازات. در این برنامه، از ایجاد شوک به منزله‌ی مانع معینی برای جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده استفاده می‌شود. آن چنان که برخی محققین آمریکایی مانند مکتزی^۱ و سوریال^۲ اظهار داشته‌اند، «با نشأت گرفتن از تربیت بنیادی نظامی که شامل رعایت مشق‌های نظامی، بدنسازی و کارهای شدید فیزیکی و نیز نظم و انضباط می‌شود، انتظار این است که این عناصر افزون بر کیفردهی، نقش بازدارنده‌ی ارتکاب جرم را بازی کنند».

با این اوصاف، در بسیاری از پادگان‌های آموزشی-اصلاحی نظر بر این است که جلوگیری از تکرار جرم از رهگذر بازپروری نیز صورت گیرد. این تدبیر دربردارنده‌ی مشاوره‌ی ترک اعتیاد، مشاوره‌ی کاربایی و برنامه‌های تحصیلی است. با اینهمه، چون اقامت در این مراکز کوتاه است، از کارآمدی این مراکز در رسیدن به این هدف‌ها، در مقایسه با سایر اماکن اصلاح و تربیت، کاسته می‌شود با این وصف، می‌توان گفت که زندان شوک‌آور اگر موفق به کاهش میزان تکرار جرم شود، تا اندازه‌ی بسیاری مدیون شوکی ناشی از انضباط و دیسپلین نظامی است.^۳

در کنار این هدف‌ها، گفته شده که برنامه می‌تواند در «فرایند تفکر» به بزهکاران جوان توانایی تغییر فکر و در نتیجه قدرت فکری تنظیم برنامه‌ی زندگی و شیوه‌ی رفتار با جامعه و دیگران را بدهد. با این همه، پرسش‌های مهمی درباره‌ی توانایی این روش برای رسیدن به هدف‌های خود وجود دارد. آیا در برنامه‌ای که نخستین تأکید بر تربیت نظامی و جسمانی است، می‌توان به هدف‌های اصلاحی رسید؟ آیا شیوه‌ای که در اصل و با عنایت به تاریخچه‌ی آن برای تربیت مردان جوان برای جنگ طرح‌ریزی شده بود، برای بزهکاران جوانی که هرگز وارد ارتش نشده‌اند، می‌تواند مناسب بوده و آنان را برای یک زندگی عادی صلح‌آمیز آماده کند؟

1. Mackentie

2. Sourial

3. *Ibid*; p. 218.

صاحب‌نظران آمریکائی ضمن بیان انتظاراتی که از این برنامه می‌رود، بر این باور‌اند که ممکن است تجربه‌ای مبتنی بر نظم و انضباط شدید روزانه، بر زندگی بیرون از پادگان و زندگی عادی روزانه‌ی افراد موثر باشد. در گزارش تهیه شده برای مؤسسه‌ی ملی دادگستری^۱، جمیز آستین^۲ و همکارانش انتظاراتی خود از زندان شوک‌آور را چنین خلاصه کرده‌اند:

۱. بسیاری از بزهکاران جوان بار نخست به شوک عمیق کوتاه‌مدت به گونه‌ای مثبت پاسخ خواهند داد؛
۲. انقای روش دیسپلین نظامی در بزهکار جوان، نظم و تربیت و قدرت جسمانی به وجود می‌آورد؛
۳. با بهره‌گیری از زمینه‌ی ترک اعتیاد، تحصیل و کار، این مجرمان به ارزش‌های مثبت و آنچه برای موفقیت در زندگی روزمره ضروری است، پی برده و به آن‌ها ارج خواهند گذاشت؛
۴. هزینه‌ها نسبت به زندان کم‌تر خواهد شد.

مبحث دوم: انواع پادگانهای آموزشی-اصلاحی

از نظر نوع کارکرد و برنامه‌های اجرایی، می‌توان گفت که دو نوع پادگان وجود دارد: پادگان نظامی^۳ و پادگان اصلاحی-تربیتی^۴.

نوع نظامی آن که معمولاً هشت هفته طول می‌کشد، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که می‌توان گفت عموماً از بهره‌وران آن، سربازانی می‌سازد که از حیث فیزیکی و جسمانی دارای شرایط مناسب، انگیزه‌ی بهتر و سرانجام خود انضباط‌اند. از موقعی که فرد به عنوان یک سرباز ثبت‌نام کرده و قسم یاد می‌کند، باید در جهت شرافت سربازی گام بردارد. برای رسیدن به هدف خود انضباطی، مسئولان واحدهای آموزشی نظارت و کنترل‌های لازم را بر امر سربازان اعمال می‌کنند و این نظارت و کنترل شدید ادامه دارد تا اینکه علامت‌هایی از وی برای پذیرش مسؤلیت و اصلاح رفتار دیده شود.

شیوه‌ی عمل این نوع برنامه به گونه‌ای است که احساس مسؤلیت فرد را در برابر خود و دیگران بالا می‌برد و نیروی مقاومت در برابر مشکلات را افزون و از ضعف‌ها می‌کاهد. این

1. the National Institute of Justice

2. James Austin

3. Correctional Boot camp.

4. Military Boot camp.

محیط در کمک به اصلاح و تربیت مجرمان بی‌پیشینه و غیرخشن بسیار مؤثر بوده و آن‌ها را برای ورود دوباره به زندگی عادی و جامعه آماده می‌کند.

بی‌تردید، موفقیت این برنامه‌ی آموزشی در این است که مریبان و کادر آموزشی خود نیز از حیث رفتاری و مسؤولیت‌پذیری در سطح بالائی قرار دارند تا مجرمان بتوانند میان رژیم انضباطی آموزش داده شده و الگوهای عینی در دسترس، ارتباط منطقی برقرار کنند و از نظر تئوری و عملی راه خود انضباطی و مسؤولیت‌پذیری را فراگیرند.

در دومین نوع، پادگان‌ها جنبه‌ی اصلاحی-تربیتی آن بر بُعد نظامی اولویت دارد. تفاوت این دو روش آن است که در نخستین نوع، سربازان را به شیوه‌های نظامی سخت آموزش می‌دهند و در دومی، تمرکز بر آموزش و پرورش و حرفه‌آموزی است و بویژه به دنبال اصلاح فرد از حیث رفتاری بر می‌آیند که به علت آن زندانی شده است.^۱

در نوع اخیر نیز، همانند نوع نخست، محیط آموزشی با فشار فیزیکی و جسمی همراه است تا به زندانی جهت مقابله با فشارهای اجتماعی کمک کند. همچنین در این برنامه، نظارت شدید و مشاوره نیز صورت می‌گیرد. بنابراین، وجه مشترک هر دو تمرکز بر آموزش است. ولی، در نوع نخست آموزش‌ها به شیوه‌ی نظامی و بر اساس شوک ناشی از زندان کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی شده است؛ در حالی که در نوع دوم شیوه‌ی اصلاحی-تربیتی مبتنی عمل است؛ با این هدف که بهره‌وران به گونه‌ای تربیت شوند که به قواعد زندگی اجتماعی تن داده و به عنوان یک شهروند به آن‌ها احترام بگذارند.

مبحث سوم: شرایط بهره‌وران و چگونگی گزینش آن‌ها

گفتار نخست: شرایط بهره‌وران

در این گفتار، شرایط را از نظر جنس، سن، مدت و رضایت محکوم علیه مطالعه می‌کنیم.

الف) جنس مجرمان

همان گونه که گذشت، این برنامه در آمریکا عموماً درباره‌ی بزهکاران جوان غیرخشن و بی‌پیشینه کیفری اجرا می‌شود. هر چند این نوع کیفر برای مردان طرح‌ریزی شده است لیکن،

برای حفظ بی‌طرفی و بهره‌مندی مساوی مردان و زنان از تدابیر اصلاحی، مراکز ویژه‌ای نیز به زنان اختصاص یافته است. در سال ۱۹۹۲، سیزده ایالت از بیست و پنج ایالت که از این جایگزین استفاده می‌کرده‌اند به زنان اجازه‌ی شرکت در این برنامه‌ها را دادند که زنان ۶/۱ درصد تمامی بهره‌وران را تشکیل می‌دادند. در همین سال، دو ایالت پنسیلوانیا و ماساچوست در حال برنامه‌ریزی برای ورود زنان به این برنامه بوده‌اند.

ازجمله‌ی دلیل‌های گرایش کم‌تر قانون‌گذاران به تسری دادن این برنامه به زنان، جنبه‌های عاطفی امر است؛ با این توضیح که، طبق گزارش‌های واصله برای زندانیان زن، برنامه‌ها استرس‌زا بوده و این موضوع با سرشت ملایم و لطیف زنانه سازگار نیست. بدین علت کوشش شده است که در مورد زنان، با رعایت شرایط و نیازهای آنان، برنامه‌های آموزش حرفه‌ای، عمومی، فرزندداری و درمان مواد مخدر در دسترس ایشان قرار گیرد و کم‌تر بر جنبه‌ی تعلیمات نظامی و جسمی تأکید شود.

از عمده مزیت‌های این برنامه برای زنان، امکان آزادی پیش از موعد و افزایش فرصت‌های مربوط به درمان دارویی است. این روش برای افرادی که اعتیاد به مواد مخدر دارند، بسیار سودمند است. در مقابل، برخی از زنان بر این باور-اند که این برنامه‌ها از پاسخ‌گویی به برخی از نیازهای مهم آنان ناتوان است؛ از جمله آن که مادران امکان دیدن بچه‌های خود را کم‌تر پیدا می‌کنند. همچنین، سوءمصرف‌کنندگان مواد مخدر از مشکلات ناظر به کمبود و نارسائیهای شیوه‌ی درمان سخن گفته‌اند.

با وجود این، در مجموع از گزارش‌ها چنین برمی‌آید که زنان از لحاظ فیزیکی در شرایط مطلوبی به سر می‌برند و به طور کلی شرایط و برنامه‌های موجود در پادگان‌های آموزشی-اصلاحی را مثبت ارزیابی می‌کنند.

ب) سن مجرمان

این برنامه‌ها با لحاظ پیشینه‌ی تاریخی آن، تمرکز بیشتری بر نوجوانان ۱۵ سال به بالا دارد. در جورجیا، ۱۷ ساله‌ها، در آلاباما ۱۵ ساله‌ها و بالاتر، در کانزاس ۱۸ تا ۲۵ ساله‌ها، در مریلند زیر ۳۳ ساله‌ها، در کالیفرنیا ۴۰ ساله‌ها یا بالاتر، در نیویورک ۳۰ ساله‌ها یا بالاتر، در ایلینویس ۱۷ تا ۲۹ ساله‌ها، و در اوکلاهما زیر ۲۵ ساله‌ها به این پادگان‌ها فرستاده می‌شوند.

1. Zachariah, John K. ; *An Overview of Boot Camp Goals, camponents*, pp. 3-4.

طرفداران اعمال برنامه‌های این جایگزین در خصوص نوجوانان بر این عقیده اند که این طبقه‌ی سنی با توجه به قدرت و توانایی جسمی و روحی بالا و انگیزه‌ی قوی برای یادگیری بهتر می‌تواند تحت تأثیر برنامه‌های اصلاحی و آموزش در پادگان‌ها رفتار خویش را تغییر دهد. با آنکه، معمولاً نوجوانان بزهکار از برقراری ارتباط با دیگران ناتوان بوده و در برابر اعمال قدرت از خود مقاومت نشان می‌دهند، این برنامه‌ها می‌توانند همزمان برای اصلاح رفتار و اعمال فشارهای شدید جسمانی و فیزیکی در راستای هدف ورود شوک رفتاری به نوجوانان اجرا شوند تا ضریب موفقیت را بالا ببرند.

برخی از صاحب‌نظران اجرای برنامه را برای نوجوانان توصیه نمی‌کنند. زیرا، بر این باور ساند که برنامه‌ها تأثیرهای روحی بدی بر آن‌ها می‌گذارد. اینان معتقد ساند که نوجوان و کودکان باید به گونه‌ی مناسب‌تری و در محل‌های دیگری آموزش ببینند که بتوانند از مشاوره کافی و مورد نیاز برخوردار شوند.

پ) مدت آموزش

روش واحدی در ایالت‌های مختلف آمریکا در ارتباط با مدت آموزش وجود ندارد. ولی، معمولاً، مدت برنامه همانند آنچه در ایالت تنسی جاری است، حداقل نود روز است. در لومس آنجلس، ۹۰ روز دیگر هم برای مراقبت‌های بعدی پیش‌بینی شده است. در لوئیزیانا، برنامه دو مرحله‌ای است و ۹۰ تا ۱۸۰ روز طول می‌کشد. در نیویورک نیز، مانند سایر ایالت‌ها، برنامه دو مرحله‌ای است که هر مرحله شش ماه طول می‌کشد و ظاهراً از نظر مدت، طولانی‌ترین برنامه‌ها محسوب می‌شود.

ت) رضایت محکوم‌علیه

در برنامه‌ی همه‌ی ایالت‌ها پیش‌بینی شده است که مجرمان باید رضایت خود را جهت شرکت در اجرای برنامه اعلام کرده و فرمی را که در بردارنده‌ی اعلام چنین رضایتی است، امضاء کنند.

گفتار دوم: چگونگی گزینش بهره‌وران

در این باره که مجرمان چگونه برای ورود به این نهاد کیفری گزینش می‌شوند، رویه‌ی ثابتی وجود ندارد. ۲۰ ایالت گزارش کرده‌اند که قضات خود متهم را به تحمل این نوع کیفر محکوم می‌کنند. گزارش ۲۰ ایالت دیگر حاکی است که پس از ورود محکوم به زندان، مأموران اصلاح و تربیت آنان را برای قرار گرفتن در این برنامه‌ها برمی‌گزینند. تنها چهار ایالت گزارش داده‌اند که مأموران تعلیق مراقبتی یا آزادی مشروط می‌توانند در این باره تصمیم‌گیری کنند.

در برخی از ایالت‌ها، دادگاه‌ها ضمن مشورت با کارکنان محلی زندان‌ها، اقدام به گزینش افراد می‌کنند؛ در حالی که در برخی دیگر از ایالت‌ها همانند تگزاس، قاضی می‌تواند به طور مستقیم بدون کسب رضایت کادر و اعضای مجری برنامه، محکوم را به برنامه اعزام کند.

در هر حال، می‌توان گفت که بهره‌ور از رهگذر یکی از روش‌های زیرگزینش شده و به برنامه فرستاده می‌شود؛ یا دادگاه در رأی خود قید می‌کند که مجرم برای تحمل مجازات به این پادگان‌ها فرستاده شود و یا زندان‌های محلی بهره‌ور را بر می‌گزینند. در چهار ایالت آمریکا که مورد تحقیق واقع شده‌اند، دادگاه‌های تعیین‌کننده‌ی مجازات اختیارات وسیعی در تعیین بهره‌ور، دارند. در پنج ایالت دیگر، زندان‌های محلی اختیارات مستقلی در تعیین و پذیرش بهره‌ور دارند بدون اینکه در زمینه این‌گزینش نیازمند توصیه دادگاه‌ها باشند.

در حوزه‌هایی که در فرایند گزینش به دادگاه متکی اند، اگر اختلاف میان دادستان و وکیلان مدافع در این باره که آیا این برنامه جایگزین مناسبی برای زندان است یا نه، بالا بگیرد، ممکن است میزان پذیرش کمتر از میزان مورد پیش‌بینی باشد. بررسی‌های انجام شده در هفت ایالت بر کاهش میزان افراد پذیرفته شده به این دلیل دلالت دارند.

مبحث چهارم: محتوا و مرحله‌ها

در خصوص اجزای تشکیل‌دهنده‌ی برنامه، یکپارچگی وجود ندارد و اختلاف‌هایی به چشم می‌خورد. با وجود این، می‌توان گفت که برنامه‌ی زندان شوک‌آور یا پادگان آموزشی-اصلاحی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱. جایگزین زندان باشد، ۲. قواعد سختگیرانه و با نظم و انضباط شدید بر آن حاکم باشد، ۳. از مجرمین خواسته شود که در تمرینات نظامی و ورزش‌ها شرکت کنند و ۴. مجرمین شرکت کننده در آن از سایر زندانیان جدا باشند.

در مرحله‌ی نخست ورود مجرم که می‌توان آن را «پذیرش» نامید، مجرم معاینه‌ی پزشکی شده و از نظر بیماری بررسی می‌شود و آزمایش‌های ادرار در طول یک هفته به طور مستمر انجام می‌شوند. مرحله‌ی دوم برنامه‌ی تمرینهای نظامی و مراسم را دربرمی‌گیرد که معمولاً چهار هفته به طول می‌انجامد. در مرحله‌ی سوم که آن هم چهار هفته به طول می‌انجامد، برخلاف مرحله‌ی پیش بر تمرینهای نظامی و مراسم تأکید زیادی نمی‌شود، بلکه بهره‌وران، کلاس‌های برنامه‌ریزی شده‌ی دیگری را شروع می‌کنند که شامل آموزش حرفه، مهارت‌های لازم برای ادامه‌ی یک زندگی عادی و امثال آن می‌شود. چهارمین مرحله که پیش از آزادی مجرم می‌باشد، به مشاوره اختصاص می‌یابد. کلاس‌های مشاوره برای جست و جوی کار، مصاحبه، یافتن اقامتگاه و... از جمله‌ی این برنامه‌ها محسوب می‌شوند.

در اینجا، نمونه‌هایی از محتوای برنامه‌ها در برخی ایالت‌های آمریکا به اختصار بیان می‌شود: در ایالت جورجیا، بخش مهمی از وقت بهره‌ور در برنامه‌ی درمانی سپری می‌شود که همراه با انضباط نظامی و کار بدنی سخت است. هدف از برنامه‌ی درمانی و مشاوره، کمک به بهره‌ور برای درک ارزش خود و فراهم کردن امکانات معیشتی عاری از جرم و مواد مخدر در دوران پس از آزادی است.

مهارت‌های لازم زندگی مانند چگونگی حل مشکلات، کارایی، آموزش مسائل خانواده و چگونگی ارتباط با پدرمادر و نیز مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط سالم با دیگران و کاهش فشارهای روانی، در کلاس‌های دوازده جلسه‌ای که معمولاً سه تا چهار مرحله برگزار می‌شوند، آموزش داده می‌شود.

برنامه‌های مربوط به سوء مصرف مواد مخدر در دو سطح انجام می‌شوند: سطح نخست شامل ۱۰ تا ۱۲ ساعت آموزش درمان سوء مصرف مواد است. برنامه‌ریزی در خصوص سوء مصرف مواد در سطح دوم شامل ۱۶ تا ۲۴ گروه اثرگذار بر یکدیگر بر پایه‌ی پیشگیری از بازگشت به اعتیاد است. این برنامه که به آموزش شیوه‌های بهبود هوشیارانه معروف است، شامل سه جزء است:

نخست آموزش پیشگیری از بازگشت به اعتیاد که به اشخاص درباره‌ی فرایندهای بهبودی و بازگشت به اعتیاد آموزش لازم داده می‌شود و به آنان می‌آموزد که چگونه علامتهای هشداردهنده‌ی بازگشت به اعتیاد را شناخته و به طور موفقیت‌آمیز در این باره برنامه‌ریزی کنند؛ دوم، «گروه درمانی» است که فرصتی برای احساس شخصیت و پیشگیری از بازگشت اعتیاد در اختیار فرد قرار می‌دهد؛ مرحله‌ی سوم گروه‌های پشتیبان پیشگیری از بازگشت به اعتیاد است که در دوازده مرحله اجرا می‌شود. در این مرحله، کوشش می‌شود که فرد را در خصوص بازگشت به اعتیاد و خطر آن آشنا کنند و شیوه‌ی زندگی عاری از مواد مخدر را به او بیاموزند. این اقدام طی مرحله‌ی چهار ارائه شده و جلسه‌های آن را کارمندان مشاوره برگزار می‌کنند.

در مرحله‌ی آخر و پیش از آزادی، یک سلسله خدمات برای تمرکز روی بهره‌ورانی که به طور موفقیت‌آمیز برنامه‌ها را طی کرده‌اند و به جامعه بازمی‌گردند، ارائه می‌شود. عنوانهای مورد بحث شامل مسائل خانوادگی، برنامه‌هایی برای استخدام، درمان و نیز هدفها و طرح‌های پس از آزادی می‌شود. این کلاس‌ها را معمولاً اشخاصی که عنوان مشاور مسئولان دوران پیش از آزادی را دارا می‌باشند برگزار می‌کنند.

طبق گزارش منکنتزی، نه تنها در ایالت جورجیا بلکه در سایر ایالتها نیز بیش تر برنامه‌ها نوعی از آموزش مربوط به مواد مخدر یا ترکیبی از آموزش و درمان مربوط به مواد مخدر را در خود دارند. در برخی از برنامه‌ها، ۱۵ روز به درمان اختصاص داده می‌شود؛ در حالی که در برخی دیگر، درمان مواد به طور روزانه در برنامه‌هایشان پیش‌بینی شده‌است. در ایلی توئیز مشاوران مربوط به مواد مخدر، بهره‌وران را ارزیابی کرده و سطح آموزش یا درمان لازم برای آنان را با شدت مشکلات ناشی از سوء مصرف مواد آنان منطبق می‌کنند. زندانیان بدون پیشینه سوء مصرف تنها به مدت دو هفته آموزش راجع به مواد مخدر را دریافت می‌کنند. آن دسته که به عنوان سوء مصرف‌کنندگان احتمالی مواد مخدر شناسایی می‌شوند، چهار هفته مشاوره‌ی گروهی به همراه آموزش مربوط به مواد مخدر و زندانیانی که بعنوان معتاد به مواد مخدر طبقه‌بندی می‌شوند، آموزش‌های مربوط را در ده هفته درمان دریافت می‌کنند!

برنامه‌ی ضربتی لوئیزیانا مانند بسیاری دیگر از برنامه‌های مشابه، طرح ریزی شده و دومرحله‌ای است. نخستین مرحله به مدت ۹۰ تا ۱۸۰ روز است که در محیطی کاملاً نظامی

صورت می‌گیرد. در این زمان، افراد برنامه‌های تربیتی، نظامی، ورزشی و... را اجرا می‌کنند. هدف، ایجاد نظم در زندگی بهره‌وران و تشویق آن‌ها به پذیرش مسئولیت اعمال خویش است. مرحله‌ی دوم دوره‌ی جامعی از آزادی با قول شرف است. زندانیان مشمول آزادی مشروط که از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند افزون بر رعایت شرایط عادی این نوع آزادی، باید شرایط زیر را نیز رعایت کنند: برقراری ارتباط با افسر مسؤول به طور هفتگی و به شکل پیش‌بینی شده؛ قول در منزل ماندن از ساعت ۸ شب به بعد؛ و انجام یکصد ساعت خدمات اجتماعی.

مبحث پنجم: ارزیابی

در بحث‌های پیشین یادآور شدیم که ارزیابی کار پیچیده‌ای است. در خصوص موضوع مورد بررسی در آمریکا، هر چند، اقبال عمومی به برنامه‌ی «زندان شوک‌آور» و پذیرش آن سیاست‌گذاران کیفی را به تعقیب و گسترش آن واداشته است، اما ناهمگونی بهره‌وران از برنامه، کار ارزیابی را با مشکل روبه‌رو کرده است. از این دیدگاه، حتی برنامه‌ریزی برای بازپروری با توجه به کوتاه‌مدت بودن دوران زندان شوک‌آور تا اندازه‌ای ناممکن است. برخی معتقدند که این برنامه نتایج درازمدت مثبتی ندارد و ارزش اصلاحی آن اندک است. برای بررسی جزئی‌تر عنوان بحث، شاخص‌هایی را که در این تدبیر مدنظر است مانند کاهش میزان تکرار جرم، کاهش جمعیت زندانی و هزینه‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا دریابیم که میزان دستیابی برنامه‌ها به هدفهای از پیش طرح ریزی شده، چه اندازه بوده است.

گفتار نخست: تکرار جرم

در خصوص تکرار جرم بهره‌وران گزارش‌های اندکی در دسترس است. جدید بودن این تدبیر نیز مانع از آن می‌شود که بتوان در این باره قضاوت تام و کاملی کرد. افزون بر اینکه تکرار جرم تابع مفاهیم و ملاک‌های سنجش گوناگونی است.

مطالعه‌ای در زندان لوئیزیانا که در آن برنامه‌ی پادگان آموزشی بنام impact به اجرا گذاشته شده به عمل آمده است. بهره‌وران این برنامه در زندانی وسیع و جدا از سایر زندانیان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. impact برنامه‌ی دو مرحله‌ای است؛ مرحله‌ی نخست حبس در پادگان آموزشی - اصلاحی توأم با کار شدید، مشق نظامی و تربیت بدنی و مرحله‌ی بعدی نظارت گسترده در جامعه.

تحقیقی که نسبت به بهره‌وران یک دوره در این زندان به عمل آمده به طور مشخص در مقام پاسخگویی به دو پرسش بوده است.

نخست، میزان موفقیت بهره‌وران درگیر مواد مخدر در این برنامه‌ی ضربتی تا چه اندازه است؟ دوم، میزان موفقیت بهره‌وران یک دوره در مقایسه با سایر بهره‌وران تعلیق مراقبتی یا آزادی مشروط چگونه است؟

مدارک مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودند از: آزمایش‌های مربوط به اعتیاد با جواب مثبت، دستگیری فرد در رابطه با مواد مخدر، هر نوع دستگیری و زندانی شدن دوباره و نقض شرایط آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی.

تحقیق مزبور وضعیت بهره‌وران را در طول دوره‌ی نظارت اجتماعی بررسی کرده و آن را با وضعیت مجرمانی که با قول شرف یا تعلیق مراقبتی آزاد شده بودند و زندان شوک‌آور را تجربه نکرده‌اند، مقایسه کرد.

یافته‌های تحقیق به این شرح است. دستگیری و نقض شرایط و مقررات فنی در این برنامه بیش‌تر از دو برنامه‌ی دیگر بوده است. همچنین میزان دستگیری به علت ارتکاب جرم و سپس محکومیت‌های جدید نیز بالاتر بوده است. سرانجام تفاوت چشمگیر میان کسانی که برنامه را تمام کرده و آن‌هایی که نیمه‌کاره رها کرده بودند حکایت از شکست ظاهری برنامه داشته است. با اینهمه، تفسیر این نتایج تا اندازه‌ای مشکل است. زیرا کسانی که برنامه را به پایان رسانیده بودند تحت نظارت گسترده افسران تعلیق مراقبتی از زندانها آزاد شده بودند و حال آنکه گروه‌های کنترل یعنی کسانی که برنامه را نیمه تمام رها کرده بودند تحت هیچ نوع نظارتی نبودند به قسمی که می‌توان گفت همین نظارت سخت افسران سرپیچی بیشتر از مقررات و کشف آنرا در پر داشته است.

مطابق گفته‌های آقای مکنزی، میزان تکرار جرم در این برنامه تقریباً به اندازه‌ی گروه‌هایی از مجرمان است که مدت طولانی‌تری را در یک زندان عادی گذرانده یا بهره‌ور تعلیق مراقبتی بوده‌اند. ایشان ادامه می‌دهد که ورود بهره‌وران این برنامه به جامعه ممکن است مشکلات و خیمی به وجود آورد؛ به گونه‌ای که، تغییرات مثبت به دست آمده طی زندان حفظ‌شدنی نباشد. جای دادن افراد در یک محیط سخت‌گیرانه‌ی نظامی به مدت چند ماه و آنگاه وانهادن آن‌ها در اجتماع پیشین، که اغلب نقطه‌ی مقابل جامعه‌ی نظامی است، می‌تواند مشکلات تطبیقی حل‌نشده‌ای را به وجود آورد. بنابراین، بسیاری از مدافعان زندان شوک‌آور بر مراقبت بعدی و

گسترده پافشاری می‌کنند.

به تازگی نیز مکتزی و همکارانش مطالعه‌ای انجام داده‌اند که در آن میزان تکرار جرم در هشت پادگان آموزشی-اصلاحی ایالتی بررسی شده است. نتیجه‌ی آن این است که روش نظامی حاکم بر زندان شوک‌آور به تنهایی عامل کاهش‌دهنده‌ی تکرار جرم محسوب نمی‌شود. مارک اوسلن^۱ نیز در گزارش مربوط به تکرار جرم، نتیجه‌گیری‌های بدبینانه‌ای را ارائه می‌کند: آمارهای اخیر درباره‌ی تکرار جرم موفقیت‌آمیز نیستند و ما را به پرسش‌های جدی‌ای در خصوص اصل ایده‌ی وجود این برنامه رهنمون می‌شوند. قدیمی‌ترین برنامه در کشور - در اکلاهام- نشان می‌دهد که پس از ۲۹ ماه، تقریباً نیمی از بهره‌وران این برنامه به زندان بازگردانده شده‌اند. در مقابل، تنها ۲۸ درصد زندانیان عادی دوباره به زندان برگشتند.

اوسلن در مطالعه دیگری که در این خصوص انجام داده، به این نتیجه رسید که پادگان آموزشی-اصلاحی جورجیا - که به نوبه‌ی خود یکی از تحسین‌برانگیزترین برنامه‌ها محسوب می‌شود- همان نتایج مشابه نامیدکننده را در بر داشته است. پس از سه سال تحقیق پیگیر و بی‌وقفه، وی مشاهده کرد که تفاوت اندکی میان میزان تکرار جرم بهره‌وران پادگان آموزشی-اصلاحی و آن‌هایی که به زندان عادی رفته بودند، وجود دارد.

در مقابل، برنوز^۲ و ویتو^۳ هنگام بررسی برنامه‌ی آلاباما در مجموع به نتایج امیدوارکننده‌تری دست یافتند. شاید دلیل این امر تفاوت برنامه‌ی آلاباما با برنامه‌های پیشین باشد. این برنامه‌ها سه مرحله‌ای است و هر مرحله‌ی ۳۰ روزه طول می‌انجامد.

مرحله‌ی نخست، مرحله‌ی رویارویی^۴ نامیده می‌شود که طی آن، بهره‌وران از رهگذر سرپرستان نظامی خویش و دیگر کارکنان با واقعیت جرم‌های ارتكابی آشنا شده و مسؤلیت شخصی بهره‌وران به آنان تفهیم می‌شود.

مرحله‌ی دوم برنامه‌ی دوازده مرحله‌ای است که برای الکی‌ها و معتادان طرح‌ریزی شده است. برنامه‌ی سی روزه‌ی سوم، دوره‌ی پیش از آزادی است که طی آن، بهره‌ور با مشکلاتی که پس از خروج از پادگان در جامعه با آن‌ها مواجه خواهد شد، آشنا می‌شود.

پس از یک‌سال کار تحقیقی، نتایج مربوط به تکرار جرم نشان دادند که برنامه در ایجاد نتایج

1. Mark Oslen
3. Vito

2. Burns
4. confrontation

چشمگیرتری، در مقایسه با دیگر برنامه‌ها، چندان موفق نبوده است. ولی، می‌تواند مقرون به صرفه بوده و از جمعیت زندانیان بکاهد. بدین ترتیب، محققان استدلال کردند که به این دلایل این، برنامه می‌تواند ادامه یابد.

آمارهای دیگری نیز نشان‌دهنده پراکندگی نتایج در این باره است. یکی از پادگان‌ها میزان عدم موفقیت در تکرار جرم را ۹۰٪ و دیگری ۲۶/۰۹ درصد اعلام کرده است. این در حالی است که در پادگان دیگر میزان خارق‌العاده‌ی کاهش تکرار جرم زیر ۵ درصدی را گزارش کرده‌اند.^۱

با توجه به تمام مسائل گفته شده، نظر محققین آمریکایی بر این است که شاید هنوز زود باشد که این برنامه را از منظر شاخص «تکرار جرم» ارزیابی کرد و به آن نمره‌ی قبولی یا رد داد.

گفتار دوم: کاهش جمعیت زندان

یکی از هدف‌های اساسی زندان شوک‌آور ارائه‌ی یک جایگزین مناسب برای زندان است تا به اندازه‌ی بسیاری از جمعیت زندان کاسته شود. رسیدن به این هدف در صورتی امکان‌پذیر است که مجرمان - به جای گسیل شدن به زندان عادی- به این برنامه فرستاده شوند و برنامه‌های مربوط را با موفقیت پایان برسانند و پس از آن نیز به زندان نیفتند.

طبق مطالعات انجام شده، تنها پادگان‌های آموزشی-اصلاحی که به دقت طرح‌ریزی شده و مجرمان واقعی و مناسب برنامه را هدف قرار دهند و در رسیدن به هدف‌های خود - بویژه بازپروری- توفیقی داشته باشند، احتمالاً به صرفه‌جویی در هزینه و کاهش میزان تکرار جرم موفق می‌شوند.

برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که شمار بهره‌ورانی که نتوانستند برنامه را به پایان برسانند و سرانجام به زندان بازگشته‌اند، رقمی ۲۵ درصدی است، که چندان زیاد از اندازه نیست. این بدین معناست که شکست‌های برنامه در انفجار جمعیتی که زندان با آن در آمریکا مواجه است نقشی نداشته است.

با اینهمه، آمار منتشره در زمینه پادگان‌های آموزشی-اصلاحی در سال ۱۹۸۹، موجب برانگیختن شک و شبهه درباره‌ی درستی نتیجه‌گیری‌های برنوز و ویتو شد که بالاتر به آن اشاره شد. مطابق این آمار، بازگشت به زندان حدود نیمی از بهره‌ورانی که برنامه‌ها را به اتمام رسانیده

1. Ibid; p. 7.

بودند، وضعیت بهتری از میزان متوسط بازگشت به زندان، در سطح ملی را، ارائه نمی‌کرد. در مقابل آمار مربوط به زندان شوک‌آور فلوریدا نشان داد که شمار بسیار اندکی از بهره‌وران پادگان‌های آموزشی-اصلاحی در فلوریدا پس از اتمام دوره به تعلیق مراقبتی فرستاده شدند، و شمار اندکی از بهره‌وران، کنترل‌های اجتماعی را نقض کردند.

ارزیابی تأثیر برنامه‌ی نیویورک بر جمعیت زندان‌ها نتیجه‌ی بهتری را نشان می‌دهد. علت آن داشتن شیوه‌های درمانی مؤثر و دوره نسبتاً طولانی برنامه‌ی پادگان آموزشی-اصلاحی بوده است. پیش‌تر دیدیم که بخش گسترده‌ی برنامه‌ی نیویورک شامل مشق نظامی، تربیت جسمانی و کارهای سخت است. حداقل هفته‌ای ۱۲ ساعت کلاس‌های مشاوره‌ی ترک اعتیاد و مشاوره‌ی تحصیلی وجود دارد که حدود ۴۱٪ از برنامه‌ی درمانی را تشکیل می‌دهند.

در سپتامبر سال ۱۹۹۳، شمار ۸۸۴۲ نفر از این برنامه به طور موفق خارج شدند؛ در حالی که ۵۳۳۱ نفر از آن‌ها نتوانستند برنامه را به اتمام برسانند و به ناچار به زندان بازگشتند.

بر مبنای تحقیقات تکمیلی بعدی، در فواصل ۱۲، ۲۴ و ۳۶ ماه پس از اتمام برنامه، بهره‌ورانی که موفق از برنامه خارج شدند، میزان بازگشت به زندان‌شان در مقایسه با آزادشدگان مشروط و دیگر بهره‌وران زندان شوک‌آور که موفق نشده و پیشرفتی در کار خود نداشتند، در مجموع پایین بود.

در هر حال، به علت آن‌که یک روش تحقیق و ارزیابی دقیقی برای تعیین میزان موفقیت برنامه در رسیدن به هدف ویژه‌ی خود وجود ندارد، و از سوی دیگر نمی‌توان تأثیرهای فضای نظامی، جنبه‌های بازپروری برنامه و نظارت گسترده را از هم جدا و مشخص کرد. در حالی که هر یک از این اجزای می‌توانند بر میزان بازگشت به زندان اثرگذار باشند- نتیجه‌ی ارزیابی از حیث تأثیر برنامه بر زندان‌ها، دست‌کم در حال حاضر، نمی‌تواند نشانگر شکست برنامه از این جهت باشد؛ بویژه آن‌که نتایج امیدوارکننده نیز اندک نبوده است.

گفتار سوم: هزینه

بر خلاف دو مورد پیشین، در بادی امر انتظار بر این است که برآورد هزینه‌ی زندان شوک‌آور بدون مشکل صورت گیرد، ولی چنین نیست. هر چند آشکار است که امکان محاسبه‌ی هزینه‌ی روزانه، ماهانه و سالانه‌ی هر زندانی در این برنامه‌ها وجود دارد و نیز می‌دانیم که هزینه‌های

مزبور برای برنامه‌های ضربتی گوناگون‌تر و گسترده‌تر بیش‌تر خواهد بود. ارائه‌ی دبسیلیز نظامی، تربیت بدنی و کارهای سخت به تنهایی بسیار ارزان‌تر از مشاوره‌ی ترک اعتیاد، مشاوره‌ی تحصیلی و غیره تمام می‌شود. با این وصف، ناچاریم هزینه‌ی زندان شوک‌آور را با دیگر انواع تدابیر اصلاحی-تربیتی مقایسه کنیم.

این مقایسه نمی‌تواند تنها بر مبنای هزینه‌ی هر بهره‌ور زندان شوک‌آور در مقابل هزینه‌ی زندانی عادی انجام گیرد، بلکه باید هزینه‌های دیگر مانند مدت زندان و هزینه‌ی مراقبت‌های بعدی را نیز در نظر بگیریم. می‌دانیم که مراقبت‌های بعدی عموماً برای بهره‌وران پادگان آموزشی-اصلاحی گسترده‌تر اند تا برای بهره‌وران آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی. افزون بر آن، اگر می‌خواهیم به مقایسه‌ی درست دست یابیم، بهتر است که میزان مرد و زن این برنامه را نیز از نظر دور نگاه نداریم.

مسأله‌ی گسترش شبکه^۱ نیز هزینه‌ی مجرماتی را که نباید در پادگان آموزشی-اصلاحی باشند، می‌تواند افزایش دهد. زیرا، همان‌گونه که در نردبان سلسله مراتب مجازات‌ها می‌توان مشاهده کرد این برنامه در ردیف سوم کیفرهای موجود در حقوق کیفری آمریکا قرار دارد. اکنون، اگر دادگاه یا سایر نهادهای تصمیم‌گیرنده، به جای حبس در منزل، این نوع کیفر را بر مجرم تحمیل کنند، به طور طبیعی هزینه‌ها افزایش خواهد یافت.

مطابق اغلب گزارش‌های ارائه شده در خصوص بررسی سود و هزینه‌ی زندان شوک‌آور، این برنامه می‌تواند منافع بسیاری نسبت به زندان عادی در برداشته باشد. در ارزیابی انجام شده درباره‌ی برنامه‌ی ضربتی نیویورک که در گفتار پیش به آن اشاره کردیم، چنین نتیجه‌گیری شد که ۳۰۵ میلیون دلار در هزینه‌های زندان، مراقبت و ساختمان‌سازی صرفه‌جویی شده است. به نظر برخی محققین چنین صرفه‌جویی‌هایی آن‌چنان هم که چشمگیر می‌نمایند، نیستند. زیرا، که باید هزینه‌ی برنامه‌ی مراقبت‌های بعدی را هم که بسیار گسترده است، در نظر داشته باشیم و این نکته‌ای است که اداره‌ی خدمات اصلاح و تربیت توجه به آن را لازم می‌داند.

مجریان برنامه‌ی آلاباما نیز گزارشی مبنی بر صرفه‌جویی کلان در پادگان آموزشی-اصلاحی نسبت به زندان عادی ارائه کرده‌اند. دلیل اصلی این صرفه‌جویی‌ها این بوده که در این برنامه مدت حبس و نگهداری به شکل زندان بسیار کوتاه بوده است.

Death penalty
حبس
Prison
پادگان آموزشی - اصلاحی
Boot camp
احکام دو بخشی ^۱
Split sentences
مرکز سکونتگاهی محلی ^۱
Residential community center
نظارت الکترونیکی
Electronic monitoring
حبس در منزل
House arrest
تعلیق مراقبتی فشرده
Intensive probation
جبران خسارت
Restitution
تعلیق مراقبتی
Probation
مصادره
Forfeiture
جزای نقدی
Fines

(نردبان مجازات‌ها در امریکا)

۱. یکی از جایگزین‌های بینابینی مجازات است که دادگاه در هنگام صدور حکم مقرر می‌دارد. مجرم ابتدا برای مدتی در زندان بماند و آنگاه از آزادی برخوردار شود. در برخی از ایالات آمریکا و نیز قانون جزای فدرال، اجرای حبس می‌تواند عملاً بعنوان شرط تعلیق مراقبتی تلقی شود که از آن به حکم دو بخشی یاد می‌شود.
۲. به مراکز گفته می‌شود که جزء زندان و بازداشتگاه محسوب نمی‌شوند و محکومان به سکونت در این مراکز به طرز منظم در آنجا امکان کار، اشتغال به تحصیل و مشارکت در فعالیت‌های اصلاحی - تربیتی محلی را دارند.

بازخوانی دلیل سجرست^۱ از چندین تحقیق در مورد برنامه‌های زندان شوک‌آور به این نتیجه منجر شد که آمار مؤسسه ملی دادگستری از این نکته که راه‌اندازی برنامه‌های زندان شوک‌آور هزینه کم‌تری دارد، پشتیبانی نکند. زیرا، هزینه‌ها تقریباً یکسان است. دلیل وی این است که برخی از برنامه‌های ضربتی، برنامه‌هایی چون مشاوره‌های درمانی و تحصیلی بعدی دارند که بسیار گران تمام می‌شوند؛ در حالی که در زندان عادی چنین کارهایی صورت نمی‌گیرد. افزون بر آن، برخی از مجرمان که برای برنامه‌گزینهش می‌شوند، به سادگی می‌توانند در اختیار برنامه‌ی تعلیق مراقبتی قرار گیرند.

در مقابل، یک بازیابی مهم دیگری از ادبیات و نوشته‌های مربوط به این روش به عمل آمده است که برعکس اعلام می‌کند که زندان شوک‌آور می‌تواند در صرفه‌جویی نقش مؤثری داشته باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که هر چند هزینه عملیاتی و کارکرد برنامه در مجموع بالاتر از هزینه عملکرد زندان عادی است. ولی، با توجه به طول مدت حبس که در پادگانها عموماً بسیار کوتاه است، هزینه‌های کم‌تری صرف می‌شود.

هم‌چنین، بنا بر سنجش مکتزی، به عنوان یک یافته‌ی کلی، چنین نتیجه‌گیری شد که این مجازات نسبت به زندان عادی کم‌هزینه‌تر است. ولی، در مطالعه باید دقت شود که تمامی هزینه‌های صرف شده در این برنامه در نظر گرفته شوند و نه فقط هزینه‌ی روزانه.

متغیر دیگر که می‌تواند در هزینه‌ها مؤثر باشد، مسأله‌ی بازداشت موقت مجرمانی است که «داوطلب» شرکت در برنامه اند. آستین در یک آمارگیری ملی از زندان‌های شوک‌آور به این نتیجه رسید که در این موارد هزینه‌های برنامه از زندان معمولی بیش‌تر خواهد بود. زیرا، مجرم تا تعیین تکلیف خود از سوی دادگاه، از برنامه‌های پادگان آموزشی - اصلاحی استفاده می‌کند که این امر موجب تحمیل هزینه‌های بیش‌تر خواهد شد.

اخیراً در یک بررسی که توسط هان^۲، هیل^۳ و بورک^۴ انجام شده، چنین اظهار شده است که در مجموع این برنامه‌ها از پرجمعیتی و صرف هزینه‌ی اضافی در زندان‌های عادی جلوگیری می‌کنند. زیرا، مجرمان وقت کم‌تری را در آن می‌گذرانند و نسبت به زندان عادی، مدت کوتاه‌تری در آن می‌مانند.

1. Dale Sechrest
3. Hill

2. Han
4. Bourke

گفتار چهارم: تغییرات در رفتار و دیدگاه‌های بهره‌وران

بسیاری از ارزیابی‌های انجام شده درباره‌ی زندان شوک‌آور بر این امر دلالت دارند که تغییرات مؤثری در رفتار و دیدگاه‌های بهره‌وران در قبال جامعه و مسؤلان آن به وجود نیامده است. برخی از تحقیقات سعی دارند تا به آنچه که می‌توانیم ارزش‌بازپروری زندان شوک‌آور بنامیم، به برخی از بُعدهای رفتاری مربوط به تکرار جرم برسند؛ توضیح این که، تغییر رفتار و دیدگاه فرد یک عامل غیرمستقیم جلوگیری از تکرار جرم است؛ یعنی، چنانچه برنامه‌ای تغییرات مثبت در دیدگاه‌های فرد ایجاد کند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به همان ترتیب روی تکرار جرم نیز تأثیر خواهد گذارد. در طول مطالعات Harrio County که در سال ۱۹۹۳ در تکراس درباره‌ی برنامه‌ی پادگان آموزشی-اصلاحی انجام گرفت، ماموران ویژه‌ای روی تغییرات دیدگاهی ۳۸۹ نفر نظارت کردند. برنامه کلی، شامل برنامه‌های تربیت بدنی و ورزش، خدمات حرفه‌ای و مشاوره‌ی گسترش تجربه‌های اجتماعی بود. بهره‌وران پس از رهایی، طی برنامه‌ای ۹۰ روزه، تحت کنترل افسران تعلیق مراقبتی قرار می‌گرفتند و در فاصله‌ی ۳ ماه، تماس‌های نظارتی از روزانه به هفتگی کاهش می‌یافت.

در تحقیق مزبور، از مشمولان برنامه در خصوص دیدگاه‌های مختلف آنان پرسش‌هایی به عمل آمد. برای نمونه درباره‌ی کارکنان پادگان، مشاوره‌ی ترک اعتیاد و الکل، ایدز، خود پادگان به عنوان مکانی برای مجازات و بازپروری خانواده و دوستان و بالاخره، درباره‌ی توانایی‌هایشان در رویارویی با مشکلات پرسش‌هایی مطرح شد. محققان به این نتیجه رسیدند که این برنامه موجب تغییرات مثبتی در دیدگاه‌های بهره‌وران شده است و این تغییر می‌تواند به طور بالقوه احتمال خلافکاری آینده‌ی ایشان را کاهش دهد. این در حالی است که، موراش^۱ و روچر^۲ درباره‌ی اثر مثبت یاد شده با شک و تردید برخورد کرده‌اند.

جان شو^۳ و دوریس مک‌کنلی^۴ درباره‌ی زندان شوک‌آور بر این نکته تأکید داشته‌اند که مدرکی دالّی بر مناسب بودن برنامه به عنوان روش درمانی کامل وجود ندارد. زیرا، غیر واقع‌بینانه است که انتظار داشته باشیم در زمانی کوتاه، تأثیرهایی درازمدت، بسیار و مثبت در رفتار بهره‌وران در برنامه مشاهده شود.

شاو و مک‌کنلی در پی بررسی‌شان از نتایج برنامه‌ی لوتیزانا اظهار داشتند که هر چند در سیاست‌گذاران آمریکایی این تمایل وجود داشته باشد که به این روش به چشم یک درمان که بتواند مجرمان مواد مخدر را وادار به رعایت دیسیپلین و نظم کند نگاه کنند اما، این گزارش از چنین تمایلی و مفهومی پشتیبانی نمی‌کند.

به تازگی گزارشی منتشر شده که نشان می‌دهد برنامه‌هایی که صرفاً نظامی بوده و تنها با دیسیپلین نظامی می‌خواهند مجرمان را درمان کنند، چندان امیدوارکننده نیستند.

نتیجه

هر چند این روش جدید که در آمریکا به عنوان یکی از جایگزین‌های زندان استفاده می‌شود و از حیث رتبه، در مرتبه‌ی سوم پس از مجازات اعدام و زندان قرار می‌گیرد، طرفداران بسیاری دارد، ولی هنوز مرحله‌های تجربی خود را پشت سر می‌گذارد.

ارزیابی‌های انجام شده با لحاظ شاخص‌های مختلفی که به عنوان هدف از آن‌ها یاد شده بود، نشان‌دهنده‌ی نتایجی متفاوت در ایالت‌های مختلف آمریکاست. برخی از این ارزیابی‌ها در مجموع این روش را مناسب، ارزان و سودمند می‌دانند. در مقابل، بخشی دیگر از ناکامی آن سخن گفته‌اند.

به نظر می‌رسد که با عنایت به تأکید زیاد بر جنبه‌ی تربیت جسمانی و اصلاح رفتاری از رهگذر مشی نظامی و دیسیپلین ویژه، اعمال آن با مطالعه‌ی امکانات موجود در ایران، برای برخی مجرمان مواد مخدر یعنی تنها مصرف‌کنندگان آن و با تأکید بر جنبه‌ی درمانی آن بتواند سودمند باشد.

1. Morach
3. Jamen Show

2. Rucher
4. Doris Mac Kenlie